ولادت با سعادت حضرت امام هادی (ع) را تبریک می گوییم

همشهری

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ • ۱۴ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • سال سی‌ام • شماره ۸۵۴۳ • ۲۴صفحه • ۸صفحه راهنما ویژه تهران • ۵۰۰۰تومان

HAMSHAHRI • ISSN 1735-6386 • Vol.30 • No.8543 • THU • JUL.14 • 2022

صفحه ۱۷

آغاز ساخت طولانی‌ترین خط مترو

خط ۱۰ از ایستگاه وردآورد آغاز شده و به شمال محله تهرانپارس ختم می‌شود

شهردار: اولویت قطعی ما تکمیل ۷خط فعلی است اما خط ۱۰ شرایط ممتازی دارد

صفحه ۳

صنایع ایران چقدر رشد تولید داشته اند؟

۲/۶ درصد تولیدات صنعتی ایران در خردادماه امسال رشد کرده است

- ۱۸ درصد رشد — صنعت خودروسازی
- ۱۶/۵ درصد رشد — صنعت ماشین‌آلات
- ۶/۴ درصد رشد — صنعت منسوجات
- ۵/۸ درصد رشد — صنعت لاستیک
- ۴/۳ درصد رشد — صنعت فلزات
- ۲/۵ درصد رشد — صنعت داروسازی
- ۱/۹ درصد رشد — صنایع شیمیایی

صفحه ۴

استقبال از واکسن یادآور

بیش از ۴۰ میلیون دوز انواع واکسن در کشور وجود دارد

عکس: همشهری / منا عادل

۲۱

مراحل اداری برای قبول فرزند از بهزیستی سرعت می گیرد

فرزندخواندگی آسان می‌شود

صفحه ۲۱

سید ابراهیم رئیسی: تکلیف را قانون مشخص کرده است

اقدام سلیقه‌ای درباره حجاب ممنوع

صفحه ۲

پیام رهبر معظم انقلاب به اختتامیه جشنواره سرود فجر

موضوعات اسلامی، انقلابی و ملی در سرودها انتخاب شود

در اولین جشنواره بین‌المللی سرود فجر بیش از ۲۵۰۰ گروه سرود با حضور ۲۵هزار نفر شرکت کردند

صفحه ۵

ضرب شست سایبری به اسرائیل

طی هفته‌های اخیر زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی هدف حملات جدی سایبری قرار گرفته‌اند

صفحه ۲۲

مرد سیندرلایی سارق خانه مجیدی

لنگه کفشی که سارق دستپاچه، در خانه فرهاد مجیدی جا گذاشته بود اسرار این سرقت عجیب را فاش کرد

صفحه ۶

اعتراف بولتون به کودتاهای خارجی

مقام سابق آمریکایی در مصاحبه با سی‌ان‌ان به نقش واشنگتن در کودتا در کشورهای دیگر اعتراف کرد

صفحه ۷

حمایت شهرداری از سرخابی‌ها

صفحه ۳

داده‌نما

گرافیک: مهدی سلامی

هزینه ساخت و متوسط نرخ بلیت مترو در تهران و جهان چقدر است؟

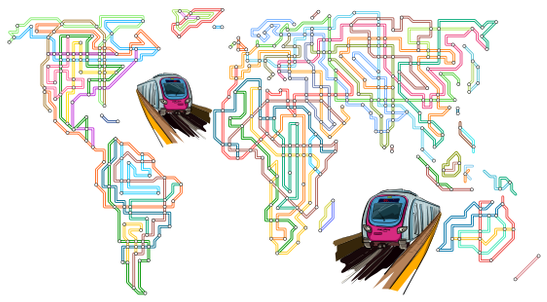

براساس گفته معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران، متروی تهران در رتبه بیستم از نظر طول شبکه و ایستگاه در بین ۲۵۰ شهر دنیا قرار دارد.

منابع مالی مترو

۶۰۰۰ میلیارد تومان برای مترو در سال جاری

- **۱۵۰۰ میلیارد تومان** از محل اوراق
- **۲۵۰۰ میلیارد تومان** از منابع شهرداری
- **۲۰۰۰ میلیارد تومان** از مجتمع‌های ایستگاهی

رتبه متروی تهران در جهان

رتبه بیستم از لحاظ طول شبکه و ایستگاه در بین ۲۵۰ شهر دنیا

مقایسه متوسط نرخ بلیت مترو در تهران و جهان

- **۱/۱۶ دلار** در جهان
- **۰/۰۸ دلار** در تهران
- **۲ دلار** در شهرهای توسعه یافته
- **۰/۵۵ دلار** در شهرهای در حال توسعه

هزینه ساخت مترو در جهان

۹۰ تا ۹۶ میلیون دلار در دنیا

یادداشت

حنیف غفاری؛ کارشناس مسائل بین‌الملل

بزم بازندگان

رئیس‌جمهور آمریکا راهی تل‌آویو و ریاض شد تا درباره دغدغه‌های بی‌شمار حوزه امنیت و سیاست خارجی واشنگتن با متحدان سنتی کاخ‌سفید رایزنی کند. فارغ از بزرگ‌نمایی‌های تبلیغاتی و ژست ظاهری رئیس‌جمهور آمریکا در قبال این سفر و القای هم‌جوشی و هم‌افزایی مثلث «واشنگتن-تل‌آویو-ریاض»، نمی‌توان از حقایق فرامتنی و پشت‌پرده جاری در معادلات منطقه و جهان به‌سادگی گذشت. در این خصوص نکات اساسی و مهمی وجود دارد که لازم است مدنظر قرار گیرد:

نخست اینکه؛ مثلث مذکور (واشنگتن-تل‌آویو-ریاض) مدت‌هاست ماهیت خود را از یک «مثلث راهبردی» تغییر داده و تبدیل به «مثلث سنتی» شده است. قبلا اضلاع این مثلث خود را (به‌اشتباه) بازیگرانی قوی و تعیین‌کننده در منطقه غرب‌آسیا و نظام بین‌الملل می‌پنداشتند و چینش پازل‌های راهبردی در منطقه را معلول اراده و خواست خود می‌دانستند. اکنون در سال ۲۰۲۲ قرار داریم. محمد بن‌سلمان به سبب شکست در جنگ یمن و بحران در میان شاهزادگان و نسل‌سوخته عبدالعزیز، تبدیل به سیاستمداری ناآرام و نگران نسبت به آینده شده‌است. در اراضی اشغالی، یائیر لاپید به‌عنوان نخست‌وزیری موقت با بایدن دیدار می‌کند و احزاب دست راستی و لیبرال در اراضی اشغالی نیز اذعان دارند که بحران‌های سیاسی جاری در تل‌آویو پس از برگزاری انتخابات پیش‌رو نیز تشدید خواهد شد. بایدن نیز با محبوبیتی ۳۰درصدی و احساس خطر از شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال راهی اراضی اشغالی شده‌است. فراتر از آن، اوضاع میدانی جاری در نبرد اوکراین به‌هیچ‌عنوان به سود واشنگتن و متحدان آتلانتیکی آن پیش نمی‌رود. طی هفته‌های گذشته، برخی سران اروپایی پیام‌های صریحی را به محمد بن‌سلمان درخصوص لزوم ورود گسترده و هدفمند عربستان سعودی به معاملات نفتی و انرژی جهان (با هدف مهار روسیه) منتقل کردند، اما درنهایت اذعان داشتند ریاض و ابوظبی حتی اگر بخواهند نیز قدرت و توانایی بازگرداندن صحنه زورآزمایی به سود ناتو (در حوزه انرژی) را ندارند.

نکته دوم، مربوط به نسبت این بازیگران و جمهوری اسلامی ایران است. در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، مثلث واشنگتن، تل‌آویو و ریاض با همه قوا و متکی بر استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مشترکی که ازسوی کاخ‌سفید دیکته می‌شد، به تقابل مطلق و محض با ایران پرداختند. ریاض و تل‌آویو هردو به اضلاع راهبرد فشار حداکثری علیه کشورمان تبدیل شدند تا به خیال خام خود، سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران را نظاره‌گر باشند. اکنون نه از ترامپ خبری است و نه از نتانیاهو! جنگ هیبریدی (ترکیبی) غرب و رژیم اشغالگر قدس علیه ایران به‌گونه‌ای ماهرانه و در قالب استراتژی «مقاومت فعال» توسط کشورمان مهار شده‌است. «محور مقاومت» نیز در سایه هم‌افزایی اجزا و متعلقات گفتمانی و میدانی این مکتب، به یک «شبکه» تبدیل شده‌است. شبکه مقاومت نفس صهیونیست‌ها و سعودی‌ها را در منطقه بریده و واشنگتن را نیز در داده‌پردازی و راهبردگزینی جدید در منطقه سرگردان کرده‌است.

نکته سوم به تصویرسازی کاذب بایدن، لاپید و بن‌سلمان از سفر اخیر بازمی‌گردد. هریک از این سه بازیگر، تمرکز ویژه‌ای روی «ارسال تصاویر کاذب» از ملاقات‌های خود کرده و از این طریق تلاش می‌کنند در قاب رسانه و فضای مجازی خود را به بازیگرانی مسلط در منطقه و جهان تبدیل کنند. با این حال بایدن و متحدان شکست‌خورده آمریکا در منطقه باید این حقیقت را بدانند که امروز «تصاویر مجازی» تاریخ‌مصرف بسیار محدودی نزد افکارعمومی جهان خواهند داشت. قطعا رئیس‌جمهور آمریکا نه‌تنها قدرت بازتعریف مثلث منهدم شده «واشنگتن-تل‌آویو-ریاض» را ندارد، بلکه احتمالا در مذاکرات غیررسمی و پشت‌پرده خود با لاپید و بن‌سلمان بیش‌از پیش در قبال ضعف و ناتوانی جبهه دشمنان مقاومت در منطقه آگاه خواهد شد. درنهایت اینکه بزم بازندگان و شکست‌خوردگان منطقه، قطعا نمی‌تواند با شانتاژهای رسانه‌ای تبدیل به یک «قدرت‌نمایی» شود. این قاعده‌ای است که بایدن، لاپید و بن‌سلمان، چه بخواهند یا نخواهند، باید خود را برای اعلام نقطه نهایی شکست دربرابر شبکه مقاومت و ایران قدرتمند آماده کنند. این سرنوشت محتومی است که امثال زبگنیو برژینسکی و برخی استراتژیست‌های سیاست‌خارجی آمریکا نیز قبل از مرگ خود، نسبت به وقوع آن تأکید کرده بودند.

ویژه‌های امروز

گفت‌وگو با فریبا نادری، بازیگر به بهانه بازپخش «ستایش»

نقش‌های منفی را بسیار دوست دارم

این روزها که سریال «ستایش ۳» از تلویزیون بازپخش می‌شود و دوباره شاهد هنرنمایی فریبا نادری در نقش «پری‌سیما» به‌عنوان نقش منفی و ضدقهرمان داستان هستیم، بیش از پیش به این نکته و واقعیت پی می‌بریم که کاراکتر منفی هم اگر به خوبی ایفای نقش کند و می‌تواند به‌اندازه نقش اول و اصلی داستان مورد توجه قرار بگیرد و ماندگار شود. فریبا نادری در به نمایش درآوردن نقش شخصیت بدجنس داستان آنچنان موفق بود که کلی از مردم بد و بیراه شنید...

۹

گفت‌وگو با محمداسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده

نویسنده شهرستانی جدی گرفته نمی‌شود

محمداسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده پرکاری است و میان آثارش هم داستان کوتاه پیدا می‌شود و هم رمان بلند. اما او جز پرکار بودن، کارنامه پرجایزه‌ای هم دارد. از سال ۱۳۸۵ که نخستین جایزه ادبی را در جشنواره فلک‌الافلاک خرم‌آباد گرفت تا امروز حدود ۱۰۰جایزه ادبی از جشنواره‌های مختلف گرفته و حالا خبر رسیده که مجموعه داستان کوتاه او با عنوان «ساعت دنگی»، به‌عنوان کتاب سال هم برگزیده شده است...

۱۳

غلامحسین پیروانی، مربی شاعرپیشه ایرانی

شیراز ما شعر داشت و فوتبال

نزدیک به یک دهه از دوری یکی از خوشنام‌ترین مربیان شیرازی از لیگ برتر گذشته و فوتبال شیراز در این بازه زمانی نسبتا طولانی دوران افول و نزول را طی کرده است. غلامحسین پیروانی، مربی شاعرمسلکی که خیلی‌ها او را با تک‌بیتی‌های گاه و بی‌گاه حین گفت‌وگو با خبرنگاران می‌شناسند، بیکاری و انزوا را به حضور در بطن فوتبال کم‌مایه و پرهیاهوی ایران در یک دهه اخیر ترجیح داده و همچنان راه خودش را می‌رود...

۱۵

رضا اسدی رفتنی شد

ریاضی‌دان شکست‌خورده

رضا اسدی که سال گذشته در همین روزها پرسروصداترین خرید سرخپوشان بود، حالا از پرسپولیس جدا شده و با انتشار یک پست در اینستاگرام از هواداران این تیم خداحافظی کرده است. اسدی که هرگز نتوانست جایی در قلب این هواداران پیدا کند، نوشته: ریاضیات می‌گوید که زدن ۴گل و دادن ۳ پاس در یک فصل برای یک هافبک دفاعی، بازیکن را تبدیل به ستاره می‌کند...

۱۸

ONLINE همشهری

متن کامل را با اسکن کیوآرکد، در همشهری آنلاین بخوانید

شهری

شناسایی ۴۷ گلوگاه سیل در پایتخت

شناسایی ۴۷ گلوگاه سیلاب در تهران، نیاز پایتخت به ۱۶۴ کیلومتر شبکه اصلی مدیریت آب‌های سطحی، تمرکز و اولویت ایجاد و ساخت شبکه کنترل و هدایت سیلاب در غرب تهران و همچنین اصلاح میادین اصلی شهر برای جلوگیری از آبگرفتگی از محورهای مهم صحبت‌های مدیرعامل شرکت خاکریزآب شهرداری است.

گردشگری

خانه درختی که دل گردشگران گیلان را می‌برد

بی‌شک کارتون خانواده دکتر ارنست یکی از خاطره‌انگیزترین کارتون‌های دهه ۶۰ است. حتما در خاطرتان مانده که آنها برای زندگی در جزیره مجبور شدند یک خانه درختی بسازند، در گیلان، جایی در نزدیکی بندر انزلی، در روستای دهنه سر شیجان خُمام، یک خانه درختی زیبا تبدیل به مکانی گردشگری شده است.

سلامت

۶ علامت چرب شدن کبد

کبد چرب محصول زندگی بی‌تحرک و تغذیه نامتوازن است که اگر به موقع به آن رسیدگی شود می‌تواند بهبود یابد. اگر شما هم این علائم را در بدن خود می‌بینید برای چکاپ و تغییر سبک اقدام کنید تا به دردسرهای فیبروز و سیروز کبدی دچار نشوید. همین امروز دست به‌کار شوید!

فرهنگ

سریال «یاغی» براساس کدام رمان ساخته شد

مهدی افروزمنش، نویسنده رمانی که براساس آن سریال «یاغی» ساخته شده است، می‌گوید: برای نوشتن رمانم با بیش از ۴۰ قهرمان کشتی مصاحبه کرده‌ام و با بسیاری از آنها دوست شده‌ام. گفت‌وگوی همشهری آنلاین با مهدی افروزمنش را بخوانید.

فناوری

ویژگی جدید شبکه اجتماعی توییتر

توییتر قابلیت خارج شدن از منشن یا Unmentioning را فعال کرد. این قابلیت به کاربران اجازه می‌دهد تا منشن نام کاربری خود را از گفت‌وگوهایی که نمی‌خواهند، خارج کنند. کاربران می‌توانند روی منوی ۳ نقطه‌ای که در کنار هر توییت وجود دارد کلیک و گزینه Leave this conversation را لمس کنند.

6 260641 200359 >

6 260641 200014 >

نقل قول خبر

علیرضا تنگسیری
فرمانده نیروی دریایی سپاه
تا پایان سال چند مرحله الحاق تجهیزات دفاعی دریاپایه به صورت چشمگیر خواهیم داشت. در زمانی که تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ما شدت یافت، در نیروی دریایی سپاه با حمایت شرکت‌های دانش‌بنیان، توانستیم تحریم‌ها را خنثی کنیم./ایرنا

سید محمد حسینی
معاون امور مجلس رئیس‌جمهور
دغدغه اصلی دولت عدالت‌محور، گره‌گشایی از مشکلات مردم و تسهیل شرایط کسب‌وکار است. ابرپروژه‌ای که اعضای دولت دنبال می‌کنند، خدمت به مردم و افزایش رضایت‌مندی و سرمایه اجتماعی نظام است./ایسنا

لوان جاگاریان
سفیر روسیه در تهران
سفر رئیس‌جمهور آمریکا به غرب آسیا در راستای ایجاد ائتلافی ضدایرانی است. به‌نظر می‌رسد آنها به‌صورت شفاهی، از علاقه خود به احیای توافق برجام صحبت می‌کنند و از سوی دیگر، هر کاری که ممکن است، برای جلوگیری از این اتفاق انجام می‌دهند./ فارس

امنیتی

هشدار وزارت اطلاعات به مسئولان اقلیم کردستان عراق

وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای، از شناسایی و دستگیری اعضای یک شبکه تروریستی وابسته به اشرار تجزیه‌طلب در شمال غرب کشور خبرداد.
به‌گزارش روابط عمومی وزارت اطلاعات، همه اعضای این شبکه تروریستی وابسته به اشرار تجزیه‌طلب با هوشیاری سربازان گمنام امام زمان (عج) و حمایت و همکاری قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) و دادگستری استان آذربایجان‌غربی، شناسایی و دستگیر شدند.
دراین اطلاعیه آمده‌است: این شبکه ۱۰نفره تروریستی در قالب چند هسته هماهنگ و همپوشان، مأموریت‌های متنوع و چندگانه تخریب، انفجار، حمله به مراکز و تأسیسات حیاتی و اقتصادی کشور و همچنین ایجاد راهبندان جاده‌ای و اخاذی از مردم و به‌ویژه از کارآفرینان موفق بومی را در دستورکار خود داشتند. در ادامه تصریح شده که این شبکه به پشتوانه استقرار مرکزیت اشرار تروریست در اقلیم کردستان عراق، از طریق مناطق مرزی آذربایجان‌غربی در حال ورود به کشور بودند و ضمن بازداشت هر ۱۰نفر، همه اقلام پیشرفته فنی و ارتباطی هسته‌ها و محموله جنگی شامل انواع تسلیحات انفرادی، آر.پی.جی، نارنجک، تی.ان.تی و مهمات مربوطه همراه آنها ضبط شد. دراین اطلاعیه تأکید شده‌است: وزارت اطلاعات حفظ امنیت ملت سرافراز را خط قرمز خود دانسته و پیش‌از این، بارها به مسئولان اقلیم کردستان عراق تذکر داده و اینک مجدداً هشدار می‌دهد تا نسبت به تخلیه و طرد مزدوران تروریست، اشرار و دشمنان امنیت و آرامش مردم از آن منطقه، اقدام مقتضی را به‌عمل آورند.

خبرهای کوتاه

رایزنی درباره آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران در کره‌جنوبی

علی باقری کنی، معاون سیاسی وزیر امورخارجه کشورمان در تماس تلفنی با همتای کره‌ای خود، درباره روابط دوجانبه و دارایی‌های بلوکه شده ایران نزد سئول گفت‌وگو و رایزنی کرد. براساس گزارش خبرگزاری رسمی کره‌جنوبی(یونهاپ) دوطرف دراین گفت‌وگو درباره راه‌های پیشرفت روابط دوجانبه که تحت‌الشعاع مسئله دارایی‌های بلوکه شده ایران نزد سئول قرار گرفته است، تبادل‌نظر کردند. در این گزارش آمده است: در این تماس تلفنی، باقری کنی بر ضرورت حل و فصل مسائل موجود در روابط ۲ کشور تأکید و همتای کره‌ای وی نیز اعلام کرد؛ زمانی که توافق هسته‌ای ایران از سر گرفته شود، سئول برای آزادسازی دارایی ۷میلیارد دلاری بلوکه شده ایران و نیز از سرگیری واردات نفت از این کشور تلاش خواهد کرد.

شمخانی به جمهوری آذربایجان می‌رود

دبیر شورای‌عالی امنیت ملی در ادامه سفرهای برنامه‌ریزی شده به کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، فردا (جمعه) به دعوت رسمی اسوب اف، همتای آذربایجانی خود، به این کشور سفر خواهد کرد. به‌گزارش ایسنا، علی شمخانی دراین سفر علاوه بر دیدار و گفت‌وگو با همتای آذربایجانی‌اش، با الهام علی اف، رئیس‌جمهور این کشور نیز دیدار و پیرامون مسائل دوجانبه و آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو خواهد کرد.

عکس: همشهری/ مهدی بیات

پایبندی ایران به ادامه مذاکرات رفع تحریم‌ها

کنعانی: گفت‌وگوهای برجامی از طریق تبادل پیام درجریان است و زمان و مکان ادامه مذاکرات به‌زودی تعیین می‌شود

سیاست خارجی

اعلام سخنگوی وزارت امورخارجه ایران مبنی بر اینکه زمان و مکان دور جدید مذاکرات رفع تحریم‌ها به‌زودی تعیین خواهد شد، درحالی است که سردرگمی طرف‌های غربی و به‌ویژه آمریکا برای تصمیم‌گیری در این زمینه ادامه دارد؛ از یک‌سو فرانسوی‌ها اعلام می‌کنند که «پنجره احیای برجام درحال بسته‌شدن است»، اما ازسوی دیگر مقام‌های کاخ‌سفید معتقدند که برجام هنوز برای آنها ارزش دارد.
به‌گزارش همشهری، اتخاذ چنین رویکردی ازسوی طرف‌های غربی و تعیین اولتیماتوم‌های تکراری برای جمهوری‌اسلامی در شرایطی است که مقام‌های کشورمان در روزهای اخیر بارها اعلام کرده‌اند که ایران در مسیر مذاکرات قرار دارد و اگر طرف‌های مقابل حسن‌نیت و ابتکارعمل داشته باشند، توافق دست‌یافتنی است. برهمین اساس هم بود که وزیر امورخارجه در گفت‌وگو با مقام‌های واتیکان با بیان اینکه ایران در طول مذاکرات ابتکارات و انعطاف‌های مهمی ارائه کرده‌است، تأکید کرد که جمهوری‌اسلامی برای دستیابی به یک توافق «خوب» و «پایدار» جدی است، اما آمریکایی‌ها باید با واقع‌بینی، شرایط را برای نهایی‌شدن توافق مهیا کنند.

ادامه تناقض‌گویی‌ها در واشنگتن

آمادگی و ابتکار عمل ایران برای ادامه مذاکرات رفع تحریم‌ها تا دستیابی به نتیجه مشخص درحالی است که طرف‌های غربی همچنان ناتوان از تصمیم‌گیری برای پیشبرد گفت‌وگوها، به فرافکنی و طرح ادعاهای بی‌اساس علیه جمهوری‌اسلامی ادامه می‌دهند.
با توجه به چنین رویکردی هم بود که سخنگوی شورای امنیت‌ملی آمریکا در گفت‌وگو با «الجزیره»، ضمن طرح مجدد ادعاهای واهی علیه ایران، گفت که «ما همچنان معتقدیم توافق هسته‌ای بهترین راه برای تبدیل‌نشدن ایران به یک کشور هسته‌ای است و ایران باید این فرصت را غنیمت بشمارد.»
جان کربی ضمن اینکه ادامه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را «بلندپروازی‌های هسته‌ای» خواند، ادعا کرد که «جمهوری‌اسلامی همچنان برای گسترش قدرت هسته‌ای و بالستیکی خود تلاش می‌کند و این فعالیت‌ها امنیت منطقه را تهدید می‌کند». وی به این موضوع هم اشاره کرد در سفر بایدن به عربستان‌سعودی درباره «مسئله روابط با ایران» و «تأمین امنیت دفاعی شرکای آمریکا» نیز رایزنی خواهد شد. اعتراف ضمنی سخنگوی شورای امنیت‌ملی آمریکا به اتخاذ راهبردهای خصمانه ازسوی واشنگتن باهدف تحت‌فشار قراردادن طی گفت‌وگوها در شرایطی است که جو بایدن نیز در روزهای اخیر و در آستانه سفر منطقه‌ای خود به خاورمیانه تأکید کرده بود دولت این کشور به افزایش فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی علیه ایران ادامه خواهد داد تا «ایران آماده بازگشت به توافق شود».

مکث

ایران از مواضع بحق و منطقی خود عقب‌نشینی نمی‌کند

رئیس‌جمهور در جلسه دیروز هیأت دولت در واکنش به ادعاهای اخیر آمریکایی‌ها درباره برجام تأکید کرد جمهوری‌اسلامی از مواضع بحق و منطقی خود عقب‌نشینی نمی‌کند؛ «به آمریکایی‌ها توصیه می‌کنم به‌جای تکرار تجربه شکست‌خورده «فشار حداکثری» به ملت ایران، واقعیت‌ها را ببینند و از گذشته درس عبرت بگیرند.» سیدابراهیم رئیسی با بیان اینکه آمریکایی‌ها گفته‌اند ایران باید به برجام برگردد، درحالی‌که جمهوری اسلامی هرگز از برجام خارج نشده و این آمریکا بود که نقض پیمان کرد، افزود: «امروز نه‌تنها برای اروپایی‌ها به‌عنوان متحد آمریکایی‌ها در مذاکرات، بلکه برای همه ملت‌های جهان سؤال شده‌است که چرا آمریکا به تعهدهای خود در برجام پایبند نماند و از آن خارج شد.» وی به تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ملت ایران اشاره کرد و ادامه داد: «آمریکایی‌ها بارها گفته‌اند فشاری که به ملت ایران تحمیل کردند بی‌سابقه و حداکثری بوده، اما سخنگوی وزارت امورخارجه این کشور رسما اعلام کرد این فشارها به هیچ‌وجه کارساز نبوده و مفتضحانه شکست خورده است.» رئیس‌جمهور عنوان کرد: «آمریکایی‌ها باید در طول ۴۳سال اخیر متوجه شده باشند که نمی‌شود با زبان زور با ملت ایران سخن گفت؛ این عجیب است که آنها بازهم می‌خواهند با همان ادبیاتی سخن بگویند که به‌طور حتم نتیجه‌ای برای آنها نخواهد داشت. جمهوری اسلامی در مذاکرات با ۱+۵ و ۱+۴ همواره عقلانی عمل و خواسته‌های منطقی خود را مطرح کرده‌است. امروز هم تیم مذاکره‌کننده خواسته‌ای خارج از چارچوب‌ها مطرح نکرده و در تداوم مسیری که تاکنون طی شده، براساس موازین عمل می‌کند.» رئیسی در ادامه با اشاره به سفر مسئولان آمریکایی به منطقه تأکید کرد: «اگر رفت‌وآمدهای مقام‌های آمریکایی به کشورهای منطقه برای تحکیم موقعیت رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی روابط این رژیم با برخی کشورهاست، تلاش‌های آنها به‌هیچ‌عنوان برای صهیونیست‌ها امنیت‌ساز نخواهد بود.» وی همچنین خطاب به آمریکایی‌ها گفت: «اگر می‌خواهید بدانید عملکرد و رفت‌وآمدهای شما در منطقه چه اثری داشته، با چشم باز موضع ملت‌ها را نگاه کنید که نفرت از صهیونیست‌ها و جنایات این رژیم در دل آنها افزایش یافته است.» رئیسی با بیان اینکه ایران همه تحولات منطقه را به دقت زیرنظر دارد و از هیچ تحرکی غافل نیست، تأکید کرد که بارها به کسانی که ازسوی آمریکایی‌ها پیام آورده‌اند، گفته‌ایم که اگر کوچک‌ترین حرکتی علیه تمامیت ارضی ایران انجام شود، با عکس‌العمل قاطع ما مواجه خواهد شد.

ادعای جدید فرانسوی‌ها

در این میان طرف‌های اروپایی مذاکرات نیز در مواضعی هماهنگ با واشنگتن، به فضاسازی علیه جمهوری‌اسلامی، با هدف کوتاه‌آمدن از مطالبات قانونی و مشروع خود ادامه می‌دهند. با توجه به چنین رویکردی بود که وزیر امورخارجه جدید فرانسه طی سخنانی در جمع قانونگذاران این کشور مدعی شد «بیشتر از چند هفته تا بسته‌شدن پنجره احیای برجام فرصت باقی نمانده است»؛ موضوعی که نشان می‌دهد طرف‌های غربی همچنان از اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه در مواجهه با جمهوری‌اسلامی ناتوان هستند. کاترین کولونا همچنین مدعی شد که ایران در مذاکرات دوحه به «قبل از مواضع توافق‌شده» بازگشته‌است و درعین‌حال به پیشرفت در غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد؛ «زمان درحال سپری‌شدن است و ایران باید این نکته را درنظر بگیرد. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا دستیابی به توافق را دشوارتر خواهد کرد.»

ایران به روند مذاکرات پایبند است

سخنگوی وزارت امورخارجه در نشست‌خبری دیروز خود با بیان اینکه جمهوری اسلامی به روند مذاکرات پایبند است، گفت که گفت‌وگوها به روال گذشته و از طریق تبادل پیام، چه در سطح وزیر امورخارجه با جوزپ بورل و چه در سطح باقری کنی، مذاکره‌کننده ارشد کشورمان با انریکه مورا، معاون سیاست‌خارجی اتحادیه اروپا، در جریان است. ناصر کنعانی به این موضوع هم اشاره کرد که نحوه جمع‌بندی درباره ادامه مذاکرات و همچنین مکان گفت‌وگوها در ارتباطات و پیام‌های طرفین درحال رایزنی است و زمان و مکان مذاکرات به‌زودی تعیین می‌شود.
وی همچنین با اشاره به اینکه تعیین‌نشدن زمان و محل مذاکرات را به‌معنای پایان گفت‌وگوها تلقی نمی‌کنیم، تأکید کرد که ایران در مسیر مذاکره قرار دارد و این مسیر را تا زمانی که طرف‌های مقابل به روند مذاکره و دیپلماسی چندجانبه پایبند باشند، ادامه خواهد داد.
کنعانی درعین حال به این موضوع هم اشاره کرد که ایران روابط خارجی و به‌ویژه توسعه روابط اقتصادی و تجاری خود را معطل برجام و گفت‌وگوهای هسته‌ای برای رفع تحریم‌ها نمی‌کند؛ «امیدواریم با رویکرد سازنده و همواره با حسن‌نیت همه طرف‌های مذاکره، ازجمله آمریکا، که مسئول اصلی شرایط حاکم بر روند مذاکرات است، امکان جمع‌بندی گفت‌وگوها در آینده فراهم شود.» سخنگوی دستگاه دیپلماسی همچنین با بیان اینکه جمهوری‌اسلامی در دستیابی به توافقی که تأمین‌کننده منافع ملی و تضمین‌کننده منافع اقتصادی ناشی از برجام باشد، جدی است، تصریح کرد که ایران تاکنون بیشترین ابتکارات را در مذاکرات ارائه کرده‌است و این، طرف‌های مقابل هستند که باید تصمیم سیاسی خود را برای به نتیجه رساندن مذاکرات اتخاذ کنند.

سید ابراهیم رئیسی: تکلیف را قانون مشخص کرده است

اقدام سلیقه‌ای درباره حجاب ممنوع

دولت

دولت سیزدهم در پاسخ به برخی از انتقادات از نحوه اجرای قانون حجاب و عفاف بر سیاست حداکثری پرهیز از دسته‌بندی میان مردم، حقوق شهروندی برابر آنها و تذکر مشفقانه جای برخوردهای سلبی تأکید دارد.
رئیس‌جمهور در نشست دیروز هیأت دولت با بیان اینکه عمده بانوان و دختران ما مقید به حفظ حجاب و عفاف هستند، گفت: ملاک عمل در اجرای قانون عفاف و حجاب مُرِّ قانون است و اقدام سلیقه‌ای یا خارج از چارچوب‌های قانونی نباید در این زمینه انجام شود.
به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، سیدابراهیم رئیسی با اشاره به ضرورت اقدام‌های تبیینی و اقناعی با موضوع عفاف و حجاب، جامعه ایرانی را جامعه‌ای عفیف و علاقه‌مند به حجاب دانست و افزود: امروز عمده بانوان و دختران ما در جامعه بسیار مقید به حفظ حجاب و عفاف هستند و باید از آنها تشکر کرد.
وی با تأکید بر ضرورت اجرای قانون حجاب و عفاف از سوی همه دستگاه‌های اجرایی، ملاک عمل در این زمینه را مُرِّ قانون و آموزه‌های روشن دینی دانست و با رد هرگونه اقدام سلیقه‌ای یا خارج از چارچوب‌های قانونی در این زمینه ادامه داد: قانون حجاب و عفاف، تکلیف همه دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و حاکمیتی را در زمینه ترویج و حفظ حجاب، مشخص کرده‌است.
رئیسی جامعه ایران را جامعه‌ای دینی و علاقه‌مند به رعایت احکام و قواعد شرعی دانست و با قدردانی از منش و روحیات مردم در این حوزه، اضافه کرد: ترویج فرهنگ حجاب و عفاف به نوعی علاقه قلبی عمده مردم است. دستگاه‌های مسئول باید تلاش کنند، ضمن رعایت قواعد و موازین قانونی، در این مسیر گام بردارند.
وزیر کشور نیز روز گذشته در حاشیه جلسه هیأت دولت درباره دیدگاه دولت نسبت به اجرای قانون عفاف و حجاب گفت: موضوع زیست عفیفانه در کشور یک موضوع خیلی جدی است و البته بانوان ما و دختران ما همه غالبا و اکثرا خودشان را متعهد می‌دانند. ما عفیف‌تر و باحجاب‌تر از زنان ایرانی در هیچ‌جا نداریم و این جزو افتخارات کشور ماست.
سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور، ۱۴ تیر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی با توجه به دستور کار جلسه درباره موضوع حجاب و عفاف، دبیرخانه شورا را موظف کرد با همکاری همه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجرایی نسبت به اجرای قانون مصوب مجلس و قانون سال ۱۳۸۴ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی اهتمام لازم را داشته باشند.
علی بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت یک هفته بعد در نشست خبری خود با خبرنگاران درباره افزایش انتقادات و فشارها بر دولت در اجرای این مصوبه گفت: همانطور که می‌دانید این قانون مصوب سال ۸۴ و دولت هشتم است که در همان دولت هم ابلاغ شده و ابلاغ جدیدی وجود نداشته است. همه ما، هم دولت و هم مردم مکلف به اجرای قانون هستیم و پیشرفت و حل مشکلات و ساماندهی نظم امور در گرو پایبندی ما به قوانین و تحقق نظم شهری است و تضمین حقوق شهروندی هم در گرو پایبندی به قانون است. دولت معتقد است در ارائه خدمات عمومی و تامین حقوق شهروندی هرگز نباید دسته‌بندی میان مردم صورت گیرد، ما با هرگونه دسته‌بندی و طبقه‌بندی کردن مردم برای ارائه خدمات مخالف هستیم و حتما باید در چارچوب قانون همه مردم از خدمات عمومی و شهروندی و از حقوق اساسی خود بهره‌مند شوند.
وحیدی، وزیر کشور روز چهارشنبه در مواضعی همسو و تسهیل‌گرانه در ارتباط با گشت ارشاد و سایر جنبه‌های اجرای قانون حجاب و عفاف گفت: حتی عزیزانی که ممکن است حجاب‌شان کامل و دقیق نباشد و ممکن است مقداری نقص داشته باشد، آنان هم با دل و جان به انقلاب، نظام و اسلام هم اعتقاد دارند و وابسته هستند. حالا در این بین افرادی پیدا می‌شوند که بر اثر سهل‌انگاری یا بی‌تفاوتی و غفلت آن حجابی که باید رعایت کنند را رعایت نمی‌کنند که در خیلی از موارد با یک تذکر مشفقانه مشکل حل می‌شود و گوش می‌کنند.
او موارد سلبی را محدود به عده قلیلی دانست و گفت: بعضی از موارد خیلی نادر هم پیدا می‌شود که به‌هرحال یک مقدار حالت اصرار بر عدم‌رعایت قانون دارند. به هرحال قانون همه‌جا قانون است. مصوبات و مقرراتی که معادل قانون است همه‌جا باید رعایت شود و فرقی هم نمی‌کند که کجا باشد. در هر حوزه‌ای از ترافیک و راهنمایی رانندگی تا مالیات و در همه مسائل اجتماعی هر مقرراتی وجود دارد باید اجرا شود.
احمد وحیدی با تأکید بر اینکه در مورد حجاب هم مقررات و مصوباتی وجود دارد که کارکردی مشابه قانون دارد، گفت: باید اینها رعایت شود و موارد بسیار اندکی که پیدا می‌شود که حتی در برابر تذکرات ناصحانه، مشفقانه و محبت‌آمیز رعایت نمی‌کنند، آن‌وقت تذکرات کمی جدی‌تر به آنان داده می‌شود و خیلی از آنان هم بعد از این تذکرات متنبه می‌شوند و به مقررات توجه می‌کنند. وحیدی در پاسخ به پرسشی درباره «واکنش به انتشار عامدانه تصاویر کشف حجاب در فضای مجازی که با تحریک افرادی خارج‌نشین انجام می‌شود»، گفت: بعضی از این موارد اصلا مربوط به داخل نیست و از خارج حمایت و اداره می‌شود و طبیعتا آنان مقاصد نامطلوبی دارند و به‌دنبال تحمیل یک فرهنگ غلط و منحط هستند و این را راه مقابله با اسلام و نظام اسلامی قرار دادند و طبیعتا اینها مواردی است که قابل قبول نیست.
او اضافه کرد: اینکه عده‌ای در خارج بنشینند که معمولا هم به دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی وصل هستند - و بعضا هم این امر معلوم شده است — و بخواهند برای داخل تعیین تکلیف کنند، آن هم در یک مسئله با این اهمیت، قابل‌قبول نیست. ما از همه کسانی که با فضای مجازی سروکار دارند درخواست می‌کنیم که تحت‌تأثیر این القائات سوء قرار نگیرند که غالبا هم قرار نمی‌گیرند، اما عناصر محدودی هم اگر تحت‌تأثیر قرار گرفتند، طبق وظایف قانونی، دستگاه‌های مربوطه به آنان تذکراتی می‌دهند که آنان هم حتما باید این تذکرات مدنظرشان باشد و به آن عمل کنند.

مجلس

هدف‌گذاری ۲۰۰ میلیارد دلاری در روابط با همسایگان

رئیس مجلس که در رأس هیأتی به دعوت رئیس مجلس عالی و قانونگذاری ازبکستان به تاشکند سفر کرده‌است، با مسئولان این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. به‌گزارش همشهری، سفر محمدباقر قالیباف به تاشکند که در راستای پیشبرد سیاست‌های جمهوری‌اسلامی در حوزه دیپلماسی همسایگی و گسترش همکاری‌ها با کشورهای منطقه انجام شد، با دیدار قالیباف با رئیس‌جمهور ازبکستان، روسای مجلس سنا و مجلس نمایندگان و همچنین تجار ایرانی فعال در این کشور همراه بود که می‌تواند نقشی اساسی در تقویت همکاری‌های دوجانبه ایفا کند.

راهبرد مشترک مجلس یازدهم و دولت سیزدهم

قالیباف پس از حضور در مجلس قانونگذاری ازبکستان، در دیدار با رئیس مجلس قانونگذاری این کشور با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر به تاشکند، باید ارتقای روابط در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی باشد، گفت: افزایش تبادلات تجاری تا ۲میلیارد دلار یکی از اهدافی است که می‌توان در این سفر دنبال کرد. رئیس قوه مقننه افزود: راهبرد اصلی مجلس یازدهم و دولت سیزدهم در جمهوری اسلامی ایران، توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با همسایگان کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای مسلمان است و امروز شاهدیم که شرایط ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی جهان نیز ما را وادار به افزایش ارتباطات بین کشورهای منطقه کرده‌است.

راهکارهای اجرایی برای توسعه ارتباطات تجاری

رئیس مجلس همچنین در نشست با جمعی از تجار و تولیدکنندگان ایرانی فعال در این کشور، در تشریح راهکارهای اجرایی برای توسعه ارتباطات اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه از ایجاد و راه‌اندازی هاب مالی و لجستیکی و توسعه روابط دوجانبه تجاری به‌عنوان بخشی از این راهکارها نام برد و بر حمایت از بخش‌خصوصی برای ارتقای درآمدهای ارزی کشور تأکید کرد. قالیباف با تأکید بر اینکه در برنامه هفتم توسعه نیز به‌دنبال افزایش تبادلات با کشورهای منطقه هستیم، ادامه داد: این موضوع مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز هست و در اسناد بالادستی هم مورد تأکید قرار می‌گیرد.
قالیباف همچنین با بیان اینکه ایران در بسیاری از حوزه‌ها مزیت‌های بهتری نسبت به سایر کشورها دارد و باید از این مزیت‌ها به‌خوبی استفاده کنیم، اضافه کرد: با هدف‌گذاری تبادلات تجاری ۲۰۰میلیارد دلاری با کشورهای همسایه، می‌توانیم از این میزان حداقل رقم ۲میلیارد دلار را برای کشور ازبکستان درنظر بگیریم تا بتوانیم به سمت مثبت‌کردن تراز تجاری حرکت کنیم. اگر نتوانیم تراز تجاری را در کشورمان مثبت کنیم، با ناترازی مواجه خواهیم بود که این ناترازی اجازه نمی‌دهد چرخ تولید در کشور بچرخد.

گزارش

تأکید بر استفاده وزارت خارجه از تجار به‌عنوان رایزن اقتصادی

مدیرعامل خانه دیپلماسی بر استفاده از تجربه تجار و بازرگانان در قالب رایزنان اقتصادی در سفارتخانه‌های ایران در کشورهای مختلف تأکید کرد.
رامین مهمان‌پرست، در جمع خبرنگاران و در پاسخ به این سؤال همشهری درباره اینکه دولت در انتخاب سفرای جدید باید چه رویکردی را در نظر بگیرد، به سیاست توسعه دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم اشاره کرد و گفت: وزارت امور خارجه ۱۴۰سفیر دارد که از این تعداد ۴۰سفیر در دوره پایان مدیریت خدمت خود هستند. با توجه به رویکرد اقتصادی دولت ضرورت دارد، سفرایی که برای جایگزینی تعیین می‌شوند با مفاهیمی مانند دیپلماسی اقتصادی آشنایی کامل داشته و بتوانند از کمک نیروهای خبره اقتصادی در کنار انجام ماموریت‌های سیاسی خود بهره ببرند.
وی در پاسخ به سؤال دیگر همشهری درباره اینکه چرا از تجار و بازرگانان باسابقه به‌عنوان رایزنان اقتصادی در سفارتخانه‌ها بهره گرفته نمی‌شود، با بیان اینکه رویه به‌کارگیری نیروها در وزارت امور خارجه باید تغییر کند، اظهار داشت: اگر قرار باشد افرادی به‌عنوان کارشناس اقتصادی در وزارتخانه‌ها فعالیت کنند نیاز نیست حتما کارمند وزارت خارجه باشند. در شرایط فعلی وزارت صمت افرادی را به‌عنوان رایزن اقتصادی به وزارت خارجه معرفی می‌کند اما می‌توان این رویه را تغییر داد و از ظرفیت بخش خصوصی و توانمندی تجار و بازرگانانی که در بازار کشورهای مختلف صاحب‌نام هستند برای توسعه بازار کالاهای ایرانی و نیز تامین نیازها بازارهای داخلی به محصولات کشورهای دیگر بهره گرفت.
مدیرعامل خانه دیپلماسی در پاسخ به سؤال دیگر همشهری درباره تأثیر حذف معاونت‌های ۵گانه وزارت امور خارجه بر روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها، این موضوع را شتاب‌دهنده کاهش تبادلات اقتصادی ایران با دنیای خارج دانست و با انتقاد از این اقدام گفت: در دوره‌ای که آقای ظریف وزیر امور خارجه بودند، ایشان دستور حذف معاونت‌های ۵گانه را صادر و ۲معاونت سیاسی و اقتصادی را ایجاد کرد. این مسئله سبب شد ارتباطات و تعاملات اقتصادی ایران با دیگر کشورها روندی منفی پیدا کند.
مهمان‌پرست خاطرنشان کرد: در دوره آقای امیرعبداللهیان، پیشنهاد شده است تا ۵معاونت قبلی با رویکردهای جدید احیا و مسائل اقتصادی در قالب این معاونت‌ها پیگیری شود تا بتوان با دقت و کیفیت بالاتری نسبت به توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای هدف اقدام کرد.
مدیرعامل خانه دیپلماسی همچنین از برگزاری نخستین همایش دیپلماسی اقتصادی در تهران خبر داد و گفت: در این همایش چالش‌های دیپلماسی عمومی و اقتصادی با حضور مسئولان دولتی، بنگاه‌های خصوصی و نیز سفرا و نمایندگان برخی شرکت‌های خارجی در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار خواهد شد.

گزارش ۲

حمایت مدیریت شهری از سرخابی‌ها

در مقابل استفاده از ورزشگاه تختی برای ساخت ایستگاه مترو، ۲ورزشگاه به تیم‌های فوتبال پایتخت واگذار می‌شود

شهرداری تهران در راستای حمایت از ۲تیم محبوب استقلال و پرسپولیس، مجموعه‌های ورزشی امام رضا(ع) و شهید کاظمی را به آنها واگذار می کند؛ در مقابل، بخشی از اراضی مجموعه ورزشی تختی به شهرداری واگذار می‌شود تا در اراضی آن ایستگاه مترو و بخشی از بزرگراه شوشتری ساخته شود.

به گزارش همشهری، علیرضا زاکانی، شهردار تهران در نشستی با مدیران عامل ۲تیم پایتخت ضمن تأکید بر حمایت از ۲باشگاه استقلال و پرسپولیس گفت که شهرداری آماده است در مدت یک هفته تفاهمنامه‌ای را با وزارت ورزش امضا و ۲ ورزشگاه را به آنها واگذار کند.

محمد آخوندی، رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه شورای شهر تهران در این نشست هم گزارشی از جلسات مشترک ۲تیم استقلال و پرسپولیس داد و عنوان کرد: «این ۲ورزشگاه به‌صورت تهاتر در ازای زمین‌هایی که قرار است وزارت ورزش در ورزشگاه تختی برای ساخت ایستگاه مترو و بزرگراه شهید شوشتری به شهرداری تحویل دهد، به این ۲تیم واگذار می‌شود.» همچنین در این جلسه مقرر شد تا مقدمات این رویداد و روال قانونی موردنیاز آن در شهرداری و وزارت ورزش انجام و طی مدت کوتاهی انتقال مالکیت ورزشگاه‌ها به ۲باشگاه استقلال و پرسپولیس انجام شود.

چند سال پیش، این ۲ورزشگاه به‌مدت ۵سال در اختیار تیم‌ها قرار گرفته بود تا از آن استفاده کنند. اکنون از پایان قرارداد ۵ساله هم بیشتر از یک سال گذشته است و تیم‌ها بدون هیچ قراردادی از این ۲ورزشگاه استفاده می کنند. موضوعی که در این مدت تغییر کرد، توسعه خط ۷ مترو به سمت شرق بود. مترو اکنون نیازمند بهره‌برداری از ایستگاه تختی است و باید عملیات عمرانی در آن انجام شود. این ایستگاه به‌دلیل موقعیت خود در شرق تهران بسیار بزرگ‌تر از ایستگاه‌های عادی است و شامل یک پایانه نیز می‌شود.

نیاز به ۳۴هکتار زمین

مجری خط ۷ مترو تهران درباره آخرین وضعیت پروژه ایستگاه متروی ورزشگاه تختی به همشهری می گوید: «ایستگاه متروی ورزشگاه تختی در واقع از ۲بخش تشکیل شده است؛ یک بخش شامل خود ایستگاه می‌شود و بخش دیگر هم به پایانه مترو برمی‌گردد که هر دو بخش یعنی هم ایستگاه و هم پایانه در محدوده ورزشگاه تختی تهران واقع شده‌اند. برای این پروژه درمجموع به ۳۴هکتار زمین نیاز داریم تا بتوانیم ایستگاه و پایانه مترو را احداث کنیم. از این ۳۴هکتار زمین، ۱۷هکتار دائمی است و ۱۷هکتار هم موقتی خواهد بود که بعد از احداث ایستگاه و پایانه به ورزشگاه تختی بازگردانده می‌شود.» محمود یوسفی اضافه می کند: «از حدود سال ۱۳۹۵ به این طرف شهرداری تهران به‌دنبال توافقی برای تهاتر این زمین با دولت و وزارت ورزش و جوانان است، اما متأسفانه تاکنون سازمان املاک و مستغلات شهرداری تهران و وزارت ورزش به‌عنوان متولی و مالک ورزشگاه تختی در این زمینه به توافق نرسیده‌اند و این زمین برای ادامه و تکمیل پروژه هنوز در اختیار شرکت متروی تهران قرار نگرفته است.»

او می گوید: «طی دو سه سال گذشته برای اینکه پروژه متوقف نشود و کارها هرچند کند پیش برود، خودمان در قالب یک قرارداد که تا سال گذشته اعتبار داشت، این زمین را از ورزشگاه تختی اجاره کرده بودیم و در این مدت هم توانستیم بخشی از کارهای مربوط به ایستگاه را جلو ببریم تا در اجرای پروژه عقب نمانیم. برای سال جدید هم به‌دنبال تمدید اجاره و بستن قرارداد جدید هستیم که فعلا مدیران ورزشگاه تختی با این پیشنهاد موافقت نکرده‌اند. با توجه به این موضوع در سال جدید عملا عملیات مربوط به احداث متروی ورزشگاه تختی در منتهی‌الیه جنوبی خط ۷ متروی تهران متوقف شده است.»

گویا وزارت ورزش معتقد بود ورزشگاه‌های امام رضا(ع) و شهید کاظمی استاندارد نیستند و هزینه نگهداری آنها بالاست. اکنون شهرداری به‌دنبال توافق تازه‌ای با وزارت ورزش و جوانان است که بر اساس آن هم سند ۲ ورزشگاه به نام سرخابی‌ها زده می‌شود و هم زمین خط ۷ مترو تامین خواهد شد.

مجری خط ۷ مترو درباره میزان پیشرفت پروژه متروی ورزشگاه تختی می گوید: «ساختمان ایستگاه متروی ورزشگاه تختی تا امروز حدود ۲۵درصد پیشرفت ساختمانی دارد، اما فعلا از داخل این مجموعه ورزشی دسترسی به داخل ایستگاه به ما داده نشده است تا کارها را جلو ببریم. البته در خارج از محدوده ورزشگاه کارهای مربوط به پروژه در حال انجام است.»

در نشست شهردار با رضا درویش مدیرعامل پرسپولیس، مصطفی آجورلو مدیرعامل استقلال، سیداحمد علوی عضو کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران و محمدامین توکلی‌زاده معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران مقدمات توافق جدید با دولت اعلام شد و این کار هم ۲تیم را صاحب ورزشگاه می کند و هم اراضی مورد نیاز خط ۷مترو را تامین.

مشخصات خط ۷ متروی تهران

- ۲۲ایستگاه
- ۱۸ایستگاه به بهره‌برداری رسیده است.
- ۴ایستگاه باقیمانده شامل ایستگاه‌های خیابان شهدای ۱۷شهریور، شهید دادمان، میدان کتاب و ورزشگاه تختی است.
- ۳ایستگاه در سال ۱۴۰۱به بهره‌برداری می‌رسد.
- یک ایستگاه در محدوده ورزشگاه تختی دچار مشکل معارض است.

فیلم گزارش را با اسکن این کد ببینید.

عکس: همشهری/ رضا نوراله

عملیات اجرایی احداث خط ۱۰ متروی تهران همزمان با انعقاد تفاهمنامه همکاری مشترک بین شهرداری و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) آغاز شد

آغاز ساخت طولانی‌ترین خط مترو

زاکانی: مقدمات تأمین ۶۳۰ دستگاه واگن در دولت فراهم شده است

گزارش
مهدی اسماعیل‌پور
روزنامه‌نگار

ساخت طولانی‌ترین خط متروی تهران آغاز شد؛ خطی که از شمال‌غربی تا شرق پایتخت را پوشش می‌دهد و بخش زیادی از آن بر دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز استوار شده و یکی از نکات مهم آن، داشتن ۷ایستگاه تبادلی با دیگر خطوط است. خط ۱۰ مترو با همکاری میان شهرداری تهران و قرارگاه خاتم‌الانبیا احداث می‌شود. درواقع پیمانکاری عملیات اجرایی این خط را قرارگاه برعهده گرفته است.

دیروز صبح جرثقیل‌ها در ضلع شمال‌غربی دریاچه شهدای خلیج‌فارس (دریاچه چیتگر)، قطعات بزرگی را به پایین گودالی که حفر شده بود، منتقل می‌کردند تا در اعماق زمین‌های منطقه ۲۲تهران، مونتاژ دستگاه غول‌پیکر TBM (دستگاه حفاری تونل مکانیزه) صورت بگیرد. این گودال با ستون‌ها و پایه‌های آهنی قطور، مهار شده و کارگاهی مجهز برپاست تا مهندسان و کارگران در چندشفیت کاری بتوانند تونل مترو را به سمت شرق ایجاد کنند. این اقدامات در راستای تفاهمنامه همکاری مشترک بین شهرداری تهران و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) با حضور شهردار تهران و فرمانده این قرارگاه انجام می‌شود.

احداث خط ۱۰در اولویت قرار دارد

شهردار تهران در آیین انعقاد این تفاهمنامه همکاری گفت: «اهمیت، سرعت و تسهیل در بهره‌مندی از مترو در حوزه حمل‌ونقل شرایط بسیار خوبی را برای ما فراهم کرده است. اولویت قطعی ما تکمیل ۷خط فعلی است، اما خط ۱۰ شرایط ممتازی دارد که اولا باعث گره‌گشایی از منطقه ۲۲ می‌شود که سرانه پایین با ظرفیت جمعیت‌پذیری بالا دارد؛ ضمن اینکه ۶ منطقه شهر از این خط بهره‌مند خواهند شد و قابلیتی برای سایر خطوط ما رقم می‌زند.» علیرضا زاکانی با بیان اینکه در کنار ۷ خط فعلی مترو، توجه به این خط برای ما موضوعیت دارد، افزود: «بعد از این، احداث مسیر خط ۱۱ برای ما مهم است تا در آینده نزدیک این خط را نیز اجرایی کنیم. در فاز اول خط ۱۰، ۲دستگاه حفاری TBM فعال می‌شود و در فاز دوم ۳دستگاه به‌کار گرفته خواهد شد که امکان گسترده‌ای را فراهم می کند. فاز اول امسال و فاز دوم سال آینده آغاز خواهد شد.» شهردار تهران در ادامه با اشاره به نقش مؤثر و سازنده قرارگاه خاتم در تکمیل و احداث متروی پایتخت گفت: «قرارگاه خاتم و خدمات آن برای کشور ما یک افتخار است و هر عقل سلیمی حکم می کند که یک کشور برای سازندگی از همه ابزارها و ظرفیت‌های خود استفاده کند. در خط ۷ و یک مترو مشارکت فعال و اثربخشی با قرارگاه خاتم داشتیم و تجربه این قرارگاه در این بخش برای ما بسیار مهم است. امیدواریم در سال‌های آینده در بخش حمل‌ونقل، توسعه مترو را داشته باشیم و در ارتباط با همه ظرفیت‌ها ازجمله قرارگاه تعاملات گسترده‌تری برقرار کنیم تا تهران را بر مدار ظرفیت‌های متنوع بخش خصوصی و نهادهای انقلابی بسازیم. امیدواریم با شعار تهران به مثابه یک کارگاه، شروع به ساختن همه تهران کنیم.»

زاکانی استفاده از فضاهای اطراف ایستگاه‌های مترو را یکی از راهکارهای مؤثر در تامین منابع مالی موردنیاز این بخش عنوان کرد و گفت: «از مسئولان مناطق انتظار می‌رود به سرعت درباره این بارگذاری‌ها در پارسل‌های مختلف پیرامون ایستگاه‌ها تا شعاع ۸۰۰ متری برنامه‌ریزی کنند تا مشخص شود کدام بخش مربوط به شهرداری یا دیگر دستگاه‌ها یا مردم است؛ به‌گونه‌ای که همه از این ماجرا سود برند.» خبر خوش شهردار تهران در حاشیه این مراسم، پیگیری برای تأمین ۱۰۵۰دستگاه واگن مترو بود و زاکانی درخصوص آن گفت: «از این تعداد ۴۲۰دستگاه از داخل و ۶۳۰دستگاه نیز از خارج از کشور تأمین خواهد شد. هم‌اکنون مقدمات برای تأمین ۶۳۰دستگاه در دولت فراهم شده و بانک مرکزی اقدامات ویژه‌ای را برای تأمین ۱۵درصد منابع انجام داده است. برای تأمین ۱۱۳ دستگاه واگن با شرکت واگن‌سازی تهران وارد انعقاد قرارداد شده‌ایم. دولت برای این امر ۷۷ میلیون یورو اختصاص داده است. همچنین برای ۲۲۰ دستگاه نیز با مپنا وارد مذاکره شده و تفاهمنامه‌ای را نیز آماده کرده‌ایم که امیدواریم از ۲سال آینده، واگن‌ها را در اختیار خطوط قرار داده و تا ۳سال آینده تکمیل واگن‌ها برای خطوط را شاهد باشیم.»

تفاهم با شهرداری برای تامین منابع مالی

سردار سیدحسین هوش‌السادات، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) نیز دیروز گفت: «پس از مونتاژ نخستین دستگاه حفار مکانیزه، در ادامه مونتاژ دستگاه دوم انجام می‌شود. این گونه دستگاه‌ها در ۲مسیر مقابل هم، شامل یک مسیر به سمت میدان کتاب و یک مسیر به سمت وردآورد، حفاری فاز یک خط ۱۰مترو را انجام می‌دهند.»

او با بیان اینکه قرارگاه تاکنون اعتباراتی دریافت نکرده و از محل امکانات خود برای تجهیز کارگاه، امور را پیش برده است، افزود: «درخصوص تأمین منابع مالی طبق تفاهمنامه با شهرداری اقدامات لازم انجام خواهد شد.»

شفیعی: ارزان‌ترین متروی جهان را داریم

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران نیز دیروز ابراز امیدواری کرد که انعقاد این تفاهمنامه سرآغازی برای سرعت گرفتن و رسیدن به نقطه بهره‌برداری خط ۱۰ متروی تهران باشد و در این رابطه گفت: «در نمایشگاه شهرهای خواهرخوانده، وضعیت مناسب متروی تهران برای برخی از مهمانان خارجی عجیب بود. ما در متروی تهران به لحاظ طول شبکه و ایستگاه، رتبه بیستم را در بین ۲۵۰ شهر دنیا داریم و موضوع تعجب‌آور برای برخی از مدیران شهرهای خواهرخوانده این بود که ما با افتخار گفتیم این خطوط به‌دست متخصصان داخلی ساخته شده و برای صدور این خدمات اعلام آمادگی کردیم.» مجتبی شفیعی ادامه داد: «هر چند در حوزه ساخت مترو مشکلی نداریم، اما بحث امروز ما مسئله تامین مالی است که باید به آن توجهی ویژه کنیم و در این تفاهمنامه نیز باید مدل‌های تامین مالی جدید را اضافه کنیم؛ مثلا شهرهایی مانند منچستر، ونکوور، بانکوک و کوالالامپور از طریق بخش خصوصی توسعه متروی خود را انجام می‌دهند.» او همچنین اعلام کرد تهران، ارزان‌ترین متروی دنیا از نظر نرخ بلیت به‌حساب می‌آید.

مکث

اهمیت و تأثیر خط ۱۰مترو

مسعود درستی، مدیرعامل شرکت متروی تهران

در طرح جامع ریلی شهر تهران ۱۱خط مصوب داریم که خطوط یک تا ۷با وجود مشکلات و نواقصی که وجود داشت، تعیین تکلیف و بخش عمده‌ای از آن تکمیل و ساخته شده و در حال ارائه سرویس به شهروندان است. علاوه بر این، ۴خط دیگر هم برای متروی شهر تهران تعریف شده است که شامل خطوط ۸ تا ۱۱می‌شود که با احداث و تکمیل این خطوط، تمام نقاط شهر تهران توسط خطوط و ایستگاه‌های مترو پوشش داده می‌شود. یکی از این خطوط، خط ۱۰متروست که تقریبا یک مسیر غربی-شرقی در محدوده شمال تهران محسوب می‌شود و از ایستگاه ورد آورد در شمال‌غرب و خط ۵مترو آغاز شده و به شمال محله تهرانپارس در محدوده قنات‌کوثر ختم می‌شود. یکی از ویژگی‌های خاص خط ۱۰این است که منطقه ۲۲را به‌خوبی پوشش می‌دهد که محدوده گردشگری تهران است و علاوه بر این پیش‌بینی می‌شود بیشترین پذیرش و افزایش جمعیت را در بین مناطق ۲۲گانه تهران داشته باشد. با احداث و بهره‌برداری از این خط، بخشی از مسافران که از سمت کرج و شهرهای غربی استان تهران به شهر می‌آیند، می‌توانند وارد شبکه متروی پایتخت شوند. به‌عبارت دیگر با اضافه شدن خط ۱۰از تراکم مسافری که امروز در ایستگاه‌های صادقیه و ارم سبز وجود دارد، کاسته خواهد شد و در نتیجه کیفیت مسافرگیری خط ۵نیز مطلوب‌تر می‌شود.

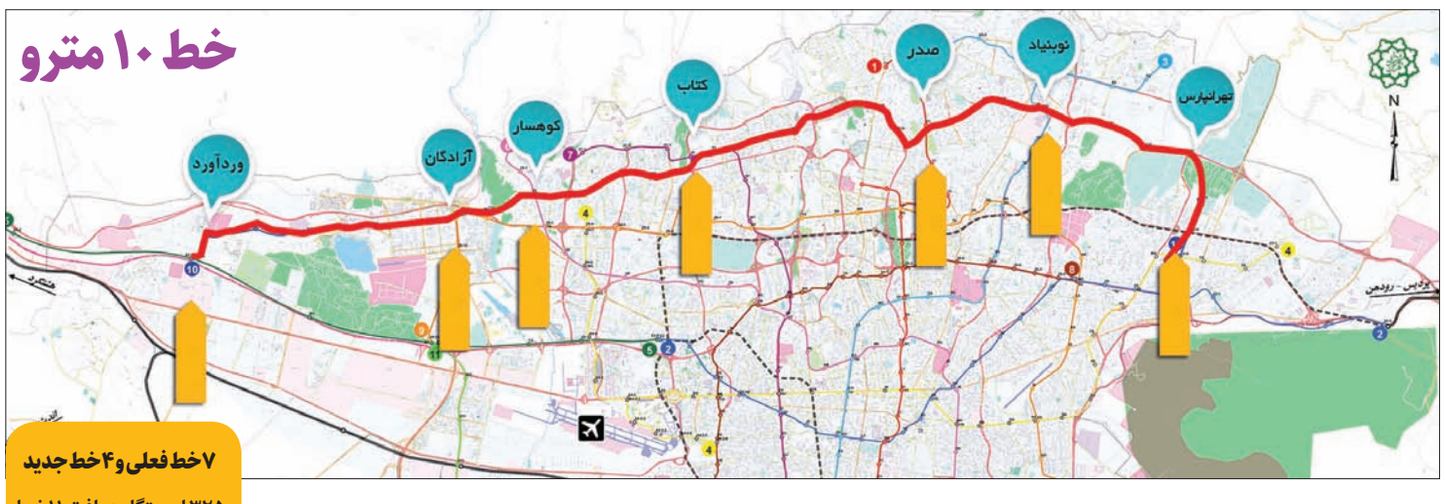

۷خط فعلی و ۴خط جدید

۳۲۵ ایستگاه در افق ۱۱خط متروی شهر تهران دیده شده است.
۷خط فعلی مترو برای تکمیل به ۷۰هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارند.
۴خط جدید ۸ تا ۱۱به ۲۰۰هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارند.
۱۵۰۰میلیارد تومان مخارج ساخت هر کیلومتر تونل و تجهیزات مرتبط با آن است.

- **۴۳کیلومتر طول خط است.**
- **۶منطقه تهران شامل مناطق یک، ۲، ۳، ۴، ۵و ۲۲تحت پوشش این خط قرار می‌گیرند.**
- **۳۵ایستگاه در آن احداث خواهد شد.**
- **۷ایستگاه تقاطعی و تبادلی با دیگر خطوط مترو دارد.**
- **۲فاز اجرایی دارد که فاز اول امسال و فاز دوم سال آینده آغاز خواهد شد.**
- **۱۴.۵ کیلومتر طول حفاری نخستین عملیات اجرایی است.**
- **۲۰کیلومتر طول خط از ایستگاه ورد آورد تا ایستگاه میدان کتاب است.**
- **۱۵ایستگاه اصلی خط (ورد آورد، میدان دریاچه، میدان اتریش، کوهسار و میدان کتاب) زودتر از سایر ایستگاه‌ها افتتاح می‌شوند.**
- **۴ تا ۵سال آینده خط تکمیل می‌شود و به بهره‌برداری می‌رسد.**
- **۵۵هزار میلیارد تومان مجموع هزینه ساخت خط ۱۰مترو برآورد شده که تقریبا معادل بودجه یک سال کل شهرداری پایتخت است.**

نقل‌قول خبر

محمدمهدی عزیزی
مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران

به‌زودی پسماندهای خطرناک شهروندان از طریق ۴۵۵غرفه بازیافت موجود در سطح شهر تهران به‌صورت جداگانه و در قالب طرح جعبه‌های ایمن دریافت می‌شود. شهروندان پس از دریافت جعبه‌های ایمن توسط عوامل خدمات شهری می‌توانند پسماندهای ویژه خود از قبیل تیغ، سر سرنگ، لانست قند خون و... را به ۴۵۵غرفه بازیافت موجود در سطح شهر تهران ارائه دهند.

مهدی صالحی
شهردار منطقه ۲

کنشگران محیط‌زیست به مناسبت هفته «نه به پلاستیک»، به‌صورت داوطلبانه بخشی از رودخانه فرحزاد را از زباله‌های رها شده در طبیعت پاکسازی کردند. طرح ساماندهی این رودخانه از ۶ماه گذشته در دستور کار قرار دارد. دره فرحزاد به اکو پارک و یک فضای گردشگری عمومی تبدیل می‌شود و در فاز اول برای این منظور جمع‌آوری معتادان متجاهر، استقرار کانکس پلیس و تامین روشنایی با نصب برج نوری در حال انجام است.

خبر

جشنواره مد ایرانی اسلامی در بهشت مادران

جشنواره مد ایرانی اسلامی با عنوان «ماه شو» و با شعار «سرزمین نجیبان و شریفان» از ۲۴تا ۲۶ تیرماه در بوستان بهشت مادران برگزار می‌شود. سیدمحمدحسین حجازی، مدیرعامل شرکت نوسازی اراضی عباس آباد با بیان این خبر گفت: «عرضه محصولات حجاب و عفاف ایرانی اسلامی، کارگاه‌های آموزشی و هنری، طراحی لباس کودک و نوجوان و... ازجمله برنامه‌های این جشنواره هستند. علاقه‌مندان می‌توانند جمعه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ و روزهای شنبه و یکشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۴ به بزرگراه شهید حقانی (جنوب به شمال) بعد از بزرگراه شهید سلیمانی مراجعه کنند.»

استقرار پایگاه‌های خدمات اجتماعی در بهشت زهرا(س)

در نشستی مشترک با سازمان بهشت زهرا(س)، راه‌اندازی پایگاه خدمات اجتماعی جهت استقرار در آرامستان بهشت زهرا و حرم مطهر امام راحل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. احمد احمدی صدر، مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران با بیان این مطلب گفت: ناوگان گشت فوریت‌های خدمات اجتماعی به‌صورت طرح ضربتی از کلونی‌های آسیب کلانشهر بازدید خواهد کرد.

عکس خبر

دیدار شهردار تهران و امام جمعه شهرری

ظهر دیروز علیرضا زاکانی، شهردار تهران با حجت‌الاسلام سیدعلی شاهچراغی، امام‌جمعه ری دیدار کرد و در خصوص موضوعات مولدسازی مناطق اقتصادی و حل معضل و گره‌های ساخت‌وساز در ری، ایجاد تسهیلات در مسیر بازسازی مساجد، طرح عمرانی پارکینگ ضلع جنوبی حرم عبدالعظیم حسنی(ع)، تعیین تکلیف نهایی ایوان ری و بیمارستان فیروزآبادی گفت‌وگو و تبادل نظر کردند. شهردار تهران در این دیدار با اشاره به افزایش و تسریع رسیدگی به پرونده ها در کمیسیون ماده ۵ در این دوره از مدیریت شهری گفت: «کمیسیون ماده ۵ این دوره از مدیریت شهری با دوره پیشین تفاوت اساسی کرده و تا به امروز ۱۷ تغییر پهنه از جمله خیابان قزوین در این کمیسیون به تصویب رسیده است.» در ادامه نیز حجت الاسلام قاضی عسگر پیرامون موضوعاتی از جمله پارکینگ طبقاتی حرم عبدالعظیم حسنی(ع)، احداث و تامین بیمارستان، احداث مهمانسرا و هتل های ارزان قیمت در ری و پیش‌بینی اردوهای یک روزه برای معرفی ظرفیت های ری به بیان نظرات و پیشنهادات خود پرداخت.

چهره روز

طبقه حساس

میرهاشم موسوی، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: هم‌اکنون ۴۵میلیون نفر بیمه شده مستقیم و غیرمستقیم با تأمین اجتماعی طرف حساب هستند و ۵۳درصد جمعیت کشور تحت پوشش بیمه تامین‌اجتماعی قرار دارند. در این میان، سازمان تأمین اجتماعی ۱۸خدمت از جمله مستمری بیکاری، از کارافتادگی، درمان و... را ارائه می‌دهد که اغلب آنها مسئولیت‌های سنگینی محسوب می‌شود. در مقابل این جامعه بزرگ ذینفعان و تعهدات سنگینی که برای سازمان تأمین اجتماعی برشمرده شده، این سازمان اموال و دارایی‌های بسیار قابل‌توجه در شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) دارد که اصل آن متعلق به کارگران، کارفرمایان و بازنشستگان است و قبلاً بخشی از حقوق خود را در قالب حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته‌اند و به‌گفته موسوی، این دارایی‌ها حق‌الناس به شمار می‌رود. بر این اساس می‌توان گفت خدمات ارائه شده به کارگران، کارفرمایان و بازنشستگان از سوی سازمان تأمین اجتماعی نیز همگی تحت عنوان همین سازوکار و براساس حق بیمه پرداختی تعریف شده‌اند و تغییر در کیفیت این خدمات نیز تضییع حق‌الناس قلمداد می‌شود. با توجه به بزرگی جامعه ذینفعان سازمان تأمین اجتماعی و اثرگذاری تصمیمات در این حوزه بر بخشی بزرگ از جمعیت کشور، می‌توان برآورد کرد که اتفاقاتی نظیر افزایش ۱۰درصدی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی آن‌هم از محل اندوخته ۳۰سال خدمتشان چه اتفاق نامبارک و دردآوری است. با این حساب، بهتر است در دولت و سازمان تأمین اجتماعی، تمهیدات اساسی و سریع برای اصلاح مصوبه غیرقانونی افزایش ۱۰درصدی حقوق بازنشستگان این سازمان اندیشیده شود تا هم‌وغم بیش از نیمی از جمعیت کشور کاهش یابد.

نقد خبر

درک اشتباه از بورس کالا

خبر: محسن علیزاده، عضو ناظر مجلس در شورای بورس در توییتی نوشت: شورای بورس به طرح عرضه خودرو در بورس کالا، با هماهنگی وزارت صمت رأی مثبت داد.

نقد: عرضه خودرو در بورس کالا در ماه‌های اخیر بحث‌برانگیز بوده است. در ابتدای خرداد ماه قرار بود محصولات شرکت‌های خودروساز در این بورس عرضه شود اما ۱۸ خرداد ماه به‌دلیل مخالفت وزارت صنعت این برنامه لغو شد. استدلال وزارت صنعت این بود که تعیین قیمت خودروها بر عهده این وزارتخانه است. این عرضه در شرایطی لغو شد که شواهد نشان می‌دهد هنوز درک صحیحی از عملکرد بورس کالا در ساختار اقتصاد ایران شکل نگرفته است. ضمن اینکه موضوع قیمت‌گذاری به یک پدیده جذاب برای همه تبدیل شده که سازمان‌ها اغلب عملکرد خود را با این معیار می‌سنجند در حالی که مکانیزم‌های بازار سرمایه به‌گونه‌ای تعریف شده که تناسبی با قیمت‌گذاری ندارد و قیمت در آن فقط کشف می‌شود. ضمن اینکه برخی با اشتباه برداشت تصور می‌کنند قرار است خودرو به‌صورت فیزیکی در بورس کالا عرضه شود، در حالی که بورس کالا اساسا چنین ابزاری در اختیار ندارد و طبق برنامه‌ریزی قرار بود اوراق گواهی و اوراق سلف خودرو در بورس عرضه تا منابع مالی مورد نیاز خودروسازان نیز به سرعت تامین شود و اتفاقا این همان چیزی است که وزارت صنعت نیز از آن نفع می‌برد.

نورافکن شفافیت در حوزه املاک و مستغلات روشن می‌شود

چراغ سبز دولت به ساماندهی بازار مسکن و اجاره

مسکن

هیأت دولت بسته پیشنهادی ساماندهی بازار مسکن و اجاره‌بها را با هدف حمایت از مستأجران و تشویق موجران قانون‌مدار به تصویب رساند؛ نقطه عطف این بسته، مشروط کردن هرگونه ارائه خدمات به متقاضیان فروش و اجاره ملک به ثبت اطلاعات طرفین در سامانه ملی املاک و اسکان و موظف شدن مشاوران املاک به اخذ کد رهگیری براساس اطلاعات اقامتگاه ثبت شده در این سامانه است که عملاً نورافکن شفافیت را در حوزه املاک و مستغلات روشن می‌کند.

به گزارش همشهری، وجود یک بانک اطلاعاتی جامع و شفاف در هر مبحثی، دست سیاستگذار را برای اطلاع از مناسبات آن مبحث یا اصلاح ساختار و ساماندهی آن باز می‌کند؛ اما در حوزه املاک و مستغلات و به‌خصوص بازارهای مسکن و اجاره، وجود این بانک اطلاعاتی باوجود تلاش‌های مکرر متولیان و قانونگذاران محقق نشده و به همین مناسبات امکان اجرای درست سیاست‌های تشویقی، حمایتی و تعزیری محدود شده است. در بسته پیشنهادی وزارت راه و شهرسازی برای ساماندهی بازارهای مسکن و اجاره که به تأیید و تصویب هیأت وزیران رسیده است، موانع ایجاد این بانک اطلاعاتی رفع شده و با فرض اجرای درست این بسته سیاستی، می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ای نزدیک، احتمال وقوع بسیاری از کژرفتاری‌ها در بازار مسکن و اجاره از بین می‌رود.

بسته مسکنی با تمرکز بر اجاره

هیأت وزیران در جلسه صبح دیروز به ریاست سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری، با هدف ساماندهی بازار مسکن و اجاره‌بها، حمایت از مستأجران و تشویق موجران قانون‌مدار و با توجه به‌ضرورت تکمیل و به‌روزرسانی اطلاعات سامانه ملی املاک و اسکان کشور، بسته پیشنهادی وزارت راه و شهرسازی را به تصویب رساند. از رئوس بسته مصوب هیأت وزیران درخصوص ساماندهی بازار مسکن و اجاره‌بها می‌توان به پرداخت تسهیلات کمک ودیعه مسکن، ایجاد مشوق برای موجران، نرخ‌گذاری خدمات مشاوران املاک و ارتقای توان فنی و تخصصی آنها و کمک به تکمیل و تحویل پروژه‌های نیمه‌تمام مسکن (خصوصی و حمایتی) اشاره کرد.

چکش کاری وام ودیعه مسکن

براساس بسته پیشنهادی وزارت راه و شهرسازی که به تصویب دولت رسید، بانک مرکزی موظف است با اعلام وزارت راه و شهرسازی و مطابق با ضوابط مربوط و در حدود اعتبارات مصوب، امکان پرداخت تسهیلات کمک ودیعه مسکن به مستأجران را در هرسال فراهم آورد. بانک مرکزی همچنین موظف است شرایطی را فراهم آورد که درصورت درخواست مستأجر، وی بتواند در چارچوب قوانین و مقررات مربوط، اصل تسهیلات را در سررسید مقرر بازپرداخت نماید و در بازه زمانی دریافت تسهیلات تا بازپرداخت آن صرفاً سود تسهیلات را به‌صورت ماهانه به بانک پرداخت کند. اقساط پرداختی بابت سود تسهیلات درصورت تغییر سقف زمانی بازپرداخت اصل آن در سال‌های آتی قابل تعدیل بوده و درصورت درخواست مستأجر سقف زمانی بازپرداخت برای یک سال تمدید می‌شود و با تشخیص بانک برای سال‌های آتی نیز قابل تمدید خواهد بود.

به گزارش همشهری، اولویت دریافت تسهیلات موضوع این ماده، خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی، زنان سرپرست خانواده، خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، زوج‌های جوان و خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی هستند که حسب مورد متناسب با وضعیت هر یک از گروه‌های مذکور، توسط وزارت راه و شهرسازی از طریق سامانه طرح‌های حمایتی مسکن، پس از اخذ کد رهگیری و ثبت در سامانه به بانک‌های عامل معرفی می‌شوند.

معیارهای تشویق موجران

طبق مصوبه دولت، وزارت راه و شهرسازی مکلف است با همکاری بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی بسته‌های پیشنهادی مشتمل بر مفاد تشویقی از قبیل پرداخت تسهیلات جعاله مسکن و مشوق‌های مالیاتی را برای موجرانی که واجد یکی از دو شرط «تعیین اجاره‌بها حداکثر به میزان سقف مصوبه شورای‌عالی» یا «انعقاد قرارداد اجاره برای زمان بیش از یک سال با رعایت میزان افزایش اجاره‌بها براساس مصوبه شورای‌عالی برای سال‌های دوم به بعد» را داشته باشند، تهیه و جهت طی مراحل قانونی به مراجع ذیصلاح ارسال کنند. با ابلاغ و اجرای این بسته سیاستی، موجرانی که شروط مصوبه را رعایت کنند، برای دریافت تسهیلات مرتبط با تعمیر یا نوسازی مسکن از مشوق برخوردار می‌شوند و از این طریق دولت می‌کوشد تا هزینه متعادل‌سازی قیمت اجاره را برای این موجران جبران کند.

ساماندهی مشاوران و معاملات املاک

یکی از نکات برجسته در بسته پیشنهادی وزارت راه و شهرسازی به نظام‌مند کردن معاملات حوزه مسکن از طریق ساماندهی و کنترل مشاوران املاک و ملزم کردن خدمات به ثبت اطلاعات طرفین معامله در بانک اطلاعاتی حوزه مسکن است. براساس مصوبه دولت، هرگونه ارائه خدمات به متقاضیان فروش و اجاره ملک پس از ثبت اطلاعات طرفین در سامانه امکان‌پذیر است و مشاوران املاک موظف‌اند براساس اطلاعات اقامتگاه ثبت شده در سامانه، نسبت به اخذ کد رهگیری از سامانه معاملات اقدام نمایند. در راستای اجرای ماده (۱۸) قانون جهش تولید مسکن، مشاوران املاکی که بدون اخذ کد رهگیری نسبت به انجام معاملات خریدوفروش و یا اجاره اقدام نمایند، حسب مورد مشمول مجازات تخلفات مقرر در قانون نظام صنفی و قانون مالیات‌های مستقیم می‌شوند. نقطه‌ضعف این بند از مصوبه این است که این مجازات با قوانین فعلی نیز وجود دارد اما هیچ‌گاه نتوانسته مانع بروز تخلفات گسترده در دریافت حق کمیسیون و صادر نکردن کد رهگیری شود از این‌رو، وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان متولی جدیدی سامانه املاک و مستغلات، باید ضمانت اجرای قوی‌تری برای رعایت قوانین مرتبط به حق کمیسیون و صدور کد رهگیری فراهم کند.

براساس مصوبه جدید دولت، نرخ خدمات مشاوران املاک برای خریدوفروش ملک بر مبنای درصدی از ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم، با رعایت تبصره‌های ذیل آن و برای امور اجاره ملک بر مبنای درصدی از ارزش اجاری (موضوع ماده (۵۴) قانون مالیات‌های مستقیم) براساس قانون نظام صنفی تعیین می‌شود و کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است در اجرای ماده (۵۱) قانون نظام صنفی، نرخ‌های مورد عمل صنف مشاوران املاک را ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ این مصوبه اصلاح کند.

نکته اینجاست که حق‌الزحمه مربوط به هر یک از خدمات مشاوران املاک توسط سامانه معاملات محاسبه و در قراردادها و مبایعه‌نامه‌ها چاپ می‌شود و مشاوران املاک موظف‌اند حق‌الزحمه را صرفاً براساس مبلغ محاسبه شده توسط سامانه معاملات و به‌وسیله دستگاه‌های کارت‌خوان متصل به سازمان امور مالیاتی اخذ کنند. همچنین در راستای عمل به تکلیف قانونی مندرج در ماده (۱۸) قانون جهش تولید مسکن، وزارت راه و شهرسازی مکلف است ظرف مدت سه ماه با همکاری سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور امکان دسترسی و اخذ کد رهگیری توسط عموم مردم از سامانه معاملات را به‌صورت مستقیم فراهم کند.

فشار به تکمیل مسکن نیمه تمام

در مصوبه جدید دولت تأکید شده است که در جهت افزایش عرضه واحدهای مسکونی و به‌منظور تعیین تکلیف، تکمیل و تحویل واحدهای مسکن مهر و نهضت ملی مسکن با پیشرفت فیزیکی ۸۰درصد و بالا که فاقد انشعاب و کنتور آب، برق، گاز و فاضلاب هستند وزارتخانه‌های نیرو و نفت مکلف هستند ضمن عمل به تعهدات پیشین خود درخصوص احداث خطوط انتقال آب، برق و گاز و نیز نصب انشعابات و شمارشگر (کنتور)، ترتیبی اتخاذ کنند تا دستگاه‌های خدمت‌رسان ذیربط پس از تصویب این مصوبه، عملیات اجرایی را به‌منظور خدمت‌رسانی به طرح‌های مسکن مهر و نهضت ملی مسکن مذکور، آغاز و متناسب با امکانات در اختیار ایشان، حداکثر ظرف مدت ۶ ماه به‌صورتی به پایان برسانند که انشعابات متصل و قابل بهره‌برداری باشد.

گزارش

رشد تولیدات صنعتی در خرداد ماه

طبق گزارش پژوهشکده بانک مرکزی شاخص تولیدات صنعتی در آخرین ماه فصل بهار ۲/۶درصد رشد کرد

پژوهشکده پولی و بانکی با انتشار گزارش ماهانه تولیدات صنعتی شرکت‌های بورس از رشد ۲,۶درصدی تولیدات صنعتی در خرداد ماه خبر داد. طبق این گزارش رشد قابل توجه تولیدات شرکت‌های خودروسازی و صنایع شیمیایی اصلی‌ترین عامل افزایش تولیدات صنعتی در خردادماه بوده است.

به گزارش همشهری، آمارها نشان می‌دهد شیب نمودار شاخص تولیدات صنعتی شرکت‌های بورس از ابتدای سال قبل نزولی و این روند نزولی حتی به منفی شدن تولید از اواخر سال قبل تا فروردین ماه امسال منجر شده بود، اما تازه‌ترین گزارش پژوهشکده پولی و بانکی نشان می‌دهد این روند از اردیبهشت ماه متوقف و در خرداد ماه با رشد قابل توجهی مواجه شده است. گزارش میزان رشد تولیدات صنعتی شرکت‌های بورس از این جهت اهمیت دارد که هم‌اکنون بیش از ۲۸۰شرکت صنعتی پذیرفته شده در بازار سهام که به‌صورت ماهانه گزارش تولید خود را منتشر می‌کنند بیش از نیمی از تولید کشور را در اختیار دارند. بنابراین با بررسی آمار این شرکت‌ها می‌توان تغییرات تولیدات صنعتی کشور را رصد کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد داده‌های این شاخص همراستا با شاخص تولید صنعتی کل کشور است.

رشد ۲/۶درصدی

طبق گزارش پژوهشکده پولی و بانکی که هر ماه به‌طور متناوب منتشر می‌شود، روند صعودی شاخص تولیدات صنعتی که از اردیبهشت ماه آغاز شده در خردادماه نیز ادامه یافته و رشد این شاخص به ۲,۶درصد رسیده است.

رشد قابل توجه تولید در شرکت‌های خودروسازی و محصولات شیمیایی که عمدتا شامل شرکت‌های تولیدکننده محصولات پتروشیمی هستند عامل مهمی در رشد شاخص تولیدات صنعتی بوده است. آمارها بیانگر آن است که شاخص تولید صنعت خودروسازی در خرداد ماه ۱۸درصد رشد کرده است. همچنین صنایعی از جمله ماشین‌آلات و تجهیزات، منسوجات و لاستیک و پلاستیک هم با رشد قابل توجه تولید مواجه شده‌اند. روند تولید در گروه فلزات اساسی و داروسازی هم افزایشی بوده اما صنایعی همچون فراورده‌های نفتی، محصولات فلزی، دستگاه‌های برقی، کانی غیرفلزی، صنایع غذایی و محصولات کاغذی همچنان با افت تولید مواجه‌اند.

برآورد تداوم رشد

پژوهشکده پولی و بانکی همچنین برآورد کرده رشد تولیدات صنعتی ایران در ماه‌های آینده نیز ادامه یابد. استناد این پژوهشکده به کاهش موجودی انبار شرکت‌های صنعتی است که در خرداد ماه شتاب بیشتری گرفته است. به‌طور کلی زمانی که میزان فروش شرکت‌ها از تولیداتشان پیشی می‌گیرد موجودی انبار آنها کاهش می‌یابد و این آمار می‌تواند نشانه مثبتی برای تداوم رشد محصولات صنعتی در ماه‌های آینده باشد.

آمارها نشان می‌دهد در خردادماه امسال رشد فروش شرکت‌ها بیشتر از رشد تولیدشان بوده و همین موضوع باعث کاهش قابل توجه موجودی انبار شرکت‌های صنعتی شده است. این کاهش قابل توجه در موجودی انبار همزمان با رشد مثبت تولید صنعتی بوده و نشان از این دارد که تقاضا برای محصولات صنعتی افزایش قابل توجهی داشته است. بنابر این می‌توان گفت اگر در ماه‌های آینده موانع جدی در سمت عرضه تولیدات صنعتی مانند محدودیت در تامین خوراک و انرژی واحدهای تولیدی اتفاق نیفتد روند رو به رشد تولید در ماه‌های آینده ادامه خواهد یافت.

افزایش سودآوری شرکت‌های بورس

پژوهشکده پولی و بانکی همچنین در ادامه گزارش خود از افزایش روند سودآوری شرکت‌های بورس طبق تازه‌ترین صورت‌های مالی منتشر شده شرکت‌ها در بورس خبر داده و اعلام کرده است: سود اسمی ۴۸۴شرکت بورس در سال ۱۴۰۰ معادل ۴۳درصد بیشتر از سال قبل بوده است.

صنعت محصولات شیمیایی و فلزات اساسی که صادرات محور هستند به‌ترتیب با ۵۳ و ۵۲,۳درصد رشد بیشترین رشد سودآوری در بین صنایع را داشته‌اند. همچنین در بین مهم‌ترین صنایع کشور شرکت‌های خودروسازی بدترین وضع را از نظر سودآوری داشته‌اند، به‌طوری که مجموع زیان ایجاد شده این صنعت در سال مالی ۱۴۰۰ معادل ۳۰درصد بیشتر از سال قبل بوده است. به جز صنعت خودروسازی، تنها صنعتی که مجموع سودهای آن نسبت به سال قبل کمتر بوده است، صنعت محصولات غذایی است که سود تجمیعی آن در سال ۱۴۰۰ حدود ۱,۴درصد کمتر از سال قبل بوده است. صنعت محصولات دارویی که در ۶ماه و ۹ماه ۱۴۰۰ رشد اسمی سودش کمتر از تورم بود، در گزارش ۱۲ماهه وضعیت بهتری پیدا کرد و به رشد بالای ۴۰درصد نسبت به‌مدت مشابه سال قبل رسید. از طرف دیگر صنعت فراورده‌های نفتی که در دوره‌های ۶و ۹ماه رشد قابل توجه ۸۸و ۶۶,۴ درصدی را رقم زده بود در ۱۲ ماهه ۱۴۰۰ فقط توانست ۲۹,۳درصد بیشتر از سال قبل سود کند.

نرخ رشد تولید صنایع در خرداد ماه امسال – ارقام به درصد

صنعت	اردیبهشت	خرداد
خودروسازی	۷,۳	۱۸
ماشین‌آلات و تجهیزات	۲۱,۷	۱۶,۵
منسوجات	۰,۷	۶,۴
لاستیک و پلاستیک	۲,۷	۵,۸
فلزات اساسی	۱,۷	۴,۳
داروسازی	۴,۱	۲,۵
صنایع شیمیایی	-۱,۹	۱,۹
فراورده‌های نفتی	-۱۱,۱	-۲,۹
محصولات فلزی	۵,۵	-۵,۵
دستگاه‌های برقی	۴,۲	-۸,۲
کانی غیرفلزی	-۲,۳	-۹
صنایع غذایی	-۱۹,۸	-۱۵,۶
محصولات کاغذی	-۱۳	-۱۸,۹

ضریب فزاینده نقدینگی از رکورد تاریخی عقب نشست

بانک‌های تورم‌ساز زیر ذره‌بین بانک مرکزی

بانک

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد ضریب فزاینده نقدینگی از رکورد تاریخی اسفند سال گذشته با ۳,۹درصد کاهش، روندی نزولی را در پایان اردیبهشت امسال تجربه کرده و از عدد ۸ در اسفند پارسال به ۷,۷ در اردیبهشت رسیده است که نشان از تلاش مؤثر سیاستگذار پولی در کنترل ترازنامه بانک‌ها با هدف جلوگیری از سرعت گرفتن تورم دارد.

به گزارش همشهری، ضریب فزاینده نقدینگی، نسبت حجم نقدینگی به پایه پولی را نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر پایه پولی ۶۴۳هزار میلیارد تومانی اردیبهشت امسال با ۷,۶۸۶برابر به شکل‌گیری نقدینگی به میزان ۴۹۴۳هزار میلیارد تومان منجر شده است. بانک مرکزی تلاش دارد تا جلوی فعالیت بانک‌های ناتراز و تورم‌ساز را بگیرد. ۲۴شهریور سال گذشته بود که اکبر کمیجانی، رئیس کل وقت بانک مرکزی اعلام کرد بانک‌ها باید کنترل رشد ترازنامه خود را جدی بگیرند چرا که این امر در بلندمدت بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون نقدینگی و تورم اثرگذار خواهند بود.

علی صالح‌آبادی، رئیس کل بانک مرکزی در دولت سیزدهم نیز همین سیاست ضدتورمی را در مسیر کنترل ترازنامه بانک‌ها ادامه داد. براساس تصمیم اخیر سیاستگذار پولی، سقف رشد ترازنامه بانک‌ها متناسب با میزان استانداردهای بانکی در دامنه ۱,۵ تا ۲,۵درصد تعیین و قرار شد بانک‌هایی که این حدود و خطوط قرمز پولی را رعایت نکنند، مشمول پرداخت سپرده قانونی شوند.

به این ترتیب اگر بانکی با خلق اعتبار و تزریق نقدینگی بیشتر به بسط ترازنامه خود اقدام کند، بانک مرکزی نرخ سپرده قانونی آن بانک را افزایش می‌دهد و عملا با این کار جلوی خلق نقدینگی و ضریب فزاینده آن را می‌گیرد. عقب‌نشینی ضریب فزاینده نقدینگی در ۲ماه نخست امسال نشان می‌دهد سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها جواب داده و باید انتظار داشت که روند کاهنده تبدیل پایه پولی به نقدینگی در دولت سیزدهم ادامه یابد و ضریب فزاینده نقدینگی در کوتاه‌مدت به ۷ برسد.

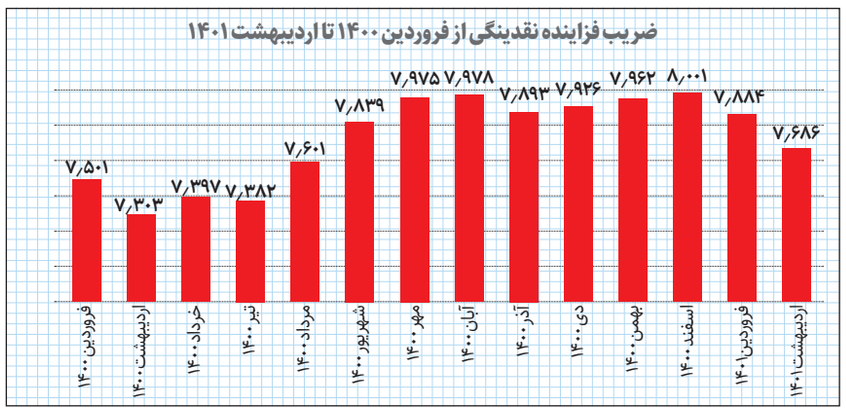

کنترل نقدینگی یا هدایت اعتبار؟

ریشه تورم در ایران عمدتا ناشی از کسری بودجه شدید دولت و استقراض از بانک مرکزی و همچنین فعالیت بانک‌های ضعیف در ایجاد تعهد و خلق اعتبار است. در چنین شرایطی کنترل نقدینگی به‌عنوان یک ضرورت و سپر ضدتورمی، با هدف‌گذاری تیم اقتصادی دولت مبنی‌بر هدایت نقدینگی و اعتبارات بانکی، این شائبه را مطرح می‌سازد که در صورت خطای تصمیم‌گیری، این هدایت اعتبار به انحراف پولی منجر خواهد شد.

سبقت رشد نقدینگی در رشد اقتصادی در ایران سابقه طولانی دارد و به هر میزان که بر ضریب فزاینده نقدینگی افزوده شود، به این معناست که تردمیل پولی روی سرعت بالا حرکت می‌کند که در چنین وضعیت امکان افتادن فعالیت‌های اقتصادی از روی آن بیشتر می‌شود. حالا به‌نظر دولت و بانک مرکزی سیاست کاهش سرعت تردمیل را در اولویت خود قرار داده‌اند و می‌کوشند تا نرخ رشد نقدینگی را در گام نخست به زیر ۲۵درصد کاهش دهند. البته این سیاست انقباضی پولی می‌تواند موتور رشد اقتصاد وابسته به تزریق هرچه بیشتر نقدینگی را کندتر سازد اما از آنجا که سیاست دولت مهار تورم است، در کوتاه‌مدت افت شاخص رشد اقتصادی قابل دفاع است، هرچند که انتظار کاهش بیشتر تورم با سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها نمی‌تواند اتفاق بیفتد مگر اینکه بانک مرکزی همانند دیگر بانک‌های مرکزی برای مهار تورم سیاست افزایش نرخ بهره را زودتر اجرایی کند. ضریب فزاینده نقدینگی در پاییز امسال به ۸ رسید و رکورد ۱۰ساله را شکست. این افزایش می‌تواند در شرایطی خاص برای اقتصاد خطرناک باشد و به رشد خارج از کنترل نقدینگی منجر شود.

پیام اضطراری از اتاق فرمان پولی

آبان سال گذشته بود که ضریب فزاینده پولی به بالاترین میزان خود در یک‌دهه اخیر رسید و یک پیام اضطراری از اتاق فرمان پولی را به سیاستگذاران اقتصادی دولت مخابره کرد که باید زودتر جلوی این روند مخرب گرفته شود؛ چرا که با این سرعت رشد قیمت کالاها و کاهش قدرت خرید مردم قطعی خواهد بود.

تسلیت

درگذشت بزرگ خاندان **جلوه خانم یغمایی** بانوی مهربان، نیکوکار و خیر را خدمت سرکار خانم فریده و مهندس منصور یغمایی، سرکار خانم فرشید و دکتر سعید یغمایی، سرکار خانم نازلی و مهندس عبدالرضا یغمایی و خانواده های محترم یغمایی و فامیل وابسته تسلیت عرض می نماییم.

گروه فنی بازرگانی سازبُرگ

فریده خانم و مهندس منصور یغمایی، فرشید خانم و دکتر سعید یغمایی

برای درگذشت بزرگ خاندانمان **جلوه خانم یغمایی** عمه مهربان ما، همدردی خود را با شما عزیزان ابراز می نماییم.

نازلی و عبدالرضا یغمایی

سرکار خانم فرشید شهابی و جناب آقای دکتر سعید یغمایی، جناب آقای مهندس منصور یغمایی و سرکار خانم فریده یغمایی و خانواده‌های محترم یغمایی و فامیل وابسته

برای درگذشت بزرگ خاندان شما **جلوه خانم یغمایی**، همدردی خود را با شما عزیزان ابراز می نماییم.

لی لی دژم تباه، نلی، نیکی، کامران و ناصر

درگذشت بزرگ خاندان **جلوه خانم یغمایی** بانوی مهربان، نیکوکار و خیر را خدمت سرکار خانم فریده و مهندس منصور یغمایی، سرکار خانم فرشید و دکتر سعید یغمایی، سرکار خانم نازلی و مهندس عبدالرضا یغمایی و خانواده های محترم یغمایی و فامیل وابسته تسلیت عرض می نماییم.

شرکت مهندسان مشاور سازه

جشنواره

گوهرشاد؛ جشنواره پوشش اصیل ایرانی

نخستین جشنواره پوشش اصیل ایرانی- اسلامی گوهرشاد تا ۲۹ تیرماه در اراضی عباس‌آباد، کوشک باغ هنر برپاست. به گزارش همشهری، محمدحسن جعفرزاده، دبیر جشنواره ملی گوهرشاد در نشست خبری این جشنواره با اعلام این خبر افزود: این جشنواره در بخش‌های مختلف اعم از: پویش‌ها و مراسم‌های گوهرشاد، نمایشگاه‌های تخصصی گوهرشاد، مسابقات فرهنگی هنری گوهرشاد، بازی‌های حجاب و عفاف گوهرشاد، نشست‌های کارشناسی گوهرشاد و رویداد تجربه‌نگاری و ایده‌پردازی گوهرشاد ۱۸ لغایت ۲۹ تیرماه برگزار می‌شود. دبیر جشنواره ملی گوهرشاد افزود: هدف جشنواره هم‌افزایی فعالیت‌های حلقه‌های میانی و گروه‌های مردمی با حمایت دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلابی از یک سو و شناسایی و تعمیم تجربه‌های موفق و ایده‌های خلاقانه در این عرصه است. جعفرزاده ادامه داد: افتتاحیه نمایشگاه و نشست‌های جشنواره گوهرشاد تهران، شنبه ۲۵ تیرماه در کوشک باغ هنر است، علاقه‌مندان جهت بازدید از نمایشگاه و حضور در نشست‌ها می‌توانند به محل نمایشگاه مراجعه کنند. این مجموعه رویدادها همزمان در ۱۹ کلانشهر دیگر نیز برگزار می‌شود. اختتامیه جشنواره گوهرشاد ۲۹ تیرماه است که با حضور گروه‌های فعال عرصه حجاب و عفاف و مسئولین دستگاه‌های مرتبط برگزار می‌شود. وی افزود: پیام ما در بخش پویش گوهرشاد علاوه بر نشان‌گذاری عفاف و حجاب به‌عنوان زیبایی اصیل، تأکید بر افتخار بودن این پوشش ایرانی اسلامی برای زنان و مردان این سرزمین است. در این ارتباط محتواهای رسانه‌ای تهیه شده که در فضای مجازی با هشتگ #گوهرشاد و #حجاب- من افتخارمن منتشر می‌شود. او ادامه داد: دبیرخانه دائمی این جشنواره تشکیل شده است که علاقه‌مندان جهت ثبت‌نام و ارزیابی در این جشنواره می‌توانند به سایت goharshadevent.ir مراجعه و در این جشنواره شرکت کنند. همچنین از برگزیدگان و برندگان بخش‌های مختلف جشنواره در قالب جایزه ملی گوهرشاد تقدیر خواهد شد.

اکران

شهاب مهدوی؛ روزنامه‌نگار

۴۶هزار مخاطب مهمان سینما در روز حجاب و عفاف

فیلم‌های «هناس» و «بدون قرار قبلی» روز سه‌شنبه رایگان به نمایش درآمدند

ماجرا با توییت وزیر ارشاد آغاز شد. محمدمهدی اسماعیلی در توییتی از رایگان بودن سینماها برای ۲فیلم در روز ۲۱تیرماه برای بانوان و خانواده‌هایشان خبر داد. اسماعیلی در این توییت نوشت: «همزمان با آغاز دهه ولایت و امامت و همچنین سالروز مقاومت غرورآفرین مردمان سرزمینم در پاسداشت هویت ایرانی اسلامی در مسجد گوهرشاد، تماشای ۲فیلم «بدون قرار قبلی» و «هناس» برای تمامی بانوان کشور به همراه خانواده عزیزشان روز ۲۱تیرماه در تمامی سینماهای کشور رایگان خواهد بود. خبر وزیر ارشاد با توضیحات تکمیلی سخنگوی انجمن سینماداران همراه شد؛ اینکه این اکران رایگان تنها مخصوص یک سانس از ساعت ۱۹ تا ۲۱ در سینماهای نمایش‌دهنده این دو فیلم خواهد بود. پس از اعلام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر رایگان‌بودن نمایش ۲ فیلم بدون قرار قبلی و هناس در روز عفاف و حجاب، ۴۶هزار بلیت روز سه‌شنبه این فیلم، در چند دقیقه به فروش رفت؛ چیزی که باعث شد خبرگزاری دولت از آن نتیجه بگیرد معضل گران بودن بلیت در کاهش میزان استقبال از آثار سینمایی، تأثیر بسزایی دارد. براساس گزارش‌های منتشر شده، هناس با ۲۴۰سانس نمایش، ۳۰هزار بلیت فروخت و بدون قرار قبلی نیز در ۱۵۰سانس، ۱۶هزار بلیت به فروش رساند. مقایسه بلیت‌های فروخته‌شده این دو فیلم با ۲ فیلم پرفروش سینماهای کشور نشان می‌دهد که مخاطب تا چه اندازه از این فیلم‌ها استقبال به عمل آورده است.

«تی‌تی» که پرفروش‌ترین فیلم این روزهای سینماهای کشور است، طی روز گذشته، ۵۰۵ سانس نمایش داشت و ۲۰هزار بلیت فروخت؛ یعنی با بیش از ۲برابر سانس نمایش به نسبت هناس، ۱۰هزار بلیت کمتر از این فیلم فروخت. انفرادی، دومین فیلم پرمخاطب سینمای ایران نیز ۵۶۰سانس نمایش داشت و ۲۱هزار بلیت فروخت که مشخص است ضریب اشغال صندلی‌های این فیلم، به‌مراتب کمتر از ۲فیلم هناس و بدون قرار قبلی بوده است.

این برای چندمین‌بار است که تبعات گران بودن بلیت سینماها در استقبال اندک مخاطب از فیلم‌های روی پرده، خود را نشان می‌دهد. ایرنا در ادامه ارائه راهکارهای افزایش استقبال مخاطبان از فیلم‌های در حال نمایش، افزایش روزهای نیم‌بها، اجباری شدن طرح بلیت شناور برای تمامی سینماهای کشور، کاهش ۱۰ تا ۲۰درصدی قیمت بلیت و درنظر گرفتن کدهای تخفیف مخصوص هر سینما را عنوان می‌کند؛ چراکه اصلی‌ترین مانع کاهش ۲۰۰درصدی مخاطب به نسبت زمان نرمال سینما، کیفیت فیلم‌ها نیست، بلکه قیمت ناعادلانه بلیت سینماهاست که برای سال‌جاری تا ۵۰درصد افزایش یافته و تأثیر مستقیمی بر میزان استقبال مخاطب سینما داشته است.

تفاوت استقبال به دلیل بلیت رایگان

۳۰هزار بلیت برای هناس و ۱۶هزار بلیت برای بدون قرار قبلی در سانس ویژه روز حجاب و عفاف به سرعت تمام شد. اما این فیلم‌ها در شرایط عادی چقدر تماشاگر دارند؟ تعداد تماشاگران فیلم هناس در ۷روز آخر اکرانش ۴۶ هزار و ۷نفر بوده است. فیلم بدون قرار قبلی هم در همین بازه زمانی ۲۵هزار و ۱۷نفر مخاطب داشته است. متوسط تماشاگر روزانه این فیلم‌ها هم براساس همین آمار به این شرح است: هناس: ۶ هزار و ۵۷۲ نفر. بدون قرار قبلی: ۳ هزار و ۵۷۱ نفر. این متوسط تعداد تماشاگران این فیلم‌ها در تمام سانس‌های یک روز بوده است؛ درحالی‌که هناس و بدون قرار قبلی در سانس رایگان روز سه‌شنبه با ظرفیت کامل صندلی‌هایشان مخاطب داشته‌اند.

«سلام فرمانده» سرود سال شد

اختتامیه اولین جشنواره سرود فجر با پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار شد

عکس: همشهری/ علیرضا طهماسبی

گزارش

فهیمه پناه آذر
روزنامه‌نگار

اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر با تقدیر از برگزیدگان در بخش‌های مختلف و همچنین تقدیر از حمید شاهنگیان در بخش چهره ماندگار و تقدیر از سرود «سلام فرمانده» در بخش سرود سال به کار خود پایان داد.

اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر، شب گذشته در تالار وحدت برگزار شد. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و غلامرضا سلیمانی، فرمانده بسیج در این مراسم سخنرانی کردند. در این مراسم اهدای جوایز در بخش‌های ایده، شعر، آهنگسازی، تنظیم و همچنین در بخش بین‌الملل و بخش حاج قاسم سلیمانی به برگزیدگان اهدا شد. در این جشنواره که تجربه برگزاری نخستین دوره‌اش است، بیش از ۲هزار و ۵۰۰گروه سرود با حضور ۲۵هزار نفر شرکت کردند و بیش از ۳هزار و ۵۰۰اثر به دبیرخانه ارسال شد که داوران از میان این آثار اسامی برگزیدگان را اعلام کردند. همچنین ۲۱دبیرخانه استانی هم پذیرای این آثار بود. همینطور در بخش بین‌الملل ۶کشور فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و افغانستان با ۵۰اثر در این جشنواره شرکت کردند. در مراسم اختتامیه هم اعلام شد که نزدیک به ۷۰گروه منتخب در یک مسابقه بزرگ تلویزیونی رقابت می‌کنند. در نخستین دوره از این جشنواره ۲بخش تقدیر از چهره ماندگار و سرود سال نیز وجود داشت که در این مراسم از حمید شاهنگیان و سرود سلام فرمانده نیز تقدیر به عمل آمد. از آثار شاهنگیان که به‌عنوان ترانه و سرودهای انقلابی شناخته می‌شود، می‌توان به خمینی ای امام، برخیزید ای شهیدان راه خدا، ۱۳آبان، به پا خیزید، سرباز، جانبازی صبورم و... اشاره کرد.

مصطفی زیبایی‌نژاد، رئیس مرکز آفرینش‌های هنری بسیج و دبیر جشنواره در ابتدای این برنامه ضمن ارائه گزارشی از روند برگزاری اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر بیان کرد: سرود دربرگیرنده ارزش‌ها و پیشینه‌ای است که در دهه اول انقلاب تبدیل به جریان مهمی در عرصه‌های مختلف شد اما در اوایل دهه ۹۰ جهش بسیار زیادی در حوزه سرود به وجود آمد که حتی مورد تقدیر رهبر معظم انقلاب اسلامی هم قرار گرفت.

قرائت پیام تاریخی مقام معظم رهبری درباره رویداد سرود فجر

سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفان نیز در این مراسم با قرائت پیام تاریخی رهبر معظم انقلاب اسلامی به جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر گفت: اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر این افتخار را دارد که مقام معظم رهبری برای این رویداد پیامی را صادر فرمودند و من این افتخار را دارم که به نمایندگی از دست‌اندرکاران جشنواره سرود فجر پیام ایشان را برای شما عزیزان قرائت می‌کنم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به آیین اختتامیه اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر، بر زبده‌گزینی در شعر، صدا و آهنگ در سرودها و انتخاب موضوعات اسلامی، انقلابی و ملی تأکید کردند.

جلوه ناب اتحاد دستگاه‌های فرهنگی درباره سرود

در ادامه مراسم محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم با ابراز خرسندی از قرائت متن پیام مقام معظم رهبری در اختتامیه جشنواره ملی سرود فجر گفت: از تمامی دست‌اندرکارانی که برای برگزاری جشنواره ملی سرود فجر اقدام کردند تشکر ویژه دارم. به اعتقاد من کار بسیار بزرگی در این رویداد صورت گرفته که باید در ابعاد مختلفی روی آن تمرکز کرد.

به هر حال موضوع سرود محصول نهضت اسلامی مردم ایران است و از هنرهایی است که می‌توان از آن به عنوان انحصارات هنری نهضت امام خمینی یاد کرد. نهضت انقلاب اسلامی قطعاً با این شیوه هنری بسیاری از مفاهیم نهضت را منتقل کرده است و شاید اولین سرود جمعی که مورد تشویق قرار گرفت همان سرود خمینی‌ای امام بود که در استقبال از امام راحل در فرودگاه مهرآباد صورت گرفت.

این در حالی است که در تمامی موقعیت‌هایی که علیه رژیم شاهنشاهی وجود داشت یکی از راه‌های رساندن پیام انقلاب همین سرود بود. اسماعیلی با اشاره به تشکیل دفتر سرود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حمایت این مجموعه از هنرمندان و گروه‌های فعال این حوزه با همکاری سازمان بسیج مستضعفان خبر داد و گفت: این هم‌نشینی دستگاه‌های فرهنگی هنری درباره سرود، می‌تواند بهترین دستاورد برای ما در این عرصه باشد. این در حالی است که گروه‌های سرود هم می‌توانند با اخلاصی که دارند در مساجد رشد و نمو پیدا کنند تا به واسطه شاعران، آهنگسازان و خوانندگان پیشکسوت کشورمان به مسیر نورانی و روشنی دست پیدا کنند.

«سلام فرمانده» سرود منتخب سال شد

قدردانی از ابوذر روحی خواننده سرود «سلام فرمانده» بخش بعدی مراسم بود که بر اساس گفته‌های مجری این مراسم سرود نامبرده به‌عنوان سرود برگزیده سال انتخاب شده است.

برگزیدگان

بخش شعر (استاد حمید سبزواری)
- جایزه اول: مهدی استخر برای ترانه گروه سرود «نسیم رحمت» از تهران با اثر «به وقت شهادت»
- جایزه دوم: محمد سعید میرزایی برای ترانه گروه سرود «نسیم بهشت» از اصفهان با اثر «آخرین رویای دنیا»

بخش تنظیم (استاد مجتبی میرزاده)
- جایزه اول: فرهاد کیانی برای تنظیم قطعه گروه سرود «صدای انقلاب» از بوشهر با اثر «سرزمین ما»
- جایزه دوم: مرتضی کیانی برای تنظیم قطعه گروه سرود «آوای باران» از چهارمحال و بختیاری با اثر «مهد سرداران جنگ»

بخش آهنگسازی (جایزه استاد احمدعلی راغب)
- جایزه اول: هادی قاسمی برای آهنگسازی قطعه «گمشدگان سحر» اجرا شده توسط گروه سرود موعود از استان مرکزی
- جایزه دوم: میلاد هارونی برای آهنگسازی قطعه «سرزمین ما» اجرا شده توسط گروه سرود «صدای انقلاب» از استان بوشهر

بخش ایده
- احسان تابنده برای اثر «فصل ها و نسل ها» با همراهی گروه سرود «طاها» از لارستان فارس

بخش بازخوانی
- مهران طهماسبی - گروه سرود «نینوا» از استان چهارمحال و بختیاری با اثر ای شهید»
- ابوالفضل شهنادی - گروه سرود «نغمه عشق» از استان سیستان و بلوچستان با اثر «سرافراز بادا»
- جواد البرزی - گروه سرود «ساقی کوثر» از استان قم با اثر «خاک مهرآیین»
- سجاد نجار حسینی - گروه سرود «میثاق با امام زمان» از اصفهان با اثر آرامش قبل از طوفان

اثر برگزیده بخش بین‌الملل
- اثر «وحدک یا جنوب» اجرا شده توسط گروه «شمس الحریه» از کشور لبنان

پیام رهبری

پیام رهبر معظم انقلاب به اختتامیه جشنواره سرود فجر

موضوعات اسلامی، انقلابی و ملی در سرودها انتخاب شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی پیامی در خصوص آیین اختتامیه اولین جشنواره ملی و بین‌المللی سرود فجر صادر کردند. متن پیام حضرت آیت الله خامنه ای که عصر دیروز (چهارشنبه) در مراسم اختتامیه جشنواره سرود فجر قرائت شد، به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

سرود یکی از ظرفیت‌های هنری گران‌بها برای گسترش ارزش‌های معرفتی و عملی است. ترکیبِ شعر و صدا و آهنگ در اجرای دسته‌جمعی، راز اثرگذاری استثنائی سرودهای مذهبی و ملّی در همه جای جهان است، و بحمدالله ذوق و سلیقه و هنر ایرانی، در این بخش هم توانسته است کشور عزیز ما را در شمارِ سرآمدان قرار دهد. اکنون با تشکر از دست‌اندرکاران ترویج سرود، آنان را به زبده‌گزینی در همه اجزای سه‌گانه یاد شده و نیز پرهیز از دنباله‌روی‌های زیانبار، و نیز به انتخاب موضوعات ارزشی اسلامی و انقلابی و ملّی توصیه می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمت الله
سیّدعلی خامنه‌ای

رخداد

قدردانی از پیشکسوت سرود انقلاب اسلامی

قدردانی از حمید شاهنگیان از آهنگسازان پیشکسوت موسیقی انقلاب در حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مدیران فرهنگی کشورمان بخش دیگر مراسم اختتامیه جشنواره ملی سرود فجر بود. حمید شاهنگیان در این مراسم ضمن قدردانی از درگذشتگان حوزه سرود و موسیقی با موضوع انقلاب اسلامی از جمله مرحوم حسین صبحدل و حمید سبزواری گفت: همه ما مدیون خیلی‌ها هستیم اما این دو عزیز از موثرترین هنرمندانی بودند که درکنارشان بسیار آموختم.

هنرمندان برگزیده بخش شهید حاج قاسم سلیمانی

بعد از صحبت‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حضور فاطمه سلیمانی دختر شهید سردار سلیمانی و رئیس سازمان بسیج مستضعفان گروه سرود «نسیم رحمت» از تهران به سرپرستی قاسمی نسب به عنوان گروه برگزیده انتخاب شد. فاطمه سلیمانی فرزند شهید سلیمانی در این بخش گفت: از همه عزیزانی که محبت کردند با شعر و موسیقی نام و یاد شهید سلیمانی را زنده نگه داشتند ممنونم. به هر حال ادبیات و شعر و موسیقی عناصری هستند در تاریخ می‌مانند. من اینجا از همه عزیزانی که حتی یک بیت شعر برای سرزمین می‌گویند تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانیم هرکدام از ما از آنها قدردانی کنیم.

زخمی که سینما به وحید اسلامی زد

یاد

مراسم نکوداشت روزنامه‌نگار، منتقد و کارگردان فقید سینما وحید اسلامی عصر روز سه‌شنبه ۲۱ تیرماه با حضور مدیران سینمایی، سینماگران و اهالی رسانه در سالن زنده‌یاد عباس کیارستمی بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد. در این مراسم حبیب ایل‌بیگی، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی و از مدیران سابق بنیاد سینمایی فارابی گفت: بی‌رحمی سینما و بی‌رحمی آدم‌هایی که در سینما بودند، زخمی به وحید زد که او نتوانست تحمل کند و همین زخم باعث مرگ او شد. در دوران حضورم در بنیاد سینمایی فارابی شاهد بودم که دوستان او در این بنیاد تا چه حد وحید را دوست داشتند و رفیق او بودند. وحید یکی از اعضای خانواده فارابی بود. ای کاش همیشه در همین بنیاد بود و خبرنگار باقی می‌ماند. وی ادامه داد: رفتارهایی که در آن سال از جشنواره فیلم فجر (که نخستین فیلم به کارگردانی وحید اسلامی به نمایش درآمد) با او صورت گرفت، باعث حال بدش شد. او پس از اینکه سینما را رها کرد به دیار خود بازگشت و همچون ماهی که از دریا به برکه بازگردد، پریشان بود و بالاخره این پریشانی او را با خود برد و ترک دنیا کرد. ایل‌بیگی با اشاره به دوران خوب خبرنگاری وحید اسلامی گفت: وحید اگر خبرنگاری را ادامه داده بود، شاید اکنون در کنار ما بود. متأسفانه حوزه سینما از دور فریبنده است، اما برای خیلی‌ها آن اتفاقی که باید، نمی‌افتد.

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود نوآوران الکترونیک دیبا
درتاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ به شماره ثبت ۸۱۶۷۹
به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۱۳۴۱۶۴

ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت : واردات، صادرات ، تولید ، بازتولید ، مونتاژ ، خرید ، فروش ، خدمات پس از فروش کلیه ماشین های اداری و تجهیزات فروشگاهی الکترونیکی مرتبط با فروش ، حسابداری و انبارداری ، ارائه خدمات طراحی ، مشاوره و اجرای کالاهای صنعتی و الکترونیکی و انواع وسایل توزین دیجیتالی شامل ترازو ،ترازو های هوشمند فروشگاهی و بارکد خوان ، پرینترهای فروشگاهی ،کیبرد و تمامی وسایل مرتبط با آن ، مشارکت و عقد قرارداد با اشخاص حقوقی و حقیقی ، شرکت در کلیه مناقصات و مزایدات ، اخذ وام و تسهیلات ریالی و ارزی از کلیه بانکها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی ، ایجاد و شرکت در کلیه همایشها و سمینارها و نمایشگاه های تخصصی و عمومی در داخل و خارج از کشور درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان رضوی ، شهرستان مشهد ، بخش مرکزی ، شهر مشهد، محله سعدآباد، خیابان سنائی [سناباد ۵] ، میدان صاحب الزمان ، پلاک ۰، مجتمع تجاری مسکونی سرمد ، طبقه اول ، واحد ۱۰۱ کدپستی ۹۱۳۹۶۳۳۹۹۹ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا آقای علی خان محمد به شماره ملی ۰۰۴۷۴۶۲۷۴۴ دارنده ۳۳۳۳۳۳۳۴ ریال سهم الشرکه آقای سید علیرضا فاطمی به شماره ملی ۰۰۵۵۰۲۸۹۶۹ دارنده ۳۳۳۳۳۳۳۳ ریال سهم الشرکه خانم فریبا زارع ایوق به شماره ملی ۰۰۷۶۷۲۶۷۱۱ دارنده ۳۳۳۳۳۳۳۳ ریال سهم الشرکه اعضا هیئت مدیره خانم مهناز تمیمی به شماره ملی ۰۰۱۴۳۰۳۴۶۹ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود آقای علی خان محمد به شماره ملی ۰۰۴۷۴۶۲۷۴۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای سید علیرضا فاطمی به شماره ملی ۰۰۵۵۰۲۸۹۶۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود خانم فریبا زارع ایوق به شماره ملی ۰۰۷۶۷۲۶۷۱۱ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها، عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری و همینطور اسناد مربوط به اتاق بازرگانی،تامین اجتماعی، اداره کل مالیات ، اداره ارزش افزوده، وزارت و سازمان صنعت ، معدن و تجارت ، کلیه گمرکات کشور با امضاء مدیر عامل معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار همشهری جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد
۱۳۵۰۲۲۲

آگهی برگزاری مناقصه عمومی
سازمان اتکا ETKA ORGANIZATION
شرکت کشت و صنعت شادان
از شرکت‌های زیر مجموعه سازمان اتکا در نظر دارد انواع درب آسان بازشو و قوطی فلزی مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا متقاضیان شرکت در مناقصه از تاریخ انتشار آگهی با ارائه مدارک احراز هویت با توجه به شرایط ذیل جهت دریافت اسناد مناقصه مراجعه نمایند.
۱- درب ۱۸۰ گرمی ۳،۰۰۰،۰۰۰ عدد، درب ۸۰۰ گرمی ۳،۰۰۰،۰۰۰ عدد، قوطی ۱۸۰ گرمی ۱،۰۰۰،۰۰۰ عدد
۲- محل دریافت اسناد: تهران - سهروردی شمالی - کوچه نیکوقدم - پلاک ۶ - معاونت بازرگانی تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۹۷۰۶
۳- مهلت دریافت اسناد و تحویل پاکات: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۶ - ۲۵ /۴۰۱
شهرداری منطقه ۱۵ در نظر دارد اجرای عملیات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به بخش خصوصی واگذار نماید. بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

ردیف	شرح و محل انجام عملیات	برآورد هزینه اجرای کار (ریال)	سپرده نقدی یا ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه به ریال	مدت انجام خدمات	نوبت	شرایط متقاضی
۱	خرید مخزن ۱۱۰۰ لیتری فلزی (گالوانیزه) سطح منطقه	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۶ ماه	سوم	-
۲	عملیات نگهداری و تعمیر پلهای عابر پیاده و حفاظ های مربوطه در سطح منطقه	۱۱/۴۸۳/۱۹۶/۴۵۰	۵۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	اول	ارائه گواهینامه تعیین توان فنی و صلاحیت معتبر در رسته تاسیسات و تجهیزات دارای ظرفیت ریالی و سقف مجاز کار از سازمان برنامه و بودجه کشور و ارائه یک نمونه قرارداد مشابه با شهرداری تهران الزامی می باشد

الف) محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات : محل دریافت اسناد امور قراردادها و محل قبول پیشنهادات دبیرخانه شهرداری منطقه ۱۵ واقع در خیابان خاوران نرسیده به میدان بسیج ساختمان شماره دو
ب) شماره حساب : شماره حساب ۱۰۰۴۴۹۳۵۳۱ نزد بانک شهر شعبه سه راه افسریه کد ۲۳۳ به نام شهرداری منطقه ۱۵
پ) ثبت نام در سامانه شهرداری تهران (tehran.ir) الزامی می باشد.
ج) مهلت ارائه اسناد : حداکثر ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی
د) نحوه پرداخت : پرداخت بصورت نقد و غیرنقد می باشد.
بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه می‌باشد.
ضمناً، مشروح شرایط مناقصه در اسناد درج می باشد که شرکت کنندگان باید مدارک را پس از اخذ مهر و امضاء نموده و در پاکت‌های لاک و مهر شده تحویل نمایند. بدیهی است حضور شرکت‌کنندگان و یا نمایندگان قانونی تام‌الاختیار آنان در جلسه مناقصه اختیاری است.
((نظر به استقرار سیستم مدیریت یکپارچه IMS در منطقه ۱۵ تعهد به اجرای ضوابط بهداشت، ایمنی، محیط زیست و کیفیت خدمات از الزامات پروژه‌ها می باشد.)) در صورت مغایرت متن آگهی با اسناد مناقصه، اولویت با اسناد مناقصه می‌باشد.
اسناد مناقصه/ مزایده از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی business.tehran.ir قابل رویت و دریافت می‌باشد.
روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵

همشهری را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید
twitter @hamshahrinews
instagram hamshahrinewspaper
telegram @hamshahrinews

با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

ایستگاه متروی میدان هفت‌تیر نیاز به رسیدگی بیشتری دارد

با توجه به مرکزیت و پر رفت‌وآمد بودن ایستگاه متروی میدان شهدای هفت‌تیر، ضروری است که شرکت مترو نسبت به پاکیزگی و بهسازی این ایستگاه توجه بیشتری داشته باشد. علاوه بر این اضافه کردن صندلی برای این ایستگاه شلوغ و پرتردد هم الزامی است.

عمرانی از تهران

به مشکلات دامداران توجه فوری شود

همسر من و خانواده‌اش به‌صورت خانوادگی و نسل در نسل، دامدار هستند. این روزها برخی از این خانواده‌های دامدار در حدی ورشکست شده‌اند که به نان شب محتاجند. چطور یک دامدار می‌تواند تمام نهاده‌های دامی خودش را به قیمت دلار تهیه کند، اما دامش را به ریال بفروشد. این روزها قیمت یک میش برابر یک گونی جو شده است درحالی که میش برای بزرگ شدن اقلا ۲۰گونی جو می‌خورد. فشار تأمین گوشت روی دوش دامدارهاست که نه راه پس دارن نه راه پیش. همسر من ۳سال پیش با پول دام‌هایش می‌توانست یک خانه بخرد که الان چند میلیارد می‌ارزید اما در این ۲ سال ۳۰۰ میلیون تومان خرج دام‌هایش کرد که اکنون ۲۰۰میلیون تومان هم نمی‌خرند. انصاف نیست کسی که چند سال برای مملکت گوشت تولید کرده حالا برای پول شیرخشک و پوشک نوزاد هم لنگ بماند. بهترین کار این است که مسیر صادرات دام را باز کنند تا شاید قیمت‌ها به تعادل برسد.

دیبایی از فومن

نمایشگاه‌داران عامل ترافیک سی‌متری نیروی هوایی

پارک خودرو نمایشگاه‌داران اتومبیل در خیابان امامت و سی‌متری نیروی هوایی، موجب کندی عبور و مرور و ترافیک شده است. از پلیس و نیروی انتظامی منطقه درخواست رسیدگی به این مشکل را داریم.

کزازی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

بخشی از آبیاری درختان در اتوبان امام علی(ع) هدر می‌رود

در اتوبان امام علی(ع) شمال بخشی از آبیاری مثلا قطره‌ای فضای سبز و درختان به آسفالت خیابان و خودروها می‌پاشد و هدر می‌رود. از مسئولان تقاضا می‌شود در این فصل گرم و بی‌آبی به ساماندهی این موضوعات به ظاهر ساده توجه کنند.

اسدی از تهران

مسیر اصفهان به تهران نیازمند حداقل دو جایگاه سوخت گاز است

یکی از نیازهای جاده‌ای مسیر اصلی اصفهان به تهران از ابتدای میدان جمهوری اسلامی (دروازه تهران) تا فلکه دانشگاه صنعتی اصفهان و ادامه آن تا جایگاه بعدی، احداث حداقل ۲جایگاه سوختگیری گاز طبیعی سی‌ان‌جی در دو طرف این جاده اصلی و قدیمی پرتردد با امکانات لازم است.

محمود بلیغیان از اصفهان

پرداخت حقوق پرسنل سازنده مسکن مهر پردیس با تأخیرهای طولانی

درحالی‌که کارکنان، کارگران و مهندسین رکن اصلی استمرار ساخت‌وساز در انبوه‌سازی هستند، بعضی از پیمانکاران شرکت‌های برج‌ساز و ساخت و سازهای ساختمانی خصوصی و نیمه‌دولتی مسکن مهر در شهرک پردیس تهران حقوق این اقشار را همیشه با تأخیرهای طولانی و گاهی تا ۵ماه دیرتر می‌پردازند. بدتر از آن وقتی قرار به پرداخت می‌شود آن را به‌صورت پراکنده و نامرتب و با مساعده‌های اندک و ناچیز می‌پردازند که باعث ناراحتی و زحمت و بدهکاری بیشتر این پرسنل می‌شود.

چاووشی از پردیس

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

بازارچه شهید احسانی عبدل‌آباد نیازمند آبسردکن است

از مسئولان شهری تقاضا داریم در بازارچه بزرگ شهیداحسانی عبدل‌آباد چند آبسردکن دائمی نصب کنند تا مردم دراین فصل گرم به‌خاطر بی‌آبی اذیت نشوند، بی‌شک شاغلین در این بازار که اغلب دستفروش هستند توان خرید دائمی آب معدنی یا نوشیدنی خنک را ندارند و امکانات برودتی نیز در اختیارشان نیست.

حصینی از تهران

حارث‌آباد نیازمند فضای ورزشی است

حارث‌آباد یکی از نقاط جمعیتی سبزوار و بسیار جوان است اما در کل این محدوده، سالن ورزشی سرپوشیده یا زمین فوتبال نیست که بتواند بخشی از زمان قشر جوان را پر کند. انتظار می‌رود مسئولان برای جلوگیری از مهاجرت، کنترل هیجانات نوجوانان و جوانان، پر کردن اوقات فراغت و ایجاد فضای ورزشی مناسب و سالم نگه‌داشتن فرزندان نسبت به ایجاد فضاهای ورزشی در حارث‌آباد اقدام کنند.

حارثی از اهالی روستا

ثبت‌نام جا ماندگان سهام عدالت رایگان باشد

از افرادی هستم که از ثبت‌نام سهام عدالت جا مانده‌ام. از طرفی به اینترنت هم آشنایی ندارم و مجبور شدم برای ثبت‌نام به یکی از کافی‌نت‌ها مراجعه کنم که ۵۰هزار تومان بابت این کار از من پول گرفتند. این میزان پول برای من بازنشسته و امثال من پول کمی نیست. چرا دولت این کار را به رایگان برای مردم انجام نمی‌دهد؟

حسینی از تهران

لنگه کفش، ماجرای سرقت را لو داد

مرد سیندرلایی، سارق خانه مجیدی

گزارش

لنگه کفشی که سارق دستپاچه در خانه فرهاد مجیدی، مربی سابق استقلال جا گذاشته بود، اسرار این سرقت عجیب را فاش کرد.

به گزارش همشهری، دهم بهمن سال گذشته مأموران پلیس پایتخت در جریان سرقت از خانه فرهاد مجیدی، سرمربی سابق تیم استقلال قرار گرفتند و راهی آنجا شدند.

محل سرقت خانه‌ای ویلایی و دوطبقه بود که در طبقه اول، فرهاد مجیدی و در طبقه دوم، مادرش زندگی می‌کردند. سرقت زمانی رخ داده بود که این فوتبالیست سرشناس به طبقه بالا (خانه مادرش) رفته و هنگام بازگشت به خانه‌اش بود که متوجه دستبرد سارقان شده بود. مأموران متوجه شدند دزدان با تخریب در ورودی وارد خانه شده، اثاثیه را به هم ریخته و گاوصندوق موجود در آنجا را دزدیده بودند. حدود ۷۰هزار درهم، ۲گوشی موبایل، پاسپورت ایران و امارات، ۲ساعت گران‌قیمت، ۲دسته چک که یکی از آنها دسته‌چک ایرانی و دیگری دسته‌چک بانکی در دوبی بود همراه سوئیچ خودروی پورشه اموالی بود که داخل گاوصندوق قرار داشت که همگی سرقت شده بودند. ماموران در ادامه متوجه شدند که دزدان دوربین‌های ورودی ساختمان را تخریب کرده‌اند، اما دوربین‌های خانه‌های اطراف نشان می‌داد که آنها ۳نفر بودند که سوار بر یک دستگاه خودروی پرشیا مقابل خانه فوتبالیست معروف توقف کرده و سپس ۲نفر از آنها درحالی که ماسک به‌صورت داشتند، قفل در را تخریب کرده و وارد آنجا شده‌اند. دزدان حدود ساعت یک بامداد وارد خانه شده و سپس با کمک هم گاوصندوق را از آنجا خارج و سوار بر پرشیا، متواری شده بودند. با این اطلاعات، تیمی از کارآگاهان آگاهی زیرنظر قاضی مرتضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت، وارد عمل شدند تا دزدان را شناسایی کنند. سارقان اما کاملا حرفه‌ای بودند و پلاک ماشینشان را هم مخدوش کرده بودند تا شناسایی نشوند. با این حال کارآگاهان در جریان بررسی‌ها لنگه کفشی پیدا کردند که در حیاط خانه ویلایی افتاده بود و به‌نظر می‌رسید که متعلق به یکی از سارقان است.

چند ماه بعد

هنوز معمای سرقت از خانه فرهاد مجیدی حل نشده بود که چند روز قبل فردی با پلیس تماس گرفت و گفت که اطلاعات مهمی درباره سرقت از خانه فوتبالیست معروف دارد. این فرد سارق سابقه‌داری بود که به‌تازگی از زندان آزاد شده و به‌گفته خودش توبه کرده بود که دیگر سراغ خلاف نرود. او به مأموران گفت: چند روز قبل دوستانم مرا به جایی دعوت کردند که پاتوق سارقان بود. آن شب افرادی که آنجا بودند شروع کردند به خاطره‌گویی. هر کدام از سرقت‌های عجیبی می‌گفتند که مرتکب شده بودند تا اینکه یک نفر از آن جمع که مسعود نام دارد مدعی شد که چند ماه قبل با همدستانش به خانه فرهاد مجیدی دستبرد زده و با پولی که به‌دست آورده‌اند، به کیش سفر کرده و همه این پول را صرف خوشگذرانی کرده‌اند. مسعود گفت که چنان حرفه‌ای این سرقت را انجام داده‌اند که هنوز پلیس نتوانسته آنها را گیر بیندازد و من که ماجرای این سرقت را در روزنامه خوانده بودم، تصمیم گرفتم پلیس را در جریان قرار دهم.

لنگه کفش رازگشا

پس از این تماس، مأموران با اطلاعاتی که از فرد ناشناس به‌دست آورده بودند، راهی مخفیگاه مسعود شدند و او را دستگیر کردند. وی اما دستبرد به خانه فرهاد مجیدی را انکار کرد و گفت: من ماجرای سرقت را در شبکه اجتماعی خوانده بودم و آن شب برای اینکه در جمع دزدان خودنمایی کنم به دروغ گفتم که سرقت را من و دوستانم انجام داده‌ایم.

به‌رغم انکارهای سارق سابقه‌دار، مأموران به تحقیق درباره او پرداختند و متوجه شدند که تخصص وی سرقت از خانه‌ها و او صاحب یک خودروی پرشیاست که درست شبیه همان خودرویی است که در صحنه سرقت از خانه مجیدی حضور داشت. مأموران سراغ این خودرو رفتند و در بازرسی داخل آن، لنگه کفشی را پیدا کردند که لنگه دیگر همان کفشی بود که در خانه فوتبالیست معروف جا مانده بود.

در این شرایط، مسعود چاره‌ای جز اقرار به سرقت ندید و اعتراف کرد که به جز سرقت از مربی سرشناس به چندین خانه دیگر هم دستبرد زده است. در ادامه تحقیقات، یکی از همدستان او نیز بازداشت شد و تلاش برای دستگیری متهمان دیگر ادامه دارد.

چهره دزدان در دوربین مداربسته

گفت‌وگو

خودنمایی، کار دستم داد

سارق خانه فرهاد مجیدی که پس از ۵ماه فرار دستگیر شده، هنوز باور ندارد که خودش باعث شده دستش رو شود. او می‌گوید چند دقیقه بعد از سرقت متوجه شده که به خانه یک مربی سرشناس دستبرد زده‌است.

خانه فرهاد مجیدی را از قبل شناسایی کرده بودید؟

نه اصلا. اتفاقی همدستانم وارد خانه او شدند و من آن شب نقش راننده را بر عهده داشتم.

پس کی متوجه شدید که از خانه یک مربی سرشناس سرقت کرده‌اید؟

پس از آنکه همدستانم گاوصندوق را از خانه فرهاد مجیدی سرقت کردند با من تماس گرفتند. آن شب من وارد خانه فرهاد مجیدی نشدم و داخل ماشین منتظر همدستانم نشسته بودم. آنها از من خواستند مقابل در پشتی بروم و در جابه‌جایی گاوصندوق به آنها کمک کنم. من هم فورا مقابل در پشتی رفتم و به آنها کمک کردم تا گاوصندوق را داخل ماشین قرار بدهیم. خیلی ترسیده بودم و از وحشت اینکه کسی مرا نبیند گاز ماشین را گرفتیم و به سمت شهریار رفتیم. در آنجا با کمک یکدیگر در گاوصندوق را با مهارتی که داشتیم باز کردیم و پس از آنکه محتویات آن را بیرون ریختیم چشم‌مان به پاسپورت فرهاد مجیدی افتاد. تازه آنجا بود که فهمیدیم به خانه مربی سرشناس دستبرد زده‌ایم.

لنگه کفش چطور در محل سرقت جا ماند؟

لنگه کفش متعلق به یکی از همدستانم بود که من اصلا نمی‌دانستم زیر صندلی ماشینم جاگذاشته است. آن شب همدستانم پس از خروج از خانه فرهاد مجیدی سر و صدایی از طبقه دوم شنیدند و از ترس اینکه مبادا صاحبخانه برسد، دستپاچه شدند و هنگام فرار، کفش یکی از آنها از پایش خارج شد. او هم توجهی نکرده و ذهنش فقط متمرکز فرار بود. بعد از اینکه سوار ماشین من شد، ظاهرا یک جفت دمپایی داخل ماشینم بوده که کفش را درآورده و دمپایی به پا کرده بود. از همان موقع لنگه کفش همدستم داخل ماشین جامانده بود.

به جز خانه فرهاد مجیدی، چند مورد سرقت انجام دادید؟

تعدادش را نمی‌دانم، اما تخصص ما سرقت از خانه‌هاست. معمولا در مناطق شرقی پایتخت کار می‌کردیم، اما چون سابقه‌دار بودیم محل سرقت را تغییر دادیم تا شناسایی نشویم؛ به همین دلیل تصمیم گرفته بودیم از شمال و شمال‌غرب تهران سرقت کنیم. بیشترین سرقتی که انجام دادیم از خانه یک پزشک در شمال تهران بود که اموالش حدود ۳میلیارد تومان ارزش داشت.

ظاهرا در جمع عنوان کردی که پس از دستبرد به خانه مربی فوتبال، راهی سفر شده‌اید؟

با فروش اموالی که در جریان سرقت از خانه فرهاد مجیدی دستمان را گرفت، راهی جزیره کیش شدیم و به تفریح پرداختیم. ما سعی می‌کردیم خیلی حرفه‌ای عمل کنیم، اما با دستان خودم، گرفتار شدم و لو رفتم.

شنای مرگبار ۵پسر در حوض

داخلی

۵پسر نوجوان وقتی برای آب تنی وارد حوضی در اطراف زاهدان شده بودند غرق شدند و یک روز بعد خانواده‌هایشان که به‌دنبال آنها بودند، پیکرهای بی‌جان‌شان را کشف کردند.

به گزارش همشهری، این ۵پسر نوجوان شامل ۳برادر به نام‌های محمد، علی و آریا و ۲برادر دیگر به نام‌های عرشیا و مجتبی که بین ۱۲ تا ۱۶سال داشتند، عصر روز سه‌شنبه از خانه‌شان در زاهدان به یکی از روستاهای اطراف به نام سیادت رفتند. این روستا آبگیرها و حوضچه‌های زیادی داشت و خیلی‌ها در گرمای تابستان برای تفریح و شنا به آنجا می‌روند. آن روز هم پسران نوجوان بدون اینکه حرفی درباره مقصد به خانواده‌هایشان زده باشند، راهی روستای سیادت شدند.

آنها در منطقه‌ای دورافتاده، یک حوض انباری که از آب ذخیره شده در آن، برای آبیاری زمین‌های زراعی و مصرف دام‌ها استفاده می‌شود دیدند و تصمیم گرفتند برای نجات از گرمای هوا در آنجا آب‌تنی کنند. شور و غرور دوران نوجوانی آنها را گرفته بود و در شرایطی که از عمق حوض به درستی اطلاع نداشتند، یکی پس از دیگری داخل آن پریدند. در یک چشم به هم زدن ۵پسر نوجوان داخل آب بودند و درحالی که هیچ‌کدام به شنا کردن تسلط کافی نداشتند. عمق حوض از قدشان بیشتر بود. آنها یکی پس از دیگری در حال غرق شدن بودند. هر کدام برای نجات جان خود تلاش می‌کردند اما هرچه در آب دست و پا می‌زدند فایده‌ای نداشت. لحظات هولناکی بود و در شرایطی که ۵پسر نوجوان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند، هیچ‌کس نبود که به آنها کمک کند. این شرایط ادامه پیدا کرد تا این که در نهایت آنچه نباید اتفاق می‌افتاد، رخ داد و هر ۵پسر نوجوان در حوض غرق شدند.

غروب آن روز هیچ‌کس در زاهدان از سرنوشت تلخی که برای این ۵پسر نوجوان رقم خورده اطلاعی نداشت و وقتی هوا رو به تاریکی رفت، خانواده هایشان نگران شدند. اما دلگرم به این بودند که هر ۵نفر با هم هستند و اگر دچار حادثه‌ای شده باشند به یکدیگر کمک می‌کنند. هیچ‌کس پسران نوجوان را ندیده بود و نمی‌دانست آنها کجا رفته‌اند. با تاریک شدن هوا نگرانی‌ها درباره سرنوشت آنها بیشتر از قبل شد. طوری که خانواده هایشان جست‌وجو برای پیدا کردن آنها را آغاز کردند. آنها به شکل تلفنی از دوستان و اقوام و هم محلی‌ها برای پیدا کردن ۵پسر نوجوان کمک می‌خواستند و رفته رفته افراد بیشتری از مفقود شدن شان با خبر می‌شدند اما هیچ‌کس آنها را ندیده بود. آن شب تا صبح نزدیکان پسران گمشده، همه جا را برای پیدا کردن‌شان جست‌وجو کردند اما نتیجه‌ای نداشت.

صبح دیروز (چهارشنبه) خانواده‌ها به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد فرزندان‌شان برای تفریح و آب تنی به حوالی روستای سیادت رفته‌اند. به این ترتیب چند نفر از آنها راهی این روستا شدند. آنها در راه چند هوتک و حوض و استخر کشاورزی پر آب دیدند و از چند روستایی نیز درباره گمشدگان پرس و جو کردند. ساعتی بعد اما وقتی آنها به یک حوض انباری رسیدند با صحنه هولناکی مواجه شدند و پیکر بی‌جان هر ۵پسر نوجوان که در حوض غرق شده بودند را دیدند. هیچ‌کدام صحنه تلخی را که می‌دیدند باور نداشتند اما چیزی که به چشم می‌دیدند واقعیت داشت. آنها بلافاصله پیکر هر ۵نفر را از آب بیرون کشیدند و همزمان از اورژانس کمک خواستند اما دیگر کار از کار گذشته بود و معاینه اولیه نشان می‌داد که ساعت‌ها از جان باختن آنها می‌گذرد. فریبرز راشدی، رئیس مرکز مدیریت حوادث و اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان با اعلام جزئیات این حادثه تلخ گفت: این حادثه ساعت ۷:۲۳دقیقه روز چهارشنبه به مرکز اورژانس زاهدان اعلام شد و دقایقی بعد همکارانم خودشان را به محل حادثه رساندند. در حوض انباری در روستای سیادت اما هر ۵پسر نوجوان جان‌شان را از دست داده بودند. او ادامه داد: آنها هنگام شنا در حوض انبار روستای سیادت زاهدان به‌علت عدم‌آگاهی از عمق حوض انبار و آشنا نبودن به فنون شنا دچار غرق شدگی شده و جان خود را از دست داده بودند. این حوض انبار در خارج از روستا و در منطقه‌ای بیابانی است و هنگام وقوع حادثه هیچ‌کس به جز ۵پسر نوجوان آنجا نبود.

سردسته این باند، مجرمی مخوف بود که سابقه سرقت مسلحانه در چند استان داشت

طناب دار بر گردن دزدان مسلح طلافروشی

۲نفر از اعضای باند سارقان مسلح که مرداد سال گذشته با شلیک گلوله و ایجاد رعب و وحشت، ۸کیلو طلا از یک طلافروشی در کرج سرقت کرده بودند، پس از محکوم شدن به اعدام، به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش همشهری، ظهر ۲۴مرداد سال گذشته یک خودروی سمند مشکی با ۴سرنشین مقابل مغازه طلافروشی در خیابان شهید بهشتی کرج توقف کرد و ۳مرد که ۲نفر از آنها سلاح کلاشنیکف در دست داشتند از ماشین پیاده و وارد طلافروشی شدند. آنها با تهدید صاحب مغازه و شلیک تیر هوایی، شروع به سرقت طلاها کردند. آن روز علاوه بر صاحب طلافروشی، دختر وی نیز در مغازه حضور داشت. سارقان برای ترساندن آنها و مردمی که شاهد حادثه بودند، بی‌محابا شلیک می‌کردند و درحالی که ۸کیلو طلا را داخل یک کیسه بزرگ ریخته بودند، سوار بر سمند مشکی شدند و از محل گریختند. پس از این سرقت، فیلم‌هایی که شاهدان از این حادثه گرفته بودند به سرعت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. این در حالی بود که تیمی از کارآگاهان پلیس به محض اطلاع از ماجرا راهی محل حادثه شدند و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دزدان مسلح شروع شد. در نخستین بررسی‌ها، معلوم شد سمندی که دزدان با آن راهی طلافروشی شده بودند، سرقتی است. مأموران متوجه شدند که اعضای باند سرقت ابتدا به‌عنوان مسافر سوار بر سمند مشکی شده و بعد با تهدید اسلحه آن را سرقت و سپس نقشه سرقت از طلافروشی را عملی کرده بودند. در ادامه تحقیقات، سمند مشکی توسط گشت پلیس راهنمایی و رانندگی شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت اما دزدان کمی بعد این خودرو را رها کردند و این بار با تهدید اسلحه و شلیک تیر هوایی یک پراید را دزدیدند و به فرار خود ادامه دادند. در ادامه معلوم شد که دزدان برای اینکه ردی از خودشان به‌جا نگذارند حدود یک کیلومتر با پراید سرقتی به فرار ادامه داده و بعد با تهدید اسلحه یک سمند دیگر سرقت کرده و خود را به تپه‌های منطقه حصار رسانده بودند. سپس طلاهای سرقتی را به یک خودروی دیگر منتقل کرده و بارها کردن سمند مسروقه در آنجا، متواری شده بودند.

تحقیقات شبانه‌روزی

کارآگاهان پلیس آگاهی استان البرز در جریان تحقیقات تخصصی، بررسی تصاویر دوربین مداربسته و ردگیری خودروی دزدان به سرنخ‌هایی از آنها دست یافتند. بررسی‌ها نشان می‌داد که سارقان مسلح از استان البرز خارج شده و به شهرهای غربی کشور گریخته‌اند. در ادامه رد متهمان در یکی از استان‌ها به‌دست آمد، اما خیلی زود معلوم شد که آنها پس از مدت کوتاهی این استان را ترک کرده و به استان دیگری گریخته‌اند. در جریان ۱۶شبانه‌روز بررسی‌های اطلاعاتی کارآگاهان پلیس که سایه‌به‌سایه در تعقیب سارقان بودند رد متهمان را در ۵استان مختلف شناسایی کردند. آنها در نهایت دریافتند که دزدان به تازگی با ورود به یکی از شهرهای غربی و در ۲نقطه مختلف مخفی شده‌اند. هر دو نقطه تحت محاصره پلیس قرار گرفت، اما در جریان عملیات پلیسی، سردسته باند و یکی از همدستانش که متوجه شده بودند در محاصره پلیس قرار گرفته‌اند دست به اسلحه برده و شروع به تیراندازی به‌سوی مأموران کردند. با این حال دقایقی بعد هر دو سارق هدف گلوله مأموران قرار گرفتند و درحالی که به یکی از آنها ۵گلوله و به دیگری ۳گلوله اصابت کرده بود، دستگیر شدند. این در حالی بود که ۲همدست دیگر آنها نیز در مخفیگاهی دیگر به دام پلیس افتاده و بازداشت شده بودند. با دستگیری اعضای این باند، خریداران طلاهای سرقتی نیز شناسایی و دستگیر شدند و بخشی از طلاها از آنها کشف شد. همچنین سلاح‌هایی که دزدان در جریان سرقت از طلافروشی از آنها استفاده کرده بودند در یک باغ کشف و در ادامه مشخص شد که سردسته این باند یک سارق خطرناک است که سرقت‌های مسلحانه‌ای را در شهرستان‌های شهریار، پاکدشت و شهرستان تفرش استان مرکزی مرتکب شده بود. به گفته حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز، پرونده این باند به‌صورت ویژه در شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی و جرایم خاص کرج تحت رسیدگی قرار گرفت. ۲ کیفرخواست جداگانه، یکی به اتهام محاربه و دیگری به اتهام سرقت مسلحانه برای متهمان صادر و بخشی از پرونده به دادگاه انقلاب و بخش دیگر به دادگاه کیفری ۲کرج فرستاده شد. وی افزود: از مجموع ۴ متهم اصلی پرونده، ۲نفر از آنها که مسلح بودند و اقدام به تیراندازی کرده بودند در دادگاه انقلاب به اتهام محاربه به اعدام محکوم شدند که این حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد و در نهایت هر دو سارق به دار مجازات آویخته شدند. در مورد سایر متهمان نیز احکام حبس طولانی مدت، تبعید، شلاق و رد مال مسروقه صادر شده و در حال اجراست.

کوتاه از حادثه

فداکاری مرد بلوچ برای نجات ۲کودک

جوان بلوچ وقتی دید ۲کودک در رودخانه افتاده‌اند، با شجاعت به دل آب زد و توانست هر ۲کودک را از مرگ نجات دهد.

چند روز قبل فیلم کوتاهی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که صحنه نجات ۲کودک از رودخانه را نشان می‌داد. در این فیلم کوتاه ۲پسر نوجوان داخل رودخانه‌ای افتاده بودند و جریان آب آنها را با خود می‌برد اما ناگهان جوانی که لباس بلوچی به تن داشت، در قامت فرشته نجات آنها ظاهر شد و توانست هر ۲نفر را از مرگ نجات دهد. این جوان ۳۳ساله که نصیر سخنور نام دارد و ساکن روستای کلگان سراوان است، درباره این حادثه به فارس می‌گوید: خانه ما روبه‌روی رودخانه است. آن روز به‌خاطر بارندگی‌ها، رودخانه پر شده بود. حدود ساعت ۶ عصر وقتی ناگهان صدای کمک‌خواستن ۲کودک را شنیدم، با سرعت از خانه بیرون دویدم. دیدم آب رودخانه ۲کودک را که گویا با موتور می‌خواستند از عرض مسیل عبور کنند، با خود می‌آورد. دوان دوان به آب زدم تا شاید بتوانم کمک کنم. او ادامه می‌دهد: آب گل‌آلود و شدت جریان آن زیاد بود. به هر زحمتی که بود با کمک خدا خودم را به نخستین کودک رساندم. دست او را گرفتم و به‌زحمت از آب بیرون کشیدم. بلافاصله برای نجات جان دومین کودک که کوچک‌تر بود و مرتب زیر آب می‌رفت، به دل سیلاب زدم. پایم به گل و لای و شاخ و برگی که در آب بود، گیر کرد و افتادم؛ اما به هر سختی بود توانستم دست او را هم بگیرم و بیرون بکشم. مرد فداکار در ادامه می‌گوید: ۶سالی می‌شود که ازدواج کرده‌ام، اما خداوند فعلا به ما فرزند عطا نکرده است. وقتی این بچه‌ها را در سیلاب دیدم، خودم را به‌جای پدر و مادرشان گذاشتم و قید همه‌چیز ازجمله مدارک و گوشی تلفن همراهم را زدم و داخل آب رفتم. خدا را شکر که هر دوی آنها صحیح و سالم هستند. وظیفه هر انسانی است که نسبت به اینگونه اتفاقات بی‌تفاوت نباشد.

شلیک شادی، عروس را به کما برد

رسم غلط تیراندازی در مراسم عروسی همچنان در گوشه و کنار کشور قربانی می‌گیرد و در تازه‌ترین حادثه که در فیروزآباد استان فارس رخ داد، عروس بر اثر شلیک اشتباهی مجروح شد و به کما رفت. به گزارش همشهری، هنوز ۲هفته بیشتر از تیراندازی مرگبار در یک مراسم عروسی در شهرستان ملارد نگذشته که باز هم رسم غلط تیراندازی در مراسم عروسی قربانی گرفت و این بار عروس خانم را به کما برد. این حادثه شامگاه سه‌شنبه در شهرستان فیروزآباد استان فارس و در یکی از تالارهای عروسی رخ داد و علاوه بر عروس خانم، باعث مجروح شدن ۲نفر دیگر شد. سرهنگ مهدی جوکار، فرمانده انتظامی شهرستان فیروزآباد گفت: سه‌شنبه شب در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی در یکی از تالارهای عروسی، تیمی از مأموران راهی محل حادثه شدند. در همان بررسی‌های اولیه معلوم شد که در جریان مراسم، فردی که قصد داشته شادی خود را بر حسب سنت عشایری با تیراندازی نشان دهد، اقدام به شلیک با اسلحه شکاری می‌کند که متأسفانه به‌دلیل شلوغی جمعیت و عدم توانایی این فرد در کنترل اسلحه، ساچمه‌های شلیک شده به عروس خانم و ۲نفر دیگر اصابت می‌کند. وی ادامه داد: فرد تیرانداز جوانی ۳۶ساله و شوهرخواهر داماد بود که پس از این تیراندازی هولناک از تالار گریخته بود و مأموران با شناسایی مخفیگاه وی راهی آنجا شدند و او را دستگیر کردند. همچنین در بازرسی مخفیگاه وی یک قبضه اسلحه شکاری فاقد مجوز که شلیک با استفاده از آن صورت گرفته بود کشف شد. سرهنگ جوکار با بیان اینکه پس از این حادثه مصدومان به سرعت به بیمارستان منتقل شدند افزود: متأسفانه عروس بر اثر شدت جراحات به کما رفته اما حال ۲مصدوم دیگر رضایت‌بخش است. از سوی دیگر تالار مورد نظر که اجازه داده بود رسم غلط تیراندازی در مراسم عروسی در آنجا اجرا شود، برابر دستور مرجع قضایی پلمب شد. براساس این گزارش، شلیک شادی در مراسم عروسی امسال هم مانند سال‌های گذشته قربانیان زیادی گرفته و این در حالی است که پلیس بارها هشدار داده که در عروسی‌ها هرگونه تیراندازی ممنوع است و درصورت مشاهده سلاح و تیراندازی، با قاطعیت با افراد هنجارشکن برخورد می‌شود. پیش از این حادثه و در هفته نخست تیرماه نیز در جریان برگزاری یک مراسم عروسی در شهرستان ملارد در استان تهران پدر داماد با اسلحه شکاری و برای نشان دادن شادی خود اقدام به تیراندازی کرد که متأسفانه ساچمه‌های شلیک شده به ۴نفر اصابت کرد و باعث مرگ یکی از آنها شد. قربانی این حادثه کودکی خردسال بود که به همراه مادرش و ۲کودک دیگر هدف اصابت تیر شکاری قرار گرفت و جانش را از دست داد.

جنایت مرموز در پارکینگ

تحقیقات برای شناسایی و دستگیری ۲موتورسوار که در پارکینگ یک ساختمان مسکونی دست به جنایت زده و فرار کرده بودند، از سوی تیم جنایی پایتخت آغاز شده است.

به‌گزارش همشهری، عصر سه‌شنبه به قاضی محمد وهابی، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مرد جوانی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول مردی ۴۲ساله بوده که در پارکینگ خانه‌اش در یکی از مناطق تهران هدف حمله عاملان جنایت قرار گرفته است. تیم جنایی در ادامه به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته که در محل حادثه وجود داشت، پرداختند که مشخص شد عاملان قتل ۲جوان موتورسوار بودند که صورت‌های خود را پوشانده و کلاه به سر داشتند. آنطور که تصاویر نشان می‌داد سارقان از چند ساعت قبل مقابل ساختمان به انتظار مقتول نشسته بودند. پس از آنکه مقتول سوار بر خودروی پژوی خود مقابل در پارکینگ رسید و ریموت را زد و وارد پارکینگ شد، همزمان دزدان موتورسوار نیز پشت سر مقتول وارد پارکینگ شدند و زمانی که مقتول از ماشین پیاده شد و به سمت آسانسور رفت به سمت وی هجوم برده و با ضربات متعدد چاقو جانش را گرفتند. عاملان جنایت پس از حمله خونین، فرار کردند که با دستور بازپرس جنایی تهران، جست‌وجو برای شناسایی و بازداشت آنها آغاز شده تا انگیزه آنها از قتل مشخص شود.

جهان‌نما

اعتراف بولتون به طراحی کودتاهای خارجی

جان بولتون، مقام سابق آمریکایی، به حقیقتی اعتراف کرده که سیاستمداران این کشور کمتر تمایل دارند تا با چنین صراحتی درباره آن صحبت کنند؛ تلاش برای تغییر رژیم و کودتا در کشورهای دیگر. مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید که با تلویزیون سی‌ان‌ان مصاحبه می‌کرد در پاسخ به سوال مجری این شبکه درباره تلاش دونالد ترامپ برای کودتا گفت که در مقام کسی که در طراحی چند کودتا نقش داشته، می‌تواند بگوید که ترامپ توانایی آن را نداشته که یک کودتای برنامه‌ریزی شده را طرح‌ریزی کند. او گرچه ابتدا از پرداختن به جزئیات بیشتر خودداری کرد، اما در ادامه در پاسخ به این سوال مجری برنامه که «آیا به جز ونزوئلا مواردی دیگری هم هست که به ما نمی‌گویید؟» گفت: «بله قطعا وجود دارد.» جان بولتون در سال ۲۰۱۹ در مقام مشاور امنیت ملی آمریکا آشکارا از درخواست «خوان گوایدو» رهبر مخالفان ونزوئلا، برای کمک به برکناری «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور این کشور، حمایت کرده بود. او در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان اعتراف می‌کند که تلاش آمریکا در آن دوره برای کودتا علیه مادورو موفق نبوده است. سخنان بولتون هیاهوی بسیاری در آمریکا به‌پا کرده و بار دیگر نقش واشنگتن در کودتا و تغییر رژیم در جهان را به کانون توجهات آورده است. پس از جنگ جهانی دوم بود که این کشور استفاده از سازمان تازه‌تاسیس «سیا» را برای سرنگون کردن دولت‌ها آغاز کرد.

هائیتی: ژانویه ۱۸۹۳ گروه کوچکی از تاجران و مزرعه‌داران سفیدپوست به همراه نماینده آمریکا در هائیتی دست به کودتا زده و حکومت ملکه لیلیو وکالانی آخرین پادشاه هاوایی را سرنگون کردند. رهبران کودتا بلافاصله از ضمیمه شدن این جزیره به آمریکا حمایت کردند و در سال ۱۸۹۸ هاوایی به عنوان پنجاهمین ایالت آمریکا معرفی شد.

کوبا: آمریکا پس از چند دهه دخالت‌های مستمر در کوبا، در سال ۱۹۳۳ از کودتای فولخنسیو باتیستا حمایت کرده و دولت مستقر را سرنگون کرد. در این زمان فیدل کاسترو با کنار زدن باتیستا نخستین دولت کمونیستی را در منطقه پایه‌گذاری کرد. جان کندی، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در سال ۱۹۶۱ با حمله نظامی به کوبا تلاش کرد تا دولت کاسترو را سرنگون کند. نتیجه این کودتای نافرجام، توسعه نگرش ضدامپریالیستی در میان همسایگان جنوبی آمریکا بود.

ایران: در سال ۱۹۵۳ سازمان سیا با هدف تحکیم قدرت محمدرضا پهلوی، کودتایی را علیه محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران، تدارک دید. یرواند آبراهیمیان مورخ، نوشته، انگیزه اصلی آمریکایی‌ها از این کودتا تضمین منافع نفتی‌شان بوده است.

گواتمالا: سازمان سیا یک‌سال پس از کودتا در ایران به کودتای دیگری دست زد؛ این‌بار در گواتمالا. سیا خاکوبو آربنز رئیس‌جمهوری را که طی روندی دموکراتیک انتخاب شده بود، سرنگون کرد. انگیزه اصلی آمریکایی‌ها نگرانی نسبت به اصلاحات آربنز بود که منافع شرکت‌های آمریکایی را تهدید می‌کرد.

کنگو: جمهوری کنگو در سال ۱۹۶۰ از بلژیک اعلام استقلال کرده و پاتریس لومومبا اولین نخست‌وزیر دموکراتیک این کشور شد. مدت کوتاهی پس از آغاز زمامداری لومومبا، رئیس‌جمهوری کنگو به تحریک بلژیک وی را از قدرت خلع کرد. سازمان سیا با ادعای اینکه لومومبا از طرفداران کاسترو است، به دستگیری و کشتن او در سال ۱۹۶۱ کمک کرد.

شیلی: پیروزی سالوادور آلنده سوسیالیست در انتخابات ۱۹۷۰ در شیلی به مذاق آمریکایی‌ها خوش نیامد. سازمان سیا به دستور ریچارد نیکسون رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، حمایت از گروهی دیگر در این کشور را با هدف طراحی کودتا علیه آلنده آغاز کرد. در سال ۱۹۳۷ آگوستو پینوشه کودتا کرد و آلنده را از قدرت کنار زد.

صادرات گندم اوکراین؛ مأموریت غیرممکن ترکیه

ترکیه سعی دارد با میانجیگری میان مسکو و کی‌یف، یک مسیر امن دریایی برای صادرات ۲۲میلیون تن غلات انبارشده در اوکراین باز کند

کشت زمین‌های کشاورزی در نزدیکی کی‌یف

گزارش

جنگ میان روسیه و اوکراین، تامین‌کننده بیش از ۲۸درصد غلات جهان، وضعیتی بحرانی خلق کرده است؛ بحرانی که با گذشت هر یک‌روز از جنگ، عمیق‌تر می‌شود. ده‌ها میلیون انسان در کشورهایی بسیار دورتر از کانون جنگ، با گرسنگی شدید و قحطی دست‌به‌گریبانند. تأثیر جنگ بر تولید و صادرات غلات در اوکراین نقشی کلیدی در جهش قیمت مواد غذایی و ایجاد بحران غذا در جهان داشته است. شاخص‌های بانک جهانی نشان می‌دهند هزینه تامین کالاهای اساسی در جهان بین سومین و چهارمین‌ماه سال جاری میلادی به‌طور متوسط ۱۵درصد افزایش داشته است؛ افزایشی که برای مردم کشورهای فقیر و بحران‌زده، به معنی قطع کامل دسترسی به مواد غذایی اساسی خواهد بود.

اکنون ترکیه با هدف آزادسازی ذخیره ۲۲میلیون تنی غلات انباشته‌شده اوکراین وارد عمل شده تا با جلب رضایت طرفین جنگ، مسیری امن برای صادرات غلات اوکراین ایجاد کند. مذاکرات میان روسیه و اوکراین که با حضور ترکیه و ناظران سازمان ملل آغاز شده، تلاشی دوباره برای آزادسازی حجم بزرگی از غلات از بنادر و سیلوهای اوکراین و انتقال آن به کشورهایی است که با بحران گرسنگی مواجهند. ترکیه طی ۵ماه اخیر در مذاکرات میان مسکو و کی‌یف نقش کلیدی ایفا کرده اما عمق تنش‌های موجود میان ۲کشور درگیر، تلاش‌های ترکیه برای بازکردن مسیر مسدود صادرات غلات را به ماموریتی غیرممکن تبدیل کرده است.

نشست استانبول، یک نشست حیاتی

از دیروز نمایندگانی از روسیه، اوکراین و ترکیه با حضور ناظران سازمان ملل دور جدیدی از مذاکرات را در استانبول آغاز کرده‌اند؛ به این امید که بتوانند راه‌حلی برای حل بحران گرسنگی جهان بیابند. تلاش برای یافتن راه‌حلی برای انتقال گندم‌های انبارشده در اوکراین و ورود آن به بازارهای جهانی ماه‌هاست که آغاز شده، اما بی‌نتیجه باقی مانده است. بنادر سواحل جنوبی اوکراین در محاصره ناوهای جنگی روسیه است. همزمان اوکراین برای افزایش ایمنی شهرهای ساحلی خود، خط ساحلی بندر اودسا را در دریای سیاه مین‌گذاری کرده و حاضر به مین‌روبی آن نیست. همین وضعیت مشکلات زیادی برای صادرات کالا از اوکراین ایجاد کرده است. این در حالی است که غلات، یک‌پنجم از حجم کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد.

روسیه برای ایجاد مسیر امن صادرات غلات خواستار استقرار گشت‌های دریایی برای جلوگیری از قاچاق سلاح توسط اوکراین شده است. اوکراین هم خواستار تضمین کنترل خود بر بندر اودسا شده و همچنین می‌خواهد کشتی‌های باری حامل غلات این کشور توسط کشتی متعلق به کشوری دوست، مانند ترکیه مشایعت شوند. در صورت نتیجه‌بخش بودن مذاکرات، ترکیه وعده داده ۲۰کشتی فله‌بر را برای حمل غلات انباشته‌شده در اوکراین اعزام کند. سازمان ملل هم مسیری بدون مین را برای عبور این کشتی‌ها از میان دریای سیاه تعیین خواهد کرد.

نشست روز چهارشنبه استانبول، قدمی جدید در مسیر خروج از بن‌بست صادرات غلات اوکراین است؛ اگرچه بیشتر مقاماتی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم درگیر این مذاکرات بوده‌اند، دستیابی به یک راه برون‌رفت عملی را به‌دلیل تنش‌های موجود میان اوکراین و روسیه، بسیار پرچالش و غیرممکن اعلام کرده‌اند. با این‌همه از آنجایی که راه‌حل‌های جایگزین صادرات غلات از اوکراین همگی بسیار پرهزینه، زمان‌بر و از نظر ظرفیتی محدود هستند، به نتیجه‌رسیدن نشست استانبول از اهمیتی حیاتی برای نجات جهان از گرسنگی برخوردار است.

گزارش اخیر کمیته امداد بین‌المللی نشان می‌دهد تا ماه گذشته ۴۷میلیون نفر در جهان زیر سایه تهدید گرسنگی حاد زندگی کرده‌اند. گزارشی دیگر از مؤسسه آلمانی «صندوق کمک به گرسنگی جهان» نشان می‌دهد ۸۱۱میلیون نفر در جهان با بحران گرسنگی مواجهند و مردم در افغانستان، سودان جنوبی و یمن بحرانی‌ترین وضعیت را دارند. در این گزارش آمده است جنگ اوکراین باعث تشدید بحران‌هایی شده که از گذشته در جهان وجود داشته‌اند؛ وضعیتی که سرعت گسترش گرسنگی و فقر در جهان را افزایش داده است.

شکست در مذاکرات مربوط به خارج‌کردن غلات انباشته‌شده در بنادر و سیلوهای اوکراین طی هفته‌های آینده می‌تواند فصل برداشت تابستانه اوکراین را دچار اختلال جدی کند، زیرا کشاورزان اوکراینی جایی برای انبارکردن محصولات جدید نخواهند داشت و کشت بعدی را از دست می‌دهند؛ روندی که می‌تواند منجر به نابودی بخش بزرگی از منبع غذایی آینده جهان شود.

گره کور صادرات غلات اوکراین

اوکراین معمولا در ماه بین ۶ تا ۷میلیون تن غلات صادر می‌کند. با این‌همه ماه گذشته «سبد نان جهان» تنها توانست ۲,۲میلیون تن غلات خود را صادر کند. این کاهش چشمگیر در حالی رخ داده که اوکراین روی انباری ۲۲تنی از گندم و غلات نشسته که همگی برداشت سال گذشته این کشور هستند، اما جنگ مانع از خروج این گنجینه از کشور شده است. اوکراین روسیه را متهم به گروگانگیری مردم جهان کرده؛ زیرا مانع از صادرات غلات اوکراین شده است. روسیه در مقابل مدعی است اوکراین برای صادرات غلات از بندر اودسا که هنوز تحت کنترل کی‌یف است آزاد است و این فقط مستلزم مین‌روبی آب‌های این منطقه است. مسکو همچنین اعلام کرده که آماده مذاکره برای تسهیل این صادرات است.

از سویی دیگر، ظرفیت ذخیره‌سازی غلات در اوکراین ۶۵ تا ۶۷میلیون تن است که ۲۰درصد از این ظرفیت هم در مناطق تحت کنترل روسیه مستقر است. از این‌رو کشاورزان اوکراینی که از این ماه برداشت تابستانه خود را آغاز خواهند کرد، تنها ۲۰ تا ۲۵میلیون تن ظرفیت برای ذخیره‌سازی محصول جدید را در اختیار دارند. این در حالی است که حجم برداشت غلات امسال اوکراین ۵۰میلیون تن تخمین زده شده و خالی‌نشدن به‌موقع سیلوها و انبارها می‌تواند آسیب زیادی به این محصولات تازه وارد کند. یکی از گزینه‌های عملی رفع این بحران در شرایط مسدود بودن مسیر صادرات دریایی غلات اوکراین، استفاده از بنادر رود دانوب در جنوب غرب اوکراین ازجمله بندر کنستانتا در رومانی است. این بنادر قابلیت صادرات ۳۰درصد از محصولات برداشت‌شده را خواهند داشت. راه‌حل دیگر حمل محصولات از مسیرهای مرزی زمینی کشورهای اروپایی ازجمله لهستان است. اما مجموع حجم صادراتی که از این مسیرها انجام می‌گیرد درنهایت بسیار کمتر از حجم مورد نیاز صادرات ماهانه غلات و گندم اوکراین خواهد بود و به‌دلیل پرهزینه بودن این شیوه‌ها قیمت نهایی محصول افزایشی قابل توجه خواهد یافت. همچنین اروپا در ورودی‌های مسیرهای زمینی از زیرساخت کافی برای ذخیره حجم بالایی از غلات برخوردار نیست. برای مثال زیرساخت‌های موجود در لهستان تنها امکان ورود ماهانه ۱,۵میلیون تن غلات به این کشور را می‌دهد، درحالی‌که نیاز ماهانه اوکراین برای صادرات غلات دست‌کم ۵میلیون تن در ماه است. تمامی این موانع باعث می‌شود نگاه جهانیان همچنان بر نشست استانبول متمرکز بماند، به این امید که این‌بار گشایشی رخ دهد و جریان صادرات غلات از اوکراین از طریق دریا به بازارهای جهانی ازسرگرفته شود.

مکث

بازیگری ترکیه در دل بحران اوکراین

این اولین‌باری نیست که ترکیه در درگیری میان اوکراین و روسیه نقش میانجی را به‌عهده می‌گیرد. ترکیه در ماه‌های اول جنگ هم ۲کشور را به مذاکره برای پایان دادن به جنگ دعوت کرد که دور دوم این مذاکرات در ترکیه برگزار شد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از ابتدای جنگ تا به امروز در مواجهه با دو طرف جنگ، نقش خود را با دقت و ظرافت ایفا کرده است؛ به‌طوری که با وجود فروش تسلیحات به اوکراین و موافقت‌های جسته گریخته با تحریم‌های غرب علیه روسیه، توانسته روابط تجاری ترکیه و روسیه را مانند گذشته حفظ و همزمان در جبهه مقابل، با کمک به اوکراین برای دستیابی به پیروزی‌های مقطعی علیه روسیه، رضایت غرب را هم نسبت به خود جلب کند. او اکنون با اتکا بر همین درایت سیاسی، در تلاش است برای حل مشکل انباشت غلات اوکراین و کمک به حل بحران گرسنگی در جهان، بار دیگر نقش میانجی را ایفا کند. اگرچه این حسن‌نیت ترکیه در نهایت برای اقتصاد بحران‌زده این کشور هم کارآمد خواهد بود. اوکراین دومین منبع اصلی تامین غلات گندم ترکیه به‌شمار می‌رود؛ موضوعی که به افزایش تورم و قیمت مواد غذایی در ترکیه منجر شده است. این وضعیت مسیر اردوغان برای موفقیت در سومین دوره ریاست‌جمهوری را دشوارتر ساخته است. موفقیت او در این مذاکرات و ایجاد مسیری امن برای خروج غلات اوکراین، می‌تواند برای او در دور بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری حکم برگ برنده را داشته باشد.

نقل‌قول

الکساندر لوکاشنکو
رئیس‌جمهور بلاروس
ناتو در حال ترسیم نقشه‌هایی برای حمله به روسیه از طریق اوکراین است و همزمان کشورهای غربی تحت رهبری آمریکا در حال تخریب نظام امنیت جهانی هستند. آنها به‌طور مداوم، روشمند و حتی برخلاف منافع ملی خودشان در این راستا کار می‌کنند. (ریپابلیک ورلد)

ماریا زاخاروا
سخنگوی وزارت خارجه روسیه
جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا گفته است که در برنامه‌ریزی برای کودتا در کشورهای دیگر دست داشته است. این اعترافات، موضوعی است که نیازمند تحقیقات بین‌المللی است. (توییتر)

دیمترو کولبا
وزیر خارجه اوکراین
۲قدم برای رسیدن به توافق با روسیه بر سر صادرات غلات فاصله داریم. ما در مرحله نهایی قرار داریم و اکنون همه‌چیز به روسیه بستگی دارد. به اعتقاد ما حصول توافق برای از سر گرفته شدن صادرات غلات بسیار نزدیک‌تر از قبل است. (رویترز)

خبر

بلاتکلیفی رئیس‌جمهور فراری سریلانکا

در میانه آشوب‌ها و بحران اقتصادی و سیاسی در سریلانکا، مقامات محلی گفتند که «راجاپاکسا»، رئیس‌جمهور ۷۳ساله و همسرش سوار بر یک هواپیمای نیروی هوایی به مالدیو سفر کردند. روزنامه گاردین با اعلام این خبر به نقل از مقامات فرودگاهی در مالدیو گفت که هواپیمای رئیس‌جمهور سریلانکا به‌دلیل سردرگمی برای صدور مجوز فرود، بیش از یک ساعت روی باند فرودگاه بدون امکان بلند شدن نگه داشته شد و سپس اجازه خروج مسافر را یافت. رئیس‌جمهور سریلانکا که از چند روز قبل استعفای خود را اعلام کرده بود، دوشنبه شب تلاش داشت تا به دبی فرار کند، اما در این مسیر ناموفق بود. همچنین دولت هند اجازه فرود هواپیمای نظامی حامل رئیس‌جمهور سریلانکا را نداد و سفارت آمریکا نیز از دادن ویزای ورود به او خودداری کرد. این در حالی است که راجاپاکسا سال‌ها در آمریکا زندگی کرده و همچنان یک پسر و نوه‌اش در آمریکا به‌سر می‌برند. او اما تابعیت آمریکایی خود را سال‌های گذشته لغو کرد تا نامزد ریاست‌جمهوری شود.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری منطقه ۳ تهران در نظر دارد اجرای عملیات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به بخش خصوصی واگذار نماید، لذا از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید.

مناقصه شماره ۶۸-۶۴-۱۴۰۱

ردیف	شرح عملیات	اعتبار / برآورد (ریال)	مدت (ماه)	مبلغ سپرده (ریال)	شرایط اختصاصی شرکت‌کننده
۱	عملیات ابنیه و ابنیه فنی در سطح منطقه (نوبت سوم)	۲۵,۶۷۱,۳۷۶,۴۸۰	۱۲	۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰	ارائه رتبه‌بندی معتبر از سازمان برنامه و بودجه پایه ۵ ابنیه و دارا بودن ظرفیت کاری در رشته‌های مرتبط (تعداد و ریال) در سامانه الکترونیک شهرداری تهران
۲	عملیات تکمیل استخر مجموعه ورزشی فرهنگی قاضی الصابر (نوبت دوم)	۱۷,۵۷۶,۴۴۴,۹۴۶	۱۲	۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰	
۳	عملیات تکمیلی مجموعه ورزشی صدر(نوبت سوم)	۶۳,۹۸۵,۴۳۳,۱۹۰	۱۲	۱,۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ارائه رتبه‌بندی معتبر از سازمان برنامه و بودجه پایه ۴ ابنیه و دارا بودن ظرفیت کاری در رشته‌های مرتبط (تعداد و ریال) در سامانه الکترونیک شهرداری تهران
۴	عملیات مرمت پیاده‌روها، انهار و جداول و همسطح‌سازی دریچه‌ها در سطح ناحیه ۱ (نوبت سوم)	۱۰,۱۰۷,۴۲۷,۶۳۰	۱۲	۳۱۰,۰۰۰,۰۰۰	ارائه رتبه‌بندی معتبر از سازمان برنامه و بودجه پایه ۵ راه یا ابنیه و دارا بودن ظرفیت کاری در رشته‌های مرتبط (تعداد و ریال) در سامانه الکترونیک شهرداری تهران
۵	عملیات احداث رفیوژ میانی راجیان	۱۳,۸۹۹,۹۸۳,۱۰۰	۱۲	۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰	ارائه رتبه‌بندی معتبر از سازمان برنامه و بودجه پایه ۵ راه و دارا بودن ظرفیت کاری در رشته‌های مرتبط (تعداد و ریال) در سامانه الکترونیک شهرداری تهران

۱) سپرده شرکت در مناقصه بصورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا واریز نقدی بحساب شماره ۱۰۰۴۵۶۷۴۲۵ نزد بانک شهر شعبه حسینیه ارشاد کد ۲۲۶ می‌باشد.
۲) شرکت‌کننده از تاریخ انتشار آگهی ده روز فرصت دارد اسناد را تهیه، تکمیل و پیشنهاد خود را درپاکت لاک و مهر شده تحویل دبیرخانه منطقه نماید.
۳) شرکت در فراخوان و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در ماده ۱۰ آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران می‌باشد.
۴) مشروح شرایط در اسناد درج گردیده که شرکت‌کنندگان می‌توانند از طریق سایت WWW.TEHRAN.IR نیز رویت نمایند.
۵) **محل دریافت اسناد شامل کلیه شرایط شرکت در مناقصه :** اداره قراردادهای شهرداری منطقه ۳ واقع درخیابان دکترشریعتی ـ پائین‌تر از حسینیه ارشاد ـ ساختمان شماره ۱، طبقه سوم می‌باشد.
۶) پیشنهاد دهندگان می‌بایست در سامانه تامین‌کنندگان کالا و خدمات ثبت‌نام کرده و تأییدیه داشته باشند.
۷) لازمه شرکت در مناقصه و باز شدن پاکت پیشنهاد ارائه شده دارا بودن تائیدیه HSE از واحد مربوطه می‌باشد.
۸) قیمت پیشنهادی باید از حیث مبلغ مشخص و معین و بدون ابهام بوده و در پاکت «ب» لاک و مهر شده در موعد مقررتسلیم دبیرخانه منطقه شود.
۹) پیشنهاد دهندگان باید گواهی صلاحیت ایمنی صادره توسط کمیته تایید صلاحیت ایمنی ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی را دارا بوده و تا روز جلسه مناقصه ارائه نمایند.
۱۰) درصورت اختلاف میان مطالب آگهی و مستندات مناقصات، ملاک عمل مستندات مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی شهرداری منطقه سه تهران

آگهی مزایده حراج حضوری نوبت اول

سینا کاشی

شرکت صنایع کاشی و سرامیک سینا « سینا کاشی » در نظر دارد اقلام ضایعاتی ذیل را از طریق مزایده حراج حضوری به بالاترین قیمت به فروش برساند :

۱ـ ضایعات آهن‌آلات غیرقابل مصرف مستعمل ۲ـ ضایعات استیل بگیر غیرقابل مصرف مستعمل ۳ـ ضایعات استیل نگیر غیرقابل مصرف مستعمل ۴ـ بشکه ۲۲۰ لیتری خالی غیرقابل مصرف مستعمل ۵ـ روغن سوخته با بشکه ۲۲۰ لیتری غیرقابل مصرف مستعمل ۶ـ ضایعات کارتن و مقوا غیرقابل مصرف مستعمل ۷ـ ضایعات تسمه پلاستیکی غیرقابل مصرف مستعمل ۸ـ ضایعات تسمه لاستیکی و نوار نقاله غیرقابل مصرف مستعمل ۹ـ آلومینیوم غیرقابل مصرف مستعمل ۱۰ـ سیم مسی غیرقابل مصرف مستعمل ۱۱ـ موتورسیکلت ضایعاتی ۱۲ـ نایلون ضایعاتی (رنگی و سفید) غیرقابل مصرف مستعمل ۱۳ـ تخته و پالت چوبی غیرقابل مصرف مستعمل ۱۴ـ براده آهن غیرقابل مصرف مستعمل ۱۵ـ براده آلومینیوم غیرقابل مصرف مستعمل ۱۶ـ کابل روکش‌دار غیرقابل مصرف مستعمل ۱۷ـ گونی جامبو (ضایعاتی) غیرقابل مصرف مستعمل ۱۸ـ لوله‌های گرانولی وسط نایلون‌های استرج ضایعاتی ۱۹ـ رولر سرامیکی شکسته ضایعاتی غیرقابل مصرف ۲۰ـ کاشی ضایعاتی شکسته غیرقابل مصرف ۲۱ـ لعاب ضایعاتی تولیدی غیرقابل مصرف ۲۲ـ آجر نسوز کوره ضایعاتی و مستعمل غیرقابل مصرف مستعمل ۲۳ـ بالابر دستی چرخ‌دار غیرقابل تعمیر مستعمل ۲۴ـ لاستیک ضایعاتی لیفتراک بدون رینگ و... غیرقابل مصرف ۲۵ـ لاستیک ضایعاتی سانتافه و آمبولانس غیرقابل مصرف ۲۶ـ بشکه پلاستیکی ۲۲۰ لیتری غیرقابل مصرف ۲۷ـ قاب ساینده پولیش مستعمل غیرقابل مصرف ۲۸ـ چدن مستعمل ضایعاتی غیرقابل مصرف ۲۹ـ براده برنجی غیرقابل مصرف ۳۰ـ لاینر بالمیل غیرقابل مصرف مستعمل ۳۱ـ قاب مهتابی با ترانس ضایعاتی غیرقابل مصرف ۳۲ـ کاتالوگ محصولات ضایعاتی ۳۳ـ گونی سیلیکات ۲۵ کیلویی ضایعاتی غیرقابل مصرف ۳۴ـ داغی موتور آلومینیومی بی‌سیم غیرقابل تعمیر مستعمل ۳۵ـ داغی موتور چدنی بی‌سیم غیرقابل تعمیر مستعمل ۳۶ـ داغی موتور آلومینیومی با سیم غیرقابل تعمیر مستعمل ۳۷ـ داغی موتور چدنی با سیم غیرقابل تعمیر مستعمل ۳۸ـ گیربکس چدنی همراه با الکتروموتور غیرقابل تعمیر مستعمل

کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند تا یک روز قبل از برگزاری جلسه مزایده (مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۴) جهت بازدید اقلام و تا یک ساعت قبل از شروع جلسه (ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۵) جهت واریز سپرده اقدام نمایند. آدرس کارخانه ساوه، شهر صنعتی کاوه خیابان نهم واحد اداری (روابط عمومی)

زمان و محل برگزاری حراج حضوری : روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۵ ساعت ۱۱:۰۰ صبح در محل کارخانه

اسناد و ملزومات جهت شرکت در مزایده حراج حضوری :

مبلغ سپرده ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. ضمناً سپرده شرکت در مزایده حراج حضوری به صورت چک تضمین بانکی، ضمانت‌نامه بانکی (مدت اعتبار سه ماه)، وجه نقد، واریز به شماره حساب ۱-۴۴۴۰۰۴۴۴-۴-۱۷۸ بانک سینا به نام شرکت صنایع کاشی و سرامیک سینا و یا کسر از مطالبات مورد قبول می‌باشد. لازم به ذکر است برندگان ۲۵٪ ارزش کالای خریداری شده را در همان جلسه مزایده پرداخت می‌نمایند.

نکات کلی :

۱ـ کلیه هزینه‌های مربوط به برگزاری مزایده حراج حضوری (هزینه آگهی و کارشناسی) به عهده برنده یا برندگان می‌باشد. **۲ـ** مبلغ ۹٪ ارزش افزوده و هرگونه کسورات به عهده برنده یا برندگان می‌باشد. **۳ـ** فروش اقلام ضایعاتی به صورت قراردادی شش ماهه می‌باشد. **۴ـ** شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

تلفن‌های تماس با کارخانه : ۱۵-۴۲۳۴۲۸۱۱-۰۸۶ (داخلی روابط عمومی ۲۵۹)

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۴۳

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
کسی که از خدا آمرزش بخواهد، به آمرزش دست یابد.

■ اذان ظهر: ۱۳:۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۱
■ اذان مغرب: ۲۰:۴۲ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۹
■ اذان صبح: ۴:۱۷ ■ طلوع آفتاب: ۶:۰۰

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدا... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید خدری شماره ۲۹ - طبقه اول ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۷۰۰-۸۸۸۶۱۸۱۹

صفحه آخر

دلم جز مِهرِ مَه‌رویان طریقی برنمی‌گیرد
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد
حافظ

گرینویچ

بازگشت تابلوی ۵۰۰ساله

کایرنیا: یک تمثال ۵۰۰ساله که از کلیسایی در شمال قبرس به سرقت رفته بود پس از چند دهه به این کشور بازگردانده شد. به‌گفته مسئولان میراث فرهنگی قبرس قدمت این تمثال که عیسی مسیح(ع) را نشسته روی تخت نشان می‌دهد به پایان قرن پانزدهم یا اوایل قرن شانزدهم میلادی بر می‌گردد. تمثال سرقت شده متعلق به کلیسایی در نزدیکی شهر ساحلی کایرنیا در شمال قبرس بود. شمار زیادی از نقاشی‌های دیواری، نگاره‌ها، منبت‌کاری‌ها و آثار مذهبی کلیساهای قبرس در سال ۱۹۷۴ به‌دنبال اشغال بخش شمالی این جزیره از سوی ترکیه به سرقت رفت. حمله ترکیه به شمال قبرس این جزیره را به ۲قسمت مسلمان‌نشین شمالی و ارتدوکس‌نشین جنوبی تقسیم کرد. پلیس قبرس موفق شده بود رد این تمثال ۵۰۰ساله عیسی مسیح را در یکی از بنگاه‌های حراج سوئیس پیدا کند. پلیس سوئیس این اثر هنری مسروقه را در سال ۲۰۱۴ توقیف کرد. با این حال کشمکش حقوقی بر سر این تمثال بین مقامات قبرس و سوئیس تا هفته پیش ادامه داشت.

کنایه ماسک به ترامپ

نیویورک: ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت‌های تسلا و اسپیس ایکس در واکنش به ناسزاگویی دونالدترامپ گفت که زمان آن فرارسیده است تا رئیس‌جمهوری سابق آمریکا از عرصه سیاسی و اجتماعی خارج شود. به‌گزارش یورونیوز، میلیاردر آمریکایی در صفحه توییترش با استفاده از ۲اصطلاح «کلاه آویختن» و «حرکت به سمت غروب آفتاب» نوشت که دونالدترامپ باید پایان کارش را بپذیرد و بازنشسته شود. ایلان ماسک با این حال تأکید کرد که از دونالد ترامپ «تنفر» ندارد. او همچنین بدون ارائه توضیح بیشتر خواستار توقف حملات دمکرات‌ها به دونالد ترامپ شد. او نوشت که حملات دمکرات‌ها باعث می‌شود که «تنها راه نجات ترامپ» بازگشت به مقام ریاست‌جمهوری باشد. ترامپ در جریان سخنرانی در ایالت آلاسکا ایلان ماسک را «هنرمند لافزن» خوانده بود.

ماهی روباتیک پلاستیک‌خوار

سیچوان: محققان دانشگاه سیچوان واقع در جنوب غربی چین امیدوارند که ماهی روباتیک طراحی شده توسط آنها بتواند با خوردن ذرات پلاستیک به پاکسازی اقیانوس‌های آلوده جهان کمک کند. این روبات نرم‌تن که فقط ۱,۳ سانتی‌متر طول دارد، قادر است که ذرات ریز پلاستیک موجود در آب‌های کم عمق را ببلعد. با این حال، دانشمندان چینی در تلاشند تا با ارتقای توانمندی این روبات بتوانند از آن برای پاکسازی آب‌های عمیق اقیانوس‌ها و نیز جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل آلودگی دریاها استفاده کنند. این ماهی روباتیک سیاه رنگ با تابش نور تغذیه می‌شود و قادر است با انرژی دریافتی از طریق تابش نور، باله‌ها و بدن خود را تکان دهد. سیستم تابش نور به دانشمندان کمک می‌کند تا این ماهی را کنترل و از برخورد آن با سایر ماهی‌ها و اجسام دیگر جلوگیری کنند. این ماهی روباتیک اگر از سوی سایر ماهی‌ها بلعیده شود، به راحتی قادر است که از سیستم گوارش و دفع آنها به سلامت عبور کند. در ساخت این ماهی از پلی اورتان (Polyurethane) استفاده شده که ماده‌ای سازگار با محیط‌زیست است. این ماهی روباتیک افزون بر جذب آلاینده‌ها قادر است که خود را نیز درصورت آسیب‌دیدگی بازیابی و بازسازی کند. سرعت حرکت این ماهی به ۲,۷۶ طول بدن آن در ثانیه می‌رسد که سریع‌تر از اکثر روبات‌های نرم‌تن است.

لطفاً پیرو من باشید تا خوشبخت شوید!

نگاه

ونوس بهنود
روزنامه‌نگار

سفره غذای چیده شده، آرایش غلیظ و لباس‌های مد روز. نوشته است: «روزمرگی‌های من، اینجا کلی حرف تازه باهاتون دارم» اما نه‌تنها تازگی در کادر مربعی پست اینستاگرامی دیده نمی‌شود بلکه به حدی گرفتار کلیشه است که حتی نمی‌توان کلمه زیبا را برای آن به‌کار بست. اما واقعیت تلخ این است که هزاران نفر دنبال‌کننده دارد.

داستان شاخ‌های مجازی شاید از وبلاگ‌ها آغاز شد و از جایی که آدم‌ها تصورات و تفکرات خود را بیشتر در قالب متن به مخاطبان انتقال می‌دادند. همه‌چیز ساده بود از گرافیک صفحه‌ها تا مطلبی که نوشته می‌شد. می‌شد برای هر مطلبی نظر داد و لازم هم نبود که هویت خود را فاش کرد. مشابه این اتفاق زمانی یکباره با انفجار تبادل اطلاعات همراه شد که اینستاگرام وارد فضای زندگی ما شد. اساس تصویری و ویدئویی این پلتفرم نه‌تنها برخی فرهنگ‌ها را کنار زد بلکه سبک و سیاق جدیدی از ارتباطات را بین مردم دنیا و البته ایرانی‌ها شکل داده است. اینستاگرام هم فضایی بود برای اشتراک اتفاقات و رویدادها با این تفاوت که به‌دلیل تصویر محوری حریم خصوصی را کنار می‌زد. کار تا جایی پیش رفت که هر کسی به‌نوعی به‌دنبال جذب فالور و عرض اندام باشد و برای افزایش «کا»های خود جشن بگیرد و به همه نیز اعلام کند. تا اینجای ماجرا به‌نظر نمی‌رسد آسیبی متوجه حال کسی شده باشد اما واقعیت پشت پرده چیست؟

اینفلوئنسرهای متنوعی در اینستاگرام طی یک دهه اخیر عرض اندام داشته‌اند. از ورزشی و هنر و آشپزی تا سفر و سبک زندگی. بیشترین محبوبیت نیز مربوط به فعالان حوزه به‌اصطلاح سبک زندگی است. در «بیو» این افراد به صراحت نوشته شده است که بخش‌هایی از زندگی روزمره به مخاطبان ارائه می‌شود. «گزیده‌هایی» که بخش عمده‌ای از آن در زندگی هر فردی وجود دارد. در عین حال که موضوع تکراری است اما رقم فالورهای این افراد گواه بروز اتفاقات پیچیده‌ای است. این افراد با ادعای معرفی سبک سالم، زیبا، مقرون به‌صرفه، رمانتیک و عاشقانه و حتی لاکچری به‌دنبال این هستند که اثبات کنند خوشبخت بوده و قادر به ترویج خوشبختی و شادی برای دیگران هستند. نه‌تنها خودشان بلکه همسر و فرزندانشان برای ضبط و ثبت عکس‌ها و ویدئوها به‌کار گرفته می‌شوند. صحنه‌ها اغلب تکراری است. سفره‌های غذا، عکس کنار دریا، مسافرت با همسر، خوردن بستنی در کافی‌شاپ، ادا درآوردن و حرف زدن بچه‌ها، عکس از اسباب منزل و چیدمان خانه. اینکه تا چه حد این تصاویر برای دیگران آموزنده است، به واقع محل

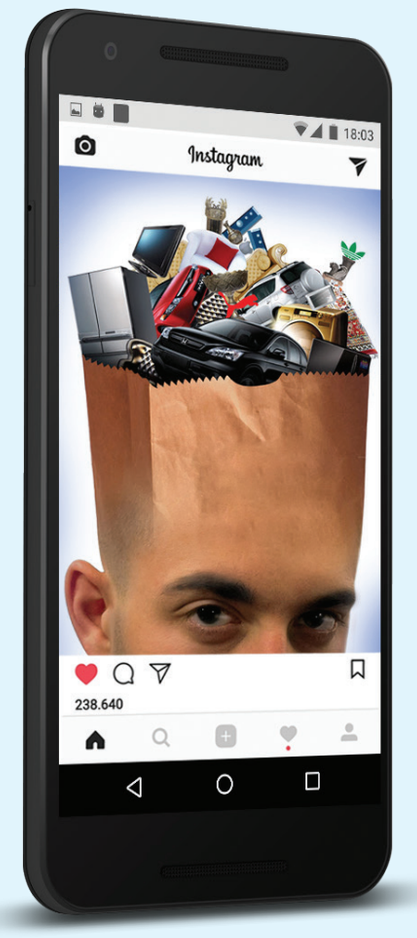

سؤال است. نه‌تنها تعداد اینفلوئنسرها مشخص نیست بلکه هیچ محدودیتی برای نشر تصاویر از زندگی شخصی وجود ندارد. تنها محدودیت‌ها زمانی است که با قوانین اینستاگرام همخوان نباشد در غیراین صورت فرد می‌تواند مسائل شخصی خود را حتی در سطح ابتذال یا دروغ و فریب مخاطب «پست» و «استوری» کند. نکته قابل توجه درآمدزایی از این مسیر است. اینفلوئنسرهای سبک زندگی از خصوصیات زندگی خود فالور جذب کرده و تبلیغات می‌گیرند. از تبلیغ خورد و خوراک و مواد غذایی تا رستوران‌ها و کافه‌هایی که رفته‌اند و شاید حتی دقیقه‌ای در آنجا نشسته‌اند. بخش تکان‌دهنده ماجرا استفاده ابزاری از همسران و کودکان است. هر چند برخی اینفلوئنسرها و بلاگرها رعایت اصول اخلاقی، باید و نبایدها و چارچوب‌های فرهنگی را مورد توجه قرار داده و مطالب کیفی ارائه می‌دهند اما بخش عمده‌ای از بلاگرهای سبک زندگی مصرف و مصرف و مصرف را در جامعه نهادینه می‌کنند. لباس‌های بیشتر، تغییر مکرر دکوراسیون منزل، تعدد سفر و سفره‌های رنگین و تشویق به دورهمی‌های متعدد. در واقع سبک زندگی بلاگرها عموما با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه همخوانی ندارد. نه قوانینی برای مواجه با این افراد پیش‌بینی شده و نه جامعه به سطحی از آگاهی رسیده که چنین افرادی قادر به عرض اندام نباشند. پیامد پیروی از بلاگری که خصوصیات زندگی خود را به نمایش می‌گذارد در ابتدا ایجاد تمایل، نیاز و حسرت برای داشتن شرایط مشابه است. افراد دنبال‌کننده فارغ از شرایط مادی خود و شرایط زندگی شخصی‌شان مرتبا این سؤال را می‌پرسند که چرا نباید امکانات مشابه یا همسر و خانه‌ای مشابه داشته باشند؟ چرا فلان چیدمان و وسایل در منزل آنها نیست و چرا نباید یک سفر لاکچری بروند؟ بلاگرهای سبک زندگی سبکی از زندگی فانتزی را در هاله‌ای از رمانتیک و عاشقانه بودن به مخاطبی که از انواع مشکلات انباشته است، القا می‌کند، چیزی که واقعیت ندارد. در مقابل چنین شرایطی این مخاطب است که باید آگاهانه صفحات چنین افرادی را دنبال کند و اگر احساس می‌کند در حال فریب خوردن یا گرایش یافتن به تجمل و مصرف‌گرایی است آن صفحه را ترک کند. بسیاری از بلاگرها به‌دلیل تأیید مخاطبان خود روزبه‌روز رشد کرده و تا جایی پیش می‌روند که خود را خالق بهترین شیوه زندگی می‌دانند. این در حالی است که هر دنبال‌کننده‌ای بعد از مشاهده یک تصور روتوش شده باید اقتضائات زندگی خود را درنظر گرفته و متناسب با آن نسبت به انتخاب سبک زندگی اقدام کند.

فرهنگ و زندگی

آستانه تحمل گرما کاهش یافت

برای همه ما پیش آمده است که حتی در دمای هوای ۳۵درجه سانتی‌گراد هم رهگذری را ببینیم که دچار گرمازدگی شده است؛ موردی که عجیب به‌نظر می‌رسد چرا که دانشمندان پیوسته در شرایط رطوبت بالای هوا دمای ۳۵درجه را برای بشر قابل تحمل دانسته و بالاتر از آن را برای چند ساعت غیرقابل تحمل و خطرآفرین ذکر کرده‌اند. حالا نتایج تحقیقات جدیدی که در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا انجام شده نشان داد محاسبات پیشین که نتایج آن در سال ۲۰۱۰میلادی منتشر شده بود و ۳۵درجه سانتی‌گرادی را آستانه تحمل گرمای بشر اعلام کرده بود، بسیار اشتباه بوده است (البته درصورت مرطوب بودن یا همان شرجی بودن هوا). جزئیات یافته‌های این محققان پرده از دمای مناسب برای انجام فعالیت‌های روزمره برمی‌دارد. به گزارش دیلی‌میل، آنها برای پاسخ به این پرسش آزمایش‌های گوناگونی روی افراد جوان و بزرگسال تندرست انجام دادند. شرکت‌کنندگان در این آزمایش بعد از بلعیدن یک قرص تله‌متری telemetry pill (ویژه سنجش دما)، در یک اتاق سربسته فعالیت‌های عادی روزانه نظیر غذا پختن و غذا خوردن را شبیه‌سازی کردند. دما و رطوبت هوای اتاق مرحله به مرحله افزایش پیدا می‌کرد و محققان بر واکنش‌های بدن آزمایش‌شوندگان نظارت می‌کردند. در نهایت مشخص شد که ترکیب گرما و رطوبت می‌تواند آستانه تحمل افراد را بسیار پایین‌تر از ۳۵درجه‌ای بیاورد که در تحقیق سال ۲۰۱۰ محاسبه شده بود. دمای حباب مرطوب طبق مشاهدات تحقیق جدید اگر میزان شرجی بودن هوا ۱۰۰درصد باشد در دمای ۳۱درجه اتفاق می‌افتد. قرار گرفتن در معرض گرما و رطوبت بالا به‌مدت طولانی می‌تواند باعث بیماری‌های جدی مرتبط با گرما در انسان شود. پایین‌تر از دمای حباب مرطوب انسان می‌تواند نسبتا دمای بدن خود را در طول زمان ثابت نگه دارد. اما بالاتر از این دما، حرارت بدن هم به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. وقتی دمای بدن از حد معینی تجاوز کند قلب باید برای پمپاژ کردن خون به سطح پوست برای رفع گرما، سخت‌تر کار کند. این در حالی است که وقتی عرق می‌کنید سطح مایعات بدن شما هم کاهش می‌یابد. در موارد خیلی وخیم این می‌تواند به گرمازدگی منجر شود. گرمازدگی و بیماری‌های وابسته به آن یک عامل جدی تهدیدکننده زندگی ما انسان‌ها به‌شمار می‌آیند. نتایج این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که حتی دمای پایین‌تر وقتی با رطوبت همراه می‌شود روی قلب و دیگر اعضای بدن فشار وارد می‌کند؛ فشاری که می‌تواند برای افراد آسیب‌پذیر و به‌ویژه آن‌هایی که مشکل قلبی دارند، خطرناک باشد.

میگرن

اسکوچیچ زندگانی

عیسی محمدی

مربع آمد، ابعادش نیامد
خودش آمد، دامادش نیامد
شگفتی در خلیج‌فارس برخاست-
که بایدن آمد و بادش نیامد

■■■

چه با نامردمی بس جاج گشتم
که چون بن‌سای بودم، کاج گشتم
منم چون اسکوچیچ زندگانی
نتیجه دادم و اخراج گشتم

■■■

کتاب آمد ولی جزوه نیامد
چراغ آمد ولی جلوه نیامد
سیاست، رنگ پاپوشی گرفته
«پوتین» آمد ولی گیوه نیامد

■■■

کمی غاز و کمی هم اردکم باش
اگر هم نه؛ ولیکن لک‌لکم باش
در این دنیای بی‌پایان و ناامن
گوگل گشتم؛ تو قفل کودکم باش

■■■

گدای هر دونبش کوت گردم
اسیر چرخش گیسوت گردم
اگرچه نرخ تخمِ مرغ بالاست-
بیا تا املت و نیمروت گردم

■■■

نئون باشم، شب تارم تو باشی
گرفتارم گرفتارم تو باشی
بساط عشق ما برعکس باشد
الهی گل شوم، خارم تو باشی

تقویم/زادروز

توت فرنگی سوئدی

بدون شک وقتی می‌خواهیم از سینمای مدرن اروپا و البته سینمای روشنفکرانه و در عین حال سینمای دینی حرف بزنیم نام «ارنست اینگمار برگمان» می‌درخشد. کارگردان مشهور سوئدی که آکادمی اسکار و گلدن گلوب به‌ترتیب ۳ و ۷ بار جایزه «بهترین فیلم خارجی زبان» را به آثارش اختصاص دادند تا یکی از مهم‌ترین رکوردهای جایزه سینمایی به نام برگمان ثبت شود. او ۴۵ فیلم ساخته که به اعتقاد بسیاری از منتقدان و البته نظرسنجی‌های صورت گرفته حداقل ۱۵فیلم او به مثابه شاهکارهای تاریخ سینما شناخته می‌شوند. نخستین تجربه فیلمسازی برگمان فیلم «بحران» در سال ۱۹۴۶ براساس یک نمایشنامه رادیویی بود. «مهر هفتم»، «توت فرنگی‌های وحشی»، «همچون در یک آینه» و «پرسونا» جزو شاهکارهای خلق شده توسط برگمان هستند. برگمان با مادرش رابطه خوب و نزدیکی داشت و شاید همین، دلیلی بر ساخت بسیاری از فیلم‌های او با محوریت زنانه باشد. در کتاب «فانوس خیال» برگمان به رابطه عمیق با مادرش به زیبایی اشاره می‌کند: «چند سال پیش، فیلم کوچکی از چهره مادر ساختم. آن هم با دوربین ۸میلی‌متری و یک لنز مخصوص. از آنجا که وقتی پدر مرد، همه آلبوم‌های عکس خانوادگی را دزدیده بودم، به ماده خام قابل توجهی دسترسی داشتم. به این ترتیب فیلم درباره چهره مادر - چهره کاترین - بود؛ از نخستین عکس وقتی که ۳سال داشت تا آخرینش؛ یک عکس گذرنامه که چند ماه پیش از آخرین حمله قلبی‌اش گرفته شده بود. روزها پشت سر هم صدها عکس را بررسی کردم، در یکی از عکس‌ها، مادرم دختری است؛ مشتاق و اسرارآمیز و استوار در بلوز سفید. عکس بعدی تأثیرگذار است؛ مادر در یک صندلی دسته‌دار بلند است و سگ بزرگی در مقابل او نشسته است. او با گشاده‌رویی می‌خندد (یکی از معدود عکس‌هایی که مادر در آن دارد می‌خندد). او سبکبار است. مادر مرا دوست داشت؛ فیلم‌هایم را و سکوتم را. مادر به کتاب و تئاتر و سفر و فیلم و مردم عشق می‌ورزید. مادر ۲حمله قلبی داشت. طوری به‌نظر می‌رسید که گویی باد سردی در سراسر صورتش وزیده باشد. چشم‌هایش محو شده‌اند. او که همیشه می‌خواند حالا دیگر نمی‌خواند. مادر تو باید به عکس‌ها لبخند بزنی، به نگاتیوهای ۸میلی‌متری این آخرین فیلم من. فرزند او هستم - اینگمار برگمان - فیلمسازم و همه جاودانگی را تقدیم به او می‌کنم، به مادرم که بیشتر از من خواند، بیشتر از من دید و بیشتر از من مرد.»

باشگاه نویسندگان

پنجشنبه

مدیریت فرهنگی و فرهنگ مدیریت

سیدمحمدرضا واحدی
کارشناس فرهنگی

هرچند علما فرهنگ را برایند قوانین، اخلاقیات، اعتقادات، عادات، آداب، سنت‌ها و عرف جاری موردقبول جامعه می‌دانند اما در کوچه و بازار، فرهنگ را پایبندی به شیوه‌هایی می‌دانند که غربی‌ها برای جهانی‌سازی و تباهی فرهنگ ملت‌ها تدارک دیده‌اند. امروزه در ادبیات رایج عوام وقتی فرهنگ را به هر چیزی اضافه می‌کنیم، مثلاً فرهنگ شهروندی، فرهنگ همسایگی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ مدیریت، فرهنگ کسب‌وکار، فرهنگ معاشرت، فرهنگ مهمان‌داری و... متأسفانه آنچه به ذهن تبادر می‌کند روش‌ها و آدابی است که بیگانگان برای ما ترسیم کرده و گاه برای مهم جلوه دادن آن برایش رشته‌های دانشگاهی تاسیس کرده و رفتارهای مطابق آن را نشانه رشد و توسعه جا زده‌اند. شوربختانه عده‌ای هم که دنبال تقلید برای ترقی هستند، بیشتر از غربی‌ها پایبند شده و گاه از آنها سبقت هم گرفته‌اند.

بنابراین اشکالی ندارد که بین رفتار فرهنگی و فرهنگ رفتاری تفاوت قائل شویم و به‌عنوان مثال شهروندی فرهنگی را از فرهنگ شهروندی جدا بدانیم. در این راستا فرهنگ همسایگی یعنی اینکه ماه به ماه همسایه‌ات را نبینی و با همدیگر سلام و علیکی نکنید. مراقبت همسایگان از همدیگر را فضولی بدانید و برای سکونت دنبال فضاهایی باشید که کسی کار به‌کار همسایه نداشته باشد. به‌خاطر همین بسیار اتفاق می‌افتد که در روز روشن خانه همسایه را خالی می‌کنند و کسی به کسی نیست؛ زیرا اصلاً همسایه‌ها همدیگر را نمی‌شناسند و گمان می‌کنند خود صاحب‌خانه است که دارد اثاث‌کشی می‌کند. درحالی که همسایه‌داری فرهنگی یعنی پناه همسایه‌ات باشی، پشت‌اش را خالی نکنی و در غم و شادی او شریک شوی و هنگام نیاز دستش را بگیری و در نبودش مراقب مال و ناموسش باشی. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: جبرئیل آن‌قدر سفارش همسایه‌ها را به من کرد که کم مانده بود گمان کنم همسایه از همسایه ارث می‌برد.

اقتصاد و کسب‌وکار هم همین است. اقتصاد مبتنی بر فرهنگ ما می‌گوید به طرف معامله ظلم نکن، اجحاف و زیاده‌روی نکن، از اعتماد مردم سوءاستفاده نکن، گران نفروش، احتکار نکن و... یعنی اخلاق در اقتصاد و کاسبی فرهنگی حرف اول را می‌زند اما در فرهنگ اقتصادی آنگونه که غربی‌ها و نظام سرمایه‌داری تعریف می‌کند مهم سود تو است، حتی اگر ناجوانمردانه و با زمین زدن دیگران به دست آید؛ یعنی اخلاق در فرهنگ اقتصادی رایج هیچ موضوعیت و جایگاهی ندارد؛ درست برخلاف اقتصاد مبتنی بر فرهنگ.

همه‌چیز را همینطور می‌توان دید؛ مثلاً سیاست فرهنگی و فرهنگ سیاست. در فرهنگ دیپلماسی یا سیاسی، اخلاق جایگاهی ندارد و مهم برد تو است، حتی با دروغ و حیله و عهدشکنی و خنجر از پشت زدن. اما علی علیه‌السلام می‌فرماید: اگر می‌خواستم مثل معاویه سیاست ورزی کنم خیلی از او باهوش‌تر و زرنگ‌تر بودم. اما علی کسی نیست که اخلاق را فدای سیاست کند و دست از سیاست فرهنگی و اخلاق بردارد. مدیریت هم همینطور است؛ مدیریت فرهنگی حاصل به کارگیری اخلاقیات و عرفیات خودمان در مدیریت است؛ درحالی که فرهنگ مدیریت سوغات دیگران است و بر حسب آموزه‌های آنان تعریف می‌شود. مدیریت فرهنگی که ریشه در اعتقادات و آداب و سنت‌ها و اخلاق و مهربانی مردم این مرز و بوم دارد، می‌گوید هر کاری از دست‌ات برمی‌آید برای همنوعت انجام بده. در مدیریت فرهنگی این حرف که «مشکل شماست و به من ربطی ندارد» هیچ ارزش و جایگاهی ندارد. در مدیریت فرهنگی اگر حل مشکل مردم حتی در شرح وظایف تو نباشد اما دست‌ات برسد باید برای حل آن تلاش کنی. در مدیریت فرهنگی بین مردم و مدیر، حاجب و نگهبان و منشی و دربانی وجود ندارد اما در فرهنگ مدیریت آنگونه که غربی‌ها به ما می‌آموزند، حتی طول و عرض اتاق مدیران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از در ورودی تا میز مدیر ۱۰،۱۲متر فاصله باشد که وقتی ارباب‌رجوع وارد می‌شود مجبور باشد این مسافت را طی کند تا به مدیر برسد. ارباب‌رجوع باید احساس حقارت کند و بیاید آن طرف میز مدیر بنشیند و با عرض ارادت و گردن کج کردن خواسته‌اش را مطرح کند. در فرهنگ مدیریت یعنی هرچه راه رسیدن به مدیر سخت‌تر باشد، اقتدار و عظمت و شکوه او بیشتر خواهد بود. درهای کنترل‌دار که با برق کار می‌کنند و تا منشی و حاجب اراده نکنند باز نمی‌شود، نشان ابهت و اهمیت تو است و اینکه ارباب‌رجوع چند دقیقه پشت در معطل بشوند بر شکوهت می‌افزاید. در جلسات باید جایگاه مدیر بالاترین جایگاه و صندلی او با صندلی‌های دیگران متفاوت باشد.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیر مؤمنان علیه‌السلام در دوران حکومتشان همیشه و درهرحال در دسترس مردم بودند. در خانه آنها باز بود و هر کس می‌توانست مشکلش را رودررو با آنها در میان بگذارد. آن حضرت در این‌باره فرمود: هرکس عهده‌دار امور مردم شود اما خود را از دسترسی مردم پنهان کند که نتوانند به راحتی نیازها و خواسته‌هاشان را با وی در میان بگذارند، خداوند راه دسترسی وی به نیاز و خواسته‌اش را پنهان می‌کند.

البته درست است که زمانه تغییر کرده و با توجه به انبوه مراجعان، وجود دفتری که نظم و انضباط مراجعان را تنظیم کند ضروری است اما اگر مدیریت فرهنگی را فراموش کنیم و اصول فرهنگ مدیریت بر ما غلبه کند که متأسفانه تا حدود زیادی کرده است، جدایی مردم از مدیران را در پی خواهد داشت و این اتفاق برای کشور نتیجه خوبی ندارد. مراقب باشیم که به بهانه‌های امنیتی یا شلوغی یا نوبت‌دهی و... در دام وسوسه‌های نفس نیفتیم و خود را از مردم جدا نکنیم. ابن‌خلدون و مسعودی و یعقوبی می‌نویسند که معاویه نخستین خلیفه مسلمانان بود که به بهانه‌هایی چون جلوگیری از حمله خوارج و ازدحام مردم، برای خویش حاجب برگزید. پس از او هم خلفای بعدی و نیز دیگر فرمانروایان، حاجب یا حاجبانی گماشتند که محدوده اختیارات و نیز نفوذ و اعتبار آنها، باتوجه به وسعت دربار و ضعف و قوت خلفا و حاکمان متفاوت بود.

سلاخی روزها با ساطور روزمرگی

روزمرگی با روان ما چه می‌کند و چطور با آن روبه‌رو شویم

۱۰

نویسندگان شهرستانی جدی گرفته نمی‌شوند

گفت‌وگو با محمداسماعیل حاجی‌علیان نویسنده‌ای با یک کارنامه پر از داستان و جایزه

۱۳

شیراز ما شعر داشت و فوتبال

غلامحسین پیروانی، مربی شاعرپیشه ایرانی که از ریشه‌های فوتبال در شهر حافظ و سعدی می‌گوید

۱۵

هم‌نشینی‌های روز هفتم

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ ■ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ شماره ۱۷۰

عکس: کوروش جوان

نقش‌های منفی را بسیار دوست دارم

گفت‌وگو با فریبا نادری، بازیگر نام‌آشنای سینما و تلویزیون به بهانه بازپخش «ستایش»

سعیده مرادی

این روزها که سریال «ستایش ۳» از تلویزیون بازپخش می‌شود و دوباره شاهد هنرنمایی فریبا نادری در نقش «پری‌سیما» به‌عنوان نقش منفی و ضدقهرمان داستان هستیم، بیش از پیش به این نکته و واقعیت پی‌می‌بریم که کاراکتر منفی هم اگر به خوبی ایفای نقش کرده و می‌تواند به اندازه نقش اول و اصلی داستان مورد توجه قرار بگیرد و ماندگار شود. فریبا نادری در پیاده‌سازی و به نمایش درآوردن نقش شخصیت بدجنس داستان آنچنان موفق بود که به قول خودش کلی از مردم بد و بیراه شنید و بخشی از مخاطبان نمی‌توانستند بین شخصیت حقیقی او و نقش پری‌سیما تفاوت قائل شوند و این دو را از یکدیگر تمیز دهند. با تمام مشکلات و حاشیه‌هایی که بازی در نقش پری‌سیما برای فریبا نادری ایجاد کرد، او همچنان از ایفای چنین نقشی خوشحال و راضی است. این بازیگر دهه‌شصتی، تجربه‌های مختلفی در عرصه‌های سینما، تئاتر و تلویزیون داشته که از آن جمله می‌توان به فیلم‌ها و مجموعه‌های لامبورگینی، دریاکنار، مشکل گیتی، خائن‌کشی، مروارید سرخ، یلدا، بزرگ‌مرد کوچک، فاکتور هشت، آسمان همیشه ابری نیست، فاخته، چک برگشتی، پرستاران، از سرنوشت و... اشاره کرد.

شما تاکنون کارهای زیادی را در کارنامه کاری خود دارید. سریال‌هایی مثل ستایش ۲ و ۳ و پرستاران که حسابی هم موفق بوده‌اند. کدامیک از آثار و نقش‌هایی که تاکنون بازی کرده‌اید بیشتر به دلتان نشسته است؟

من در انتخاب نقش‌هایم بسیار دقت می‌کنم. بنابراین همه سریال‌هایی که در آنها حضور یافته‌ام موردعلاقه‌ام هستند و نقش‌هایم را دوست دارم و همگی دلخواهم بوده‌اند.

شما در انتخاب نقش سختگیر هستید و حساسیت‌های زیادی دارید. با وجود این از اینکه در سریالی مانند ستایش در نقش منفی و ضدقهرمان ظاهر شوید ابایی نداشتید. درباره این موضوع و دلایل انتخاب این نقش توضیح می‌دهید؟

از ابتدا می‌دانستم نقشی که می‌خواهم بازی کنم منفی است و چه شخصیتی دارد، اما از آن استقبال کردم چون کار من بازیگری است و اینکه عده‌ای بگویند فلان نقش چقدر بدجنس است تأثیری در انتخاب من ندارد. من سعی می‌کنم در هر نقشی که انتخاب می‌کنم و ظاهر می‌شوم تمام توان و هنر بازیگری‌ام را نشان دهم و تمایل دارم تا در نقش‌های متفاوت بازی کنم. تنها اضطرابم در انتخاب نقش پری‌سیما هم همین موضوع بود. ستایش ۱ و ۲ با استقبال خوب مخاطبان مواجه بود و همین موضوع کار مرا سخت‌تر می‌کرد.

چرا؟

چون اگر نمی‌توانستم نقشم را به خوبی ایفا کنم شاید به لحاظ حرفه‌ای دچار آسیب می‌شدم. با وجود این خوشبختانه در نقش پری‌سیما به خوبی ظاهر شدم و واکنش‌های مردم هم حکایت از این موفقیت دارد. حتی فصل سوم سریال نسبت به فصل اول و دوم خیلی بهتر شد و بیننده آن هم بیشتر بود.

به‌نظر شما بازی در نقش‌های منفی و ضدقهرمان سخت‌تر است یا نقش‌های مثبت و قهرمان داستان؟ شما علاقه دارید بیشتر در کدام نقش، مثبت یا منفی، بازی کنید؟

قطعاً ایفای نقش‌های منفی به‌مراتب سخت‌تر از نقش‌های مثبت است. نقش‌های منفی را دوست دارم، منظور من از منفی نقشی است که مثبت نباشد، چون برای من چالش و جای کار بیشتری دارد.

در دوره اول پخش این مجموعه، واکنش مردم و دوستان به نقش در این سریال یعنی پری‌سیما چطور بود و معمولاً با چه واکنش‌هایی روبه‌رو می‌شدید؟

بسیاری از مردم وقتی مرا در خیابان می‌دیدند در وهله اول برخورد خوبی نداشتند. آنطور که شنیده‌ام حتی مخاطبان موقع دیدن «ستایش» به من بد و بیراه می‌گفتند و فحش هم می‌دادند.

> **ایفای نقش‌های منفی به‌مراتب سخت‌تر از نقش‌های مثبت است. نقش‌های منفی را دوست دارم، منظور من از منفی نقشی است که مثبت نباشد، چون برای من چالش و جای کار بیشتری دارد**

در واقع تمام تلاش خودم هم این بود که واقعاً این اتفاق بیفتد و چنین حسی را از نقش پری‌سیما به مخاطب منتقل کنم و در نتیجه این واکنش‌های مردم خوشحالم می‌کرد چون نشان می‌داد کارم را خوب انجام داده‌ام و از سوی کارگردان، آقای سعید سلطانی به درستی هدایت شده‌ام. واقعاً خستگی‌ام درآمد وقتی دیدم مردم آنقدر نقش مرا باور کرده‌اند که به من فحش می‌دهند!

سریال ستایش در ۳ فصل ساخته شد و مخاطبان هم از آن استقبال کردند. به‌نظر شما اگر این سریال ادامه پیدا کند و مجموعه جدیدی از آن ساخته شود، این موفقیت ادامه‌دار خواهد بود؟

حقیقت امر اینکه فکر می‌کنم ادامه دادن چنین سریال‌هایی دیگر معنا ندارد.

از چه نظر؟

چون تکلیف تمام کاراکترها مشخص شده است. اینگونه ادامه دادن سریال‌ها از نظر من بیشتر اذیت کردن مخاطبان است. همانطور که گفتم پرونده تمام بازیگران سریال «ستایش» در فصل سوم مشخص شد و دیگر جذابیتی برای مخاطب ندارند که بخواهد ادامه آن را دنبال کند، مگر اینکه یک سریالی دیگر با یک قصه و داستان مجزا ساخته شود. در غیراین صورت ادامه دادن سریال مانند ۳ فصل گذشته موفقیتی به‌دنبال نخواهد داشت، چون شخصیت‌های داستان دیگر جذابیتی برای مردم و مخاطب ندارند و به‌نظرم حرف تازه و نگفته‌ای باقی نمانده است. ادامه و در واقع کش دادن داستان و کاراکترهایش کار اشتباهی است. در یک جمله پرونده سریال ستایش و تمام کاراکترهای داستانش در فصل سوم بسته شد.

شما تجربه کار کردن در هر دو را دارید، تلویزیون یا سینما؛ کدامیک را بیشتر می‌پسندید؟

البته در وهله نخست این خوب و قوی بودن کار است که اهمیت دارد و به‌نظرم اینکه برنامه برای تلویزیون باشد یا سینما تفاوت چندانی ندارد.

بالاخره هر کسی اولویتی دارد یا با یکی از آنها راحت‌تر ارتباط می‌گیرد، اینطور نیست؟

از این منظر در مجموع همیشه تلویزیون برایم اولویت دارد و انتخاب اول من است.

چرا؟

چون کارم را از تلویزیون شروع کرده‌ام و البته مخاطبان تلویزیون هم بیشتر از سینماست. همچنین در متن‌هایی که از تلویزیون به من می‌رسد، حق انتخاب بیشتری دارم. در سینما خیلی پیشنهادهای عجیبی به من نشده و خودم هم هیچ وقت نخواستم به آن شکل وارد سینما شوم. یا وارد سینما نمی‌شوم یا اگر بخواهم وارد شوم، سعی می‌کنم کاری که انتخاب می‌کنم خوب و قوی باشد و مثل خیلی از بازیگرهای دیگر نباشم که هر پیشنهادی را برای بازی قبول می‌کنند.

در جایی خواندم که گفته بودید به‌صورت اتفاقی وارد دنیای بازیگری شده‌اید. این موضوع درست است و اگر زمان به عقب برگردد باز هم وارد این حرفه می‌شوید؟

بله، من به‌صورت اتفاقی وارد دنیای بازیگری شدم.

یعنی علاقه‌ای ندارید؟

البته علاقه‌ام به این حرفه اتفاقی نبود و از همان دوران کودکی همیشه عشق بازیگری و فیلم بودم و قبل از ورود به دنیای بازیگری هم این علاقه با من بود. اگر به گذشته بازگردم قطعاً دوباره همین مسیر را خواهم پیمود و به‌طور حتم بازیگر می‌شوم. اگرچه خانواده‌ام نیز در ابتدا با این موضوع مخالف بودند. به خوبی به یاد دارم که در مقطع راهنمایی اجرای برنامه نیمرخ به من پیشنهاد شد اما به‌دلیل مخالفت خانواده حضورم در این برنامه منتفی شد.

در بازیگری به آن چیزی که انتظارش را داشته‌اید رسیده‌اید؟ نقش یا فیلمی و سریالی هست که دوست داشته‌اید در آن بازی کنید؟

خب هر کار خوبی که تولید می‌شود تمام بازیگران قطعاً علاقه‌مند هستند تا در آن بازی کنند و حضور داشته باشند. من تمام کارهای خوبی که تولید شده را می‌پسندم؛ به‌عنوان مثال سریال «یاغی» را که دیدم به آقای کارت و آقای شادمان پیام دادم و گفتم که دیدن این مجموعه چه حس خوبی به من مخاطب می‌دهد و به آنها صادقانه «خسته نباشید» گفتم. البته این را بگویم که اصلاً حسادت نمی‌کنم و فقط کارهای خوب را دوست دارم.

هم‌اکنون چه کاری در دست اجرا دارید؟

برای شبکه نمایش خانگی مشغول بازی در یک سریال هستم اما با توجه به اینکه تولیدکنندگان برنامه هنوز خبری درباره این کار اعلام نکرده‌اند من هم اجازه اعلام کردن نام آن و توضیح دادن درباره این اثر را ندارم.

شما در کنار بازیگری زندگی خانوادگی و شخصی موفقی هم دارید. برایمان از جایگاه و اهمیت خانواده از دیدگاه خودتان بگویید...

خب به اعتقاد من خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. در بازیگری برای اینکه بتوان موفق بود باید حال دل آدم خوب باشد و به اعتقاد من این حال خوب به‌دست نمی‌آید مگر تحت‌تأثیر یک خانواده خوب. من برای همسر و فرزندم بسیار اهمیت قائل هستم و خدا را شکر همسرم هم بسیار با من همراه و همدل است. حتی در همین سریال «ستایش» هم فرزندم را سر صحنه فیلمبرداری می‌بردم و خوشبختانه عوامل فیلم هم با من نهایت همکاری را داشتند.

به‌عنوان یک بازیگر چقدر به‌نظر و قضاوت مخاطب اهمیت می‌دهید؟

نظر مخاطب برایم از اهمیت خاصی برخوردار است چون ما تمام نقش‌ها را برای مردم و به عشق آنها بازی می‌کنیم. البته این را بگویم که فضای مجازی را خیلی جدی نمی‌گیرم، به‌دلیل اینکه نمی‌دانم در پس پرده آن چه خبر است و در آنجا با چه نوع مخاطبی روبه‌رو هستیم اما در مجموع همیشه نقد و نظرات سازنده را می‌پذیرم.

سریال‌های موفق

سریال‌های موفق ایرانی که بر مبنای یک کتاب ساخته شده‌اند

داستان‌هایی به ضیافت تصویر

قصه‌های مجید

سریال «قصه‌های مجید» به کارگردانی کیومرث پوراحمد اقتباسی از کتاب قصه‌های مجید اثری از هوشنگ مرادی کرمانی است که در سال ۱۳۶۹ از تلویزیون پخش شد. نوشته‌های هوشنگ مرادی کرمانی با محوریت «مجید» در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در قالب داستان‌هایی در رادیو به اجرا درآمد و در واقع این داستان‌ها در ابتدا برای رسانه رادیو نوشته شده بود. مرادی کرمانی بعدها یعنی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ رمان «قصه‌های مجید» را منتشر کرد. مجموعه‌ای ۵جلدی که هنوز هم چاپ می‌شود و با توجه به جذابیت و استقبال مخاطبان تاکنون به چاپ‌های متعدد رسیده است. این قصه‌ها که محبوبیت فراوانی دارند، بعد از ساخته شدن مجموعه‌های تلویزیونی و ۳فیلم سینمایی از آن، به شهرتی دوچندان رسیدند. مرادی کرمانی درباره قصه‌های مجید در گفت‌وگویی عنوان کرده: «اگر همه کسانی که آن را خوانده‌اند با این فرض که هر جلد را ۵نفر خوانده باشد، به یک میلیون و خرده‌ای نفر نمی‌رسد. اما هر وقت که «قصه‌های مجید» یا «مهمان مامان» از تلویزیون یا سینما پخش می‌شود، هردفعه بین ۴۰ تا ۵۰میلیون بیننده دارد.» مجموعه تلویزیونی این مجموعه هم با بازی مهدی باقربیگی و مرحوم پروین‌دخت یزدانیان بسیار محبوب شد.

در چشم باد

سریال «در چشم باد» سریالی به کارگردانی مسعود جعفری‌جوزانی است که در سال ۱۳۸۹ پخش شد. این مجموعه تلویزیونی اقتباسی از رمان «جاده جنگ» به نویسندگی منصور انوری است. «جاده جنگ» که نگارش آن ۱۰سال طول کشیده، رمانی ۱۲جلدی است که نخستین جلد آن در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. ماجرای «جاده جنگ» به شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران در جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. در واقع از این اتفاق مهم تاریخ معاصر ایران آغاز می‌شود و به جنگ ایران و عراق می‌رسد. منصور انوری، نویسنده این رمان، ایده اصلی را در ابتدا برای سریالی ۳۰قسمتی نوشته بود، اما بعدها با تغییراتی تبدیل به مجموعه ۵۰قسمتی «در چشم باد» شد. اقتباس از رمان با دخل و تصرف‌های مختلف شکل گرفت و البته واکنش‌ها نسبت به سریال هم بهتر از رمان بود. با آنکه این رمان بعد از انتشار موفق به دریافت جایزه جلال آل‌احمد در سال ۹۰ شد و حتی عنوان برگزیده چهاردهمین دوره «کتاب فصل»، برگزیده بیست‌ونهمین دوره کتاب سال و برگزیده جایزه «قلم زرین» را به‌خود اختصاص داد، اما جامعه کتابخوان نسبت به آن اقبالی نشان نداد. سریال «در چشم باد» برخلاف رمان «جاده جنگ» به خوبی دیده شد و مخاطب را به واکنش واداشت.

زخم کاری

«زخم کاری» سریالی به کارگردانی محمدحسین مهدویان است که در سال ۱۴۰۰ پخش شد. این سریال که برای پلتفرم نمایش خانگی ساخته شده، اقتباسی از رمان «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد است که در سال ۱۳۹۵ انتشار یافت. حسینی‌زاد از اواسط دهه ۸۰ شروع به انتشار داستان‌هایش کرد. «سیاهی چسبناک شب»، «این برف کی آمده» و «آسمان، کیپ ابر» و «بیست زخم کاری» ازجمله آثار او هستند اما «بیست زخم کاری» نخستین و تنها رمانی است که حسینی‌زاد آن را سال ۱۳۸۰ با تأثیر از «مکبث» شکسپیر نوشته است. این رمان حدود ۱۰ سال اجازه انتشار پیدا نکرد و در نهایت سال ۹۴ مجوز نشر گرفت و سال ۹۵ به بازار کتاب راه پیدا کرد. در نهایت سریال «زخم کاری» هم از روی آن ساخته شد، اما به‌گفته نویسنده آن به هیچ وجه به رمان وفادار نبوده است. طوری که حسینی‌زاد در گفت‌وگویی با رادیو نمایش عنوان کرده بود: «در این سریال شخصیت‌ها هیچ‌گونه همخوانی با شخصیت‌های رمان «بیست زخم کاری» ندارند و مکان‌ها هم اصلاً ربطی ندارند و حال و هوای قصه هم به هر حال خیلی گسترده شده و خط اصلی داستان کنار گذاشته شده است.» قصه جنجال‌ها فقط مختص به کتاب نبود و حتی اخباری درباره توقیف سریال هم به گوش رسید. با این حال پخش «زخم کاری» با وجود تمام حواشی آن ادامه یافت.

یاغی

سریال «یاغی» به کارگردانی محمد کارت که به‌تازگی ساخت و پخش آن شروع شده، سریالی اقتباس شده از رمان سالتو نوشته مهدی افروزمنش است. «سالتو» رمانی اجتماعی با درونمایه‌های جنایی و معمایی است و حکایت از مردمی دارد که در گوشه تاریک شهر زندگی می‌کنند. این رمان دومین رمان مهدی افروزمنش است که در زمستان ۱۳۹۵ به همت نشر چشمه منتشر و تاکنون چند مرتبه تجدیدچاپ شده است. یکی از شاخصه‌های این رمان در این است که نویسنده در آن هم به دغدغه‌های ورزشکاران بااستعداد و محروم جامعه اشاره می‌کند و هم از قشر کم‌درآمد و محروم جامعه و هم از باندهای قاچاق موادمخدر سخن به میان آورده است. به این شکل نویسنده توانسته ارتباط و تعادلی بین این ۳موضوع برقرار و به این طریق هنر نویسندگی خود را به جامعه ادبی ایران ثابت کند. محمد کارت نیز که در ساخته قبلی خود یعنی «شنای پروانه» توانست موفق عمل کند و همه نگاه‌ها را به سمت خود بکشاند با ساخت سریال یاغی هم که برگرفته از این رمان پر مخاطب است توانسته موفق عمل کند و این سریال تاکنون طرفداران بسیاری پیدا کرده است.

نام کتاب:
قصه‌های مجید

نویسنده کتاب:
هوشنگ مرادی کرمانی

کارگردان:
کیومرث پوراحمد

۱۳۶۹

نام کتاب:
جاده جنگ

نویسنده کتاب:
منصور انوری

کارگردان:
مسعود جعفری‌جوزانی

۱۳۶۹

نام کتاب:
بیست زخم کاری

نویسنده کتاب:
محمود حسینی‌زاد

کارگردان:
محمدحسین مهدویان

۱۴۰۰

نام کتاب:
سالتو

نویسنده کتاب:
مهدی افروزمنش

کارگردان:
محمد کارت

۱۴۰۱

بسته پیشنهادی

کتاب

وضعیت آخر

تامس ای. هریس این کتاب را با استفاده از نظریه‌های زیگموند فروید نوشت. کتابی که از زمان انتشارش تا امروز یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین و پرفروش‌ترین کتاب‌ها در حوزه روانشناسی است و بسیاری از روانشناسان از مطالب این کتاب برای تحلیل و درمان مراجعان‌شان استفاده می‌کنند. اسم اصلی کتاب «من خوبم، شما خوبید» است. نویسنده با توجه به مشاهدات و تجربه سی ساله‌اش متد جدیدی برای روانکاری ارائه می‌کند. او ۳ نقش برای انسان‌ها قائل می‌شود: بالغ، والد و کودک. خواندن کتاب «وضعیت آخر» به شما کمک می‌کند که بتوانید بهتر تصمیم‌ها و حالات روحی خودتان را تحلیل کنید.

فیلم

عنکبوت

داستان این تریلر روان‌شناختی به چند روز از زندگی مردی با اختلالات شدید روانی می‌پردازد که به شکل مداوم در حال مرور خاطرات تلخ و دردناک گذشته‌اش است. در دنیای «عنکبوت» هویت افراد تغییر می‌کند و همه‌چیز رنگ و بوی متفاوتی به‌خود می‌گیرد. این فیلم توسط دیوید کرانبرگ چندان غیرمنتظره نیست، اما او در عنکبوت برخی از پرسش‌ها را مطرح می‌کند و به ابعاد تاریک وجود انسان نزدیک می‌شود. رالف فاینز در نقش شخصیت اصلی (دنیس) فوق‌العاده ظاهر می‌شود و به‌علت توجه بیش از اندازه به جزئیات، تصویری عمیق و تأثیرگذار از شکنندگی عقل و جنون ارائه می‌دهد.

طرح: محمدعلی حلیمی

روزمرگی با روان ما چه می‌کند و چطور با آن روبه‌رو شویم

سلاخی روزها با ساطور روزمرگی

نیلوفر ذوالفقاری

هر روز همان کارهای تکراری، همان مسیر همیشگی، همان برنامه روزانه بدون هیچ تغییری، احتمالاً شما هم موافقید که این تکرار، جز ملال و آسیب رساندن به روح و روان ما، پیامد دیگری ندارد. روزمرگی، حاصل زندگی ماشینی است و بسیاری از افراد با ملال حاصل از آن دست و پنجه نرم می‌کنند. برای شکستن این چرخه تکراری باید ابتدا بدانیم روزمرگی چرا و چگونه ایجاد می‌شود و با چه راهکارهایی می‌توانیم از آن پیشگیری کنیم یا آن را از بین ببریم؟ پاسخ این سؤالات را، مجتبی شکوری (معلم و پژوهشگر) به ما می‌گوید.

تأثیرات منفی روزمرگی بر روان

این تصور که احساس روزمرگی مخصوص افراد بیکار است، اصلاً درست نیست. خیلی وقت‌ها فردی اتفاقاً خیلی هم سرش شلوغ است و دائماً درگیر کار است اما وقتی حال و هوای او را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم برای انجام این کارها دلیلی ندارد و دچار ملال و بی‌حوصلگی و روزمرگی است. در واقع روزمرگی حاصل یکنواختی است، اگر حس کنیم همه‌چیز سر جای خودش است و هیچ مسئله جدیدی در زندگی اتفاق نمی‌افتد و لازم نیست برای رسیدن به تعادل جدید فکر کنیم، دچار روزمرگی خواهیم شد. شخصی که درگیر روزمرگی است آستانه تحمل پایینی دارد. بر اثر کسالت و روزمرگی، تعادل روانش به هم می‌خورد، به همین دلیل هم می‌تواند عصبی و افسرده شود و از خود رفتارهای نامناسب نشان دهد. احساس خستگی، ترس، تردید، اضطراب و شکست، از تأثیرات منفی روزمرگی است. برای کسی که دچار احساس ملال است، همه‌چیز در نگاهش تکراری شده و دیگر مثل سابق حس خوشحالی ندارد؛ احساس غم و اندوه را تجربه می‌کند و دیگر هیچ انگیزه‌ای برای ادامه دادن ندارد.

کسالت در محل کار

در زندگی شهروند امروزی، بخش زیادی از روزمرگی در بعد اجتماعی و شغلی اتفاق می‌افتد. احساس روزمرگی در کار می‌تواند از عوامل مختلفی سرچشمه بگیرد؛ مثل عوامل شخصیتی، اهداف و انگیزه‌های فرد در زندگی، توانایی‌ها و ناتوانایی‌ها فرد یا شرایط حاکم بر محیط کار و شبیه آن. افرادی که به هر دلیلی احساس می‌کنند کارشان کم‌اثر و کم اهمیت است، بعد از مدتی دچار روزمرگی در کار خود می‌شوند. وقتی شغل فرد با شخصیت و خصوصیاتش تناسبی نداشته باشد، حس روزمرگی تشدید می‌شود. همکاران هم در ایجاد این حس تأثیر دارند. فردی که صبح با انگیزه زیاد سر کار می‌رود ولی مدام با چهره عصبانی مدیر و همکار بی‌حوصله و کسل کننده خود روبه‌رو می‌شود، به‌تدریج دنیا را از روزنه دید همکارانش تعبیر و تفسیر خواهد کرد و دیگر هیچ اشتیاقی برای انجام دادن کارهایش نخواهد داشت.

چه باید کرد

برای رهایی از روزمرگی شغلی، کارتان باید براساس علایق و منطبق با شخصیت شما باشد و کار خود را با عشق و علاقه انجام دهید؛ چون اگر واقعاً کسی شغل خود را دوست نداشته باشد، هر قدر هم در آن زمینه تحصیل کرده و مهارت کسب کند، نمی‌تواند بازدهی فردی را داشته باشد که با عشق و علاقه کارش را انجام می‌دهد. حتماً با مدیر خود درباره این مسئله صحبت کنید و از او بخواهید که به شما کمک کند. شاید او حوزه کاری شما را تغییر دهد یا مسئولیت‌های بیشتری به شما بدهد و به این ترتیب انگیزه شما افزایش پیدا کند. فاصله گرفتن از کار و سفر رفتن باعث می‌شود تا هم از لحاظ جسمی و ذهنی آرامش پیدا کنید و هم ارزش کارتان را بیشتر بدانید و بعد از چند روز مرخصی، با روحیه شادتری سر کار خود حاضر شوید.

عوامل ایجاد حس ملال و روزمرگی

عوامل مختلفی ممکن است باعث شوند روزمرگی جای نشاط و شادابی زندگی را بگیرد. یکی از این عوامل، یکنواختی است. وقتی ما از نظر حسی با اطلاعات و تجربیات یکنواخت مواجهیم با ملال روبه‌رو می‌شویم. دلیل بعدی، نداشتن هدف و معناست. این یعنی ما کارهایی هم انجام می‌دهیم که جدید است اما چون معنایی برای آن نداریم، آن کار ما را دچار ملال می‌کند. سومین عامل، بحران اراده است، یعنی ما گاهی می‌دانیم که چه کاری باید انجام دهیم اما نمی‌توانیم آن کار را انجام دهیم. در واقع در اعمال اراده خود محدودیت داریم. چهارمین چرخ ماشین ملال، عدم ارتباط بین چالش‌ها و مهارت‌هاست. این اتفاق وقتی می‌افتد که با چیزی مواجهیم که یا خیلی ساده است یا خیلی سخت، در واقع بین چالش‌ها و مهارت‌های ما تناسب وجود ندارد. در این حالت فرد به درجه‌ای از ناامیدی می‌رسد که دنبال راهی برای رهایی از این احساسات می‌گردد. بسیاری از ما هم به جای دنبال راه‌حل گشتن، فضای مجازی را بالا و پایین می‌کنیم و سراغ انواع مختلف محرک‌های بیرونی و جالب می‌رویم تا شاید از این روزمرگی بیرون بیاییم، اما هر روز حالمان بدتر می‌شود. ملال و روزمرگی به طرز جالبی هم حاصل تنوع کم و هم حاصل تنوع زیاد است. در مفهوم متناقض انتخاب، وقتی تعداد گزینه‌های ما خیلی زیاد می‌شود ما عملاً فلج می‌شویم و نمی‌توانیم انتخاب کنیم. یعنی همان اتفاقی رخ می‌دهد که وقتی گزینه‌ها کم هستند تجربه می‌کنیم.

راه فرار از ملال روزمرگی

هرچند هر روز با توصیه‌های متعدد صفحات روانشناسی و انگیزشی برای لذت بردن از لحظه، بمباران می‌شویم، اما این توصیه‌ها چندان شدنی و کارآمد نیستند. با این حال راه‌های بیرون رفتن از روزمرگی تا حدی شبیه همین توصیه‌هاست. مثلاً به‌عنوان یک راه‌حل ابتدایی، هر چیزی را که در مورد این جهان و آدم‌هایی که در زندگی شما هستند دوست دارید، فهرست کنید. در مورد هر فعالیتی که شما را به هیجان می‌آورد و سرزنده می‌کند فکر کنید. این فعالیت می‌تواند هر چیزی باشد: موسیقی، ورزش، آشپزی، تدریس، یادگیری، تماشای فیلم و... در عشق شما به این چیزها شادی و حال خوب نهفته است. بسیاری از ما مدام به‌دنبال تجربه‌های بزرگ و خیلی جالب برای بیرون آمدن از این احساس هستیم. اما همه‌چیزی که داریم همین چیزهای کوچک و معمولی اطراف‌مان است. گاهی لازم است چیزهای آشنا را برای خودمان دوباره ناآشنا کنیم. در دنیایی که چیزهای جدید هم پس از مدت کوتاهی کهنه می‌شوند. اگر شما با همین چیزهای کوچک اطراف‌تان لذت نبرید، لذت‌های بزرگ‌تر اتفاق نخواهند افتاد. انتظار کشیدن برای تغییرات اساسی و تحولات چشمگیر کار بیهوده‌ای نیست، باید از تغییرات ساده، انتخاب‌های کوچک اما جدید و مسیرهای کوتاه تازه شروع کنیم تا سد روزمرگی بشکنند و تنوع به زندگی ما سرازیر شود.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت بارگیری و حمل ۵۰ هزار تن نخاله و فیلر کارخانجات ۶ و ۷ و ۹ به گود مجاز از بین اشخاص حقوقی که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

۱-حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :

- دارای کد اقتصادی.
- دارای دفتر در استان تهران. (طبق سند مالکیت یا قرارداد اجاره حداقل تا پایان سال ۱۴۰۱ بصورت کپی برابر با اصل)
- دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا گواهینامه موقت ایمنی معتبر در زمان بازگشائی پاکات از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر در زمان مناقصه
- دارای سوابق و تجارب مناسب مرتبط با موضوع مناقصه

لذا از کلیه شرکتهایی که دارای شرایط فوق الذکر می‌باشند، دعوت بعمل می‌آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند:

۲-ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۱۸۷۸۳۹۵ بنام این سازمان نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی کد ۲۴۹ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار. (درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی میبایست موضوع به تائید امورمالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس ازآن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)

۳-محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادها شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵

۴-ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز، بر اساس تاریخ های درج شده در اسناد فراخوان.

۵-کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲

۶- مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۷-برنده مناقصه بر اساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین نامه های داخلی مناقصه‌گزار تعیین می‌شود.

بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تائید آن ، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوابق و مدارک واصله هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نمی نماید.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مربوطه می باشد.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت حفاظت و نگهبانی از ساختمان ها وکارگاه های عمرانی ثابت و سیار سازمان در قالب حجمی از بین اشخاص حقوقی که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

۱-حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :

۱) دارای کداقتصادی.
۲) دارای تائیدیه معتبر از یگان حفاظت شهرداری تهران.
۳) دارای دفتر مرکزی در استان تهران
۴) دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا گواهینامه موقت ایمنی معتبر در زمان بازگشائی پاکات از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر در زمان مناقصه

اعلام و ارائه اسناد مثبته اخذ کداقتصادی برای کلیه اشخاص متقاضی الزامی است.

- لذا از کلیه شرکتهایی که دارای شرایط فوق الذکر می‌باشند، دعوت بعمل می‌آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند:

۲-ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۱۸۷۸۳۹۵ بنام این سازمان نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی کد ۲۴۹ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار.(درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی میبایست موضوع به تائید امورمالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس ازآن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)

۳-محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادها شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵

۴-ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز، بر اساس تاریخ های درج شده در اسناد فراخوان.

۵-کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲

۶- مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۷-برنده مناقصه بر اساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین نامه های داخلی مناقصه گزار تعیین می‌شود.

بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تائید آن ، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوابق و مدارک واصله هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نمی نماید.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مربوطه می باشد.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت اجرای عملیات لوله انتقال آب ۱۱۰۰ پل نواب تندگویان از بین اشخاص حقوقی که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

۱-حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :

- دارای کد اقتصادی.
- دارای دفتر در استان تهران. (طبق سند مالکیت یا قرارداد اجاره حداقل تا پایان سال ۱۴۰۱ بصورت کپی برابر با اصل)
- دارای کارت الکترونیک معتبر حوزه معاونت فنی و عمرانی
- دارای کارت صلاحیت معتبر حداقل پایه ۴ در رشته آب از سازمان برنامه و بودجه کل کشور با داشتن سابقه کاری مشابه و مرتبط مورد تأیید
- دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا گواهینامه موقت ایمنی معتبر در زمان بازگشائی پاکات از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر در زمان مناقصه
- جزء لیست مورد تائید شرکت آب و فاضلاب کشور

-لذا از کلیه شرکتهایی که دارای شرایط فوق الذکر می‌باشند، دعوت بعمل می‌آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند:

۲-ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۱۸۷۸۳۹۵ بنام این سازمان نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی کد ۲۴۹ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار. (درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی میبایست موضوع به تائید امورمالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس از آن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)

۳-محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادها شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵

۴-ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز، بر اساس تاریخ های درج شده در اسناد فراخوان.

۵-کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲

۶- مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۷-برنده مناقصه براساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین نامه های داخلی مناقصه گزار تعیین می‌شود.

بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تائید آن ، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوابق و مدارک واصله هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نمی نماید.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مربوطه می باشد.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت انجام عملیات تعمیر، مرمت و بهسازی معابر بزرگراهی بر اساس پهنه بندی سال ۱۴۰۱ از بین اشخاص حقوقی که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

۱-حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :

- دارای کد اقتصادی.
- دارای دفتر در استان تهران. (طبق سند مالکیت یا قرارداد اجاره حداقل تا پایان سال ۱۴۰۱ بصورت کپی برابر با اصل)
- دارای کارت الکترونیک معتبر حوزه معاونت فنی و عمرانی
- دارای کارت صلاحیت معتبر حداقل پایه ۴ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه کل کشور
- دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا گواهینامه موقت ایمنی معتبر در زمان بازگشائی پاکات از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر در زمان مناقصه
-پیمانکاران برنده هر پهنه مکلفند به صورت همزمان حداقل در دو جبهه کاری فعالیت نمایند.
- تهیه آسفالت توسط پیمانکار، صرفاً از تولیدکنندگان مجاز معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران امکان پذیر می باشد.
- ارایه اسناد مالکیت ماشین‌آلات حداقل یک اکیپ به شرح ذیل در اسناد مناقصه الزامی می باشد:

یکدستگاه فینیشر ۱۸۰۰ مدل ۲۰۰۵ به بالا
یکدستگاه غلطک لاستیکی و یکدستگاه آهنی مجهز به آبپاش مدل ۲۰۰۵ به بالا
یکدستگاه تراش حداقل ۱۵۰۰ به بالا

لذا از کلیه شرکتهایی که دارای شرایط فوق الذکر می‌باشند، دعوت بعمل می آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند:

۲-ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۱۸۷۸۳۹۵ بنام این سازمان نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی کد ۲۴۹ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار. (درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی میبایست موضوع به تائید امورمالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس از آن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)

۳-محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادها شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵

۴-ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز، بر اساس تاریخ های درج شده در اسناد فراخوان.

۵-کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲

۶- مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۷-برنده مناقصه بر اساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین نامه های داخلی مناقصه گزار تعیین می‌شود.

بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تائید آن ، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوابق و مدارک واصله هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نمی نماید.

هزینه چاپ آگهی به تناسب مبلغ قراردادهای مبادله شده برای هر پهنه به عهده برندگان مربوطه می باشد.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

چرا فنلاند به‌طور ناگهانی به کشوری مهم برای جهان بدل شد

پایان بی‌طرفی در آخر دنیا

بهنام سلطانی

برخی کشورهای دنیا نفع‌شان در بی‌طرفی بی‌چون و چراست. این کشورها عموماً وارد مناقشات بین‌المللی نمی‌شوند و با اعلام بی‌طرفی به کشورهایی امن برای سرمایه‌گذاری بدل می‌شوند. فنلاند تا همین چندماه قبل یکی از همین کشورهای بی‌طرف بود و از این حیث با کشورهایی چون سوئیس و اتریش که به‌عنوان نماد بی‌طرفی شناخته می‌شوند، رقابت می‌کرد. فنلاند کشوری است با طبیعت بکر و رؤیایی و مردمانی که به زندگی در یک فضای آرام و به دور از تنش عادت کرده‌اند اما جنگ روسیه و اوکراین خواب آنها را به‌شدت آشفته کرده است. فنلاند حالا بیش از هر زمان دیگری نامش بر سر زبان‌ها افتاده و به‌واسطه تلاش‌های سیاستمداران و اشتیاق مردم این کشور برای پیوستن به ناتو عملاً از حالت بی‌طرفی خارج شده است. آنها یک جورهایی به اصل خودشان برگشته‌اند. چرا؟ چون تاریخ این کشور با جنگ و درگیری با کشورهایی هم‌مرز مثل سوئد و روسیه نوشته شده؛ اتفاقی که به‌نظر می‌رسد اکنون در حال تکرار است. اینکه چرا فنلاند یکباره به کشور مهمی برای غرب بدل شده سؤالی است که برای پیدا کردن جواب آن باید تاریخ این کشور را خواند.

زیر سایه همسایه

در چند سده اخیر کسی به‌خاطر ندارد که فنلاند وارد جنگ با کشور دیگری شده باشد یا حتی در کشاکش مناقشات بین‌المللی در مقام حامی کشور خاصی وارد عمل شود. فنلاندی‌ها اصولاً جانب کشور دیگری را نمی‌گیرند و به قول ما ایرانی‌ها به کسی نان قرض نمی‌دهند. البته آنطور که تاریخ‌نویس‌ها روایت می‌کنند، این کشور از همان ابتدای پیدایش تا این حد خنثی و بی‌طرف نبوده و همواره با کشورهای هم مرز مثل روسیه و سوئد وارد نزاع خواسته یا ناخواسته شده است. در قرن ۱۲ میلادی فنلاندی‌ها برای تقویت بنیه دفاعی‌شان در برابر دشمنان، به‌ویژه روس‌ها، از سوئد کمک خواستند و سوئدی‌ها با علم به این موضوع، کل این کشور را تصرف کردند. فنلاند به واسطه جنگ‌های پی‌درپی بین روسیه و سوئد هم صدمات سختی دیده و در بزنگاه‌های تاریخی وجه‌المصالحه دو کشور شده است. مثل سال ۱۸۰۹ که سوئد، فنلاند را به الکساندر یکم، تزار روسی تسلیم کرد. از اوایل قرن نوزدهم، جنبش استقلال‌طلبی به رهبری مبارزانی مثل روزنبرگ در این کشور جان تازه‌ای گرفت و عرصه را به روس‌ها که چشم به خاک این کشور داشتند، تنگ کرد. در قرن ۱۹ نهضت روسی‌سازی فنلاند به‌وسیله تزار نیکلای دوم شروع شد؛ اما با مقاومت شدید فنلاندی‌ها و اعتصابات عمومی شکست خورد. مقاومت در برابر روس‌ها در نهایت نتیجه داد و مردم این کشور در سال ۱۹۰۱ صاحب مجلس قانونگذاری و حق رأی شدند که به‌معنای استقلال کامل فنلاند بود.

۲۰ هزار جزیره

فنلاند به لحاظ جغرافیایی یک کشور عجیب و در محاصره جزایر و دریاچه‌های پرتعداد است. به همین دلیل از فنلاند به‌عنوان کشور هزار دریاچه نام می‌برند و جالب اینکه ۸۶درصد این کشور پوشیده از جنگل‌های سرسبز است. این کشور ۲۰هزار جزیره با وسعتی بیش از ۱۰۰هزار کیلومترمربع هم دارد. تابستان‌های فنلاند بسیار گرم و کوتاه و زمستان‌های آن تاریک، سرد و طولانی است. در منطقه شمالی لاپلند به‌مدت ۲ماه و در زمستان، خورشید طلوع نمی‌کند و در تابستان هم مردم تا ۲ماه رنگ غروب آفتاب را نمی‌بینند. قرار گرفتن یک‌سوم از خاک فنلاند در بالای مدار شمالگان، این کشور را پس از ایسلند، به شمالی‌ترین کشور جهان مبدل کرده است. شمالی‌ترین نقطه فنلاند هم برای خودش داستانی دارد؛ چون آنجا در تابستان‌ها خورشید به‌مدت ۷۳روز غروب نمی‌کند و در ۲۴ساعت روز هوا روشن است. یعنی در این مدت، شبانه‌روز دیگر معنی و مفهوم ندارد و همه‌چیز مثل روز روشن است. مردم مناطق شمالی در زمستان هم تا ۵۱روز طلوع خورشید را نمی‌بینند. این شرایط نمونه عینی جبر جغرافیایی است و به همین دلیل جمعیت بسیار کمی در مناطق شمالی فنلاند زندگی می‌کنند.

سردسیر و دیدنی

به‌طور کلی زندگی در تابستان برای مردم فنلاند مطلوب‌تر است. آنها در ماه‌های گرم سال به کلبه‌های تابستانی‌شان برمی‌گردند و اوقات‌شان را با شنا، ماهیگیری، کباب خوردن و البته سونا می‌گذرانند. البته فصل زمستان هم برای علاقه‌مندان به ورزش‌های زمستانی یک فرصت است. اقامتگاه زمستانی «لوی» برای همین افراد ساخته شده و فضای بزرگی برای اسکی و اسنوبورد دارد. کارهای غیرمعمول‌تری مثل سورتمه‌سواری با گوزن شمالی، ماهیگیری در آب‌های یخ‌زده و استراحت در سونای فضای باز هم در این مکان شدنی است. برای آدمی که بخواهد خوش بگذراند، زمستان و تابستان توفیری ندارد. یکی دیگر از سرگرمی‌های مردم فنلاند و گردشگران خارجی که به این کشور می‌روند، گشت و گذار در جایی به نام «سرزمین دریاچه‌های فنلاند» است. گفته می‌شود ۵۵هزار دریاچه به طول حداقل ۲۰۰متر در این منطقه وجود دارد. شهر یوواسکولا و قلعه قرون‌وسطایی اولاف در همین منطقه است. وجود قصر برفی در کشور سردسیری مثل فنلاند جای تعجب ندارد. «کمی» شهری است که این قصر برفی ۳طبقه را در دل خودش جا داده که مراسم عروسی و موسیقی در آن اجرا می‌شود. بعد از مراسم هم مهمان‌ها می‌توانند شب را در هتلی برفی سپری کنند.

کشوری که مهم شد

کشوری با این مختصات عجیب و غریب که در ۲قرن اخیر به‌طور سنتی از سیاست «عضویت‌نداشتن در هیچ ائتلافی» پیروی می‌کرد، این روزها تغییر رویه داده و با درخواست عضویت در ناتو و قرار گرفتن در جبهه مقابل روسیه، عملاً از حالت بی‌طرفی خارج شده است. الحاق فنلاند به ناتو به این معناست که کشور ۶میلیون نفری که روسیه با آن ۱۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد، رسماً از نظر نظامی با آمریکا همسو خواهد شد و این خبری بد برای روس‌ها خواهد بود. فنلاند به‌رغم جمعیت نسبتاً کم، یک قدرت نظامی قابل اعتناست که به‌طور غیررسمی از مدت‌ها پیش با غرب همسو شده است. ارتش این کشور در چند دهه اخیر از تجهیزات نظامی آمریکایی استفاده کرده و به همین خاطر سازگاری بیشتری با اعضای ناتو دارد. اگر فنلاند به ناتو بپیوندد و سوئد هم این کشور را همراهی کند، ۲شهر مهم روسیه، یعنی سنت‌پترزبورگ و کالینینگراد در محاصره دریایی کشورهای عضو ناتو قرار می‌گیرند. البته روس‌ها هم بیکار ننشسته‌اند و می‌گویند درصورت پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو، تسلیحات اتمی‌شان را در منطقه بالتیک و در مجاورت مرزهای سوئد و فنلاند مستقر خواهند کرد. اینگونه است که فنلاند به‌عنوان یکی از بی‌طرف‌ترین کشورهای دنیا، شعله جنگ اتمی را روشن خواهد کرد.

آشنایی با مرفه‌ترین کشورهای دنیا

نازپرورده تنعم‌های دنیا

اندیشکده مشهور «لگاتوم» هر سال فهرست «مرفه‌ترین» کشورهای جهان یا به تعبیری بهترین کشورها برای زندگی را منتشر می‌کند و به تازگی مرفه‌ترین کشورهای جهان در سال ۲۰۲۲ را معرفی کرده است. این مؤسسه ۱۰۴متغیر را برای تهیه فهرست مرفه‌ترین کشورهای جهان مقایسه کرده که شامل شاخص‌های سنتی مثل سرانه تولید ناخالص داخلی و شمار افرادی بوده که کار تمام‌وقت داشته‌اند، اما آمارهای جالبی مانند شمار سرورهای اینترنتی مطمئنی که یک کشور دارد و میزان استراحت مردم بر مبنای روزبه‌روز هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این متغیرها سپس به ۹زیر شاخص کیفیت اقتصادی، فضای کسب‌وکار، حکومت‌داری، آموزش، بهداشت و درمان، ایمنی و امنیت، آزادی شخصی، سرمایه اجتماعی و محیط زیست طبیعی تقسیم شده‌اند. معرفی این چندکشور حاصل تحقیقات و بررسی شاخص‌ها و متغیرها در اندیشکده لگاتوم است.

دانمارک | صعود به صدر جدول

کشور نروژ در ارزیابی سال ۲۰۱۹ رتبه اول فهرست مرفه‌ترین کشورهای جهان را کسب کرده بود که دانمارک این رتبه را از آن خود کرد. دلیل انتخاب دانمارک برای این جایگاه شرایط زندگی، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی و دولت کارآمد است که مجموع اینها، چنین افتخاری را برای این کشور ایجاد کرده است. همچنین دانمارک، دومین کشور شاد و پنجمین کشور بدون جنگ در دنیاست. این کشور دارای بالاترین رتبه از لحاظ برابری و رفاه اجتماعی است. پس در مورد صدرنشینی دانمارک در این فهرست جای هیچ حرف و حدیثی باقی نمی‌ماند.

نروژ | امید به زندگی

در سال ۲۰۱۹ نروژ در رده نخست این فهرست قرار داشت، اما در برخی شاخص‌های مهم رقابت را به دانمارکی‌ها واگذار کرد. البته این نزول رتبه چیزی از ارزش‌های نروژ کم نمی‌کند؛ چرا که این کشور اروپایی هنوز هم به لحاظ آزادی فردی، دولت کارآمد و سرمایه اجتماعی سرآمد است و مثل دانمارک، نروژ نیز به رفاه شهروندان خود اهمیت بسیاری می‌دهد. نروژی‌ها مواردی مثل بیمه سلامت و بورسیه‌های تحصیلی را هم در اولویت قرار داده‌اند. در شاخص توسعه انسانی نروژ به بالاترین امتیاز دست یافته که این به‌خاطر امید به زندگی، درآمد سالانه و سطح تحصیلات است.

سوئیس | برابری اقتصادی

سوئیس، بی‌طرف‌ترین کشور دنیا در رتبه سوم مرفه‌ترین کشور در سال ۲۰۲۲ قرار گرفته است. سوئیس به لحاظ امنیت اجتماعی، رتبه اول و به لحاظ برابری اقتصادی، رتبه دوم دنیا را از آن خود کرده است. سوئیسی‌ها از نظر شاخص توسعه انسانی هم یکی از کشورهای پیشرفته‌اند. دولت بهترین مراقبت‌های پزشکی و سلامت را برای شهروندانش درنظر گرفته و همین دلایل محکمه‌پسند برای ایستادن در رتبه سوم این فهرست کافی به‌نظر می‌رسد. سوئیس یکی از کشورهای دوستدار طبیعت در دنیاست و به دلایلی که ذکر شد تعداد متقاضیان ایرانی اخذ روادید سوئیس بسیار زیاد است.

هلند | تعادل در کار و زندگی

بزرگ‌ترین تولیدکننده گل در دنیا در شاخص لگاتوم رتبه ششم را دارد. هلندی‌ها از نظر شرایط زندگی در رتبه دوم و از نظر حاکمیت و دسترسی به بازار و زیرساخت‌ها رتبه چهارم را کسب کرده‌اند. هشتمین صادرکننده بزرگ کالا در جهان فقط گل صادر می‌کند و دیگر هیچ. شاخص‌هایی مثل کیفیت زندگی، تحصیلات بالا، نرخ پایین بیکاری و تعادل بین کار و زندگی در این رتبه‌بندی به کمک هلندی‌ها آمده و آنها را در رتبه ششم قرار داده است. یادتان باشد برای سفر به هلند، بهشت گل و گیاه جهان، باید ویزای شینگن دریافت کنید.

نیوزیلند | مهار کرونا

نیوزیلند به‌عنوان کشوری باثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بالا جایگاه هفتم در این رتبه‌بندی را کسب کرده است. شرایط سیاسی باثبات در این کشور و دولت با نفوذ باعث ایجاد شرایط اقتصادی مناسب شده است. نیوزیلند با کمک به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران و حمایت از آنها زیرساخت‌های اقتصادی کشور را بادوام کرده است. این کشور در بخش سلامت هم رتبه بالایی کسب کرده. چرا؟ یادتان نرود که این کشور موفق‌ترین کشور در مهار کرونا شناخته شده و بعد از ابتلای هر نیوزیلندی به کرونا، دولت به‌مدت ۳روز تعطیلی عمومی اعلام می‌کرد.

سوئد | بهداشت رایگان

کشورهای منطقه اسکاندیناوی در این فهرست جایگاه ویژه‌ای دارند و سوئد یکی از همین کشورهاست. سوئدی‌ها رتبه نخست در محیط طبیعی، رتبه سوم برای شرایط زندگی و مقام چهارم برای آزادی فردی را در ارزیابی لگاتوم کسب کرده‌اند. امید به زندگی در سوئد ۸۲٫۷سال است. تمام شهروندان به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی رایگان دارند، نرخ بیکاری در سوئد بسیار پایین و اقتصاد این کشور رقابتی و متنوع است. انگار کشورهای اسکاندیناوی برای قراردادن مردم در رفاه کامل با هم رقابت می‌کنند و این رقابت به رشد شاخص‌ها کمک می‌کند؛ رقابتی که نفعش به همه رسیده و می‌رسد.

بسته پیشنهادی

فیلم

مرد بدون گذشته

«مرد بدون گذشته» مشهورترین فیلم کارگردان معروف فنلاندی «آکی کائوریسماکی» است که در سال ۲۰۰۳ نامزد دریافت جایزه اسکار شد تا توجه‌ها به سینمای این کشور جلب شود. این فیلم زندگی مردی گمنام را روایت می‌کند که اندکی پس از ورود به هلسینکی چنان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد که حافظه‌اش را از دست می‌دهد و دیگر قادر به یادآوری چیزی از گذشته‌اش نیست. تلاش‌های او برای یافتن شغل یا مکانی برای زندگی نافرجام می‌ماند و به همین دلیل تصمیم می‌گیرد در حاشیه شهر زندگی کند. از این پس باید همه‌چیز را از صفر شروع کند و دوباره عزت‌نفس و جایگاهش را در این مکان تازه و کنار آدم‌های ناشناس بازیابد. این فیلم برنده جایزه بزرگ در جشنواره فیلم کن ۲۰۰۲ شد.

کتاب

اسطوره‌های اسکاندیناوی

اگر در جست‌وجوی دریچه‌ای برای آشنایی با مهم‌ترین افسانه‌های شمال اروپا به‌سر می‌برید و می‌خواهید تصوری از این دنیای شگفت‌انگیز تجسم کنید، فارغ از هر سن و سالی این کتاب را بخوانید. نیل گیمن در این کتاب، داستان را از نخستین روزهای خلقت این اسطوره‌ها شروع می‌کند و سپس در چند بخش به برخی از مهم‌ترین داستان‌های بازمانده از افسانه‌های اسکاندیناوی می‌پردازد. در این کتاب، بدون آنکه در دنیای پیچیده اسطوره‌ها به دام بیفتید، همراه با خدایان اسکاندیناوی، با اودین و تور و لوکی و تیرا، غول‌ها و کوتوله‌های صنعتگر و الف‌ها و دیگر بازیگران اصلی این دنیا همراه می‌شوید. گیمن داستان‌گویی بی‌نظیر است و در بازگویی داستان‌های اسطوره‌های اسکاندیناوی روایتی جذاب را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در نظر دارد جهت خرید و تحویل سیصد هزار تن مصالح کوهی کارخانه ۹ از بین اشخاص حقوقی ذیصلاح که دارای شرایط ذیل هستند، پیمانکار انتخاب نماید:

۱- حداقل شرایط لازم جهت امکان شرکت در مناقصه :
- دارای کد اقتصادی
- دارای پروانه معتبر بهره برداری معدن از وزارت صمت
- دارای گواهی تاییدیه صلاحیت ایمنی پیمانکاران و یا معرفی نامه موقت جهت شرکت در مناقصه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

لذا از کلیه پیمانکاران دارای شرایط فوق الذکر دعوت بعمل می آید در صورت تمایل به همکاری، نسبت به شرکت در این فراخوان به شرح زیر اقدام نمایند :

۲- ارائه نامه رسمی اعلام آمادگی متقاضی و دریافت اسناد فراخوان توسط نماینده متقاضی با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۰۰۱۸۷۸۳۹۵ بنام این سازمان نزد بانک شهر شعبه حافظ شمالی کد ۲۴۹ به منظور خرید اسناد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از تاریخ اولین درج فراخوان در روزنامه کثیرالانتشار.(درصورت واریز وجه از طریق اینترنتی میبایست موضوع به تائید امورمالی این سازمان واقع در آدرس خیابان حافظ شمالی رسیده و پس از آن جهت خرید اسناد به آدرس بند سه مراجعه گردد)

۳- محل تحویل اسناد: خیابان آزادی خیابان اسکندری شمالی خیابان طوسی پلاک ۱۰۱ طبقه سوم امور قراردادها شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۰۵۶۵

۴- ارائه اسناد تکمیل شده بصورت رسمی و در پاکت در بسته و مهر و امضا شده توسط صاحبان مجاز ، بر اساس تاریخ های درج شده در اسناد فراخوان.

۵- کلیه مکاتبات و مراودات به آدرس تهران- خیابان حافظ شمالی- ساختمان شماره ۵۵۹ - سازمان مهندسی و عمران شهر تهران- دبیرخانه شماره فاکس ۰۲۱۸۸۹۲۳۱۲۲

۶- فرآیند ارجاع کار فراخوان همزمان طی یک فراخوان می‌باشد و لیکن انتخاب برنده هر مناقصه و انعقاد قرارداد برای حمل و خرید مصالح بصورت جداگانه و منفک از هم انجام می‌گردد.

۷- مناقصه‌گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۸- برنده مناقصه بر اساس شرایط مناقصه، ضوابط و آئین‌نامه‌های داخلی مناقصه‌گزار تعیین می‌شود.

بدیهی است ابتدا اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌ها بر اساس ضوابط و شرایط مناقصه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تائید آن، نسبت به بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت اقدام خواهد گردید. و ارائه سوابق و مدارک واصله هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نمی نماید.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مربوطه می باشد.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

آگهی مزایده عمومی

نوبت دوم ۱۴۰۱/۱۱

تجهیز و بهره برداری اسکله غربی شماره ۲ مجموعه فرهنگی، گردشگری دریاچه شهدای خلیج فارس

شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران در نظر دارد تجهیز و بهره‌برداری اسکله غربی شماره ۲ مجموعه دریاچه شهدای خلیج فارس را به منظور ارائه خدمات ورزش‌های آبی و آموزش قایقرانی از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط (در قالب عقد اجاره) واگذار نماید.

متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ الی ۱۴۰۱/۰۴/۲۹با مراجعه به مدیریت امور مشارکت ها و توسعه منابع شرکت، اسناد مزایده را دریافت و تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۱/۰۵/۰۸فرم های تکمیل شده را در پاکات در بسته به دبیرخانه شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران تحویل نمایند.

نشانی: تهران، بزرگراه شهید خرازی، میدان موج، بلوار علامه قزوینی، خیابان نور، ضلع شرقی دریاچه شهدای خلیج فارس شماره تلفن: ۴۴۷۲۹۳۳۲

۱-کلیه هزینه‌های کارشناسی و نشر آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده است.

۲- هزینه خرید اسناد مزایده ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که باید به حساب ۷۰۰۴۱۸۳۹۶۱ یا شماره شبا: IR۸۸۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۰۰۴۱۸۳۹۶۱ نزد بانک شهر به نام شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران واریز شود.

روابط عمومی شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران

آگهی مزایده

نوبت دوم ۱۴۰۱/۱۲

واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن تجاری و خدماتی دریاچه شهدای خلیج فارس

شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران در نظر دارد حق بهره‌برداری از اماکن تجاری و خدماتی (کانکس، زمین خالی و غرفه) واقع در مجموعه فرهنگی گردشگری دریاچه شهدای خلیج فارس را در قالب عقد اجاره به متقاضیان توانمند و واجد شرایط واگذار نماید.

متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ الی ۱۴۰۱/۰۴/۲۹با مراجعه به مدیریت امور مشارکت ها و توسعه منابع شرکت، اسناد مزایده را دریافت و تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۱/۰۵/۰۸فرم های تکمیل شده را در پاکات در بسته به دبیرخانه شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران تحویل نمایند.

نشانی: تهران، بزرگراه شهید خرازی، میدان موج، بلوار علامه قزوینی، خیابان نور، ضلع شرقی دریاچه شهدای خلیج فارس شماره تلفن: ۴۴۷۲۹۳۳۲

۱-کلیه هزینه‌های کارشناسی و نشر آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده است.

۲- هزینه خرید اسناد مزایده ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که باید به حساب ۷۰۰۴۱۸۳۹۶۱ یا شماره شبا: IR۸۸۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۷۰۰۴۱۸۳۹۶۱ نزد بانک شهر به نام شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران واریز شود.

روابط عمومی شرکت عمرانی کارکنان شهرداری تهران

بسته پیشنهادی

کتاب

مهره‌ی حیاتی

ست گادین شخصیتی است که همین الان هم سخنرانی‌هایش دست به‌دست می‌چرخد و همه از آنها و نکته‌های بدیعی که دارد، نهایت بهره را می‌برند. کتاب «مهره‌ی حیاتی» گادین، از آن دست کتاب‌هایی است که اگر می‌خواهید به‌صورت جدی در حوزه خودتان کار کنید، باید آن را بخوانید. کتاب درباره کارفرماها و کارگران است. ست گادین می‌گوید که تا پیش از این و به‌مدت چند سده، اگر همه نیروهای کارگری و تحت امر، متوسط و قابل تغییر و تعویض بودند، برای کارفرماها و سرمایه‌دارها بهتر بود. چرا که به‌واسطه رقبای بیشتری که وجود داشتند، این کارگران ناچار بودند با حقوق کمتر کار کنند. اما هم‌اکنون این چرخه به هم خورده و گروه سومی نیز ظهور کرده‌اند که هم می‌توانند فرمان‌پذیر نباشند، هم می‌توانند از امکانات سرمایه‌دارها و کارفرماها بهره ببرند.

کتاب

خانم رئیس

در کسب‌وکار، جایی برای تفاوت گذاشتن زن و مرد ندارد. البته در واقعیت گاهی تبعیض‌هایی هم وجود دارد اما نکته اینجاست کسب‌وکار، بیشتر به ارزش‌ها توجه دارد تا جنسیت‌ها. کتاب «خانم رئیس»، دقیقاً کتابی است که همین نکته را به شما گوشزد خواهد کرد. کتاب توسط نیویورک تایمز، جزو پرفروش‌ترین‌ها معرفی شده و سوفیا آموروسو، بنیانگذار nasty gal آن را نگاشته. جالب اینکه او کار خودش را با فروش یک لباس کهنه در سایت ebay شروع کرد و توانست آن را با قیمتی بالا بفروشد. به کارش ادامه داد و موفقیت‌هایی کسب کرد. اما به مرور دید که نمی‌تواند به این رویه ادامه بدهد. در نتیجه وب‌سایت خودش را ایجاد کرد و شد بنیانگذار و مدیرعامل این فروشگاه بزرگ مجازی.

کتاب

داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز

همانطور که از اسمش پیداست، درباره دختران است. نویسندگان این کتاب، النا فاویلی و فرانچسکا کاوالو اشاره می‌کنند که برای نوشتن چنین اثری، توانسته‌اند بیش از یک میلیون دلار کمک‌های مردمی هم جمع کنند. آنها درباره این کتاب چنین نوشته‌اند: «ما داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز را نوشته‌ایم تا این پیغام را به دختران سراسر جهان بدهیم که می‌توانند با تکیه بر توانایی‌های خود از عهده هر کاری برآیند. هدف اصلی این کتاب آشنا کردن دختران با داستان واقعی زنانی است که با وجود تمام موانع موفق شده‌اند کارهای بزرگ و حیرت‌انگیز انجام دهند. در این کتاب با داستان فضانورد و آشپز و قاضی و بازیکن تنیس و دیگر زنان فوق‌العاده‌ای آشنا می‌شوید که در تمام زمینه‌های قابل تصور جهان را تغییر داده‌اند و تغییر می‌دهند.» این کتاب را امید سهرابی‌نیک و آرزو گودرزی ترجمه کرده‌اند و نشر نو هم به بازار عرضه‌اش کرده است.

این بار سراغ کسب‌وکار کافه‌داری بانوان در یکی از محله‌های سنتی پایتخت رفته‌ایم

کافه‌ای قرق خانم‌ها

همشهری آنلاین- سحر جعفریان

برخی از ایده‌های اولیه کسب‌وکار، از ارائه خدمات به گروه‌هایی خاص شکل می‌گیرد؛ مثلا ارائه خدمات به خانم‌ها و بانوان. ایجاد کافه‌ها و مراکز خدمات تفریحی و فرهنگی خاص خانم‌ها نیز از همین جا شروع شده و رونق گرفته است؛ مثل همین مورد کافه بانوان یکی از محله‌های سنتی تهران. «کافه بانوان محله شمشیری»، محیطی اختصاصی ویژه بانوان است که از حدود یک سال پیش فعالیت خود را در یکی از طبقات سرای محله شمشیری در خیابان شمشیری آغاز کرده و تاکنون با استقبال گسترده‌ای از بانوان و دختران مواجه بوده است. سری به این کافه متفاوت زده‌ایم تا از زیر و بم کارشان بیشتر برای‌مان بگویند.

ورود آقایان ممنوع!

تقریبا هر روز هفته در کافه بانوان شمشیری، برنامه‌های متنوعی اجرا می‌شود؛ برنامه‌هایی از ۹ صبح تا ۱۹ که طیف گسترده‌ای از موضوعات فرهنگی و اجتماعی را در بردارد. «مریم» یکی از کارکنان کافه است که می‌گوید: «فقدان محیطی مانند این کافه، سال‌هاست که در محله شمشیری با توجه به بافت فرهنگی و سنتی‌ای که دارد، احساس می‌شد. محیطی که بانوان در آن آزادانه به اجرای برنامه‌های فرهنگی و حتی خانوادگی خود بپردازند. روزهای نخستین افتتاح کافه، تصور نمی‌شد که استقبال بانوان هم‌محله‌ای زیاد باشد اما هر روزی که از فعالیت کافه گذشت، استقبال فراگیرتر شد. خیلی از ظرفیت‌ها برای اجرا برنامه‌ها، همزمان با استقبال‌ها برای کافه تعریف و تعیین شد.» دقایقی از ساعت ۱۰ صبح نگذشته است که گروهی از دختران جوان وارد کافه می‌شوند. هر یک، بعد از نگاهی کوتاه به اطراف جایی را در کنج و زاویه کافه انتخاب می‌کنند و می‌نشینند. مسئول گروه‌شان، خانم سن و سال‌داری است که مقابل پیشخوان می‌ایستد و برای همه، سفارش نوشیدنی خنک و کیک‌های خانگی می‌دهد. کمی بعد، دختران جوان، صندلی‌هایشان را به سمت همان خانم مسئول که میانشان نشسته، می‌چرخانند تا کارگاه «خودشناسی با آموزه‌های روانشناسی» آغاز شود.

روزهای شلوغ

صدای موسیقی ملایمی در فضای کافه می‌پیچد. «سوگند» نیز از کارکنان کافه محله است که می‌گوید: «تقریبا، روزی نیست که کافه خالی باشد یا ما بیکار باشیم؛ به‌ویژه بخش آشپزخانه. در این بخش، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و انواع کیک و شیرینی، طبخ و تهیه می‌شود که همگی با همراهی جمعی از بانوان سرپرست خانواده و شاغل در منزل است. با این شیوه هم این گروه از بانوان، امرارمعاش می‌کنند و هم مشتری‌ها از سلامت خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها، خیال‌شان راحت است.» او همچنین می‌افزاید: «برنامه‌های مختلفی را نیز با توجه به ظرفیت فضا و امکاناتی که در اختیار داریم، پوشش می‌دهیم. به‌عنوان مثال در این کافه، جلسات کاری، تحصیلی، اداری و مذهبی برگزار می‌شود. برخی‌ها نیز با رعایت موازین، مهمانی‌های خانوادگی یا مراسم تولد و جشن‌های تکلیف را برگزار می‌کنند.»

دورهمی بانوان و دختران

گارسون، پیش‌بندی صورتی با حاشیه‌دوزی‌های طوسی رنگ به تن دارد که با سینی قهوه و دمنوش، ظاهر می‌شود و طبق شماره میز، سفارش‌ها را با احترام روی هر میز قرار می‌دهد؛ لبخندی می‌زند و خیلی زود می‌رود سراغ میز و سفارش بعدی. گاهی صدای خنده و همهمه شنیده می‌شود و گاهی نیز بعضی از دختران سرگرم سلفی و گرفتن عکس‌های دسته‌جمعی می‌شوند. «ثنا کریمی» یکی از همان دختران جوان است که امروز به بهانه شرکت در کارگاه خودشناسی در کافه بانوان محله حضور پیدا کرده است. او می‌گوید: «راه‌اندازی این کافه، ایده خیلی خوب و به‌روزی بوده که تقریبا جای خالی تعدادی از امکانات اختصاصی برای بانوان و دختران محله را پُر می‌کند؛ امکاناتی که یا به‌دلیل کمبود فضای احداث یا به‌علت فقدان بودجه، از آن محروم بوده‌ایم. داشتن چنین امکاناتی می‌تواند به رونق گرفتن فعالیت بانوان و دختران کمک کند. فعالیت‌هایی که در نهایت سبب رونق همه جانبه محله می‌شود.» «مریم ساداتی» از دیگر مشتری‌های این کافه خاص می‌گوید: «اینجا ظرفیت مناسبی برای معرفی محصولات بانوان و دختران کارآفرین محله هم هست. هفته گذشته یک رویداد جمع و جور لباس در کافه برگزار شد که حسابی همه ما را سر ذوق آورد تا به مشاغل خانگی بیشتر فکر کنیم.»

از دورهمی تا کارآفرینی

همین سال گذشته بعد از شناسایی مشکلات فرهنگی و تفریحی بانوان محله، «کافه بانوان» راه‌اندازی شد. «ملیحه امیدی»، مدیر این کافه اختصاصی و محلی می‌گوید: «کافه بانوان و دختران با هدف افزایش سرانه‌های فرهنگی و تفریحی این قشر از محله و البته با مساعدت ۲ خیّر محلی که نذر فرهنگی داشتند، راه‌اندازی شد تا خدماتی مانند مشاوره، برگزاری بازارچه‌های خیریه، کارآفرینی و ایونت‌های محلی به‌طور تخصصی در حاشیه آن ارائه شود. بانوان و دختران می‌توانند در این محیط با آرامش به تفریح بپردازند و مهمانی‌های خود را طبق سفارش و سلیقه شخصی خود برگزار کنند. از سویی، سعی کرده‌ایم قیمت انواع خدمات کافه، از محتویات منو گرفته تا تجهیزات آن در بازه‌های زمانی، ثابت بماند تا همه بتوانند از کافه در مناسبت‌های ملی، مذهبی و محلی بهره‌مند شوند.»

نیاز محلی

با فعالیت کافه بانوان محله، بانوان این محدوده برای پیدا کردن یک مکان تفریحی و فرهنگی که پاسخگوی نیازهایشان باشد دیگر مشکل ندارند. «مونا ملایی»، مدیر محله شمشیری ضمن بیان این مطلب، ادامه می‌دهد: «پیش از افتتاح کافه، اغلب اوقات این مسئله از سوی بانوان محله مطرح می‌شد که برای پذیرایی از بعضی مهمان‌هایشان در فضای بیرون از منزل دچار مشکل هستند. فضایی امن و مطمئن که هم آرامبخش باشد و هم امن که احتمال بروز خطر، حادثه یا آسیب در آن به حداقل برسد. بنابراین در مشورت با اعضای شورایاری محله، نیکوکار و فعال در پایگاه بسیج، طرح راه‌اندازی کافه‌ای ویژه بانوان را بررسی کردیم و به نتیجه رسیدیم. در واقع، کافه بانوان یک درخواست و نیاز محلی بود که پیگیری شد و به سرانجام رسید.» ملایی می‌افزاید: «استقبال از این کافه محلی آن را به مکانی فرامحلی و فرامنطقه‌ای تبدیل کرده که می‌طلبد برای ارائه بهترین خدمات در آن، ظرفیت‌هایی به آن افزوده شود تا خدمات آن با بهترین کمیت و کیفیت ارائه شود.»

آموزش هم دارد

دختران نوجوان و جوان محله که علاقه‌مند به امور کافه‌داری هستند می‌توانند با مراجعه به کافه بانوان از شرایط فعالیت و آموزش در آن مطلع شوند. این نکته پایانی، مدیر محله شمشیری است که می‌گوید: «برای اینکه مهارت‌آموزی کرده باشیم و برای علاقه‌مندان به مشاغل مرتبط با کافه‌داری، ظرفیتی را فراهم کنیم از نیروهای علاقه‌مند در این زمینه دعوت به همکاری می‌کنیم تا در دوره‌های آموزشی (تئوری و عملی) از مقدماتی تا پیشرفته کافه‌داری و باریستا شرکت کنند.»

تنها تفاوت موفق‌ها و معمولی‌ها یک قانون است

جادوی اقدام‌های ۱۰برابری

حامد یزدانی

طبیعی است که هر کسی دنبال توفیق در کسب‌وکار و زندگی باشد. کیست که از چنین چیزی بدش بیاید؟ اما نکته اینجاست که با چه راه‌ها و روش‌هایی بخواهیم به چنین چیزهایی برسیم. اگر نکته‌هایی که باید در این مسیر رعایت کنیم درست باشند، به این توفیق خواهیم رسید. افراد زیادی هستند که از این دست نکته‌ها را برای کسب توفیق و موفقیت در کسب‌وکار و زندگی ارائه می‌کنند. بی‌شک یکی از بهترین‌ها در این زمینه را باید گرنت کاردون بدانیم؛ فردی که معتقد است از صفر به همه‌چیز رسیده و چند صد میلیون دلار سرمایه اندوخته و بخشی از بهترین ایده‌های این حوزه را شکل داده است. با هم، درباره معروف‌ترین ایده او یعنی قانون ۱۰برابر بیشتر می‌خوانیم.

۰۱ مسئله اصلی در قانون ۱۰برابر، ابتدا این است که ذهن خود را بزرگ کنیم و سپس عمل خود را. اما بزرگ کردن ذهن دقیقا یعنی چه؟ یعنی بلندپرواز باشیم. اساسا آدم‌ها کمبود انگیزه و اراده و... ندارند، کمبود هدف دارند یا اینکه هدف‌های‌شان برانگیزاننده نیست. از آن دست هدف‌هایی نیست که نگذارد شب‌ها بخوابند؛ از آن دست هدف‌هایی است که شب‌ها اجازه می‌دهد با خیال راحت بخوابند تا فقط خوابش را ببینند. اما جنس هدف‌های بزرگ، برانگیزاننده و به‌هم زننده خواب است و شما را جوری برانگیخته می‌کند که فقط دنبالش بروید.

۰۲ ماجرای بزرگ کردن هدف‌ها به ذهن برمی‌گردد. ما عادت کرده‌ایم که ذهن‌مان را ترسو بار بیاوریم و به همین دلیل دنبال هدف‌های کوچک هستیم. این در حالی است که نخستین نکته در حوزه قانون ۱۰برابر، کش آوردن ذهن است تا بتوانیم از تبعات مثبت بعدی‌اش نهایت استفاده را ببریم. قدم بعدی هم این است که ذهن بپذیرد که این چیزها شدنی است و باید بشود. وقتی که ذهن بپذیرد، کلی از مشکلات و موانع ذهنی ما هم در این زمینه حل خواهد شد. اینجاست که به مرحله بعدی باید برویم؛ مرحله‌ای که شامل عمل ما می‌شود.

۰۳ گرنت کاردون اشاره می‌کند که تنها تفاوت بین موفق‌ها و غیرموفق‌ها، عمل و اقدام عظیم است. اما عمل و اقدام عظیم یعنی چه؟ یعنی اگر در قدم اول شما در مرحله ذهنی خودتان را ۱۰برابر رشد داده‌اید و نگاه ۱۰برابری به هدف‌های‌تان داشتید، باید این ایده در عمل و اقدام هم اجرا شود. تنها تفاوت عظیم موفق‌ها و معمولی‌ها، در همین کیفیت اقدام است. اما مگر کیفیت اقدام‌ها چه فرق‌هایی با هم دارد؟ آدم‌ها در زمینه اقدام، به ۴ گروه تقسیم می‌شوند که دانستن درباره آنها جالب خواهد بود، تا خودتان را به گروه برنده برسانید.

۰۴ گروه اول را کسانی تشکیل می‌دهند که اساسا هیچ کاری نمی‌کنند. با این گروه که کاری از پیش نمی‌رود و اتفاقی هم نمی‌افتد. اما گروه دوم عقب‌نشینی کننده‌ها هستند. یعنی توان دارند و می‌توانند کارهای خاص و خوبی هم انجام بدهند، اما به‌دلیل ترس از شکست و ترس از زمین خوردن و ترس از نگاه و حرف و حدیث و نقد دیگران، قدم از قدم برنمی‌دارند. نه تنها قدم برنمی‌دارند، عقب می‌ایستند و با تعجب به دیگرانی که جلو آمده‌اند و دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند، نگاه می‌کنند و حسرت می‌خورند. با این گروه هم البته کاری از پیش نمی‌رود.

۰۵ و اما می‌رسیم به جایی که بیشتر آدم‌ها در آنجا ساکن هستند؛ گروه معمولی‌ها. اینها متوسط‌ها هستند و کارهای معمولی انجام می‌دهند. همین که رفع تکلیف کنند و کسی به آنها ایرادی نگیرد، برای‌شان کافی است. ظاهرا جامعه در یک توافق جمعی است که همه در این سطح کار کنند. اینها طرفدار آن قاعده معروف هستند که «سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند». در نتیجه عملکردی معمولی از خودشان نشان داده و نتایجی معمولی به‌دست می‌آورند و یک زندگی معمولی داشته و روزگارشان سر می‌آید؛ بدون انجام کاری شایسته و یک زندگی شایسته.

۰۶ اما موفقیت و توفیق عظیم و بزرگ مخصوص کسانی است که در گروه چهارم هستند؛ گروه به‌اصطلاح دیوانه‌ها. برای این گروه ساعت‌های کاری تعریفی ندارد و هر کاری که لازم باشد برای رسیدن به هدف‌شان می‌کنند، هر تبعاتی هم که داشته باشد برای‌شان مهم نیست. آنها می‌دانند که باید اقدام عظیم ۱۰برابری داشته باشند تا بتوانند تفاوت‌های عظیمی هم ایجاد کنند. حالا فرقی نمی‌کند در چه حوزه‌ای باشد؛ در حوزه کسب‌وکار، فروش، مطالعه، خانواده، ارتباط با فرزندان و همسر و... . آنها هم می‌دانند که این اقدام لازم است و هم آن را انجام می‌دهند.

۰۷ اما اقدام ۱۰برابری یعنی چه؟ یعنی سعی کنید که نسبت به متوسط عملکرد در آن حوزه، ۱۰برابر بهتر ظاهر شوید. اما شما که ۱۰برابر یک آدم متوسط زمان ندارید، دارید؟ توان هم ندارید، دارید؟ پس باید چه کار کنید؟ توان و زمانش را ایجاد کنید؛ با اهرم‌ها. گاهی ایجاد یک سیستم خودکار کسب‌وکار، می‌تواند باعث ارتقای عملکرد چند ده برابر شما بشود؛ به همین راحتی. و اینکه مثلا اگر قرار است روزانه به‌عنوان یک فروشنده به ۵نفر زنگ بزنید، آیا تماس با ۵۰نفر سخت است؟ آسانش کنید؛ با شبکه‌های اجتماعی و بازاریابی محتوا و نوارهای آموزشی و... .

۰۸ سعی کنید خیلی خیلی بهتر از متوسط‌ها باشید؛ تنها راه موفقیت عظیم همین است. به قول گرنت کاردون، سعی کنید خودتان را وقف رقابت با دیگر رقبا نکنید. رقابت صرفا باعث می‌شود تا انرژی‌های شما تحلیل برود. پس چه کار باید کرد؟ با مطالعه و اقدام و برنامه‌ریزی ۱۰برابری، چنان شهرتی از خودتان در حوزه‌تان بسازید که هر کسی از مصرف‌کنندگان بازار شما، نخستین اسمی که یادش می‌آید شما باشید. یعنی باید مسلط بر بازار خودتان باشید؛ در این صورت همه توفیق‌ها برای شما خواهد بود؛ امنیت مطلق.

۰۹ واقعا قرار نیست تضمینی به شما داده شود؛ تنها کافی است چند ماهی از این برنامه تبعیت کنید. ابداع‌کننده آنکه خودش از همین امر تبعیت کرده و موفق بوده است؛ به‌شدت هم موفق بوده. چطور است شما هم چند وقتی به آن پایبند باشید؟ یعنی ببینید که حد میانگین عملکرد در حوزه شما چگونه است، ۱۰برابر آن ظاهر شوید؛ حالا خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و میانبرهای مرتبط با این حوزه را هم باید کسب کنید تا بتوانید سریع‌تر به این درجه برسید. شک نکنید این تمرین چند ماهه برای شما آورده‌های مثبتی خواهد داشت.

۱۰ باید جهانی فکر کنید، در سطح فوق‌العاده. مثلا یکی از ایده‌ها آن است که خودتان را با بزرگان حوزه و کارتان مقایسه کنید. شدنی نیست؟ در ابتدای امر قرار نیست که همه‌چیز شدنی باشد؛ قرار است که مانع یا موانع ذهنی شما شکسته شود؛ همین. بعد که دیدید شدنی است، به سمت عملیاتی کردنش بروید. بزرگان حوزه و کار شما هم یکی مثل شما بوده‌اند؛ با همین اقدام عظیم و بزرگ به اینجا رسیده‌اند. پس چرا شما نرسید؟ دقیق مقایسه کنید و ببینید که کجاها دارند درست و دقیق می‌روند، با همان برنامه به پیش بروید... .

گفت‌وگو با محمداسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده‌ای با یک کارنامه پر از داستان و جایزه

نویسندگان شهرستانی جدی گرفته نمی‌شوند

نیلوفر ذوالفقاری

محمداسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده پرکاری است و میان آثارش هم داستان کوتاه پیدا می‌شود و هم رمان بلند. اما او جز پرکار بودن، کارنامه پرجایزه‌ای هم دارد. از سال ۱۳۸۵ که نخستین جایزه ادبی را در جشنواره فلک‌الافلاک خرم‌آباد گرفت تا امروز حدود ۱۰۰ جایزه ادبی از جشنواره‌های مختلف گرفته و حالا خبر رسیده که مجموعه داستان کوتاه او با عنوان «ساعت دنگی» که پیش از این جایزه ادبی جلال آل‌احمد را گرفته بود، به‌عنوان کتاب سال هم برگزیده شده است. حاجی‌علیان معتقد است که برچسب شهرستانی‌بودن، عنوان بدی است که به بسیاری از نویسندگان می‌دهند و راه را بر پیشرفت آنها می‌بندند. نویسنده آثاری مانند «آتون‌نامه»، «سی‌ویک روز و پنج انگشت»، «درست یک پا روی زمین»، «ایوار»، «آدمک چوبی سوت بلبلی» و «مقام گورخانه»، از جوایز ادبی و فضای نویسندگی در این روزها می‌گوید.

علاقه شما به نوشتن از کجا و چطور شکل گرفت؟

از کودکی نوشتن را دوست داشتم. از همان حدود ۱۰ سالگی که خواندن و نوشتن یاد گرفته بودم، صفحه حوادث روزنامه‌ها را می‌خواندم، شخصیت‌های این خبرها را به قصه‌ها می‌بردم و داستان می‌نوشتم. برخی از این مشاقی‌های کودکی را هنوز دارم. علاقه من به ادبیات از کودکی وجود داشت اما فرصت بروز پیدا نکرده بود تا بعدها که کتاب‌های بیشتری خواندم و دانشم بیشتر شد. در دوره دانشگاه تجربه‌های جدی‌تری در نوشتن کسب کردم و سال ۱۳۸۴ نوشتن را به‌صورت حرفه‌ای شروع کردم.

در دانشگاه در چه رشته‌ای درس می‌خواندید؟

هنر می‌خواندم. آن روزها فضای دانشگاه طوری بود که دانشجویان را به زیست هنری و هنرمندشدن ترغیب می‌کرد. من به نقاشی و نمایش گرایش داشتم اما گاهی هم حس‌هایم را در قالب شعر سپید ثبت می‌کردم. شب‌های شعر دانشگاه و اتفاق‌های ادبی آن دوره برایم انگیزه بود و داستان کوتاه هم می‌نوشتم.

سراغ آموختن و کارگاه‌های نویسندگی هم رفتید؟

هنوز هم هر کجا بتوانم چیزی بر دانشم بیفزایم حضور پیدا می‌کنم. اوایل سراغ خواندن کتاب‌های تئوری رفتم و بعد هم در کارگاه‌های مختلف شرکت کردم. وقتی ساکن سمنان بودم، هر هفته پنجشنبه‌ها برای شرکت در کارگاه روانکاوی و ادبیات به تهران می‌آمدم و ایده و انگیزه نوشتن رمان «چهارزن» همان جا شکل گرفت.

نخستین جایزه ادبی را چه زمانی گرفتید؟

سال ۱۳۸۵ در جشنواره فلک‌الافلاک خرم‌آباد، نخستین جایزه ادبی را گرفتم و این جایزه برایم بسیار انگیزه‌بخش بود. این تجربه ماندگار باعث شد کار را جدی‌تر ادامه دهم و بعدها موفق به دریافت جایزه‌های متعدد ادبی شدم.

مشوق شما در کار نویسندگی چه کسی است؟

بزرگ‌ترین مشوق من در نویسندگی همسرم است. او نخستین کسی است که داستان‌هایم را می‌شنود و نوشته‌هایم را پیگیری می‌کند. من در رشته‌های هنری مختلفی که آموختم، محرک‌های انگیزه‌بخش مختلفی داشتم. مثلاً برادر بزرگ‌ترم فیلمساز است و همیشه الگو و مشوق من در کار نمایش بود. تا اینکه در دانشگاه با همسرم آشنا شدم و او انگیزه کار حرفه‌ای را در من تقویت کرد. نخستین جایزه ادبی یعنی همان جایزه فلک‌الافلاک هم انگیزه زیادی به من داد.

به‌عنوان نویسنده‌ای که جوایز ادبی متعددی در کارنامه خود دارد، جشنواره‌ها و جوایز ادبی را چقدر در تشویق جوانان علاقه‌مند به نویسندگی مؤثر می‌بینید؟

در گذشته تعداد جوایز ادبی بسیار کم بود. جشنواره‌ها بیشتر در موضوعات آزاد برگزار می‌شدند و همین موضوع، انگیزه جوانان را در پیداکردن رویکرد ادبی افزایش می‌داد. هم‌اکنون تعداد جوایز بسیار زیاد است و جشنواره‌ها هم اکثراً موضوعی هستند. آن زمان یک، ۲ جایزه شعر و داستان جوان وجود داشت و این برای برگزیدگان بسیار انرژی‌بخش بود. حالا شاید جوایز ادبی آن میزان از اثربخشی را نداشته باشند اما هنوز هم در تشویق جوانان نویسنده بی‌تأثیر نیستند.

دنیای نویسندگی چقدر با تصورات اولیه شما فرق دارد؟

من در مسیر آرزوهایم قدم برداشتم و هنوز هم راه آرزوهایم را ادامه می‌دهم. اما در این مسیر شاهد اتفاقات عجیبی هم هستم. نویسنده شهرستانی‌بودن، برچسب بدی است که روی پیشانی بسیاری از استعدادهای نویسندگی می‌چسبانند. فضا طوری است که به نویسندگان شهرستانی، اجازه رشد و پیشرفت زیادی داده نمی‌شود. نمی‌خواهم بگویم فرد یا نهاد خاصی مسئول این اتفاق بد است اما انگار این فضا در جامعه ادبی نهادینه شده است. سال‌های اولی که کتاب‌هایم منتشر می‌شد، همزمان چند کتاب در وزارت ارشاد داشتم که منتظر مجوز بود. بعد از چندبار پیگیری برای روشن‌شدن سرنوشت کتاب‌هایم، سربررس آن زمان وزارتخانه با لحن بدی گفت: تو بچه شهرستانی مگر که هستی که این تعداد انتشارات خوب قصد دارند کتاب‌هایت را چاپ کنند و جایزه هم می‌گیری؟ این حرف خیلی ناراحتم کرد. این نگاه عجیب مخصوص یک نفر نیست. هنوز هم نویسندگان شهرستانی سهم کمی در رویدادهای ادبی و جوایز آن دارند و انگار قانون نانوشته‌ای وجود دارد که نویسندگان شهرستانی جدی گرفته نشوند.

هنوز هم نویسندگان شهرستانی نادیده گرفته می‌شوند؟

ترکش‌های نگاه نادرست به این گروه از نویسندگان هنوز وجود دارد. کتاب‌های این نویسندگان به خوبی توزیع نمی‌شود و از بسیاری برنامه‌ها و رویدادها که در تهران برگزار می‌شود، محروم هستند. ناشران شهرستانی هم معمولاً در پخش کتاب‌ها ضعیف عمل می‌کنند و به این ترتیب آثار نویسندگان شهرستانی آنطور که باید به‌دست مخاطبان علاقه‌مند به ادبیات نمی‌رسد. من با ناشران بزرگی همکاری کرده‌ام و شاید سماجت خودم در این موفقیت بی‌تأثیر نبوده، اما همه نویسندگان این سماجت را نداشته‌اند و از دنیای ادبیات حذف شده‌اند.

فضای داستان‌نویسی و فعالیت‌های ادبی در شهرهای دیگر چطور است؟

ادبیات در شهرستان‌ها چندان جدی گرفته نمی‌شود. ادارات ارشاد در شهرستان‌ها خودشان را از نویسندگان دور می‌بینند. مثلاً من به‌عنوان نویسنده‌ای پرکار که جوایز ادبی معتبری هم در کارنامه حرفه‌ای خود دارم، در اداره ارشاد اصفهان کاملاً ناشناس هستم! این وضعیت حمایت از نویسندگان در شهر بزرگی مانند اصفهان است و البته که اوضاع در شهرهای دورافتاده و کم‌برخوردار خیلی بدتر است. اتفاق تلخ این است که نویسندگان خوبی بدون حمایت فرصت بروز استعدادهایشان را از دست می‌دهند و از گردونه فعالیت ادبی حذف می‌شوند.

این روزها مشغول نوشتن چه اثری هستید؟

روزهای سختی را از نظر حرفه‌ای پشت‌سر می‌گذارم چون نوشتن یک اثر سخت و پیچیده را در دست دارم. کار سنگینی دست گرفته‌ام که به دوره مشروطه اصفهان می‌پردازد. این دوره با مشروطه تهران و تبریز تفاوت‌های زیادی دارد. کتاب، روایت ۵زن در دوران مشروطه اصفهان است که هر کدام عقاید مختلفی دارند و کنار هم گذاشتن آنها در یک رمان کار سختی است. نوشتن طرح و مرحله پژوهش کار، زمان زیادی برد و این روزها هم مشغول نوشتن اثر هستم. به‌عنوان یک نویسنده، از رسیدن به تکرار بیزارم و فکر می‌کنم روزی که کارهای قبلی را تکرار کنم، مرگ حرفه‌ای من از راه رسیده است. به همین دلیل هم کار برایم سخت‌تر و سنگین‌تر می‌شود. امیدوارم فضای ادبی بیشتر به نویسندگان شهرستانی و آثارشان توجه نشان دهد. دست‌کم آثاری که در جوایز ادبی برگزیده می‌شوند باید شرایط بهتری در توزیع و پیداکردن مخاطب داشته باشند. برای کتاب ساعت دنگی من که اثر برگزیده جایزه ادبی جلال آل‌احمد و برنده کتاب سال است، برنامه خاصی برگزار نشده و آنطور که باید به‌دست مخاطب نرسیده است. امیدوارم این فضا در سال‌های بعد اصلاح شود و اقدامات مثبتی را شاهد باشیم.

مقام گورخانه | ناشر: سوره مهر

رمان «مقام گورخانه» یک اتوبیوگرافی مفقوده از شاه‌عباس صفوی است که توسط رابرت شرلی برای چاپ به لندن برده شده بوده و چاپش با عنوان «یک روز با پادشاه» یک دزدی ادبی است. داستان با پیداشدن این سند آغاز می‌شود و به آزادسازی تبریز و عتبات عالیات در دوره شاه‌عباس صفوی از دست ترکان عثمانی می‌رسد و باز می‌گردد به امروز زندگی. این رمان زندگی شاه‌عباس صفوی و دوره صفویه را متفاوت از همه تعاریف به مخاطبان می‌شناساند.

ساعت دنگی | ناشر: سوره مهر

کتاب ساعت دنگی مجموعه داستان کوتاه با مضامین اجتماعی سه‌گانه است. کتاب شامل ۸داستان سه‌گانه است. منظور از سه‌گانه، سه‌بخشی‌بودن داستان است. زمان و مکان این داستان‌ها بیشتر در محور روستایی و سنتی می‌گذرد. بی‌غیرت شل نکن فشار بده، اوستاراکا، بی‌بی برگ بید، تیامات، ساعت دنگی، نوش‌دارو، منو تیغی کنید، مزمبل و ورود ممنوع اسامی داستان‌های کوتاه این مجموعه هستند.

مروری بر آثار کلاسیک کوتاه برای آشنایی و آشتی با ادبیات

وقتی کلاسیک‌ها ترسناک نیستند

بسیاری از علاقه‌مندان به مطالعه، وقتی نام آثار کلاسیک را می‌شنوند به یاد کتاب‌هایی چند صدصفحه‌ای و چندجلدی عظیم و سخت‌خوان می‌افتند که خواندن آنها وقت زیادی می‌برد. اما همه آثار کلاسیک، لزوماً کتاب‌هایی با بیش از ۵۰۰صفحه نیستند و طولانی‌بودن یک اثر، نقشی در کلاسیک‌بودن یا نبودن آن ندارد. در دنیای ادبیات آثار کلاسیک کوتاه زیادی وجود دارند که هم جذاب هستند و هم می‌توان آنها را در مدت کوتاهی به شکل کامل مطالعه کرد. تعدادی از این کتاب‌های کلاسیک کوتاه را برایتان فهرست و معرفی کرده‌ایم.

آلیس در سرزمین عجایب

لوییس کارول

«آلیس» وقتی می‌بیند خرگوشی سفید، یک ساعت کوچک را از جلیقه‌اش درمی‌آورد و به آن نگاه می‌کند، از این اتفاق شوکه می‌شود و تصمیم می‌گیرد خرگوش را دنبال کند. او اندکی بعد به لانه خرگوش می‌افتد و به جهانی کاملاً متفاوت منتقل می‌شود و این سرآغاز این داستان‌ها و روایت‌ها می‌شود. همه چیز در این جهان، هم عادی است و هم غیرعادی، قوانین آن نیز وارونه و غیرمنتظره است. آلیس در سرزمین عجایب، تجربه‌هایی فراموش‌نشدنی را از سر می‌گذراند: از کوچک و بزرگ‌شدن با خوردن و نوشیدن گرفته تا شناکردن در اشک‌های خودش و دیدار با کاراکترهایی عجیب همچون «کلاهدوز دیوانه» و «گربه چشایر». این کتاب، داستانی بسیار محبوب به شمار می‌آید که در طول سال‌ها، در داستان‌ها و فیلم‌ها و سایر قالب‌های هنری، بارها مورد اقتباس قرار گرفته است. کتاب «آلیس در سرزمین عجایب»، اثری کوتاه، به یادماندنی و با نثری روان و نسبتاً ساده است.

ماشین زمان

اچ. جی. ولز

اگر به آثار علمی-تخیلی علاقه‌مند هستید، کتاب «ماشین زمان» اثری محبوب برای شما خواهد بود. این اثر کلاسیک کوتاه، همانطور که از نام آن می‌توان حدس زد، داستانی ماندگار درباره سفر در زمان است؛ اتفاقی که تا چند دهه جزو علاقه‌مندی‌های نوجوانان و کتابخوان‌ها بوده. مسافر زمان پس از پشت‌سرگذاشتن نخستین سفرش، از ماشین زمان خارج می‌شود و می‌فهمد که به سال ۸۰۲۷۰۰ منتقل شده است. همه‌چیز تغییر کرده و حالا دنیا در عصری آرمانی است که در آن، همه در هماهنگی و نظم کامل زندگی می‌کنند. او تصمیم می‌گیرد در مورد این موجودات و جامعه آنها تحقیق کند اما وقتی برمی‌گردد، متوجه می‌شود که ماشین زمان او را ربوده‌اند! حالا تنها ابزار این شخصیت برای بازگشت به خانه، دیگر در دسترس او نیست. این رمان مشهور، از همان نخستین روزهای انتشار مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و همچنان یک اثر کلاسیک پرطرفدار به شمار می‌آید.

اتاقی از آن خود

ویرجینیا وولف

کتاب «اتاقی از آن خود»، مقاله‌ای بلند و تأثیرگذار نوشته ویرجینیا وولف است. این مقاله که برای نخستین بار در ۲۴اکتبر ۱۹۲۹ به‌صورت یک کتاب منتشر شد، براساس سخنرانی‌های وولف در کالج‌های زنانه نیوهم و گریتون در دانشگاه کمبریج شکل گرفته. این مقاله جریان‌ساز از وولف، یک اثر کلاسیک کوتاه است که بر اهمیت داشتن یک فضای شخصی (هم فیزیکی و هم استعاری) برای زنان نویسنده تأکید می‌کند. وولف به این سؤال می‌پردازد که نویسندگان زن در حرفه و شغلی که به شکل کلی تحت سلطه مردان است، با چه تجربیاتی مواجه می‌شوند؟ او همچنین این سؤال را مطرح می‌کند که زنان چگونه می‌توانند استعدادشان را گسترش دهند و صدای مختص به‌خود را بیابند؟ یک زن نویسنده توانمند به چه چیزهایی نیاز دارد تا بتواند استعداد خود را با جهان سهیم شود؟ این اثر، در واقع کمکی به بانوان است تا آزادی مورد نیاز برای خلق هنری را بیابند.

مزرعه‌ی حیوانات

جورج اورول

در این اثر کوتاه جورج اورول، طی داستان تمثیلی هجوآمیز، یک مزرعه توسط حیوانات ساکن در آن تصاحب می‌شود؛ حیواناتی که از تحمل بدرفتاری‌ها و کار بیش از اندازه خسته شده‌اند. آنها با سردادن شعارهای مختلف، تصمیم می‌گیرند جامعه دلخواه خود را به‌وجود آورند: جامعه‌ای سرشار از عدالت و برابری. اما همه‌چیز طبق نقشه‌های آنها پیش نمی‌رود! در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ناپلئون آنها را به طویله برگرداند و به هر یک، جیره دوبرابر معمول و به هر سگ، ۲بیسکوئیت داد. سپس حیوانات سرود «حیوانات انگلیس» را ۷بار از سر تا ته پیاپی خواندند و پس از آن خود را برای شب آماده ساختند و خوابیدند؛ خوابی که پیش از آن هرگز در خواب هم ندیده بودند. اما همگی طبق معمول سحر برخاستند و ناگهان حوادث پرشکوه شب پیشین یادشان آمد و دسته‌جمعی رو به چراگاه دویدند. از آنجا در روشنایی صبحگاهی به اطراف خیره شدند. هرچه که می‌دیدند، مال آنها بود!»

شازده کوچولو

آنتوان دو سنت اگزوپری

این کتاب کلاسیک، شاید خیلی کوتاه باشد اما بینش‌های عمیق زیادی را در خود جای داده است. در این داستان ماندگار، راوی (خلبان) با پسری خردسال آشنا می‌شود که بر سیارکی در فضا زندگی می‌کند. این قصه با تصویرسازی‌های دلنشین و روایتی لطیف، مخاطبان را وارد جهان «شازده کوچولو» می‌کند؛ جهانی پر از سفرها و شخصیت‌های گوناگون. او اما خیلی زود می‌فهمد که این شخصیت‌ها، معنای زندگی را نمی‌دانند و در عوض، فقط به اتفاقات عادی و روزمره علاقه‌مند هستند. این داستان با لحن کودکانه و جذاب خود تلاش می‌کند بینش‌هایی فلسفی به مخاطبان ببخشد و به ما بیاموزد که همزمان با تجربه ناراحتی و امید که همیشه در ذهن و قلبمان حضور دارند، بر چیزهای مهم در زندگی، مانند دوستی و عشق، تمرکز داشته باشیم. خواندن این اثر کلاسیک فراموش‌نشدنی، وقت بسیار اندکی را از شما خواهد گرفت، ولی تکانه‌های ذهنی مهمی در شما ایجاد خواهد کرد.

دکتر جکیل و آقای هاید

رابرت لویی استیونسن

این کتاب از طریق ۲شخصیت اصلی خود، به کاوش در سرشت انسان می‌پردازد: وکیلی به نام «آترسون» در تلاش است تا از رابطه اسرارآمیز میان دکتر جکیل و آقای هاید پرده بردارد و گره از معمای قتل‌ها و جنایاتی بگشاید که در سراسر لندن در حال رقم‌خوردن است. علاقه‌مندان به داستان‌های وحشت و پرتعلیق نباید این داستان را از دست بدهند. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «موقع ملاقات با دوستانش، چشم‌هایش از مهربانی زیاد برق می‌زد و با اینکه مهربانی‌اش را هیچ وقت ابراز نمی‌کرد، اما حالت‌های چهره ساکت و رفتارش در زندگی، این احساسش را به خوبی نشان می‌داد. آترسون به‌خودش سخت می‌گرفت. تئاتر را دوست داشت، اما ۲۰سالی می‌شد که پا به سالن تئاتر نگذاشته بود. با دیگران بردبار بود؛ گاهی نیز به مردمی غبطه می‌خورد که فشار روحی پس از ارتکاب جرم را به راحتی تحمل می‌کردند.» خواندن این کتاب را هم برای لذت ادبی و هم آشنایی با نمونه‌های کلاسیک از دست ندهید.

بسته پیشنهادی

کتاب

وقتی برای زندگی و وقتی برای مرگ

«وقتی برای زندگی و وقتی برای مرگ» که اثر اریش ماریا رمارک است، با به تصویرکشیدن مرگ و مردگان آغاز می‌شود و تصویری سیاه از روزهای جنگ را به نمایش می‌گذارد؛ انسان‌هایی که در جست‌وجوی گمشده خود هستند، اجسادی که پیدا می‌شوند و دنیای تاریکی که جنگ برای انسان‌ها رقم زده است. ارنست، شخصیت اول داستان، بعد از ۲سال خدمت در ارتش روسیه، این امکان را دارد که ۳هفته به مرخصی برود اما از آنجا که او تجربه لغوشدن مرخصی‌اش را در دفعات قبل داشته، تصمیم می‌گیرد که والدین خود را از این اتفاق مطلع نکند. زمانی که او به زادگاهش باز می‌گردد، با صحنه‌ای روبه‌رو می‌شود که باورش برای او سخت است: خانه‌ای ویران‌شده و والدینی که در هیچ کجا نشانی از آنها نیست. کتاب را انتشارات امیرکبیر منتشر کرده است.

فیلم

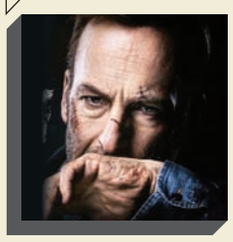

هیچ‌کس

فیلم «هیچ‌کس» در مورد پدری بسیار آرام به نام هاچ است که در حومه شهر زندگی می‌کند. او فردی کاملاً معمولی است که البته خشمی شدید درون خود نهفته دارد. ناگهان روزی که ۲دزد به خانه وی می‌آیند، این خشم فروخورده فوران می‌کند و داستانی بی‌رحمانه شروع می‌شود و راه‌خونینی باز می‌شود که در نهایت وی را مجبور به مقابله با چیزهایی می‌کند که روزگاری پشت‌سر گذاشته بود. تغییرات شخصیتی بزرگ در کاراکترها ما را به یاد فیلم‌های دهه‌های ۷۰و ۸۰می‌اندازد اما برخلاف قهرمان‌های آن فیلم‌ها، هاچ برای انتقام‌جویی و خشم خودش هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد، چون در آن حمله شبانه خانواده‌اش هیچ آسیبی نمی‌بینند و فقط غرور خودش است که جریحه‌دار شده است. هاچ آن کسی نیست که به‌نظر می‌رسد.

انیمیشن

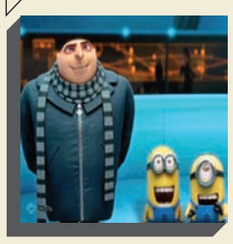

من نفرت‌انگیز

«من نفرت‌انگیز» یکی از بهترین انیمیشن‌های جهان است که در سال ۲۰۱۰توسط یونیورسال پیکچرز تولید شد. این انیمیشن از موفق‌ترین آثار کارتونی است که با بودجه ۶۹میلیون دلاری خود توانست بیش از ۵۰۰میلیون دلار فروش کند. داستان این انیمیشن در مورد تبهکاری به نام گورو است. گورو پس از شنیدن خبری مبنی بر دزدیده‌شدن هرم جیزه تصمیم می‌گیرد ماه را بدزدد تا بدین‌ترتیب بتواند تمام دنیا و رئیس بانکی که برای دزدی‌هایش از آن وام می‌گیرد را تحت‌تأثیر قرار دهد. گورو دستیارانی به نام مینیون‌ها دارد که موجوداتی بسیار جالب و بانمک هستند. آنها در سریع‌ترین زمان ممکن خواسته‌های گورو را انجام می‌دهند و مدام به خرابکاری مشغولند. در ادامه انیمیشن اتفاقات بسیار جالبی می‌بینیم که حتی برای سنین بزرگسال نیز می‌تواند جالب و جذاب باشد.

بسته پیشنهادی

کتاب

مارتین و کلاس سرآشپز

کتاب «مارتین و کلاس سرآشپز» اثر ژیلبر دولاهی است که در سال ۱۳۹۶ ترجمه و منتشر شد. این کتاب با داستانی زیبا، ماجرای دلنشینی را روایت می‌کند و به کودکان نشان می‌دهد که بهتر است مهارت‌های فردی خود را در هر زمینه‌ای به‌خصوص آشپزی افزایش دهند. داستان این کتاب درباره پسری به اسم مارتین و دوستانش است که می‌خواهند از تعطیلات تابستان بیشترین استفاده را ببرند. بنابراین آنها تصمیم می‌گیرند که در کلاس آقای سرآشپز شرکت کنند و تجربه‌های بیشتری به‌دست آورند. گیلبرت دولاهی، نویسنده ادبیات کودکان، با ملیت فرانسوی و بلژیکی است که کتاب‌های بسیاری را برای کودکان به رشته تحریر درآورده است. دلاهی در سال ۱۹۸۵ موفق به دریافت جایزه Prévert شد.

فیلم

Burnt (سوخته)

«سوخته»، فیلم کمدی درام به کارگردانی جان ولز و نوشته استیون نایت است که در سال ۲۰۱۵ توسط کمپانی وینستون عرضه شد. داستان Burnt درباره یک سرآشپز حرفه‌ای به نام آدام جونز است که در رستورانی مطرح و بزرگ کار می‌کند، اما به‌دلیل مصرف موادمخدر و اختلالات روحی ناشی از دوران سخت کودکی، به مرور رستوران و دوستان خود را از دست داده و مدتی ناپدید می‌شود. در این مدت رقیب او (ریس) موفق می‌شود که رستوران خود را تأسیس و ستاره ۳ آشپزی را دریافت کند. آدام بعد از ۳ سال به لندن می‌رود تا بتواند همه‌چیز را از اول شروع کند. در این فیلم بازیگرانی مانند بردلی کوپر، اما تامسون، سینا میلر، متیو ریس، دانیل برول، اوما تورمن، آلیشا ویکندر، لیلی جیمز و عمر سی ایفای نقش کرده‌اند.

مستند

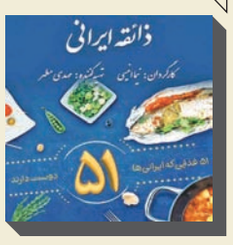

معرفی هر غذا در چند جمله!

«ذائقه ایرانی»، مستندی به کارگردانی نیما انیسی است که در آن به معرفی ۵۱ غذای اصیل و محبوب ایرانی می‌پردازد. از انواع کباب‌ها گرفته تا انواع مختلف کوکوها و غذاهای دریایی در این مستند معرفی می‌شوند و نکاتی کلی درباره دستور پخت‌شان هم ارائه می‌شود. البته این مستند صرفا به معرفی این غذاها اختصاص ندارد و به ارزش غذایی آنها نیز اشاره می‌کند. راوی این مستند، تنها در چند جمله و به‌مدت یک دقیقه هر یک از غذاها را معرفی می‌کند و به سراغ خوراک بعدی می‌رود. از نکات مثبت این مستند، شرح نکات جالب و شنیدنی بسیاری است که به‌صورت مفید و مختصر به اطلاعات مخاطب می‌افزاید.

تابستان را با این سالادهای مناسب فصل گرما دلپذیرتر کنید

پیش‌غذای خوشمزه پرخاصیت

سعیده مرادی

خوردن انواع میوه و سبزی به‌ویژه در فصل تابستان از جمله نکات و مواردی است که از سوی کارشناسان تغذیه توصیه می‌شود. یکی از بهترین و خوشمزه‌ترین روش‌ها برای خوردن سبزی‌ها تهیه سالاد از آنهاست. امروزه مدل‌ها و سبک‌های مختلفی از سالاد وجود دارد که می‌توانید با توجه به ذائقه و البته مواد اولیه‌ای که در دسترس شما قرار دارد، یکی از آنها را تهیه کرده و به‌عنوان پیش‌غذا، میان‌وعده و حتی یک وعده غذایی کامل میل کنید. در ادامه با طرز تهیه چند سالاد خوشمزه و تابستانی آشنا می‌شویم.

سالاد فصل توت‌فرنگی و اسفناج

طرز تهیه

ابتدا باید سس سالاد توت‌فرنگی را درست کرد. به همین منظور مواد لازم برای تهیه سس را داخل مخلوط‌کن ریخته و همه مواد را با هم مخلوط می‌کنید تا یکدست شود. بعد از سس، مواد سالاد را آماده کنید. در ابتدا قسمت بالای توت‌فرنگی‌ها را جدا کرده، سپس آنها را تکه‌تکه برش بزنید. در ادامه پیاز قرمز را بسیار نازک و یکدست خرد کنید. بعد اسفناج و سبزیجات مخلوط‌شده را بشویید و درصورت تمایل آنها را نیز خرد کنید. اما برای اینکه سالادمان شکل بهتری داشته باشد، بهتر است خرد نشوند. البته انتخاب هر یک از این موارد کاملا سلیقه‌ای است. همه مواد را داخل ظرف ریخته و با هم مخلوط کرده و سپس سس تهیه شده را روی آنها بریزید و میل کنید. درصورت تمایل می‌توانید از پنیر فتا روی سالاد نیز استفاده کنید. این سالاد را می‌توان به‌مدت یک‌هفته در یخچال نگهداری کرد.

مواد لازم

- انواع سبزی دلخواه: به مقدار لازم
- توت‌فرنگی برش‌خورده: یک‌فنجان
- پیاز قرمز خلال‌شده نازک: یک‌مشت
- برگ اسفناج: ۵فنجان
- پنیر فتا خردشده(اختیاری): یک چهارم فنجان
- سس سالاد: یک دوم
- مواد لازم برای تهیه سس سالاد فصل تابستان:
- توت‌فرنگی برش خورده: ۱،۵فنجان
- سرکه سیب: ۲قاشق غذاخوری
- روغن زیتون: یک چهارم فنجان
- نمک: یک چهارم قاشق چای‌خوری

سالاد فصل خیار کرمی

طرز تهیه

ابتدا موسیر را به لایه‌های نازک برش بزنید. سپس در یک ظرف مناسب و کوچک موسیر را با خامه‌ترش، سرکه سفید، شوید خشک، سیر رنده‌شده، نمک و فلفل سیاه مخلوط کنید. بعد روی ظرف را پوشانده و به‌مدت یک ساعت در یخچال قرار دهید. در همین حین، خیارها را که از قبل پوست‌شان را گرفته‌اید نازک برش داده و در یک صافی بگذارید و آنها را به کمی نمک آغشته کنید و ۴۵دقیقه به آنها استراحت دهید. بعد از گذشت زمان‌های ذکرشده برای استراحت سس و خیار، سالاد آماده سرو است. بنابراین خیارها و سس آماده را به آرامی هم بزنید. فقط این نکته را باید به‌خاطر داشته باشید که نباید زیاد هم زده شود. بعد از اینکه مواد با هم ترکیب شد، بلافاصله آن را سرو کنید یا تا ۲ساعت در یخچال قرار دهید. اگر سالاد را مدت زیادی با سس در یخچال بگذارید آب می‌اندازد. اگر می‌خواهید آن را از قبل تهیه کنید بهتر است تا زمان سرو، سس و خیارها را به‌طور جداگانه در یخچال نگهداری کنید.

مواد لازم

- موسیر متوسط: ۲عدد
- خامه ترش: یک دوم فنجان
- سرکه سفید: ۲قاشق غذاخوری
- شوید خشک: یک قاشق چای‌خوری
- سیر رنده‌شده: یک حبه
- نمک: یک دوم قاشق چای‌خوری
- فلفل سیاه آسیاب‌شده تازه: به مقدار لازم
- خیار بزرگ: ۲عدد

سالاد فصل توت‌فرنگی و مرکبات

طرز تهیه

ابتدا ظرفی مناسب انتخاب کرده و توت‌فرنگی‌ها را که از قبل به ۲نیم برش داده‌اید داخل ظرف بریزید. البته توت‌فرنگی‌ها را می‌توان به‌صورت درسته نیز استفاده کرد. این مرحله کاملا دلبخواهی است و به سلیقه افراد بستگی دارد. سپس پوست پرتقال‌ها را بگیرید و با یک چاقوی تیز آنها را به شکل قطعات مکعبی و به‌صورت یکدست خرد کنید. در ادامه آب تکه پرتقال‌های باقی‌مانده را گرفته و با شکر قهوه‌ای و آبلیمو ترش مخلوط کنید. مخلوط را آنقدر هم بزنید تا شکر کامل حل و یک سس یکدست حاصل شود. سپس سس را روی مخلوط توت‌فرنگی و پرتقال بریزید. بعد نعناع خردشده را هم به آن اضافه کنید. سالاد را برای نیم‌ساعت در یخچال نگه دارید تا طعم‌ها به خوبی با یکدیگر آغشته شده و طعم دلخواهتان به دست آید. هنگام سرو نیز چند برگ نعناع به‌منظور تزئین روی سالاد بگذارید و سپس نوش‌جان کنید.

مواد لازم

- توت‌فرنگی: ۵۰۰گرم
- پرتقال: ۳عدد
- آبلیموی تازه: یک قاشق غذاخوری
- شکر قهوه‌ای: ۲و نیم قاشق غذاخوری
- نعناع تازه ساطوری‌شده: یک قاشق غذاخوری
- و چند برگ نعناع تازه هم برای تزئین

سالاد کاپریس با سس بالزامیک

طرز تهیه

ابتدا گوجه‌فرنگی‌هایی را که از قبل خرد کرده‌اید روی تخته آشپزی و یا هر ظرفی که مدنظرتان است بریزید، سپس شکر و نصف نمک و مقداری فلفل‌سیاه تازه آسیاب‌شده را روی آن بپاشید و برای چند دقیقه صبر کنید تا شکر و نمک و فلفل سیاه کاملا به خورد گوجه‌ها رفته و اثری از آنها باقی نماند. در ادامه تکه‌های گوجه و پنیر موزارلا را یکی در میان در بشقاب بچینید تا بشقاب کاملا پر شود. سپس مقدار باقی‌مانده نمک را روی آنها بپاشید. حدود یک قاشق غذاخوری روغن زیتون و سس بالزامیک را روی آنها بریزید. حالا نوبت به ریحان می‌رسد. ریحان‌ها را از قبل خرد کرده و سپس آنها را روی گوجه و پنیر بریزید. حالا سالادمان آماده است. در آخر برای تزئین سالاد نیز می‌توانید چند برگ ریحان را روی آن بگذارید.

مواد لازم

- گوجه‌فرنگی: ۵۰۰گرم
- شکر: نصف قاشق چای‌خوری
- نمک: نصف قاشق چای‌خوری
- پنیر موزارلا: ۵۰۰گرم
- فلفل سیاه تازه آسیاب‌شده: به میزان لازم
- روغن زیتون: به میزان لازم
- سس یا سرکه بالزامیک برای مزه‌دار کردن سالاد: به مقدار لازم
- ریحان: یک چهارم پیمانه

سالاد کلم

طرز تهیه

ابتدا کلم‌ها را یکدست خرد کنید و در ظرف مناسبی که از قبل انتخاب کرده‌اید بریزید. سپس هویج را با استفاده از رنده یا خردکن دستی خرد کنید. بعد سس را درست کنید. برای درست‌کردن سس نیاز است در یک کاسه متوسط سس مایونز را به همراه سرکه سیب، شوید، پودر چیلی، فلفل‌سیاه و نمک ریخته و آنها را هم بزنید و مخلوط کنید. مواد را باید تا زمانی که مخلوط به یک قوام خامه‌ای برسد هم بزنید. بعد از اینکه سس آماده شد، کلم، هویج و سس را با هم مخلوط کنید. حالا سالاد آماده است و می‌توانید با مواد مختلف ازجمله گوجه گیلاسی، ذرت، هویج رنده‌شده، قارچ، خیارشور و مواد دیگر تزئین کنید. سالاد را پس از درست‌کردن بلافاصله سرو کنید یا تا زمان سرو در یخچال قرار دهید.

مواد لازم

- کلم سبز: به اندازه ۴فنجان خردشده
- کلم قرمز: به اندازه ۴فنجان خردشده
- هویج: به اندازه یک فنجان خردشد
- سس مایونز: یک دوم فنجان
- سرکه سیب: ۲قاشق غذاخوری
- شوید خشک: یک دوم قاشق چای‌خوری
- پودر چیلی: یک دوم قاشق چای‌خوری
- نمک: یک قاشق چای‌خوری
- فلفل ساییده‌شده تازه: به مقدار لازم

ردپای قاشق در زمان هخامنشیان و ساسانیان

اگرچه در قرن‌های گذشته ایرانیان غذا را با دست می‌خوردند اما یافته‌های باستان‌شناسی حکایت از این امر دارد که قاشق یا همان کفچه در زمان هخامنشیان و ساسانیان وجود داشته و شاید همه مردم یا دست‌کم دربار شاهان باستانی ایران از قاشق استفاده می‌کردند. یکی از آیین‌های جشن چهارشنبه‌سوری هم رسم «قاشق‌زنی» است. این رسم باستانی هم نشان از آشنایی ایرانیان با قاشق در قرن‌های خیلی دور دارد. در یکی از کاوش‌های باستان‌شناسی، قاشقی نقره‌ای از روزگار هخامنشیان به‌دست آمده است که قدمت آن به ۲هزارو ۵۰۰سال پیش بازمی‌گردد. این قاشق که مقداری پهن‌تر از قاشق‌های امروزی است و حدود ۱۵سانتی متر درازا دارد حکایت از این امر دارد که آشنایی ایرانیان با قاشق بسیار قدیمی بوده و به دوردست تاریخ بازمی‌گردد. علاوه بر این قاشق دوره هخامنشی، نشانه‌های تاریخی دیگری نیز موجود است که از استفاده ساسانیان از قاشق و چنگال حکایت می‌کند. اگرچه پس از دوره باستان استفاده از قاشق کنار گذاشته شد، اما همچنان ایرانیان برای آشامیدن غذاهای شل از قاشق‌هایی بزرگ از جنس چوب و گاهی فلزی یا منبت‌کاری شده، استفاده می‌کردند. در دوره قاجار نیز از آن قاشق‌ها برای آشامیدن شربت سکنجبین و انواع دیگر نوشیدنی‌ها استفاده می‌شده است.

حضور قاشق یا همان کفچه در اشعار ایرانی

اینکه قاشق قدمتی طولانی‌تر از قاجار در تاریخ ایران دارد را می‌توان در اشعار فارسی که توسط شعرای بزرگ سروده شده‌است جست‌وجو کرد. به‌عنوان مثال استاد سخن، شیخ اجل سعدی در شعری می‌گوید: «ز دیگدان لئیمان چو دود بگریزند / نه دست کفچه کنند از برای کاسه آش.» یا در شعری از حکیم نظامی واژه کفچه که همان قاشق است چنین استفاده شده: «تا شکمی نان و دمی آب هست / کفچه مکن بر سر هر کاسه دست». مولانا در بیتی از اشعار خود نیز به قاشق اشاره می‌کند و چنین می‌سراید: «به گرد دیگ دل ای جان چو کفچه گرد به سر / که تا چو کفچه دهان پر کنی از آن حلوا». خاقانی هم می‌گوید: «دست کفچه مکن به پیش فلک / که فلک کاسه‌ای است خاک انبار». همچنین اوحدی هم از قاشق چنین در شعر خود استفاده می‌کند: «تا شدم کفچه دست و کاسه شکم / بر در خلق می‌شدم که درم.» دهلوی نیز در بیتی واژه کفچه را به این شکل عنوان کرده است: «صفت کاس رباب و به سرش کفچه دست / که در آن کاسه خالی است نعم چند الوان». صائب تبریزی هم از کلمه قاشق یا همان کفچه چنین بهره جسته است: «دلی کوچه عشق است چرخ ازرق پوش / تو دست کفچه کنی پیش این گدای که چه؟»

ورود قاشق به ایران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار

ناصرالدین‌شاه قاجار در سفرهایی که به اروپا داشت با قاشق آشنا شد و با توجه به روحیه تجددگرایی که در آن زمان وجود داشت، اقدام به ورود آن به کشور کرد. چیزی زمان نبرد که درباریان و حتی اشراف تهرانی پی بردند که غذاخوردن با قاشق بسیار آسان‌تر، بهداشتی‌تر و در مجموع بهتر از خوردن با دست است، اما اینکه همه مردم ایران قاشق را به رسمیت بشناسند و در سفره‌هایشان از آن استفاده کنند مقداری زمان برد و طول کشید. قاجارها پس از آنکه مردم را با این وسیله آشنا کردند، نام قاشق را برای آن به‌کار بردند و بر سر زبان‌ها انداختند. انتخاب این اسم هم به ترک‌زبان‌بودن قاجارها برمی‌گردد. اسم قاشق، واژه‌ای ترکی و به معنی «خراشیدن» و «تراشیدن» است. اغلب قاشق‌هایی که در ایران استفاده می‌شد، از جنس نقره، مس، ورشو و روحی بود. قاشق و چنگال‌های نقره‌ای گرانبها بود و تنها در خانه‌های اشراف و توانگران و به قصد خودنمایی و فخرفروشی، به‌کار برده می‌شد. در دربار نیز قاشق و چنگال‌هایی که دسته‌هایی قلمکاری داشتند و بسیار زیبا بودند استفاده می‌شد. گاه نیز دسته قاشق و چنگال‌ها را از چوب می‌ساختند.

انواع قاشق و کاربرد آنها

امروزه قاشق نه تنها در جنس‌های مختلف استیل، نقره، طلا، برنز و حتی یکبار مصرف موجود است بلکه انواع مختلف دارد که هریک از آنها برای استفاده خاصی طراحی شده‌اند.

قاشق غذاخوری: قاشق غذاخوری به‌عنوان مکمل برای چنگال غذاخوری استفاده می‌شود. این دو با هم به‌کار برده می‌شوند و در سر و انواع خوراک‌ها و غذاها به‌کار می‌روند.

قاشق سوپ‌خوری: این مدل از قاشق دارای دهنه‌ای گود است. این گودی و گردی نسبت به قاشق‌های غذاخوری بیشتر است اما به‌طور معمول اندازه آنها کوچک‌تر است.

قاشق چای یا قهوه: این قاشق که اصطلاحا با عنوان قاشق چای‌خوری هم شناخته می‌شود، در اندازه کوچک طراحی شده و برای هم‌زدن چای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قاشق مرباخوری: کاربرد این نوع قاشق‌ها برای سرو انواع مرباست. اینگونه قاشق‌ها به‌طور معمول دارای یک خمیدگی در میانه دسته قاشق هستند.

قاشق گریپ فروت: این نوع قاشق‌ها دندانه‌هایی در نوک دهانه‌شان تعبیه شده است که می‌تواند به راحتی گوشت میوه را از هسته آن جدا کند.

قاشق دسر: این قاشق که معمولا بزرگ‌تر از قاشق چای‌خوری است در سایز و شکل بسیار شبیه قاشق سوپ است. قسمت کاسه‌ای آن بیضی و گود و کمی عریض است.

قاشق سرو خورشت: این قاشق به‌طور کلی کوچک‌تر از قاشق سوپ‌خوری معمول است و قسمت کاسه‌ای‌شکل گردی دارد.

قاشق شربت: دسته بلند و باریکی دارد و قسمت کاسه‌ای آن بیضی‌شکل و کوچک است.

قاشق لاته: قاشقی با دسته‌ای دراز است که برای هم‌زدن نوشیدنی‌های بلند یا خوردن دسرهای بلند مصرف می‌شود.

قاشق بستنی‌خوری: برای سرو و مصرف بستنی به‌کار می‌رود. این قاشق در اندازه‌های مختلف موجود است.

قاشق در تاریخ ایرانیان چقدر و چطور حضور داشته است؟

سوغات فرنگ

یکی از آداب و رسوم ما ایرانی‌ها برای خوردن انواع غذا، استفاده از قاشق و چنگال است. شاید بسیاری از ما اطلاع نداشته باشیم که قاشق و چنگال به شکل امروزی آن، قدمت و سابقه چندانی در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی‌ها ندارد و این وسیله حالا پرکاربرد مانند خیلی چیزهای دیگر در عهد ناصری از فرنگ پایش به آشپزخانه‌ها و سفره‌های ما باز شد. حتما از خودتان سؤال می‌کنید پس تا قبل از آن اجداد ما با چه وسیله‌ای و از چه طریقی غذا می‌خوردند، حتما این مطلب کوتاه و جالب درباره تاریخچه قاشق در ایران را بخوانید.

قاشق در ضرب‌المثل‌های فارسی

یک ضرب‌المثل وجود دارد که می‌گوید «قاشق ندارد که آش بخورد» که این ضرب‌المثل درباره آدم مفلس و فقیری به‌کار می‌رود که ادعای ثروت و بی‌نیازی می‌کند. یا یک ضرب‌المثل دیگر که بسیار معروف است و تقریبا هم ایرانی‌ها حداقل یک‌بار آن را در زندگی به‌کار برده‌اند؛ «مثل قاشق نشسته پرید وسط». این ضرب‌المثل که به شکل «خودتو مثل قاشق نشسته وسط نینداز» هم استفاده می‌شود، حکایت از فردی دارد که به‌خاطر سخنی پوچ وسط حرف دیگران پریده و صحبت آنها را قطع کرده است. یا به شخصی نسبت داده می‌شود که در کاری که به او مربوط نیست بی‌جهت دخالت کرده است. یا حتی ضرب‌المثل دیگری وجود دارد که می‌گوید «قاشق‌سازی کاری نداره، مشت می‌زنی توش گود می‌شه، دمش را می‌کشی دراز می‌شه!» که این ضرب‌المثل هم مصداق آدم‌هایی است که تصور می‌کنند انجام هر کاری راحت است و می‌توانند در هر زمینه‌ای تخصص داشته باشند.

غلامحسین پیروانی، مربی شاعرپیشه ایرانی که از ریشه‌های فوتبال در شهر حافظ و سعدی می‌گوید

شیراز ما شعر داشت و فوتبال

مهرداد رسولی

نزدیک به یک دهه از دوری یکی از خوشنام‌ترین مربیان شیرازی از لیگ برتر گذشته و فوتبال شیراز در این بازه زمانی نسبتا طولانی دوران افول و نزول را طی کرده است. غلامحسین پیروانی، مربی شاعرمسلکی که خیلی‌ها او را با تک‌بیتی‌های گاه و بی‌گاه حین گفت‌وگو با خبرنگاران می‌شناسند، بیکاری و انزوا را به حضور در بطن فوتبال کم‌مایه و پرهیاهوی ایران در یک دهه اخیر ترجیح داده و همچنان راه خودش را می‌رود. او نزدیک به ۳ دهه می‌شود که مشغول پرورش فوتبالیست‌های جوان و بااستعداد شیرازی است و بعد از خداحافظی با نیمکت پرماجرای تیم‌های لیگ برتری در آکادمی فوتبالش روزگار آرامی را سپری می‌کند. غلامحسین پیروانی را باید تاریخ شفاهی فوتبال شیراز دانست. او جزو نسل بازیکنان شیرازی است که به تیم ملی راه یافت و بین اهالی فوتبال به‌عنوان شناسنامه فوتبال این خطه شناخته می‌شود. صحبت‌های مربی خوشنام شیرازی درباره تاریخ فوتبال این شهر و دلایل افول و سقوط تدریجی آن شنیدنی است.

فوتبال شیراز از روزگار قدیم حرف‌های زیادی برای گفتن داشت و تیم‌های این خطه معمولا در برابر تیم‌های متمول تهرانی قدعلم می‌کردند. کدام تیم شیرازی برای نخستین بار در برابر تیم‌های بزرگ شگفتی‌ساز شد؟

فوتبال از حول و حوش سال‌های ۱۳۱۰وارد شیراز شد و تیم‌های برق، پاس و تاج شیراز جزو نخستین تیم‌هایی بودند که وارد چرخه باشگاهداری شدند. بعدها یعنی در دهه ۵۰تیم‌هایی مثل کورش، الکترونیک، سیمان، کما و مرصاد آمدند و در کنار آنها تیم‌های کوچک‌تری مثل بوستان سعدی تیم فوتبال داشتند. شیراز از همان سال‌ها تیم‌های سرسخت و بازیکنان قرص و محکمی داشت. حالا اگر بخواهیم درباره قدیمی‌ترین تیم فوتبال شیراز صحبت کنیم باید بگویم که وقتی باشگاه برق در سال ۱۳۲۴فعالیتش را شروع کرد من هنوز به دنیا نیامده بودم.

ظاهرا در آن سال‌ها، تیم‌های شیرازی را افراد مشهور و سرشناس شهر اداره می‌کردند...

همینطور است. جز برق که توسط عده‌ای از کارکنان اداره برق شیراز تاسیس شد بقیه تیم‌ها توسط افراد مورد اعتماد و کارآمد اداره می‌شدند. مثلا مدیریت پاس برعهده سرگرد قربانی بود، کورش دست عیسی‌خان فعلی بود. تاج شیراز را مرحوم احمد میرحسینی اداره می‌کرد. سیمان هم دست حسام طاعت بود.

مردم از فوتبال شیراز با احترام یاد می‌کنند و خیلی‌ها معتقدند فوتبال مثل شعر در این شهر ریشه تاریخی دارد. خود اهالی شیراز فوتبال را در حد شعر و ادبیات قابل احترام می‌دانند؟

فوتبال در شیراز بیش از هر چیز جنبه معنوی داشت. یعنی بازیکن به باشگاه و مردم شهر وفادار بود و خیلی اوقات به مادیات پشت می‌کرد، اما الان اینطوری نیست. یک موقعی شیراز را شهر شعر و فوتبال می‌دانستند و مردم هم به ورزشگاه می‌رفتند تا تیم شهرشان را تشویق کنند اما این فرهنگ و سنت به مرور زمان از بین رفت. وقتی در سال ۱۳۵۳برق به لیگ فوتبال تخت‌جمشید راه پیدا کرد با حمایت مردم شهر تیم‌های بزرگ را می‌برد و خیلی زود به تیم‌های مطرح کشور بدل شد.

تیم‌های شیرازی استاد شگفتی‌سازی در جام حذفی بودند. همین تیم برق بارها تیم‌های تهرانی را در پایتخت برد و حتی تیم مرصاد هم یک‌بار استقلال را در جام حذفی شکست داد. چرا تیم‌های شیرازی فقط در جام حذفی خبرساز می‌شدند؟

نمی‌دانم، شاید برای اینکه در جام حذفی تک مسابقه‌ها تعیین‌کننده است و تیم‌های شیرازی دنبال کوتاه‌ترین مسیر برای قهرمانی بودند. من ۴بار با فجرسپاسی به فینال جام حذفی راه پیدا کردم و یک‌بار با این تیم قهرمان شدم. به‌عنوان سرمربی یک‌بار هم با برق قهرمان و دو بار نایب قهرمان جام حذفی شدم. یادش بخیر، من تا ۴۰سالگی برای برق بازی کردم و بعد هم در مقام مربی روی نیمکت این تیم نشستم. وقتی بازیکن برق بودم در سال ۱۳۵۳به تیم ملی جوانان دعوت شدم و با تیم ملی ۲بار قهرمان آسیا شدم.

برق که حالا هیچ نام و نشانی از آن باقی نمانده در فوتبال ایران تیم مهمی بود. اینکه می‌گویند برق شیراز همواره اسکلت‌بندی تیم‌های ملی جوانان را تشکیل می‌داد درست است؟

دقیقا همینطور است. آن موقع که معنویت در فوتبال حرف اول و آخر را می‌زد تیم برق هر سال ۵یا ۶بازیکن به تیم ملی جوانان می‌داد اما حالا سازندگی معنا و مفهوم خودش را از دست داده و همه به قول معروف حاضری‌خور شده‌اند. آن موقع تیم‌های جوانان و امید شیراز هر سال قهرمان کشور می‌شدند. این حکایت فوتبال در همه شهرهای ایران است. الان دیگر هیچ نشانی از تیم‌های برق شیراز، ابومسلم مشهد، راه‌آهن و بانک ملی، آرارات، عقاب و پاس تهران نیست. وقتی یک تیم ۲۰۰میلیارد تومان هزینه می‌کند و یک تیم شهرستانی با ۲۰میلیارد تومان باید فصل را تمام کند بهتر از این نمی‌شود. یک‌بار با تیم فجرسپاسی ۵بر ۲به پرسپولیس باختیم و من بعد از این بازی گفتم این جنگ ژ۳بود و تفنگ بادی.

شاید فجرسپاسی تنها تیم شیرازی بود که بعد از برق با همین تفنگ بادی می‌توانست در فوتبال ایران دوام بیاورد. این تیم چگونه در شیراز پا گرفت؟

بعد از برق شیراز، فجر شهیدسپاسی به کارخانه بازیکن‌سازی فوتبال ایران بدل شد. اگر بخواهم با آمار و ارقام صحبت کنم تیم‌های شیرازی بیش از ۱۰۰بازیکن به فوتبال ایران معرفی کردند. تیم فجر شهید سپاسی هم در سال ۱۳۶۷و با خرید امتیاز تیم بهزاد شیراز فعالیتش را با مدیریت سرهنگ جعفری شروع کرد. شهید مجید سپاسی نام یکی از همرزمان قدیمی سرهنگ جعفری در دوران جنگ بود و او به همین خاطر اسم تیم را به فجر شهیدسپاسی تغییر داد. این تیم با سرمربیگری ابراهیم قاسمپور از لیگ دو به لیگ دسته اول صعود کرد؛ آن موقع لیگ برتر نداشتیم، لیگ ۲بود و لیگ یک.

فجر شهیدسپاسی فصل قبل به لیگ یک سقوط کرد اما برخلاف برق هنوز در فوتبال ایران نفس می‌کشد. شاید امید همه شیرازی‌ها به این تیم باشد. اینطور نیست؟

بله، فجر شهیدسپاسی به هزار و یک دلیل باید زنده بماند و نفس بکشد. وقتی سرمربی این تیم بودم ۴بار پرسپولیس را در تهران شکست دادیم و یک‌بار در تهران ۴گل به این تیم زدیم. استقلال را هم در شیراز بردیم. آن موقع صداقت در رفتار و کردار بازیکنان و مربیان وجود داشت و مادیات مثل خوره به جان فوتبال شیراز نیفتاده بود. شیرازی‌ها یک مثل دارند که می‌گوید: عزیزم لذت دنیا به مال است؟ نه، به فهم و حسن و کمال است. یعنی اگر پولدار باشی اما فهم و کمال نداشته باشی به جایی نمی‌رسی اما الان این ضرب‌المثل در فوتبال نقض شده. به قول شاعر «چار دینار جهان پوشش عیب کهن است/من بیچاره ندارم همه عیبی به من است».

فکر می‌کنید جای شیرازی‌ها در لیگ برتر خالی است یا کمتر کسی به این موضوع توجه می‌کند؟

کسی به این چیزها توجه نمی‌کند کاکو. به قول سعدی، «با سیه دل چه سود گفتن وعظ/نرود میخ آهنی بر سنگ». ما هر چه درباره این موضوع صحبت کنیم فایده ندارد.

البته جای خالی مربیانی از جنس شما در فوتبال ایران به‌شدت احساس می‌شود...

ان‌شاءالله که جای خالی امثال من احساس نشود. حدود ۲۷سال است که در شیراز آکادمی فوتبال دارم و به فوتبالیست‌های جوان خدمت می‌کنم. محمد دانشگر که الان در استقلال بازی می‌کند بازیکن آکادمی ما بود و از نسل‌های قبل هم بازیکنانی مثل افشین پیروانی را تربیت کردیم. الان هم بیشتر وقتم را در آکادمی سپری می‌کنم. البته مربیانی که مدرک A دارند را آنجا گذاشته‌ام و خودم فقط نظارت می‌کنم. همین که از مادیات دور شده‌ام خیلی راحتم.

در کنار فوتبال شغل دیگری ندارید؟

یک موقعی کارم دامداری و کشاورزی بود اما کارم را جمع کردم. قدیم‌ها ۲راس گوساله می‌خریدیم ۴هزار تومان الان قیمتش به ۱۰میلیون تومان رسیده است. شاید روزی برسد که با یک تیم شیرازی به لیگ برتر برگردم.

معرفی اسطوره‌های فوتبال شیراز

ستاره‌های حافظیه

فوتبال شیراز به شکل عجیبی با نام برادران پیروانی عجین است. در یک برهه‌ای که غلامحسین، افشین و امیرحسین پیروانی در تیم‌های مختلف مربیگری می‌کردند برخی رسانه‌ها لقب «سه تفنگدار» را برای آنها انتخاب کردند و انصافا لقب بامسمایی بود. البته واقعیت ماجرا این است که فوتبال شیراز به‌نام برادران پیروانی خلاصه نمی‌شود و طی چند دهه گذشته فوتبالیست‌های زیادی از این خطه به تیم‌های درجه یک ایران معرفی شده‌اند و برخی از آنها به تیم ملی هم راه پیدا کرده‌اند. مثلا فوتبالیستی به نام علیرضا قشقاییان که تا آخرین روزهای زندگی ورزشی‌اش پیراهن برق را پوشید و ۵بازی ملی هم در کارنامه‌اش دیده می‌شود اما این روزها کمتر از او یاد می‌کنند. معرفی اسطوره‌های فوتبال شیراز شاید از این منظر خالی از لطف نباشد.

علیرضا قشقاییان
فوتبالیست وفادار

قدیمی‌های فوتبال شیراز برای این بازیکن احترام خاصی قائلند و او را شایسته احترام بیشتری می‌دانند. علیرضا قشقاییان جزو نسل نخست فوتبالیست‌های شیرازی است که مطابق انتظار با پیراهن برق شیراز در فوتبال ایران درخشید و دست آخر به اردوی تیم ملی هم راه پیدا کرد. او جزو معدود بازیکنانی بود که مسیر رسیدن به اردوی تیم ملی را در تیم‌های بزرگ جست‌وجو نمی‌کرد و به همین دلیل بین طرفداران برق که یکی از قدیمی‌ترین تیم‌های فوتبال ایران است به‌عنوان نماد وفاداری شناخته می‌شود. قشقاییان به‌عنوان مدافع بازی می‌کرد و نقل است که کمتر مهاجمی توان عبور از او را داشت. این بازیکن حدفاصل سال‌های ۱۹۷۵تا ۱۹۷۸پنج بار با پیراهن تیم ملی به میدان رفت و بعد از یک دوره موفقیت‌آمیز در فوتبال شیراز، کفش‌ها را آویخت.

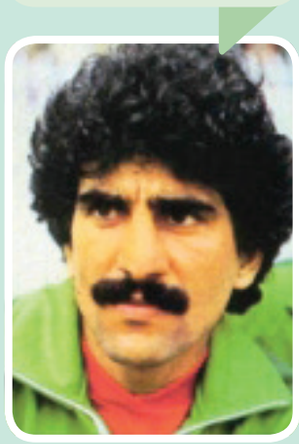

افشین پیروانی
محصول آکادمی

اغراق نیست اگر افشین پیروانی را موفق‌ترین فوتبالیست تاریخ فوتبال شیراز بدانیم. او که در آکادمی فوتبال برادرش در شیراز رشد کرد در سال‌های جوانی به‌عنوان یک مدافع جوان و آینده‌دار به پرسپولیس پیوست و در این تیم به همه افتخارات ممکن رسید. او رکورددار بیشترین کاپیتانی در تیم فوتبال پرسپولیس است و ۶۵بار با پیراهن تیم ملی به میدان رفت اما برخلاف ۲برادر دیگرش در دنیای مربیگری به توفیق چندانی دست پیدا نکرد. افشین پیروانی که مدرک مربیگری حرفه‌ای فیفا را دارد در زمان مربیگری امیر قلعه‌نویی در تیم ملی، یکی از اعضای کادر فنی بود. او یک دوره ناموفق را هم به‌عنوان سرمربی در تیم استیل‌آذین طی کرد و بعد از آن در مقام مدیر اجرایی و سرپرست در فوتبال ایران به فعالیتش ادامه داد. افشین و غلام پیروانی در یک برهه‌ای در تیم برق‌شیراز همبازی بودند اما سال‌ها بعد به‌عنوان مربی و بازیکن ۲بار رودرروی هم قرار گرفتند.

ستار زارع
انتخاب اول برانکو

برانکو ایوانکوویچ در تیم ملی ایران عملکرد درخشانی داشت اما یکی از انتقادهایی که همواره علیه او مطرح می‌شد این بود که بیش از حد به این بازیکن شیرازی میدان می‌دهد. ستار زارع به‌رغم انتقادهای گسترده اصحاب رسانه و برخی از کارشناس‌ها بازیکن ثابت تیم ملی در دهه ۸۰بود و مسافر جام جهانی ۲۰۰۶آلمان شد که به میدان نرفت. زارع هم مثل بسیاری از فوتبالیست‌های شیرازی محصول آکادمی برق شیراز بود و تا ۲۰سالگی در تیم‌های پایه این باشگاه بازی کرد. او در دوران اوج فوتبالش پیشنهادهایی از استقلال و پرسپولیس داشت اما برق و شیراز را ترک نکرد. زارع حتی پس از سقوط برق شیراز به لیگ آزادگان از این تیم شیرازی جدا نشد اما پس از ناکامی این تیم در صعود به لیگ برتر به شاهین بوشهر پیوست.

داریوش یزدانی
جوان اول تیم ملی

این هم یکی از تحصیل کرده‌های فوتبال شیراز است. داریوش یزدانی که لیسانس مدیریت دولتی دارد، یکی از بازیکنان تأثیرگذار استقلال در ابتدای دهه ۸۰بود. وقتی محمد مایلی‌کهن مربی تیم ملی شد و با شعار جوانگرایی بسیاری از بازیکنان جوان و بااستعداد را به اردوی تیم ملی فراخواند، ستاره اقبال روی شانه‌های داریوش یزدانی هم نشست و مجال خودنمایی با پیراهن تیم ملی را پیدا کرد. او در نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶برابر تیم ملی عربستان پنالتی خود را از دست داد و ایران از صعود به فینال رقابت‌ها بازماند. داریوش یزدانی در رده باشگاهی بازیکن موفقی بود. او با حضور در ترکیب ثابت استقلال خودش را به فوتبال ایران تحمیل کرد و درخشش با پیراهن آبی باعث شد به بلژیک برود و به باشگاه رویال شارلوا بپیوندد. او از چند سال قبل وارد جرگه مربیان شده و گفته می‌شود به‌عنوان مربی تمرین‌دهنده رده سنی ۱۱تا ۱۵سال بارسلونا در تگزاس آمریکا انتخاب شده است.

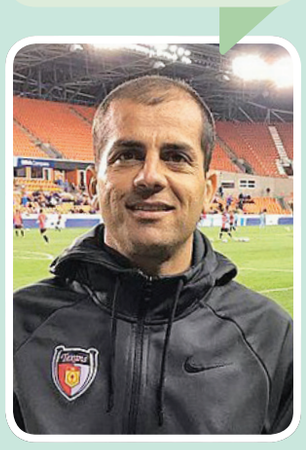

محمد عباسی
بازیکن و مربی نمونه

از نسل قدیم فوتبالیست‌های شیرازی باید به نام محمد عباسی هم اشاره کرد. او یکی از معدود فوتبالیست‌های شیرازی است که در یک برهه کوتاه پیراهن تیم ملی را پوشید و نماینده این خطه در اردوی تیم ملی بود. محمد عباسی هم فوتبالش را از باشگاه برق شیراز شروع کرد و پیراهن هیچ تیم دیگری را نپوشید. او در سال‌هایی که فوتبال بازی می‌کرد به‌عنوان یک مدافع مستحکم شناخته می‌شد که دست بر قضا در برابر تیم‌های بزرگ پایتخت عملکرد درخشانی داشت. عباسی بعد از پایان دوران بازیکنی در مقام مربی به کمک برق که تیم بحران زده‌ای بود آمد و در آخرین سال‌های حضور این تیم در لیگ برتر سرمربی برق شیراز بود اما بحران مدیریتی و مشکلات مالی گریبان تیمش را گرفت. او را باید از نسل دوم فوتبالیست‌های شیرازی دانست که چه در مقام بازیکن و چه در مقام مربی به این تیم وفادار ماندند.

مهرزاد معدنچی
ستاره مغضوب

این بازیکن هم می‌توانست یکی از موفق‌ترین فوتبالیست‌های تاریخ فوتبال شیراز شود اما به‌واسطه سلسله اتفاقات عجیبی که در تیم پرسپولیس با آن مواجه شد مورد غضب تماشاگران این تیم قرار گرفت. مهرزاد معدنچی در برهه‌ای به‌عنوان هافبک چپ از تیم فجر شهیدسپاسی به پرسپولیس پیوست که این تیم تهرانی با مربیگری علی پروین روزهای بحرانی را پشت سر می‌گذاشت و در بیشتر باخت‌ها این بازیکن شیرازی به‌عنوان یکی از مقصران اصلی شناخته می‌شد. او در دوره حضور مصطفی دنیزلی در پرسپولیس احیا شد اما به تیم بحران‌زده استیل‌آذین رفت و بعد از آن به تیم‌های اماراتی پیوست که در بازگشت به ایران کیفیت سابق را بروز نداد. مهرزاد معدنچی فصل قبل کمک مربی تیم فجر شهیدسپاسی بود و با این تیم به دسته پایین‌تر سقوط کرد.

بسته پیشنهادی

فیلم

سالی که پدر و مادرم رفتند تعطیلات

این فیلم که ساخت آن ۴سال به طول انجامید محصول کشور برزیل است و در سال ۲۰۰۶روی پرده سینما رفت. حوادث فیلم در سال ۱۹۷۰اتفاق می‌افتند. پدر و مادر مائورو درحالی که از دست حکومت سرکوبگر برزیل در حال فرار هستند، او را نزد پدر و مادربزرگش می‌برند. درحالی که کشور منتظر درخشش تیم فوتبال برزیل در رقابت‌های جام‌جهانی است، او در انتظار بازگشت پدر و مادرش به‌سر می‌برد. بعد از فوت ناگهانی پدربزرگش با یکی از همسایه‌ها دوست می‌شود. او عاشق فوتبال است و می‌خواهد یک دروازه‌بان شود. «سالی که پدر و مادرم رفتند تعطیلات» یکی از برترین فیلم‌های فوتبالی است و زندگی پدر و مادر «کاو همبرگر» کارگردان این فیلم را روایت می‌کند. این فیلم تحسین منتقدان را برانگیخت و جایزه آکادمی بهترین فیلم خارجی زبان در سال ۲۰۰۷را کسب کرد.

مستند

شیوه‌ی شاغلام

طبیعی است که مربی خوشنامی مثل غلام پیروانی با سبک زندگی خاصی که دارد سوژه مستندسازهای ایرانی شود. امید عبدالهی، کارگردانی است که سراغ این سوژه رفته و معتقد است مستند «شیوه‌ی شاغلام» درباره یک انسان است نه یک مربی فوتبال. این مستند درباره شیوه کار و زندگی غلامحسین پیروانی یکی از محبوب‌ترین مربیان فوتبال کشور است که پس از ۱۱سال مربیگری در تیم مقاومت سپاسی شیراز و معرفی استعدادهای فراوان به فوتبال ایران، سرانجام در سال ۱۳۸۸به‌عنوان سرمربی تیم ملی امید ایران منصوب شد. این فیلم نامزد بهترین مستند نیمه‌بلند و برنده بهترین تدوین مستند از سومین جشنواره بین‌المللی مستند ایران، سینما حقیقت شد. کارگردان این مستند ۵۲دقیقه‌ای بر این باور است که غلامحسین پیروانی با شیوه و دیدگاه ویژه خود در زندگی، می‌توانست شخصیت اصلی یک فیلم مستند باشد.

اپلیکیشن

فوتبال ۱۱

اگر با زبان انگلیسی مشکل دارید و محتوای فارسی را ترجیح می‌دهید، این اپلیکیشن ایرانی برای شما مناسب است. اپلیکیشن‌های مشابه خارجی اخبار فوتبال ایران را پوشش نمی‌دهند و این یکی از ایرادهایی است که شاید شما را دلسرد کند. البته این رویه از سوی برنامه‌نویس‌ها یک امر عادی است چرا که لیگ داخلی کشورهای آسیایی معمولا برای مخاطبان خارجی، جذابیت خاصی ندارد. پس آنها تمرکزشان را روی لیگ‌های معتبر اروپا می‌گذارند. اپلیکیشن فوتبال ۱۱این مشکل را برطرف کرده است و با نصب آن خبرهای فوتبال داخلی را از دست نخواهید داد و حتی گیشه روزنامه‌های مختلف داخلی در اختیار شما قرار خواهد گرفت. فوتبال ۱۱بسیار روان و ساده طراحی شده و به سادگی به تمامی بخش‌های برنامه دسترسی خواهید داشت.

بسته پیشنهادی

کتاب

رسانه‌های اجتماعی در سفر و گردشگری

چهره سفر میان مردم کاملاً تغییر کرده است. گذشت آن زمانی که سفر تنها برای یک عده محدودی بود یا اگر هم بنای یک سفر پایه‌گذاری می‌شد، کلی باید برنامه‌ریزی، تمهیدات و خطرات سفر محاسبه و درنظر گرفته می‌شد. چه بسیار بودند آدم‌هایی که سفرشان با سفر آخرت‌شان یکی می‌شد و هرگز به مقصد باز نمی‌گشتند. اما امروز قدرت اصلی سفر در دست شبکه‌های اجتماعی است و دور افتاده‌ترین مکان‌های تفریحی و گردشگری هم به وسیله همین شبکه‌های اجتماعی کلی مسافر و گردشگر جذب کرده‌اند. کتاب «بازاریابی رسانه‌های اجتماعی در سفر و گردشگری» بسیاری از این موارد و جزئیات مربوط به گردشگری و سفر را تشریح کرده و بیان می‌کند که قدرت و تأثیر این شبکه‌ها تا چه اندازه می‌تواند بر کیفیت و کمیت گردشگری تأثیر داشته باشد.

فیلم

ردپاها

جذابیت‌های سفر برای هر فرد و با هر روحیه و شخصیتی در چیزی خلاصه شده و برای آنهایی که میل به تنها سفر کردن آن هم در جاده دارند، این همان فیلمی است که باید ببینند. فیلم «ردپاها» براساس زندگی رابین دیویدسن و محصول سال ۲۰۱۳ است. شخصیت این داستان که در واقع همان رابین دیویدسن است در سال ۱۹۹۷عازم سفر به صحرای استرالیا می‌شود و ۲هزار و ۷۰۰کیلومتر را تنها به همراه سگ و ۴شترش طی می‌کند. از مبدأ شروع سفر آلیس اسپرینگرز، مکان‌های زیادی سر راه آنها قرار دارد و در نهایت به‌سوی صحرا و اقیانوس هند می‌رود. میا واشیکوفسکا، بازیگر دیگری که در این فیلم ایفای نقش می‌کند، در فیلم «آلیس در سرزمین عجایب» هم نقش‌آفرینی کرده است.

گردشگری

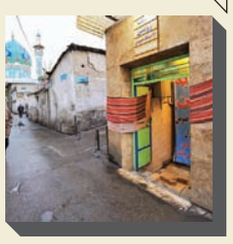

حمام روشن

حمام دوقلو که حمام روشن هم نامگذاری می‌شود، از حمام‌های قدیمی تجریش است که همچون قهوه‌خانه‌ها پاتوقی برای کسبه و اهالی محل به شمار می‌رود. حتی درماه رمضان اهالی محل دورهمی‌های سحری و افطاری را در این حمام برگزار می‌کردند. حمام روشن در وسط بازار تجریش قرار دارد و حد فاصل دومحله در روستای تجریش به‌حساب می‌آمده؛ محله‌ای که به جنوب میدان تجریش و تکیه و مسجد اعظم می‌رسید محله پایین و محله بالا از کنار امامزاده صالح تا پل تجریش ادامه‌دار بوده که شاید به واسطه همین همسایگی‌اش با هر دو محله دوقلو نام داشته است. این حمام متعلق به یکی از ثروتمندان تجریش به نام سیدعابدین داوودی بوده که امروزه شکل و شمایل قدیمی خود را از دست داده اما همچنان پابرجاست.

یکی از تفریحات مهیج تابستانی رفتن سراغ تنگه‌های پرآب و خنک است

ماجراجویی میان سنگ‌ها

مجتبی یارزمان

یکی از دغدغه‌های اصلی برای روزهای گرم سال و خصوصا اواسط تابستان، پیداکردن مکانی مناسب برای فرار از این گرما و رسیدن به هوایی خنک، هرچند برای مدتی کوتاه است. نخستین مکانی که معمولاً در ذهن همه نقش می‌بندد، رفتن به سمت آبشارها و جنگل‌های سرسبز و درهم تنیده است و البته قطعاً گزینه بعدی، حرکت به‌سوی ارتفاعات خواهد بود. هر کدام از ما بنا به موقعیت و شرایطی که در آن هستیم، یکی از این مکان‌ها را انتخاب خواهیم کرد و آخر هفته خودمان را در این مکان‌های جذاب سپری خواهیم کرد تا بتوانیم برای دقایقی کوتاه هم که شده تابستان را فراموش کنیم. اما برخی کمی متفاوت‌تر به این شرایط نگاه می‌کنند و به ساعتی نشستن در کنار طبیعت و رود و آبشار بسنده نکرده و راه ماجراجویی را در پیش می‌گیرند. در کشور ما این مکان‌های بکر و جذاب کم نیستند که به‌شدت مورد استقبال ماجراجویان قرار می‌گیرند و همه روزه افراد زیادی در جست‌وجوی کشف آنها هستند. یکی از این مکان‌هایی که به‌شدت مورد استقبال قرار گرفته و در تابستان‌ها معمولاً پذیرای عده زیادی از ماجراجویان و گردشگران است، تنگه‌های خوش آب‌وهوا و پرآب هستند که در این گزارش سراغ تنگه رغز، یکی از معروف‌ترین و در عین حال زیباترین تنگه‌های طبیعی ایران در استان فارس رفته‌ایم تا با حال و هوای آن بیشتر آشنا شویم.

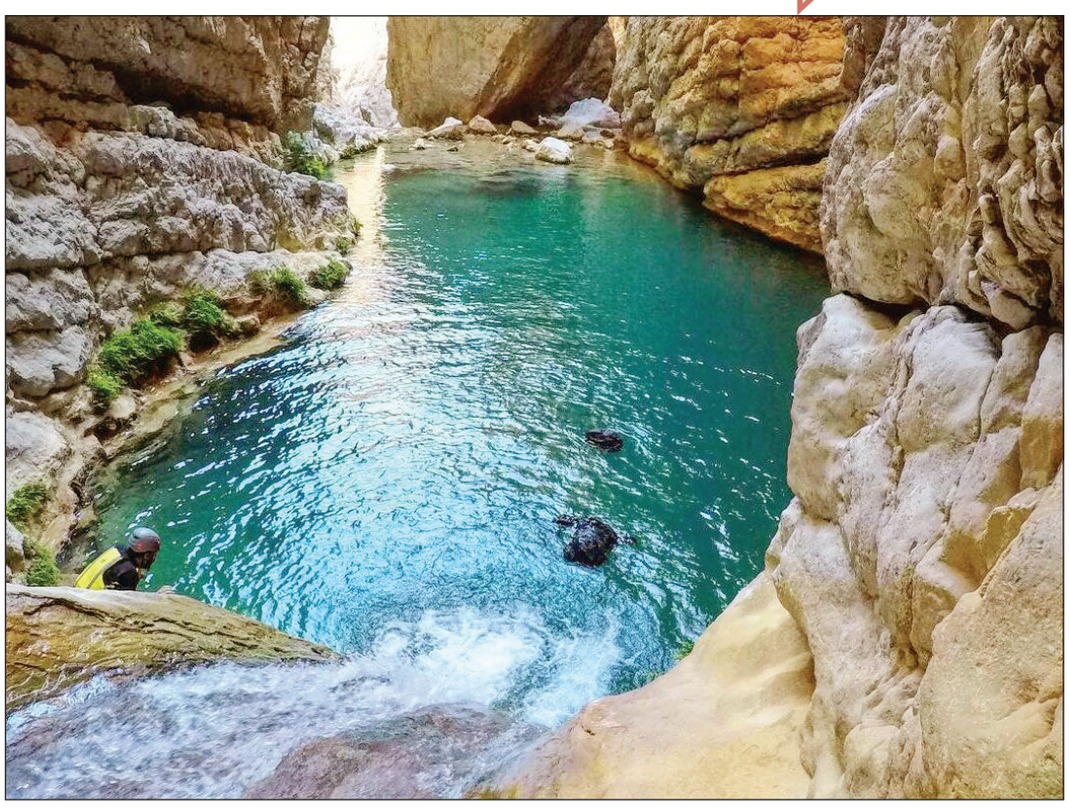

درباره رغز

تنگه رغز در استان فارس و در ارتفاعات آن قرار دارد و شاید عمر شناسایی و معروفیت آن به حدود ۱۰ سال قبل برگردد. به‌عبارتی به‌دلیل صعب‌العبوربودن منطقه و همچنین وجود صخره‌های تنگ و باریک، کمتر کسی به سراغ آن می‌رفت و تنها برخی از محلی‌ها از آنجا به‌عنوان یک خلوتگاه دنج و شخصی استفاده می‌کردند. این تنگه به قدری زیبا و جذاب است که به آن لقب عروس تنگه‌های ایران را داده‌اند و همین باعث شده تا هر روز بر تعداد طرفداران آن افزوده شود. تنگه رغز به این دلیل که در ارتفاعات استان فارس قرار گرفته و با وجود دیواره‌های بلند صخره‌ای، آفتاب کمتر به اعماق آن نفوذ می‌کند، همیشه سرد است و دمای پایینی دارد. این سرما و دمای پایین آب باعث شده تا در روزها سرد سال رفتن به سراغ آن و عبور از میان آب‌ها تقریباً غیرممکن باشد و کمتر کسی پیدا می‌شود تا ریسک رفتن به این منطقه را به جان بخرد. از این‌رو در روزهایی که هوا گرم می‌شود تقاضا برای ماجراجویی در تنگه رغز افزایش پیدا می‌کند، طوری که حتماً باید از قبل رزرو کنید و از راهنماهایی که گروه‌های گردشگری را به این دره می‌برند فهرست برنامه زمانبندی را بگیرید و یکی را انتخاب کنید. دره رغز در فاصله ۲۵کیلومتری از شهر داراب واقع شده که در طول این دره چندین حوضچه و چیزی حدود ۶۵آبشار کوچک و بزرگ خودنمایی می‌کند. برای رفتن به رغز علاوه بر زمانبندی و درنظر گرفتن شرایط محیطی و جوی، باید از آمادگی جسمانی نسبی هم برخوردار باشید تا در طول این ماجراجویی جذاب با مشکل روبه‌رو نشوید.

پیچ و تاب در رغز

شرایط رفتن به تنگه رغز کمی متفاوت و البته خاص است و باید از قبل درباره بسیاری از موارد، اطلاعات کافی کسب کنید و سپس پا به این منطقه بگذارید. نخستین و مهم‌ترین قسمت از سفر به رغز اطمینان از شرایط جسمانی خودتان و همراهان‌تان است. ماجراجویی در این منطقه به هیچ عنوان مناسب کودکان و افراد خردسال و همچنین سالمندان نیست و تحت هیچ شرایطی نباید کسانی که شما را در این سفر همراهی می‌کنند، ناتوانی جسمی داشته باشند. در تنگه رغز شما مجبورید چیزی حدود ۱۲ساعت پیاده‌روی، صخره‌نوردی، شنا و کوهپیمایی کنید، پس براساس همین امر، ملاک توانایی خود و همراهانتان را بسنجید. معمولاً تورهایی که برای تنگه رغز وجود دارد، ۲روز کامل را به این منطقه اختصاص می‌دهند که در روز اول نکات و تذکرات لازم برای رفتن به این منطقه آموزش داده می‌شود. در روز اول تمریناتی همچون بالارفتن از صخره با طناب، سقوط از ارتفاع داخل حوضچه‌های آبی، راهپیمایی طولانی و موارد اینچنینی آموزش داده می‌شود تا در روز دوم که اصل ماجراست، آمادگی حداقلی را داشته باشید. تنگه‌نوردی در رغز معمولاً از ساعت۵صبح آغاز می‌شود و گروه‌ها به همراه راهنماهای محلی به سمت این منطقه حرکت می‌کنند. پس از رسیدن و پا گذاشتن در پیچ و تاب صخره‌ها دیگر هیچ گزینه‌ای جز رفتن و ادامه مسیر ندارید. تمام گروه باید و تحت هر شرایطی همراه با دیگر اعضا فقط به ادامه مسیر فکر کنند و بنا بر توصیه راهنما، آبشارها، حوضچه‌ها و صخره‌ها را یکی پس از دیگری طی کنند.

وسایل و تجهیزات سفر

هر سفر و گشت‌وگذاری وسایل و تجهیزات خاص خود را نیاز دارد. گاهی با حداقل‌ها هم می‌شود در طبیعت سر کرد اما گاهی به‌دلیل شرایط موجود و حفظ ایمنی لازم، باید تجهیزات کاملی به همراه داشته باشیم تا علاوه بر اینکه به سلامت از سفر باز می‌گردیم، نهایت لذت را هم تجربه و کسب کنیم. در سفر به تنگه رغز هم باید از تجهیزات و وسایل خاصی استفاده کنید تا بتوانید از ماجراجویی‌هایی که در طول مسیر انتظارتان را می‌کشند حداکثر استفاده را ببرید. در طول سفر به رغز باید همواره از وسایلی استفاده کنید که هنگام خیس‌شدن و غوطه‌ورشدن در آب مشکلی برای‌شان پیش نیاید. نخستین و مهم‌ترین وسیله که در این نوع سفرها ممکن است دچار مشکل شوند، تلفن همراه است. معمولاً توصیه می‌شود تا حد امکان از همراه داشتن گوشی خودداری کنید و ترجیحاً از دوربین‌های ضدآب ورزشی برای ضبط تصاویر استفاده کنید. اما اگر بنا به هر دلیلی تمایل به استفاده از تلفن همراه دارید، حتماً از کاورهای ضدآب مخصوص استفاده کنید. کفش و لباس دره‌نوردی کمی متفاوت است و باید در این سفر حتماً همراه داشته باشید. اگر با تور به این منطقه سفر می‌کنید، نگران نباشید؛ معمولاً این لباس که وت‌سورت نام دارد به همراه کفش مناسب به‌صورت امانت در اختیارتان قرار داده می‌شود اما اگر شخصی قرار است پا به این منطقه بگذارید، حتماً از قبل آنها را تهیه کنید. از دیگر مواردی که باید به آن توجه و برای این سفر آماده کنید، کوله‌پشتی ضدآب است. وعده غذایی، آب، لباس و برخی وسایل ضروری دیگر نیاز است که در طول روز همراه شما باشد و مجبورید از کوله‌پشتی استفاده کنید؛ پس بهتر است برای این منظور هم از قبل فکری کنید. البته اگر هزینه تهیه یک کوله‌پشتی ضدآب بالاست و تهیه آن مقرون به‌صرفه نیست، می‌توانید کاورهایی که برای این منظور وجود دارند را تهیه و استفاده کنید تا وسایل درون کوله‌تان از نفوذ آب در امان باشند.

اگر اهل ماجراجویی و دره‌نوردی هستید این ۴پیشنهاد را از دست ندهید

خاطراتی که لابه‌لای سنگ‌ها ورق می‌خورد

برای اینکه بتوانید تجربه کسب کنید باید سفر بروید و لازمه سفر آمادگی ذهنی است. در سفر ممکن است هر لحظه اتفاق‌هایی رخ بدهد که نه‌تنها خارج از برنامه است، بلکه تمام برنامه سفر را هم تحت‌تأثیر قرار بدهد. یکی از سفرهایی که هر آدمی تمایل به تجربه‌کردن دارد، سفر به مناطق کمتر شناخته‌شده و پرخطر است. دره‌ها و تنگه‌هایی که در میان کوه‌ها جای گرفته‌اند و آبشارها و حوضچه‌هایی هم که در پایین‌دست هرکدام هستند یکی از پرماجراترین نمونه‌های یک سفر پرمخاطره اما لذتبخش است. برای این نوع سفر باید از یک آمادگی جسمانی لازم در کنار آمادگی ذهنی کامل برخوردار باشید تا از هرگونه حادثه احتمالی جلوگیری شود و تنها خاطرات شیرین سفر در ذهن‌تان ورق بخورد.

گنجینه‌ای بی‌همتا

تنگه گنجه‌ای

تنگه گنجه‌ای یکی از جاذبه‌های طبیعی و بکری است که در نزدیکی یاسوج قرار دارد. این تنگه چشم‌اندازی طبیعی، بی‌نظیر و جذاب را برای بازدیدکنندگان خود فراهم می‌آورد که چشم هر بیننده‌ای را محو تماشای خود می‌کند. تنگه گنجه‌ای به‌دلیل موقعیتی که دارد در هر چهار فصل سال منظره بی‌نظیری را برای گردشگران خلق می‌کند و تماشای آن تنها مختص به یک فصل و زمان خاص نیست. منطقه گردشگری تنگه گنجه‌ای در ۱۳ کیلومتری شهر یاسوج و در روستایی به همین نام و در مسیر جاده یاسوج به سی‌سخت جای گرفته که با وجود چشمه‌هایی جوشان در دره‌ای با درختان چنار و بسیار مرتفع و همچنین پوشش جنگلی درخت بلوط، طبیعتی خاص را شکل داده است. این منطقه آنچنان بازدیدکنندگان را محو تماشای خود می‌کند که دل کندن از آن کار دشواری است. جالب است بدانید که در روستای گنجه‌ای چندین چشمه آب سرد و گوارا وجود دارد که همه آنها از کوه‌های مرتفع و بلند دنا سرچشمه می‌گیرند. همچنین در این منطقه گردشگری امکانات بهداشتی و تفریحی بی‌نظیری وجود دارد که همه این موارد سبب شده تا گردشگران زیادی به سمت این دره در یاسوج سفر کنند. مسافرانی که به این منطقه سفر می‌کنند به دور از هیاهوهای شهر فقط به تفریح و لذت از طبیعت می‌پردازند و تنها به تغییر حال و هوای‌شان فکر خواهند کرد. در تنگه گنجه‌ای امکانات رفاهی هر روز در حال افزایش است و سوئیت‌های مجهزی قرار است تعبیه شود و در اختیار مسافران قرار بگیرد.

جاده باستانی

تنگه شبیخون

تنگه شبیخون خرم‌آباد میان کوه‌های مخمل کوه، کمرسیاه و سفیدکوه محصور شده است. این دره یکی از دیدنی‌ترین تنگه‌های ییلاقی ایران است که در فصل بهار و تابستان طبیعت چشم‌نوازی دارد. اگر از سمت خرم‌آباد و از طریق جاده الشتر به سمت کرمانشاه بروید، از میان تنگه شبیخون عبور خواهید کرد. آب‌وهوای تنگه سردتر از مناطق دیگر استان است و بهتر است هنگام بازدید از این منطقه لباس گرم به همراه داشته باشید. اما فقط طبیعت تنگه شبیخون نیست که باعث جذابیت این منطقه شده، بلکه تپه باستانی سنگرماهی‌بازان که در تنگه شبیخون قرار دارد، نشان‌دهنده قدمت تاریخی این تنگه است. بنا بر یافته‌های باستان‌شناسان این تنگه در هزاره پیش از میلاد یکی از معبرهای پر رفت‌وآمد این منطقه بوده است، طوری که در کتب تاریخی از جاده‌ای یادشده که جنوب و مرکز لرستان را به یکدیگر متصل می‌کرده و تردد زیادی در آن صورت می‌گرفته که به عقیده کارشناسان منظور آنها تنگه شبیخون لرستان بوده است. اما نام این تنگه در اثر وقوع یک رویداد تاریخی روی آن گذاشته شده است. در دوران صفویه، شاه‌عباس به قصد سرکوب و دستگیری شاهوردی‌خان، حاکم وقت لرستان، عازم این منطقه شده و نیروهای تحت امرش در این تنگه اتراق می‌کنند و در شب به افراد شاهوردی‌خان حمله‌ور شده و آنجا را تصرف می‌کنند که بر اثر این اتفاق نام این منطقه به تنگه شبیخون مشهور شده است.

دره مارها

تنگه لی‌لی

لی‌لی در دل صخره‌های استوار زاگرس جای دارد و طی سالیان دراز و در اثر فرسایش‌های آبی و بادی شکل گرفته است. فرسایش صخره‌ها باعث به‌وجود آمدن سطوح صاف و صیقلی در سنگ‌ها شده و دیواره‌هایی با اشکال عجیب به‌وجود آورده و عبور رود ماربره از میان این دره حیات و زندگی را به آن هدیه داده است. اینکه چرا این رود، نام «ماربره» را به‌خود گرفته به گذشته برمی‌گردد. گفته می‌شود در قدیم چون در این رود مارهای زیادی وجود داشته، به ماربره معروف شده. ماربره با گذر از میان تنگه لی‌لی، تشکیل حوضچه‌ها و استخرهای طبیعی زیبایی می‌دهد که با داشتن آب خنک، بهترین مکان برای گذران روزهای گرم تابستان و آب‌تنی کردن است. این حوضچه‌ها در زمان بارندگی و فصول پر آب سال گاهی عمق‌شان به ۲متر هم می‌رسد. فاصله این تنگه تا شهرستان دورود حدود ۲۰کیلومتر است و برای دیدن این مکان تماشایی باید خود را به روستای چمنار برسانید. برای تماشای این دره، از چمنار حدود۴۵ دقیقه و از سیره یک‌ساعت پیاده‌روی لازم است تا به لی‌لی برسید. این نکته را درنظر داشته باشید که داخل تنگه لی‌لی، صخره‌هایی قرار دارد که برای عبور کردن از آنها باید با اصول اولیه کوهنوردی آشنا باشید و همراه داشتن وسایل و تجهیزات مرتبط ضروری است. نکته دیگر هنگام سفر به این دره این است که هنگام شنا کردن در حوضچه‌ها مراقب عمق‌شان باشید.

تاریک و ترسناک

تنگه شوتاریکو

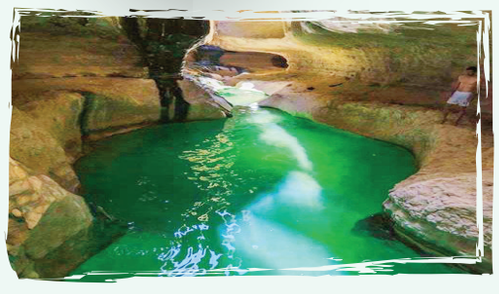

در نوار جنوبی کشور و در میان انبوه نیزارها و نخل‌ها حتماً نامی از ارتفاعات عجیب و غریبی که برخی آنها را مریخی می‌نامند به گوشتان خورده است؛ کوه‌ها و صخره‌هایی با شکل و شمایل عجیب و غریب که مختص این دیار است و در دل خود رازها و زیبایی‌های منحصر به فردی دارد. کوه‌های شوتاریکو همانند اغلب کوه‌های جنوبی کشور از ظاهری جالب و متفاوت برخوردارند؛ کوه‌هایی به رنگ روشن که ظاهری خشن و پر از فرورفتگی‌های متعدد دارند که نشان از فرسایش شدید این ارتفاعات است و شاید در همان ابتدای مسیر کمی ترسناک هم به‌نظر برسند. در میان این ارتفاعات، دره‌ای ناهموار و سنگلاخی هم قرار دارد که معمولاً یک رودخانه فصلی در آن جریان دارد، اما گاهی به سبب کاهش بارندگی‌ها و گرمای هوا اثری از رودخانه نیست. دره‌نوردی به سبب ظاهر زیبا و شکوهمند کوه‌هایی که دوطرف دره را فرا گرفته بسیار دلنشین است و به‌منظور عبور از این دره ناهموار باید از روی صخره‌های متعدد و پر پیچ و خم عبور کنید. در همان ابتدای امر به‌خاطر داشته باشید که پیمودن این دره حتماً نیاز به حضور یک راهنمای آشنا به مسیر دارد؛ چراکه راه طولانی و طبیعت این منطقه نیز ناشناخته است. غارهای کوچک و بزرگ نماد شکل و شمایل عجیب صخره‌های این منطقه است که طی مسیر به وفور به چشم می‌خورند. مسیر دره پیچ در پیچ است و بعد هر پیچ صحنه‌ای متفاوت می‌بینید که شاید ترساننده هم باشد.

در این ستون قصد داریم هر هفته اطلاعات کوتاه و مختصری از برخی نکات کلیدی و کاربردی که ممکن است در سفرها کاربرد داشته باشد ارائه بدهیم؛ پس اگر اهل سفر هستید دیدن این ستون را از دست ندهید.

دره‌نوردی

یکی از تفریحات رایج در فصل تابستان رفتن سراغ دره‌ها و صخره‌های خوش آب‌وهوایی است که خصوصاً رودخانه‌ای خروشان هم در میان آن در جریان باشد؛ جایی که هوای بهاری بر گرمای تابستان غلبه کند. اما این رفتن‌ها و دل سپردن به طبیعت اما و اگرهایی دارد که لازمه هر گردش و تفریحی است و باید حداکثر مراتب احتیاط رعایت شود. رفتن به سمت این دره‌ها تجهیزات نیاز دارد، زیرا گاهی باید از ارتفاعی بلند بالا رفت و گاهی باید از ارتفاعی بلند به سمت پایین پرید. گاهی باید مسیری را در تلاطم رودخانه شنا کرد و گاهی باید بر لبه بلند یک صخره پیاده‌روی کرد. پس نیاز است تا دانسته پا به این مکان‌ها بگذارید و به سلامت از آن خارج شوید. در ادامه به چند مورد درباره مواردی که لازمه رفتن به سمت این دره‌ها است، به‌صورت مختصر اشاره می‌کنیم.

انتخاب مسیر

قبل از اینکه پا در هر موقعیت و مکانی بگذارید سعی کنید اطلاعات کافی از آن منطقه و موقعیت کسب کنید. به لطف اینترنت درباره هر کجا که بخواهید، اطلاعاتی هرچند کم وجود دارد و می‌توان به‌راحتی از حداقل‌ها آگاه شد. پس از کسب این اطلاعات مسیری را که قرار است در آن موقعیت رفت‌وآمد کنید را هم روی نقشه از قبل مشخص کنید.

راهنما

هرقدر هم درباره مکانی که قرار است در آن به ماجراجویی بپردازید اطلاعات کسب کردید، اما به هیچ عنوان بدون راهنما پا در آن نگذارید. دره‌ها و صخره‌ها در کمال آرامش و زیبایی که دارند، بسیار خشن و بی‌رحم هستند و با کوچک‌ترین اشتباه ممکن است خطرات جبران‌ناپذیری برای فرد و یا افراد نابلد به همراه داشته باشند.

شرایط آب‌وهوایی

وضعیت بارش‌های فصلی در کوه‌ها و کوهپایه‌ها کمی متفاوت است؛ حتی یک ابر کوچک هم ممکن است باعث بروز سیل در رودره‌ها شود و خطراتی را برای گردشگران به‌وجود آورد. پس حتماً از قبل شرایط جوی را کنترل کنید و حتی اگر به ظاهر شرایط مساعد بود، باز هم در زمان گشت‌وگذار اگر وضعیت را نامناسب احساس کردید، به سرعت از میان دره خارج شوید و به سمت ارتفاعات حرکت کنید.

تجهیزات متناسب

بارها درباره تجهیزات متناسب با هر موقعیت گردشگری صحبت کرده‌ایم و توضیح داده شده که اقتضای هر مکانی تجهیزات مرتبط با خود را نیاز دارد. دره‌نوردی هم لباس و کفش و دیگر تجهیزات رفاهی و ایمنی مختص به‌خود را نیاز دارد که از قبل باید تهیه و آماده کنید.

مواد غذایی

برای رفتن به سمت دره‌ها شاید مواد خوراکی مرسوم خیلی به کارتان نیاید و باید علاوه بر مقوی‌بودن، روی کم حجم و سبک‌بودن آنها هم حساسیت به خرج بدهید. پس با توجه به ذائقه، سختی راه، مسافت و مدت زمانی که قرار است در ماجراجویی باشید خوراکی همراه‌تان داشته باشید.

افراد همراه

هر سفری به همسفر نیاز دارد اما هر سفری مناسب هر همسفری نیست. با توجه به دره‌ای که می‌روید و همچنین درجه سختی‌ای که سفرتان دارد، روی همسفرها حسابی حساسیت به خرج دهید؛ چرا که ممکن است انتخاب همسفر نامتناسب، کل سفر و برنامه شما را تحت‌الشعاع قرار بدهد.

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ ■ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۴۳

طارمی پرتغال طارمی ایران

بین شخصیت حرفه‌ای این دو نفر یک دنیا فاصله وجود دارد

۱۹

مواظب باشید اناری نشوید

هجوم بارسا به بازار، همه مشتریان را کنار زد

۱۹

ال کلاسیکوی ناسپاسی

رئال و بارسا در قدرناشناسی از اسطوره‌های خود با هم به رقابت پرداخته‌اند

۱۹

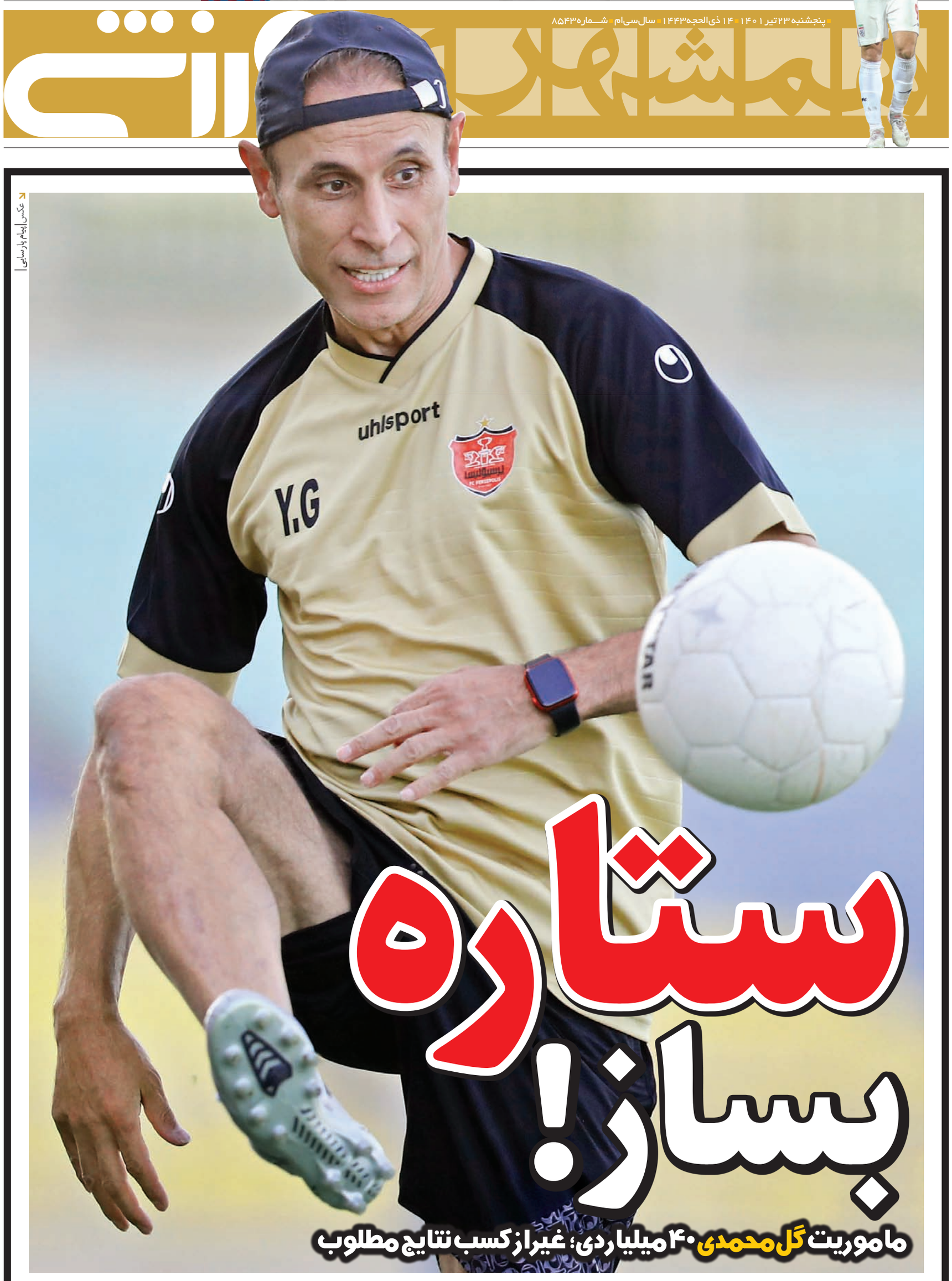

عکس | پیام پارسایی

ستاره بساز!

ماموریت گل‌محمدی ۴۰ میلیاردی؛ غیر از کسب نتایج مطلوب

عکس | اشکان مهریار

استارت برای انتقام

تیم ملی بسکتبال ایران با پیروزی مقابل سوریه در کاپ آسیا می‌خواهد فردا ۲ شکست مقابل قزاقستان را جبران کند

131 روز مانده تا جام جهانی

029 روز مانده تا لیگ برتر

022 روز مانده تا لیگ یک

022 روز مانده تا بوندس لیگا

023 روز مانده تا لیگ یک

029 روز مانده تا لالیگا

030 روز مانده تا سری آ

فوتبال ایران

امیرحسین اعظمی
خبرنگار

مشکلات پرتغالی استقلال

آبی‌ها برای جذب محمد محبی با سانتاکلارا به توافق رسیده بودند اما تغییر مالک باشگاه پرتغالی روند این انتقال را متوقف کرده است

درحالی‌که تمرینات استقلال چند روزی است در تهران پیگیری می‌شود، مدیران این باشگاه همچنان در تلاش برای جذب چند بازیکن جدید هستند. محمد محبی، هافبک تیم فوتبال سانتاکلارای پرتغال یکی از هدف‌های مهم مدیران استقلال در فصل نقل‌وانتقالات است. برخی مسئولان این باشگاه هفته گذشته اعلام کردند که با محبی به توافق رسیده‌اند ولی بعضی مسائل باعث شده که هنوز این انتقال جنبه رسمی پیدا نکند. ادعای استقلال در مورد توافق شخصی با محبی درست است چون مدیران این باشگاه از لحاظ مالی و بندهای قرارداد با محبی به توافق رسیده‌اند اما برخی مسائل در مذاکرات باشگاه استقلال با باشگاه پرتغالی هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. خبر بد برای استقلال این است که مالک باشگاه سانتاکلارا تغییر کرده و همین موضوع روند جذب محبی را به تأخیر انداخته است. این در حالی است که مدیران استقلال با مالک قبلی به توافق رسیده بودند تا محبی را به‌صورت قرضی به خدمت بگیرند. به‌نظر می‌رسد تا چند روز آینده وضعیت این بازیکن برای حضور در استقلال به‌صورت کامل مشخص شود.

بازگشت جلالی و صادقی

ابوالفضل جلالی و امیرعلی صادقی ۲بازیکن فصل گذشته استقلال که در ابتدای لیگ بیست‌ویکم از سایپا به جمع آبی‌ها ملحق شده بودند، طی روزهای گذشته بسیار خبرساز شدند. باشگاه استقلال که فصل پیش در ازای پرداخت مبلغی رضایتنامه این دو بازیکن را گرفته بود، باید تا آخر خردادماه قسط دوم مبلغ را به نارنجی‌پوشان پرداخت می‌کرد که این اتفاق به‌دلیل برخی مشکلات صورت نگرفته بود. به این ترتیب جلالی و صادقی که براساس توافقنامه بازیکن سایپا محسوب می‌شدند، طی روزهای گذشته در تمرینات استقلال حضور پیدا نکردند.

مدیران استقلال و سایپا برای تفاهم جدید، جلساتی را برگزار کردند اما در ادامه مدیرعامل باشگاه سایپا تغییر کرد تا جلسات جدیدی میان دو طرف شکل بگیرد. در نهایت ظهر دیروز هم جلسه‌ای میان مصطفی آجورلو مدیرعامل استقلال و مهدی حسینی‌پور همتای او در باشگاه سایپا برگزار شد و دو طرف به توافق رسیدند. با توافق انجام‌شده میان مدیران استقلال و سایپا، ابوالفضل جلالی و امیرعلی صادقی دوباره به عضویت باشگاه آبی‌پوش پایتخت درآمدند و در فصل جدید لیگ برتر نیز استقلال را همراهی خواهند کرد.

کاوه باید تست بدهد

عدم‌بازگشت کاوه رضایی به ایران باعث شده که خبرهای مختلفی درباره احتمال عدم‌حضور این بازیکن در استقلال شنیده شود. با این حال مهاجم پیشین آبی‌پوشان تهرانی به مدیران این باشگاه پیغام داده که ظرف یکی دو روز آینده به ایران برمی‌گردد تا مراحل رسمی و پایانی حضورش در استقلال انجام شود. بعد از پیوستن پیمان بابایی به استقلال، خبرهایی در مورد احتمال منتفی‌شدن حضور رضایی در این تیم مطرح شد، ولی استقلالی‌ها بابایی را برای استفاده در پست وینگر جذب کردند و رضایی قرار است به‌عنوان مهاجم نوک بازی کند. البته رضایی با توجه به مصدومیت فصل گذشته، باید برای عقد قرارداد با استقلال تست‌های پزشکی در ایفمارک را با موفقیت پشت سر بگذارد.

سوژه روز

واقعا همه را لازم داری؟

ترافیک عجیب و بحث‌برانگیز در خط هافبک استقلال

پرسپولیس و استقلال رویه‌های عجیبی در نقل‌وانتقالات داشته‌اند؛ هر قدر سرخ‌ها هافبک خریده‌اند و مهاجم ندارند، آبی‌ها مهاجم خریده‌اند و بدون هافبک مانده‌اند. برخی هم در فضای مجازی به شوخی می‌گویند خوب است پرسپولیس و استقلال چند بازیکن خود را در خط میانی و حمله جابه‌جا کنند تا هم بالانس شوند و هم در مقابل سایر مدعیان مثل سپاهان و فولاد شرایط بهتری پیدا کنند! فارغ از این مزاح‌ها، وضعیتی که در خط حمله استقلال به‌وجود آمده بسیار عجیب است. به‌نظر می‌رسد مسئولان این باشگاه همینطور با چشم بسته هر چه می‌توانستند فوروارد خریدند.

ادامه در صفحه ۱۸

عکس | پیام پارسایی

ستاره بساز!

ماموریت گل‌محمدی ۴۰ میلیاردی؛ غیراز کسب نتایج مطلوب

بهروز رسایلی | شاید اگر برنامه نود هنوز پخش می‌شد و نظرسنجی‌های معروفش را داشت، چیزی حدود ۷۰درصد شرکت‌کننده‌ها رأی می‌دادند به اینکه پرسپولیس برنده فصل نقل‌وانتقالات بوده است. عملکرد طوفانی این تیم طوری بوده که حتی برخی هواداران سایر تیم‌ها هم نسبت به موفقیت پرسپولیس اذعان دارند. از آن طرف یحیی گل‌محمدی هم که به‌ندرت از چیزی راضی می‌شود تا حدودی رضایت داده که کار مدیران باشگاه در یارگیری درست بوده است. در نتیجه انتظار می‌رود پرسپولیس به تناسب این ریخت‌وپاش، نتایج ارزنده‌ای هم در لیگ بیست‌ودوم کسب کند. سرخ‌ها بعد از ۵قهرمانی متوالی، فصل گذشته جام را به استقلال واگذار کردند؛ اتفاقی آنقدر تلخ که منجر به تحولات بنیادین در کادرفنی شد. همه رفتند جز یحیی گل‌محمدی که او هم روی لبه تیغ است. همزمان انتشار خبری در مورد دستمزد ۴۰میلیارد تومانی یحیی گل‌محمدی (حالا برای ۲ یا ۳سال)، حساسیت‌ها را نسبت به او به‌شدت افزایش داده است. در نتیجه یحیی باید نتیجه لازم را بگیرد، اما از نظر فنی او یک بدهی دیگر هم دارد؛ اینکه بالاخره باید یک جوان به فوتبال ایران معرفی کند.

احتیاط؟ این «ترس» است

بسیاری از انتقادات این مدت نسبت به یحیی گل‌محمدی با محوریت جوان‌گریزی او صورت گرفته است. برخی از لفظ احتیاط استفاده می‌کنند، اما موضوع واقعا فراتر از اینهاست و شاید کلمه «ترس» بهتر حق مطلب را ادا کند. یحیی به شکل عجیبی از بازی دادن به نفرات کم‌تجربه بیم دارد. به همین دلیل هم میانگین سنی تیم او رفته رفته افزایش پیدا کرده و کار حسابی بیخ پیدا کرده است. با توجه به خریدهایی که سرخپوشان برای لیگ بیست‌ودوم انجام داده‌اند، انتظار می‌رود میانگین سنی پرسپولیس حتی بالاتر هم برود و در ترکیب اصلی به نزدیکی‌های ۳۰سال برسد. همه اینها در شرایطی است که بازیکنان جوانی هم در دسترس گل‌محمدی بودند، اما او از آنها استفاده نمی‌کرد؛ حالا یا کیفیت خوبی نداشتند و درست انتخاب نشده بودند یا ترس کادرفنی باعث می‌شد پشت خط بمانند.

بدون حتی یک سهمیه در تیم ملی

عمق فاجعه در پرسپولیس زمانی آشکار شد که مهدی مهدوی‌کیا به‌عنوان سرمربی تیم ملی امید که اتفاقا از قرمزهای دو آتشه و متعصب هم هست، لیست تیم ملی امید را بدون دعوت حتی یک بازیکن از این تیم بست. خب البته طبیعی هم بود؛ شما اگر به فهرست کلی بازیکنان پرسپولیس در لیگ بیست‌ویکم نگاه کنید، خواهید دید که تقریبا هیچ‌یک از نفراتی که در سهمیه امیدها قرار داشتند فرصت حضور در میدان را پیدا نکردند. امیرمحمد خارکش، محمدرضا باقری، ابوالفضل سلیمانی، شهاب دهقانیان، امیرحسین حاجی‌آقا، علی تیموری و... بازیکنانی بود که اسم‌شان در فهرست امیدهای تیم دیده می‌شد، اما هرگز به میدان نرفتند. از بین همه آنها شاید فقط به محمد عمری چند دقیقه‌ای بازی رسید که او هم با وجود نشان دادن استعدادش به نیمکت برگشت. حتی بازیکنان جوان‌تری که خود یحیی خرید، مثل هنانوف، صفروف، مهدی‌خانی، شجاعی و... هم زیاد مورد اعتماد قرار نگرفتند و جدا شدند.

باسابقه

زمانی که گل‌محمدی سرمربی ذوب‌آهن بود، سابقه رد کردن رامین رضاییان و داریوش شجاعیان را داشت. او استعداد هیچ‌یک از این ۲ بازیکن را، زمانی که گمنام بودند تأیید نکرد. بعدها شجاعیان در گسترش فولاد درخشید و رضاییان که اصلا به یک بازیکن مهم و فیکس تیم ملی در جام‌جهانی تبدیل شد. خلاصه اینکه یحیی معرفی چند جوان و پدیده خوب را به فوتبال ایران و پرسپولیس بدهکار است؛ کسانی که با هزینه پایین جذب شوند، چند سال بدرخشند و کار را دربیاورند. آیا امسال او چیزی از خودش به جا خواهد گذاشت؟ باور کنید دستمزد ۴۰میلیاردی برای داد و فریاد کردن بر سر داور کمی زیاد است!

ریاضی‌دان شکست‌خورده

رضا اسدی که با اتکا به قواعد ریاضی خودش را موفق می‌دانست رفتنی شد تا پرسپولیس به دنبال جانشین بهتری برای نوراللهی باشد

رضا اسدی که سال گذشته در همین روزها ستاره نقل‌وانتقالات و پرسروصداترین خرید سرخپوشان بود، حالا از پرسپولیس جدا شده و با انتشار یک پست در اینستاگرام از هواداران این تیم خداحافظی کرده است. اسدی که هرگز نتوانست جایی در قلب این هواداران پیدا کند در بخشی از پست خداحافظی با اشاره به آمار فصل گذشته‌اش نوشته: «ریاضیات می‌گوید که زدن ۴گل و دادن ۳پاس در یک فصل برای یک هافبک دفاعی، بازیکنان بسیاری را در همین لیگ تبدیل به ستاره می‌کند اما برای من کم بود...» البته ۴گل و ۳پاس گل برای یک هافبک دفاعی در تیم‌های میانه جدولی لیگ آمار خوبی است. اما رضا اسدی سال گذشته به قهرمان ۵ساله لیگ پیوست و جانشین هافبکی شد که با ۱۰گل و ۴پاس گل به عنوان سومین بازیکن برتر فصل انتخاب شده بود. احمد نوراللهی در لیگ بیستم روی ۱۴گل تیمش تاثیر گذاشت و با ۱۰گل زده بهترین گلزن تیمش هم بود. او با نمره ۷,۳۹ در سایت متریکا، سومین بازیکن برتر لیگ و دومین بازیکن برتر تیم خودش شده بود. اما رضا اسدی که برای پر کردن جای خالی نوراللهی و با رقمی سنگین به پرسپولیس پیوسته بود چه کارنامه‌ای داشت؟ او طی ۳۰هفته فقط در ۱۰بازی (یک‌سوم فصل) توانست به ترکیب اصلی سرخپوشان برسد. او در ۱۳بازی فقط دقایقی به عنوان بازیکن جانشین به زمین رفت و در ۷بازی هم اصلا بازی نکرد. مجموع دقایق حضور او در میدان ۹۲۷دقیقه بود و ۴گل زده‌اش را در همین ۹۲۷دقیقه ثبت کرد. تعداد پاس گل‌های این بازیکن هم در سایت متریکا ۲پاس ثبت شده که یکی کمتر از ۳پاسی است که خودش ادعا می‌کند. نمره اسدی در این سایت ۶,۹۶ ثبت شده که با نمره ۷,۳۹ نوراللهی در سال قبل اختلاف چشمگیری دارد. نوراللهی بعد از ترابی دومین بازیکن پرسپولیس بود اما اسدی در فصل گذشته رتبه دهم را بین بازیکنان تیمش به دست آورد. مهدی ترابی، میلاد سرلک، علی نعمتی، وحید امیری، امید عالیشاه، سیدجلال حسینی، رامین رضاییان، سیامک نعمتی و کمال کامیابی‌نیا پرسپولیسی‌هایی بودند که در فصل گذشته بهتر از اسدی عمل کردند و رتبه‌ای بالاتر از او داشتند. از این جمع، حتی رامین رضاییان که ۳پله بالاتر از اسدی نشسته، به‌خاطر مصاحبه عجیب و علاقه به بزرگنمایی درباره عملکرد خودش از پرسپولیس رفتنی شد. دیگر اسدی که جای خود دارد.

تکذیب شد؛ امیری می‌رسد

یکی از رسانه‌ها مدعی شده بود امیری نیم‌فصل اول لیگ و جام‌جهانی را از دست خواهد داد

روز گذشته شایعاتی درخصوص عدم‌بازگشت وحید امیری به میادین فوتبال در چند ماه آینده ایجاد شد و برخی رسانه‌ها به این موضوع پرداختند که او نیم‌فصل اول لیگ برتر و جام جهانی را از دست خواهد داد. این موضوع اما با واکنش پزشک جراح امیری همراه شد. ظهر دیروز علیرضا بصام‌پور پزشک جراح وحید امیری درباره این موضوع گفت: «وضعیت وحید امیری عالی است. او تمرینات بدنسازی‌اش را آغاز کرده و مراحل درمانی خود را بسیار خوب سپری می‌کند. این شایعاتی که مطرح می‌شود درست نیست و نمی‌دانم از کجا آمده است. او از چند هفته بعد می‌تواند به میادین بازگردد.»

دکتر بصام‌پور در پاسخ به این پرسش که وحید امیری از چه زمانی تمرینات پا به توپ خود را آغاز خواهد کرد، گفت: «این بازیکن از یک ماه دیگر می‌تواند تمرینات فوتبالی‌اش را آغاز کند. همین الان نیز تمرینات بدنسازی خود را انجام می‌دهد ولی فوتبال ورزشی است که نیاز به استارت‌های قوی دارد؛ به همین دلیل فعلاً امیری تمرینات فوتبالی خود را آغاز نکرده است. این بازیکن اگر در رشته دیگری که نیاز به استارت‌های سرعتی نداشت فعالیت می‌کرد، از همین الان هم می‌توانست بازی کند، ولی فوتبال شرایطش فرق دارد. با همه این اوصاف همانطور که گفتم وحید امیری از یک ماه بعد همراه تیم پرسپولیس تمرین خواهد کرد و مشکلی برای بازی در جام جهانی ۲۰۲۲ نخواهد داشت.» بعد از این مصاحبه، امیری هم در مورد شایعه‌ای که در موردش ایجاد شده بود واکنش نشان داد و در مورد بحث نرسیدنش به جام جهانی گفت: «خوشبختانه طبق روال کارهایم پیش می‌رود و هر روز برنامه فیزیوتراپی دارم. ۲ ماه از عمل جراحی من گذشته و طبق چیزی که جراح به من گفت هنوز یک ماه دیگر تا بازگشت به تمرین زمان لازم است. پزشک جراح به من گفت که بعد از عمل ۳ماه طول می‌کشد تا بتوانم برای تمرین کردن آماده شوم و ممکن است این زمان با یک تأخیر یکی دو هفته‌ای همراه شود. خبری که امروز منتشر شده بود درست نیست و من تلاش می‌کنم با کمک خدا و طبق برنامه برای بازگشت به میادین آماده شوم.»

نکته‌بازی

باز هم افتاد گردن بقیه

بعد از مدت‌ها بلاتکلیفی و کشمکش، بالاخره رضا اسدی از پرسپولیس جدا شد. این بازیکن ابتدای فصل گذشته با قراردادی یکساله به جمع قرمزها پیوست و البته پیراهن شماره ۸این تیم را پوشید. با این حال اسدی موفق نشد انتظارات را برآورده کند. در طول فصل، انتقادات زیادی از او شد اما باز هم باشگاه به این بازیکن اجازه داد با کاستن از سطح توقعات مالی‌اش در تیم ماندگار شود؛ اتفاقی که رخ نداد. حالا اسدی بیانیه خداحافظی منتشر کرده که حسابی هم مفصل است و بعید به‌نظر می‌رسد بسیاری از هواداران آن را خوانده باشند. نکته مهمی هم ندارد البته؛ جز اینکه همه تقصیرات را گردن دیگران انداخته و گفته «عده‌ای» نمی‌خواستند من موفق شوم. بله؛ او هم مثل خیلی‌ها بی تقصیر است!

خب، خدا رحم کرد

وسط جنگ و جدل‌ها در مورد آینده دراگان اسکوچیچ و اینکه آیا او در ایران می‌ماند یا نه، یک رسانه فرانسوی خبری منتشر کرد در مورد اینکه فدراسیون فوتبال کشورمان به اوله گونار سولسشایر، سرمربی سابق منچستریونایتد پیشنهاد داده، اما او هدایت تیم ملی را نپذیرفته است. نمی‌دانیم این خبر تا چه اندازه دقیق و درست است، مخصوصا که عادت داریم خبرهای مربوط به‌خودمان را از رسانه‌های خارجی بشنویم. با این حال به‌نظر می‌رسد سولسشایر جواب خوبی داده و دل او بیشتر از پیشنهاددهندگان برای فوتبال ایران می‌سوخته! حماسه‌ای که این عزیز در منچستریونایتد به‌پا کرد، حالا حالاها فراموش‌نشدنی است، اما ببینید ما چه وضعیتی داریم که همین مربی هم حاضر نشده ولو با وسوسه حضور در جام‌جهانی پیشنهاد تیم ملی ایران را بپذیرد!

پس کی خوب است دکتر جان؟

بین منتقدان دراگان اسکوچیچ نام دکتر بیژن ذوالفقار نسب هم به چشم می‌خورد؛ از بزرگان فوتبال ایران که دوستش داریم و برایش احترام قائلیم. دکتر گفته‌اند: «با اخراج اسکوچیچ موافق هستم» و البته دلایل خاص خودشان را دارند که آنها هم محترم است. با این حال مشکل از جایی پیدا می‌شود که در سابقه ایشان، مخالفت شدید با کارلوس کی‌روش، مارک ویلموتس و گابریل کالدرون هم به چشم می‌خورد. دکتر عزیز حتی یک‌جمله درخشان هم دارند با این مضمون: «حمید درخشان را به برانکو ترجیح می‌دهم»؛ جمله‌ای که ۷سال پیش و قبل از آغاز سلطنت پرسپولیس با مربی کروات بر زبان ایشان جاری شد. خدا را شکر که کسی به توصیه دکترجان ما عمل نکرد، وگرنه معلوم نیست الان چه وضعی داشتیم. خلاصه شما بگو چه کسی خوب است بیژن خان؟

آماربازی

متریکا

44

بهترین خط حمله لیگ در فصل گذشته متعلق به کدام تیم بوده است؟ همه‌ساله با یک نگاه ساده به جدول لیگ برتر، تیمی که بیشترین گل را زده به‌عنوان برترین خط حمله شناخته می‌شود اما این موضوع در فصل گذشته به‌خاطر بازی‌های انجام‌نشده و مسابقاتی که با حکم انضباطی ۳ بر صفر اعلام شد با حرف و حدیث‌های زیادی همراه بود. بیشترین گل زده در جدول لیگ متعلق به پرسپولیس است. اما از ۴۴گلی که برای سرخپوشان ثبت شده ۳گل مربوط به بازی با تراکتور است که هیچ گلی در آن ردوبدل نشد. بعد از پرسپولیس، به اسم سپاهان می‌رسیم که در جدول ۴۳گل زده دارد اما این تیم هم یک بازی را با حکم انضباطی ۳بر صفر برده درحالی که نتیجه واقعی آن مسابقه ۴بر ۲ به‌ضرر سپاهان بوده است.

42

گل گهر هم دیگر تیمی است که گل‌های زده‌اش با عددی که در جدول ثبت شده فاصله زیادی دارد. تیم امیر قلعه‌نویی ۴۲گل زد اما وقتی نتیجه ۳بازی به ضرر این تیم برگشت ۵گل از گل‌های زده آنها کم شد. ۲ تیم گل گهر و سپاهان با ۴۲گل زده، صاحب بیشترین گل زده واقعی در فصل گذشته هستند. پرسپولیس ۴۱گل زده اما بازی این تیم با تراکتور نیمه‌تمام مانده است. ضمن اینکه ۳بازی از فصل گذشته اصلا برگزار نشد، یعنی گل‌های زده بعضی از تیم‌ها در ۲۹بازی به ثمر رسیده و بقیه در ۳۰بازی. در این بین وضعیت تراکتور از همه عجیب‌تر است چون یک بازی برگزارنشده با نساجی و یک بازی نیمه‌تمام با پرسپولیس داشته است!

1/4

بهترین راه برای شناسایی بهترین خط حمله فصل گذشته، مقایسه معدل گلزنی تیم‌ها به جای مقایسه تعداد گل‌های زده است. معدلی که از تقسیم تعداد گل‌های واقعی هر تیم بر تعداد بازی‌های انجام‌شده به‌دست می‌آید. سپاهان و گل گهر در ۳۰بازی ۴۲گل زده‌اند یعنی به‌طور میانگین در هر بازی ۱,۴گل. پرسپولیس ۴۱گل زده واقعی دارد اما تقریبا یک نیمه کمتر از بقیه بازی کرده است. به این ترتیب معدل گلزنی سرخپوشان حدود ۱,۳۹گل در هر بازی است و آنها را با اختلافی ناچیز در رتبه سوم قرار می‌دهد. خط حمله چهارم متعلق به مس رفسنجان است که در ۲۹بازی ۳۶گل زده و استقلال نیز با همین تعداد گل زده اما در ۳۰بازی رتبه پنجم را در میان خطوط حمله صاحب می‌شود.

فوتبال ایران

چرا به خارجی‌ها می‌گویند نوش‌جان؟

۵تفاوت پرداخت‌های نجومی در فوتبال ایران و جهان

این روزها بیشتر از هر زمان دیگری شاهد اعتراض افکار عمومی در قبال پرداخت دستمزدهای کلان به اهالی فوتبال هستیم. ارقام عجیب و غریبی که از دستمزدهای ۱۰تا ۲۰میلیارد تومانی و حتی بالاتر از آن به گوش می‌رسد، همه را متعجب و حیرت‌زده کرده است. در این میان اما اهالی فوتبال به‌شدت از یکدیگر حمایت می‌کنند؛ به‌طوری که حتی علی دایی و امیر قلعه‌نویی هم وارد گود شده‌اند و با اشاره به گرانی مسکن و سایر مسائل، دریافتی فوتبالی‌ها را توجیه می‌کنند. معمولا این گروه یک استدلال دیگر هم دارند؛ اینکه در فوتبال اروپا هم دستمزدها بالاست. خب راست می‌گویند، با این حال چند دلیل خاص وجود دارد که باعث می‌شود مردم پرداخت دستمزدهای کلان در لیگ‌های خارجی را درک کنند، اما در مورد شرایط مشابه در ایران موضع منفی بگیرند. بیایید بعضی از این دلایل را مرور کنیم.

۱ در اغلب کشورهای حرفه‌ای و اروپایی، فوتبال خودش پول خودش را درمی‌آورد. بودجه عقد قرارداد با بازیکنان از سوی خود باشگاه‌ها تأمین می‌شود و هزینه‌ای متوجه اموال عمومی و دولتی نخواهد شد. در ایران اما بسیاری از پول‌های پرداختی به بازیکنان و مربیان، از محل منابع دولتی یا شبه‌دولتی تأمین می‌شود. چرا باید از جیب مردم این همه پول برای یک بازیکن یا مربی پرداخت شود؟

۲ در اروپا همه بازیکنان قراردادهای درشت نمی‌بندند. تعداد اندکی فوق‌ستاره در قواره‌های مسی، رونالدو و امباپه داریم که خیلی پول می‌گیرند، گروه بیشتری هم ستاره اثرگذار داریم که باز رقم دریافتی‌شان قابل توجه است، اما قرارداد بالای آنها باعث نمی‌شود سطح پایین‌ترین بازیکنان هم توقعات عجیب و غریب پیدا کنند. در ۵لیگ معتبر اروپا کلی بازیکن داریم که سالانه زیر یک میلیون دلار دستمزد می‌گیرند، درحالی که در ایران اگر یک ستاره مهم مثلا ۲۰میلیارد گرفت، برای فلان فوتبالیست ضعیف و گمنام هم بهانه لازم جور می‌شود که دنبال حداقل ۵یا ۶میلیارد تومان پول باشد. چرا واقعا؟

۳ مسئله بسیار مهم کیفیت هم مطرح است. در اروپا اغلب بازیکنان فوتبال از کیفیت فنی کافی برخوردارند، از کودکی آموزش دیده‌اند و استانداردهای لازم را دارند. در ایران اما گاهی بازیکنی مطالبات نجومی و عجیب و غریب دارد که یک استپ ساده یا پاس بغل پای سالم هم بلد نیست. خودتان مصادیقش را بهتر می‌شناسید. ما بنویسم شر می‌شود!

۴ در اروپا بازیکن در خدمت باشگاه است. یعنی قرارداد ۳، ۴یا ۵ساله می‌بندد و هر زمان باشگاه به قصد دریافت منفعت تصمیم گرفت او را بفروشد، این کار را انجام می‌دهد. در ایران اما باشگاه در خدمت بازیکن است. آقایان فوتبالیست قراردادهای یکساله می‌بندند، هر سال کلی برای باشگاه گربه می‌رقصانند و نهایتا موقع انتقال یک پاپاسی هم به تیم سابق‌شان پول نمی‌رسانند. این رابطه بیش از حد یکطرفه نیست؟

۵ اروپایی‌ها هر قدر پول می‌گیرند، بی‌دوز و کلک ثلث تا نصفش را بابت مالیات می‌پردازند. گاهی حتی بازیکنی که در یک کشور دیگر توپ می‌زند و کسب درآمد می‌کند هم بخشی از ثروتش را به‌عنوان مالیات به دولت کشور خودش می‌پردازد. در ایران اما بسیاری از اهالی فوتبال پرداخت مالیات را برعهده باشگاه‌ها می‌گذارند؛ آنچه نه‌تنها مصداق ورزشکارسالاری است، بلکه ظلمی دونبش در حق مردم و اموال عمومی تلقی می‌شود. اینهاست که اجازه نمی‌دهد اینجا هم مردم مثل فرنگ راحت به فوتبالیست‌ها بگویند: «نوش جانت»!

سوژه روز

واقعا همه را لازم داری؟

ادامه از صفحه ۱۷

سجاد شهباززاده و کاوه رضایی، ۲خرید بزرگ و مهم استقلال در بازار امسال بودند. سجاد را پرسپولیس هم می‌خواست، اما آبی‌ها پیشدستی کردند. گویا توافق با کاوه هم نهایی شده است. از سوی دیگر باشگاه در خریدی غیرمنتظره پیمان بابایی را از تراکتور گرفت؛ بازیکنی که پارسال در لیست خرید پرسپولیس بود اما به شکلی عجیب امسال از بین گزینه‌های یحیی گل‌محمدی خارج شد. در این بین قرارداد آرمان رمضانی و ارسلان مطهری هم تمدید شد و البته باشگاه به‌دنبال جذب محمد محبی، بازیکن سابق سپاهان و مهاجم فعلی سانتاکلارا هم هست. با این اوصاف واقعا مشخص نیست استقلال با چه سیستمی قرار است فصل را شروع کند. اگر فرض کنیم شهباززاده و رضایی به‌عنوان ۲خرید مهم تیم فیکس شوند، پس تکلیف بقیه چیست؟ آیا حاشیه درست نمی‌شود؟

مواظب باشید اناری نشوید

هجوم بارسا به بازار، همه مشتریان را کنار زد

بارسلونا قطعا بهترین مشتری بازار نقل‌وانتقالاتی تابستانی خواهد بود. فعلا ۳ خرید بزرگ برای این تیم قطعی شـــده؛ فرانک کسیه و کریستنسن به‌طور رایگان از میلان و چلسی و رافینیا از لیدز یونایتد. باشـــگاه هفته آینده فروش ۱۵درصد از حق پخش بـــه The Sixth Street را به مبلغ تقریبی ۳۲۰ تا ۳۳۰میلیون یورو تکمیل خواهد کرد. سود سرمایه‌ای که ثبت خواهد شد به ۴۰۰میلیون خواهد رســـید. این فرایند برای تکمیل قراردادها حیاتی خواهد بود. این ارقام برای اجازه یافتن بارسا برای ثبت قراردادهای جدید و تمدیدی‌ها کافی است اما برای خریدهای بعدی بازیکنانی مثل لواندوفسکی، ژول کنده، آسپلیکوئتا، مارکوس آلونســـو و... باید اهرم دوم هم فعال شود و بخش دیگری از حق پخش تلویزیونی ۲۵سال آینده به فروش برسد.

رافینیا

همه‌چیز آماده اســـت و بارســـلونا موفق شده رافینیا را از چلسی هایجک کند. لیدز سرانجام با پیشنهاد بارسا موافقت کرد تا این وینگر برزیلی در شهر بارسلون تســـت‌های پزشکی را پشت سر بگذارد. کاتالان‌ها ۵۸میلیون یورو به لیدز پرداخت خواهند کرد و پاداش ۹میلیون یورویی در این قرارداد وجود خواهد داشت. وینگر برزیلی بر سر قراردادی ۵ساله با بارسا به توافق رسیده است. جرارد رومرو مدعی شده که خبر رسمی انتقال رافینیا به بارسلونا پنجشنبه منتشر خواهد شد و انتقال لواندوفســـکی به بارسلونا جمعه رسمی می‌شود. اگر رافینیا به بارسلونا برود، رن ممکن است ۱۰میلیون یورو از لیدز دریافت کند. با این حال به‌خاطر اوضاع اقتصادی بارسا باشگاه لیدز برای پرداخت مبلغ معامله از بارسلونا ضمانت خواسته و خواستار تعیین ۳ تاریخ به‌عنوان آخرین مهلت برای پرداخت هر قسط معامله شده است.

آمار رافینیا

۲۴۵بازی باشـــگاهی، ۹بازی برای برزیل، ۶۲گل باشـــگاهی، ۳گل ملی، ۳۸پاس گل باشگاهی و تنها ۲پاس گل ملی.

دمبله

اوبامیانگ تصاویری از تمرین بارسا منتشر کرده که دمبله را هم در رختکن نشان می‌دهد. قرارداد این بازیکن به اتمام رسیده اما او و نمایندگانش برای تمدید ۲ساله قرارداد با ۴۰درصد تخفیف در دستمزد این بازیکن به توافق رسیده‌اند. پیشنهاد دیگری برای عثمان وجود نـــدارد. او خودش داوطلبانه به تمرین پیوســـته اما در تست‌های ابتدایی مردود شـــده. تا زمانی که قراردادش را نبندد، رسما نمی‌تواند تمرین کند.

اومتیتی

باشگاه توانسته از شـــر لنگله خلاص شود و او را به تاتنهام قرض دهـــد اما اومتیتی هنوز مثل خاری در گلوی بارســـا باقی مانده است. انگار با باشـــگاه رن مذاکراتی انجام شده و خبر رســـیده که اومتیتی در تست پزشکی رد شده اما اطرافیان او می‌گویند این درست نیست که این بازیکن در معاینات پزشکی رن موفق نبوده اســـت. حقیقت این است که رن نمی‌خواهد بازیکنی را به خدمت بگیرد که در هر فصل یک‌بازی انجام داده اســـت. وضعیت مدافع تیم قهرمان جهان فعلا به همین شکل است. واکنش اومتیتی به شایعات در حد سخن بزرگان و جمله‌های قصار بود: «وقتی دروغی سوار آسانسور می‌شود، حقیقت از پله‌ها بالا می‌رود. مدتی طول می‌کشـــد، اما در نهایت می‌رسد.»

ال کلاسیکوی ناسپاسی

رئال و بارسا در قدرناشناسی از اسطوره‌های خود با هم به رقابت پرداخته‌اند

هواداران رئال‌مادرید به این معروف شده‌اند که با اسطوره‌های خود بد تا می‌کنند. تقریبا همه ستاره‌های بزرگ تاریخ پرافتخارترین باشـــگاه تاریخ فوتبال یک یا چند نوبت در ورزشگاه سانتیاگو برنابئو هو شده‌اند؛ حتی کریستیانو رونالدو که بهترین گلزن تاریخ باشگاه است. آنها در کنار هو کردن ستاره‌های خودی گاهی اقدام به تشویق بازیکنان رقیب هم کرده‌اند که برای نمونه می‌توان به تشویق رونالدینیو، مسی و اینیستا اشاره کرد یا همین اواخر به تشویق خواکین، مدافع ۴۰ساله رئال بتیس که همیشه یک رقیب سرسخت برای مادریدی‌ها بوده است.

چندی پیش رافائل واران گفته بود، هواداران رئال سیرمونی ندارند و هر بار که تیم لیگ قهرمانان را فتح کرده، آنها به بازیکنان گفته‌اند «برویم برای بعدی». در رئال کسب جام یک وظیفه است. هواداران مدت زیادی ســـرگرم جشن نمی‌شوند و همیشه منتظرند افتخار بعدی از راه برسد. بخشی از طرفداران هم که به اولتراسور معروف‌اند و مدتی است که از حضور در ورزشگاه محروم شده‌اند، از تماشـــاگران عادی رفتارهای بدتری دارند. همین تابستان امسال ۲بازیکن و اسطوره دیگر باشگاه با دلخوری یا اشک جدا شدند. گرت بیل که مرد فینال‌ها بود و لحظات بزرگی را در تاریخ باشگاه رقم زد، در ۳سال اخیر انتقادات زیادی را تحمل کرد و دست‌آخر راحت شد و به آمریکا رفت. مارسلو که کاپیتان تیم بود و با ۲۵جام پرافتخارترین بازیکن تاریخ باشـــگاه به‌حساب می‌آمد، گریه کرد و رفت. باشگاه می‌توانست یک‌فصل دیگر قراردادش را تمدید و با او طی کند که در پایان این مدت باید از فوتبال بازنشسته شود اما او هم به دسته ستاره‌های پرشماری مثل کاســـیاس، رائول، گوتی، راموس و... پیوست که باشگاه یا هواداران یا هردو اشک‌شان را درآوردند و بیرون‌شان کردند.

این قاعده در سال‌های اخیر برای بارســـلونا هم تکرار شده است. بارســـا تا چند ســـال پیش با رئال‌مادرید فرق داشت و احترام اسطوره‌هایش را نگه می‌داشت. بازیکنان زیادی این فرصت را پیدا کرده بودند تا در همین تیم بازنشسته شوند؛ چیزی که چند سالی است اتفاق نمی‌افتد. در سال‌های اخیر ژاوی و اینیســـتا در ورزشـــگاه نوکمپ درحالی کـــه رو به تماشـــاگران میکروفنی در دست داشـــته‌اند اشک ریخته و سال‌های پایانی فوتبال‌شـــان را در آسیا پشـــت سر گذاشـــته‌اند. ژاوی درحالی که می‌توانست ۲فصل دیگر در نوکمپ بماند، مجبور شد به الســـد قطر برود و اینیستا هم به ویسل کوبه در ژاپن پیوست. خود گواردیولا هم اواخر فوتبالش به برشا در سری‌آ رفته بود و وقتی دوپینگ‌اش ثابت شد مدتی از فوتبال دور شد و سپس به مکزیک رفت. رونالد کومان که یکی از اسطوره‌های تکرار نشدنی باشگاه است، وقتی به‌عنوان سرمربی به بارسلون برگشت، مورد بی‌مهری هواداران و رسانه‌ها قرار گرفت. او را تا می‌توانستند کوبیدند. مسی تابستان قبلی در میان ناباوری خودش و همگان قراردادش تمدید نشد تا مجبور شود برخلاف میل باطنی‌اش به فرانسه برود. حالا نوبت دنی آلوز است که در دوره بارتومئو اجازه بازگشت به تیم را پیدا نکرد و در دوران ریاســـت دوباره لاپورتا تنها یک‌نیم‌فصل اجازه یافت به تیم برگردد. نام او حتی از فهرست بازیکنان تیم برای لیگ قهرمانان و لیگ اروپا هم خط خورده بود و در پایان فصل قراردادش تمدید نشد. دنی درباره برخورد باشگاه با خودش به گاردین گفته: «در بازگشت به بارسلونا خوشحال بودم. برای ۵سال رؤیای آن بازگشت را می‌دیدم. تنها چیزی که دوست نداشتم شـــیوه خداحافظی‌ام بود. از زمانی که رسیدم، برای همه این مفهوم را شفاف بیان کردم که دیگر ۲۰ساله نیستم. می‌خواستم همه‌چیز واضح باشد نه پنهانی. اما این باشگاه در چند سال اخیر گناهکار بوده. بارسلونا اصلا به کسانی که تاریخ باشگاه را ساخته‌اند اهمیت نمی‌دهد. به‌عنوان یک‌هوادار بارسا ترجیح می‌دهم بارسلونا کارها را جور دیگری انجام دهد.»

در ۲فصل اخیر هواداران بارها اقدام به هتک حرمت کاپیتان‌ها و بازیکنان باتجربه تیم کرده‌اند. آنها از بوسکتس، پیکه، آلبا و سرخی روبرتو به گاوهای مقدس یاد می‌کنند که خاصیتی برای تیم ندارند اما کســـی نمی‌تواند به آنها دست بزند. این در حالی است که بوسکتس در یک‌فصل و نیم اخیر یکی از بهترین بازیکنان تیم بوده و تنها یک دوره کوتاه افت را پیش از آن پشت‌ســـر گذاشته، آلبا هم همچنان یکی از بهترین گلسازهای تیم است و پیکه هم در ترکیب ثابت قرار می‌گیرد.

بی‌احترامـــی تنها مختـــص به قدرناشناســـی از اسطوره‌ها نیســـت. آنها در فصل اخیر نسبت به حمایت از تیم هم بی‌توجه بوده‌اند. آمار تماشاگران در مسابقات خانگی افت کرده. بخشی از هواداران که جزو اعضای اصلی باشگاه هم بودند در بازی برگشت دیدار فصل گذشته لیگ اروپا مقابل اینتراخـــت فرانکفورت، به‌جای حمایت از تیم اقدام به فروش بلیت‌های خود به تماشاگران آلمانی تیم رقیب کردند و ورزشگاه نوکمپ به‌جای اینکه آبی اناری باشـــد به رنگ ســـفید درآمد. هواداران در فصل گذشته از تیم بانوان بیش از تیم مردان حمایت کردند. به‌نظر می‌رسد رئال‌مادرید و بارسلونا در ناسپاسی نسبت به اسطوره‌های خود با هم به رقابت پرداخته‌اند.

طارمی پرتغال طارمی ایران

بین شخصیت حرفه‌ای این دو نفر یک دنیا فاصله وجود دارد

مهم نیست که اســـم ســـرمربی تیم ملی ایران چیســـت، مهم این است که مهدی طارمی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ســـتاره‌های این تیم به‌خودش اجازه داد علیه دراگان اسکوچیچ قیام کند. حتی اگر شایعات پیرامون حضور او در یک نهاد دولتی و موضع‌گیری‌اش علیه اسکوچیچ صحت نداشته باشد، همان استوری خشن و تند در مورد کادرفنی فعلی تیم ملی کافی است تا باور کنیم این بازیکن از حدود اختیاراتش تجاوز کرده است. البته که این نخستین رفتار طارمی از این دست نیست. او در ماجرای واکنش غیرضروری و نادرستش به یک مصاحبه تاکتیکی از همین آقای اسکوچیچ هم مرتکب اشتباه وحشتناکی شد. طارمی ۲بازی ملی را به‌دلیل آن رفتار آماتور از دست داد، وساطت کریم باقری به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترهای فوتبال ایران را نپذیرفت و بعد هم بدون عذرخواهی یا دلجویی صریح به تیم ملی برگشـــت. گمان می‌رفت طارمی از آن اتفاق متنبه شده و نیز صعود دلچســـب تیم به جام‌جهانی، حال و هوای استاد و شاگرد را عوض کرده باشد اما مواضع اخیر طارمی بار دیگر نشان داد برای او در بر همان پاشنه می‌چرخد.

سرکشی طارمی در مقابل سرمربی تیم ملی در ایران در حالی است که او در پرتغال شرایط کاملا متفاوتی دارد. ستاره ایرانی پورتو که شاید بهترین بازیکن ۲سال اخیر لیگ پرتغال بوده و تحسین‌آمیزترین نمایش‌هایش را با پیراهن آبی این تیم ارائه داده، در مقابل سرجیو کونسیسائو کاملا در موضع ضعف قرار دارد و هرگز به‌خودش اجازه نمی‌دهد یک کلمه حرف نامربوط بزند. این در حالی است که سرمربی پورتو تا به حال به دفعات به شکلی عجیب به طارمی حمله کرده؛ ازجمله بعد از بازی با لیورپول که او یک فرصت خوب گلزنی را از دست داد و تصمیم گرفت پاس بدهد. چند روز بعدش که طارمی یک موقعیت خوب دیگر را از کف داده بود، کونسیسائو در موردش گفت: «طارمی در اوقاتی که باید خودخواه باشد و شوت بزند، نقش فداکار را بازی می‌کند و پاس می‌دهد و برعکس؛ او وقتی که باید فداکار باشد، شوت می‌زند.» سرمربی پورتو سابقه نیمکت‌نشین کردن طارمی را هم دارد، اما مهدی آنجا به‌خودش اجازه نمی‌دهد لام تا کام حرف بزند. کاش شخصیت حرفه‌ای طارمی در ایران قدری به کاراکتر او در پرتغال شباهت داشت. کاش...!

جهان

داستان لوا جنایی شد

این روزها در مونیخ چه خبر است؟

داستان جدایی لواندوفسکی از حالت رمانتیک و بی‌وفایی شاعرانه به یک قصه جنایی و معمایی تبدیل شد. مهاجم لهستانی که آشکارا از علاقه‌اش به رفتن از بایرن مونیـــخ دم زده، به‌تازگی در اینترنت به مرگ تهدید شده و به همین‌خاطر این‌بار تنهایی به مونیخ رفت و خانواده‌اش را با خودش نبرد. او در نخســـتین جلسه تمرینی با سادیو مانه که خرید تازه باشگاه است، دیدار داشت اما خیلی زود محل تمرین را بعد از تست ترک کرد. در فروشگاه‌های بایرن هم دیگر خبری از لباس لوا نیست. بیشتر مدیران باشگاه اصرار دارند که او باید یک فصل باقیمانـــده از قراردادش را به پایان ببرد و حق ندارد جایی برود. اما خبرنگارانی مثل جرارد رومرو معتقدند که خبر انتقال او به بارسا یا جمعه همین هفته یا نهایتا یکشنبه آینده قطعی می‌شود. همسر لوا صفحه رسمی بارسلونا در اینستاگرام را دنبال کرد تا احتمال نهایی‌شدن این انتقال قوت بگیرد.

بایرن می‌خواهد روبرت لواندوفسکی را این هفته، قبل از معرفی تیم (۱۶ژوئیه) و تور آمریکا (۱۸ژوئیه) بفروشد. باشگاه منتظر است تا بارسلونا به قیمت درخواستی پاسخ دهد، اما بارسلونا خیلی بیشتر از ۴۰میلیون یورویی که اخیرا پیشنهاد داده، مبلغ را بالا نخواهد برد. رفتار بارســـلونا یک‌جور رفع تکلیف است، چون مدیران این باشـــگاه به لوا و مدیر برنامه‌هایش قول داده‌اند برای جذبش اقدام کنند، می‌خواهند طـــوری وانمود کنند که توپ بـــه زمین بایرن بیفتد و اگر انتقال صورت نگرفت، لوا باشگاه آلمانی را مقصر بداند نه باشـــگاه کاتالونی را. بارسلونا احســـاس می‌کند که با پیشنهاد ۴۰میلیون یورویی به وعده‌اش در قبال لواندوفســـکی عمل کرده است. نزدیکان لواندوفسکی به آنها قول داده بودند که این انتقال بیش از این مبلغ هزینه نخواهد داشت.

فلیکس

بایرن با اتلتیکو برای خرید فلیکس در ماه قبل تماس گرفت. جواب اتلتیکو نه بود و حتی پیشنهاد ۸۰میلیون یورویی هم این را عوض نمی‌کرد. به‌خاطر همین بایرن از تلاش بـــرای خرید این بازیکن پرتغالی منصرف شد. اتلتیکو در ۲۰۱۹، بیش از ۱۲۰میلیون یورو برای بازیکن پرداخت کرد و انتظار رقم بالای ۱۰۰میلیون یورو را دارند. آلمان‌ها با دخیل کردن بازیکنی در این انتقال می‌خواهند رقم را کمتر کننـــد. پاوارد یکی از گزینه‌هـــای این حرکت بود اما اتلتیکو این ایده را رد کرد و تماسی از آن زمان برقرار نشد.

هری کین

بایرن برای تابستان آینده روی هری کین فکر می‌کند. در آن زمان از قرارداد این مهاجم انگلیسی با تاتنهام تنها یک‌فصل باقی مانده و خریدش ســـاده‌تر خواهد بود مگر آنکه کین بـــاز هم تصمیم به تمدید بگیرد.

رونالدو

با جود اینکه تن‌هاخ اعلام کرده به رونالدو نیاز دارد، این ســـتاره پرتغالی هنوز در اردو و تمرینات شـــرکت نکرده. با این‌حال، شاید پیـــروزی عجیب ۴ بر صفر منچســـتر بدون خریـــد جدید مقابل لیورپول در تور تایلند نظر کریســـتیانو را برای جدایی تغییر دهد. اگر تصمیمش تغییر نکند، بایرن همچنان روی او به‌عنوان گزینه جانشینی لواندوفسکی فکر می‌کند. بایرن تا پیش از مشخص‌شدن وضعیت قطعی لوا نمی‌خواهد برای کریستیانو تلاش کند.

دلیخت

چلسی خرید کولیبالی را از ناپولی با قراردادی ۴۰میلیون یورویی و دستمزد ۱۰میلیون یورو برای هر فصل قطعی کرد. بنابراین علاقه این باشـــگاه انگلیســـی برای خرید دلیخت از یوونتوس کم شده است. با این حساب شانس بایرن برای خرید مدافع هلندی بیشتر از قبل خواهد بود اما او همچنان گران است و یوونتوس به کمتر از ۸۰میلیون برای فروش او رضایت نمی‌دهد.

گنبری

گنبری هم تنها یک‌فصل دیگر قـــرارداد دارد و هنوز برای تمدید به توافق نرسیده. از چلسی به‌عنوان مشتری اصلی او یاد می‌شود. چلسی پس از شکست در خرید رافینیا، روی گنبری تمرکز کرده اما خود این بازیکن به‌خاطر آرســـنالی‌بودنش حاضر نیســـت به باشگاه دشـــمن برود. گنبری از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ پیراهن آرسنال را می‌پوشید و در همین باشگاه زیرنظر آرسن ونگر کبیر پرورش یافت.

استارت برای انتقام

تیم ملی بسکتبال ایران با پیروزی مقابل سوریه در کاپ آسیا می‌خواهد فردا ۲شکست مقابل قزاقستان را جبران کند

تیم ملی بسکتبال ایران، سوریه را شکست داد تا شروع خوبی در کاپ آسیا داشته باشد. کاپ ۲۰۲۲ آسیا در اندونزی برگزار می‌شـود و ظهر دیـروز همانطور که پیش‌بینی می‌شد، ایران در بازی تقریبا راحت سوریه را ۸۰-۶۷ شکست داد.

ایران و سـوریه آخرین‌بار ۹روز پیش در پنجره سوم انتخابی جام‌جهانی مقابل هم قـرار گرفته بودند. با توجه به اینکه سوریه در خانه ۹۱-۵۶ شکست خورده بود، به‌نظر نمی‌رسید که ایران کار سختی داشته باشد، هرچند خاطره تلخ شکست به این تیم در انتخابی کاپ آسیا ته ذهن ایرانی‌ها بود و این نگرانی وجود داشت که نکند از سوریه متفاوتی در جارکاتا رونمایی شود. البته این نگرانی را می‌شود بازی به بازی در تیم ایران دید. طی چند ماه گذشته تماشـاگران بسکتبال در ایران بازی‌های متفاوتی از تیم ملی‌شان دیده‌اند؛ یک روز خوب، یک روز بد.دیروز اما سـوریه حریفی نبود که ایرانی‌ها را اذیت کند به‌خصوص که این تیم یکی از چهره‌های اصلی‌اش امیرجبار هینتون را به همراه نداشت اما در مقایسه با مسابقات انتخابی جام‌جهانی، تیم عملکرد بهتری داشت. سـعید ارمغانی تیم را با ترکیب حامد حدادی، بهنام یخچالی، سجاد مشایخی، ارسلان کاظمی و محمد جمشیدی به زمین فرستاد. شروع تیم هم خوب بود و در چند دقیقه اول ۹-۲ جلو افتاد اما تایم‌اوت سـوریه را به بازی برگرداند و حتی در نیمه‌های کوارتر جلـو انداخت و ایرانی‌ها را نگران کرد. در کوارتر دوم هم بـازی ۲تیم نزدیک بود اما از کوارتر سوم به بعد بود که ایران بازی را به‌دست گرفت و توانست فاصله امتیازی را زیاد کند. تیم ارمغانی از نظر دفاع بهتر از بازی‌های قبل شده بود، اما در همین بازی هم می‌شد گفت که بین بازیکنان نیمکت‌نشین و بازیکنان اصلی او فاصله زیادی است. با اینکه او بعضی از بازیکنان شـروع‌کننده‌اش را توانست روی نیمکت بنشـاند، اما زمانی که در کوارتر چهارم خواسـت به ترکیب اصلی‌اش اسـتراحت بدهد، سوریه از فرصت استفاده کرد و امتیاز گرفت.

تمرکز ارمغانی در این بازی بیشتر روی بهترشدن دفاع بود. او بعد از بازی هم گفت: «بازی اول هر تورنمنت مهم است. بازی با سوریه هم بازی سختی بود. سوریه با تغییرات دفاعی که انجـام می‌داد، کار حمله تیمی ما را سخت کرد. از نظر من اگر دفاعمان خوب باشد، می‌توانیـم در حمله هم کارهایـی را که می‌خواهیم انجام بدهیـم؛ اتفاقی که در این بازی افتاد. سـوریه تیمی اسـت که باهوش بازی می‌کنـد ولی بازی در کنترل ما بود و توانستیم به نتیجه‌ای که می‌خواهیم، برسـیم.» در پنجره‌های انتخابی یکی از ایراداتی که از ارمغانی گرفته شـد این بود که چرا از نوید رضایی اسـتفاده نمی‌کند. او در بازی به نویـد فرصت داد و او یکی از بهترین‌های تیم ایران بـود. نوید رضایی با ۱۶امتیاز بعد از بهنام یخچالی بیشترین امتیاز را برای ایران گرفت. با این حال، ستاره این بازی یخچالی بود. او در بازی قبلی مقابل سـوریه بـا مصدومیتش تیم ملی را شوکه کرده بود ولی آسـیب‌دیدگی او خیلی جدی نبود. بهنـام در ۲کوارتر اول درخشـید اما در ۲کوارتر بعد سـوری‌ها کنترل بیشتری روی بازی او داشتند. با این حال، با ۳۱امتیاز، ۴ریباند، ۴پاس گل و ۳توپ‌ربایی و با تأثیرگذاری ۳۴بهترین بازیکن زمین بود. حامد حدادی هم دیروز سرحال‌تر از پنجره‌های انتخابی بازی کرد. هرچند در بعضی صحنه‌ها توپ از دسـت داد، اما با ۲۰ریباند و ۱۱امتیاز دبل‌دبل کرد. تأثیرگذاری حامد ۳۳ بود.

تیم ملی فـردا صبـح در بـازی دوم با قزاقسـتان روبه‌رو می‌شـود. ۲شکسـت در پنجره‌های انتخابی جام‌جهانی، قزاقسـتان را به حریف سرسختی برای ایران تبدیل کرده اسـت. بازیکنان بعـد از پیروزی دیروز با اعتمادبه‌نفس بالاتری با قزاقسـتان روبه‌رو می‌شوند. انگیزه بالای بازیکنان و حتی سرمربی ایران برای جبران شکست‌ها، شاید عامل پیروزی تیم شود. ارمغانی گفته: «۲هفته پیش با قزاقستان بازی کردیم و متأسـفانه نتیجه را واگذار کردیـم. ما می‌خواهیم انتقام بگیریم. قزاقسـتان تیم خیلی خوبی است ولی اگر ما بتوانیم نبض بازی را در دست بگیریم، مشکلی ایجاد نمی‌شود.»

ارسـلان کاظمی هم که دیروز بعد از بازی با سوریه اعتراف کـرد، ایران در بازی‌های قبلی قزاقسـتان را دست‌کم گرفته بود، امیدوار است که تیم فردا بتواند به پیروزی برسد: «بازی با قزاقستان بازی سختی است. ما در بازی قبلی این تیم را دست‌کم گرفتیم و باختیم ولی امیدوارم بتوانیم جبران کنیم.» قزاقستان دیروز ۱۰۰-۶۸ مقابل ژاپن شکسـت خورد، ژاپن حریف سوم ایران است.

برچسب اضافه

در بازی دیروز بـه پیراهن بازیکنـان تیم ملی یک برچسب اضافه شد. سمت راسـت پیراهن جایی که لوگوی تولیدی لباس‌ها حک شـده بود، با چسـب سفید پوشیده شـده بود. به‌نظر می‌رسد پای مسائل مالی در میان باشد. ظاهرا فدراسیون به این تولیدی بدهکار است و اجازه نداشته با لوگوی این شرکت به زمین برود.

عکس‌ها| اشکان مهریار

تنهایی یک دونده

زندگی دردناک سرشناس‌ترین ورزشکار مسلمان دنیا از پیشخدمتی در نوجوانی تا ۴طلا در دوومیدانی المپیک

جواد نصرتی | محمد فرح، یکی از سرشنـاس‌ترین قهرمانان دوهای استقامت دنیا و یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های مسلمان دنیای ورزش، حقایق تکان‌دهنده‌ای را از زندگی شخصی‌اش فاش کرده و گفته است که نامش نه محمد، که حسـین بوده و بعد از ورود قاچاقی به انگلیس، سال‌ها پیشخدمت یک خانواده بوده است.

دارنده ۴مدال طلای دوهای ۵و ۱۰هزار متـر در المپیک‌های لندن و ریودوژانیرو که بیشتر به کوتاه‌شده نامش در انگلیس یعنی «مو» شناخته می‌شود، در یک مستند گفته که نام اصلی‌اش حسین عبدی کاهین بوده و به‌صورت قاچاقی، توسط عده‌ای که هرگز آنها را نمی‌شناخته به انگلیس آورده شده است. مو فرح، نام یکی از فرزندانش را حسین گذاشته است. فرح وقتی که ۹ساله بوده، توسـط یک زن از جیبوتی به انگلیس آورده شده و سال‌ها در یک خانه به‌عنوان پیشخدمت زندگی می‌کرده است.

فرح که یکی از نمادهای دوی اسـتقامت المپیک به شـمار می‌رود و نشان شوالیه را از ملکه انگلیس گرفته و با عنوان «سر مو فرح» شناخته می‌شود، در یک مستند گفته است: «برای سال‌ها جلوی افشای این راز را می‌گرفتم اما نمی‌شود همیشه جلوی آن را گرفت.» او پیش‌تر گفته بود که همراه با والدینش از سومالی به انگلیس آمده است. با این حال در مستندی که بی‌بی‌سی و استودیوی ردبول ساخته‌اند، فرح گفته که والدین واقعی‌اش هرگز به انگلیس نیامده‌اند و مادر و ۲برادر او در یک مزرعه خانوادگی در منطقه جدایی‌طلب سومالی‌لند زندگی می‌کنند. عبدی، پدر خانواده، وقتی که مو فرح تنها ۴سال داشته است در جریان خشونت‌های جنگ داخلی با شلیک گلوله کشته شده است. مو فرح وقتی که ۹سال داشته از خانواده‌اش جدا شده و به جیبوتی رفته و از آنجا با هویت جدیدی که به او داده شده به لندن پرواز کرده است. بعد از رسیدن به لندن، زن همراه مو فرح، مدارکی را که اطلاعات خانواده‌اش روی آن بوده پاره کرده و زندگی جدید او شـروع شده است. بعد از این ماجرا، فرح مجبور شده برای گذران زندگی کار کند و سال‌ها پیشخدمت یک خانواده شـود. فرح تنها وقتی که ۱۲ساله بود موفق شد به مدرسه برود و تقریبا انگلیسـی بلد نبود. او آنجا خیلی سریع جذب دوومیدانی شد: «تنها کاری که می‌توانستم انجام بدهم تا از این وضعیت دور شوم این بود که بیرون بروم و بدوم.»

مو فرح با کمک معلم ورزش از زندگی اجباری با آن خانواده جدا شـد و به یک خانواده سـومالیایی که رفتار مناسبی با او داشتند سپرده شد. او خیلی زود در مسـابقات مدارس رشد کرد و با کمک معلم ورزش‌اش تابعیت انگلیسی گرفت. فرح گفته است انگیزه‌اش از افشای این اطلاعات، کمک به مبارزه با قاچاق انسان و برده‌داری مدرن است.

جدول اعداد | ۴۲۵۲

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

	۳			۲	۸	۱		
			۹			۳	۴	۸
۶		۵			۳			۷
	۵	۸		۹				۳
۱			۲		۷			۴
۴				۳		۹	۲	
۸			۵			۶		۹
۵	۱	۹			۶			
		۲	۴	۷			۸	

سخت

۱								۲
	۸			۶			۱	
			۷		۴		۶	
۷					۵			
		۴				۲		
			۴					۸
	۵		۶		۳			
	۱			۹			۴	
۳								۵

متوسط

			۶			۹		
۸				۵			۴	
	۷					۲	۳	
۱				۳				۶
			۹		۶			
۵				۸				۲
	۲	۳					۵	
	۴			۷				۸
		۸			۹			

متوسط

ساده

سخت

جدول ۸۵۴۳

افقی:
۱- مأمور تعویض نگهبانان- دقت و تأمل- پراکندگی
۲- مقابل- رمانی عاشقانه در بستر حوادث تاریخی نوشته سعید اردوبادی
۳- گیاهی همیشـه سبز که برگ‌های آن به‌عنـوان ادویه مصـرف می‌شـود- موجود خیالی- پرتابه جنگی
۴- حایـل میـان دو چیز- قدغن- دوازده دوجین
۵- دم گوسفند- از نشانه‌های معماری اسلامی است- تخته ضخیم بلند
۶- دارو- پوشاکی زنانه- گازی مرکب از سه اتم اکسیژن
۷- نوعی برنج ایرانی- از دست دادن تعـادل روانی- پایتخت ایتالیا
۸- امر به رفتن دارد- شـیوه نوشـتن کلمـات- دریایی از یونان تا ترکیه
۹- مجرای خـون- یک‌دوم چهره- نوعی اسلحه کمری
۱۰- غـذای تزریقی- فیلمی ساخته رسـول ملاقلی پور- کرانه آسمان
۱۱- جیوه- پارچه ابریشمی- شتر بی‌کوهان
۱۲- غـذای مجـردی- خوراکی از تخم مرغ- درخت زبان‌گنجشک
۱۳- ماه پاییـزی- ضمیری عربی- میوه گرمسیری
۱۴- جایزه اول جشنواره فیلم فجر- فریاد نازک
۱۵- پهلوان- تـوکل کردن- شهرستانی در آذربایجان شرقی

عمودی:
۱- ستون بدن- بستن راه عبور و مرور در پیاده‌رو- دیپلماتیک
۲- دلگیر شـدن- خوراکی از اسفناج- بخش زیرین
۳- اسباب نواختن موسیقی- متعفن- پشت سر هم
۴- مهر خورده- سخن‌چین- نشانه مفعولی
۵- پایان و آخر- هوای گرفته- شیوایی سخن
۶- اسب سیاوش در شاهنامه- از هفـت قلم آرایـش قدیم- سازی ضربی
۷- گیاهی از خانواده ریواس- ارادتمند- خروس مازندرانی
۸- حرف نـدا- از چهره‌های مانـدگار هنر خوشنویسـی کشورمان- رها
۹- اجرت- پهلوان افسـانه‌ای آذری- میراب
۱۰- ژرف- واحـد شـمارش مجله- ژاندارم قدیم
۱۱- از نام‌هـای خداوند- خاموش کردن- حرکت و جابه‌جایی
۱۲- بوی رطوبـت- دردها- ظروف نچسب آشپزخانه
۱۳- داغ داغ- پرهیز کردن- پاداش
۱۴- نامبـارک- قابلیت انجام کار- آقای فرانسوی
۱۵- خـود کـرده را... نیسـت- بزرگ‌ترین جشـن پاییزی ایرانیان بود- خودرأی

*	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱							■						■		
۲				■											
۳	■							■				■			
۴			■						■					■	
۵					■					■					
۶		■				■					■				■
۷							■						■		
۸				■								■			
۹			■						■						
۱۰	■				■					■				■	
۱۱						■					■				
۱۲		■					■						■		
۱۳				■				■							■
۱۴												■			
۱۵			■						■						

حل جدول شماره ۸۵۴۲

*	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ح	ب	س	■	گ	و	ش	ت	ه	■	م	غ	ن	ی
۲	خ	ا	ط	ر	ه	ا	ن	گ	ی	ز	■	م	ر	م	ر
۳	و	ی	■	س	م	ن	د	ر	■	ا	م	ر	ا	ر	■
۴	ف	ل	ا	خ	ن	■	ا	د	ا	ر	ه	■	م	ه	د
۵	■	■	م	ت	ش	ک	ل	■	ک	ت	ا	ب	ت	■	ر
۶	ج	ب	ر	ی	ی	ل	■	گ	ت	و	ن	د	■	س	گ
۷	ن	ش	و	■	ن	ا	م	و	س	■	ت	ن	ف	ی	ذ
۸	ب	ا	ز	ی	■	ش	ی	ر	ا	ز	■	ی	و	ر	ش
۹	ا	ر	ی	ک	ه	■	ا	ک	ب	ی	ر	■	ت	و	ت
۱۰	ن	ت	■	ا	ر	م	ن	ی	■	ب	ا	د	ب	ز	ن
۱۱	د	■	م	ن	ا	س	ب	■	ک	ا	ف	ک	ا	■	■
۱۲	ن	ا	ی	■	س	ت	ر	د	ن	■	ا	ت	ل	ی	ه
۱۳	■	م	ن	ت	ه	ا	■	ا	ک	س	ی	ر	■	ش	ر
۱۴	ج	ن	و	ب	■	ج	ا	ن	و	ی	ل	ی	ا	م	ز
۱۵	ک	ا	ت	ر	■	ر	م	ا	ر	م	■	ن	ز	ی	ه

ضرب شست سایبری به اسرائیل

رژیم صهیونیستی همیشه تلاش کرده خود را یک قدرت سایبری نشان دهد

۲۲

می‌خواهند شما را زیر علم داروین انگلیسی ببرند!

«روز واقعه» در مسجد گوهرشاد آستان قدس رضوی، در آینه ۴ روایت و تحلیل

۲۳

میزبانی ۱۹ استان از زائران اربعین

۱۹ استان آمار موکب‌های خود را برای برپایی در مرزها، شهرهای نجف و کربلا اعلام کرده‌اند

۲۴

همشهری جامعه

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ ■ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۴۳

عکس: همشهری / عاطفه صبور

فرزندخواندگی آسان می‌شود

مدیر کل کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی می گوید تلاش‌هایی برای افزایش سرعت مراحل اداری فرزندخواندگی و تهیه شناسنامه برای فرزندان بهزیستی در جریان است

گزارش

تکمیل فرایند ثبت‌نام در سامانه فرزندخواندگی بهزیستی و رسیدن نوبت به خانواده‌های واجد شرایط، برای این متقاضیان تازه اول راه است؛ طی کردن جلسات مشاوره، مشاوره‌های پزشکی، روال اداری و قانونی فرزندخواندگی تا دریافت مدارک هویتی و شناسنامه برای عضو جدید خانواده حداقل به ۶ماه زمان نیاز دارد. هم‌اکنون ۹هزار کودک در مراکز بهزیستی و شبه‌خانواده‌ها زندگی می کنند که کمتر از ۹۰۰نفر آنها شرایط فرزندخواندگی را دارند؛ یعنی کودک بدسرپرست به شمار می‌روند و حداقل یکی از والدین یا خویشاوندان نزدیک این کودکان در قید حیات است و وضعیت مشخصی دارد. از طرفی ثبت‌نام ۳۰هزار خانواده برای فرزندخواندگی در سامانه بهزیستی، نشان می‌دهد «زمان» یکی از مشکلاتی است که سر راه فرایند فرزندخواندگی قرار دارد؛ موضوعی که برخی مدیران سازمان بهزیستی درباره آن اظهارنظر کرده‌اند. «بهزیستی» نام خانوادگی اغلب بچه‌هایی است که در نوزادی توسط خانواده رها شده‌اند و هیچ رد و نشانی از اسم و مشخصات والدین کودک در دست نیست؛ نامی که گرچه در یکی دو سال اول برای طی کردن فرایند درمان و دیگر نیازهای کودکان گاهی به کار می‌رود، اما با بزرگ‌شدن این کودکان در شیرخوارگاه‌ها و آشنایی آنها با مفاهیم و کلمات، جای خود را به یک نام خانوادگی مشخص می‌دهد. «لیلا. ف» یکی از مددکاران بهزیستی می گوید: «نام والدین برخی کودکان رهاشده در بیمارستان‌ها و دیگر مراکز گاهی مشخص است. اما برخی از این کودکان هیچ هویت رسمی‌ای برای شناسایی ندارند که در این صورت مسئولان بهزیستی نامی برای او انتخاب می کنند. وقتی نوزاد بزرگ‌تر می‌شود و مثلا به مهد می‌رود، از این فامیلی برای آنها استفاده نمی‌شود و بهزیستی به‌دنبال دریافت شناسنامه برای کودک می‌رود.» کم نیست تعداد بچه‌های بی‌سرپرستی که واجد شرایط فرزندخواندگی هستند و در این فاصله، یعنی قبل از تکمیل روند دریافت شناسنامه به خانواده جدیدی سپرده می‌شوند؛ ماجرایی که روند تکمیل ثبت هویت کودک را برعهده والدین جدید می گذارد.

فرایند فرزندخواندگی

افرادی که فرایند ثبت مدارکشان برای درخواست فرزندخواندگی تکمیل شده، به نوبت و براساس شرایط موجود، برای طی کردن مراحل فرزندپذیری فراخوان می‌شوند. «محمد نصیری» معاون اجتماعی سازمان بهزیستی می گوید: «پروسه فرزندخواندگی در قانون تعیین شده است. باید آگهی این نوزاد در جراید منتشر شود و همچنین پانگاری از نوزاد صورت بگیرد و فرایندهای قانونی هم در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و هم در آیین‌نامه هیأت وزیران مشخص شده است.» کودکانی که والدین، قیم یا سرپرستی داشته باشند، وارد پروسه فرزندخواندگی نمی‌شوند.

معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور درباره ادامه روند فرزندخواندگی گفت: «بعد از این پروسه به سرعت فرایند فرزندخواندگی را انجام می‌دهیم. درخصوص واگذاری فرزند به خانواده آیین‌نامه و قانون وجود دارد. اگر کسی بخواهد فرزندی را به سرپرستی قبول کند و برای این فرزند شناسنامه بگیرد، باید یک‌سری فرایندهای قانونی را طی کند که ابتدایی‌ترین کار ثبت‌نام در سامانه فرزندخواندگی است و باید فرایندهای مختلفی در حوزه سلامت روان، سلامت جسمی خانواده و موضوعات مربوط به پزشکی قانونی برای تأیید صلاحیت خانواده، ارائه آموزش‌های لازم به خانواده، معرفی کودک، قبول کودک از سوی خانواده و ارجاع به مرجع قضایی و... در کوتاه‌ترین زمان طی شود.»

دشواری‌های نام «امین موقت»

صدور شناسنامه برای کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست و همچنین کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند یکی از دغدغه‌های مهم مددکاران برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی تحمیل‌شده به این کودکان است. «سعید بابایی» مدیرکل کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی در جلسه هماهنگی صدور شناسنامه و مراحل فرزندخواندگی که با حضور مسئولان قضایی برگزار شد، عنوان کرد: «صدور شناسنامه سبب جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است که مستقیم به فرزندان بی‌سرپرست و بدسرپرست وارد می‌شود. همچنین موضوع فرزندخواندگی بسیار موضوع حساسی است و زمان در تمامی ابعاد این موضوع باید به حداقل برسد.» «امین موقت» یکی از راهکارهای سازمان بهزیستی برای دوران گذار از ماه‌هایی است که فرایند قانونی و قضایی فرزندخواندگی طی می‌شود؛ دورانی که گرچه به خانواده‌ها و کودکان فرصت آشنایی بیشتر با هم و وفق‌پذیری می‌دهد، اما آنها را در برزخی پراضطراب رها می کند و البته گاهی موانعی قانونی در روال زندگی آنها به‌وجود می‌آورد. «سعیدرودسری» یکی از متقاضیان فرزندخواندگی که اخیرا کودکی را از بهزیستی به جمع خانواده خود اضافه کرده است، می گوید: «روال فرزندخواندگی در ایران در برخی مراحل بسیار منطقی و درست به‌نظر می‌رسد. سختگیری‌های گذشته کمتر شده و بررسی سلامت روان خانواده‌های متقاضی در این روند به چشم می‌خورد. اما طولانی‌شدن این روال ممکن است برای برخی از خانواده‌ها جان‌فرسا باشد و آنها را پشیمان کند.» او محدودیت‌هایی که برای سفر، یا دیگر روال عادی زندگی در دوران امین موقت پیش رویش بوده را از سخت‌ترین مراحل این کار می‌داند و می گوید: «زندگی پرشتاب امروز به خیلی از مردم ریسک واردشدن در چرخه‌ای طولانی‌مدت را نمی‌دهد. بهتر است این روند در ایران هم به حداقل برسد. والدین چگونه می‌توانند مسئولیت قانونی فرزندی را قبول کنند که هویت رسمی او هنوز در خانواده جدید تعریف نشده؟ از طرفی بهزیستی و شیرخوارگاه‌ها چطور می‌توانند کودکی را به‌دست یک خانواده بسپارند که به لحاظ قانونی مسئولیتی نسبت به او ندارند؟» سپردن فرزندی از شیرخوارگاه به خانواده‌های متقاضی یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌هایی است که سازمان بهزیستی به دوش می‌کشد. از طرفی طبق اعلام معاون اجتماعی سازمان بهزیستی، تنها ۱۰درصد از فرزندانی که در شیرخوارگاه‌ها و شبه‌خانواده‌ها زندگی می‌کنند، شرایط لازم برای فرزندخواندگی را دارند؛ یعنی حدود ۹۰۰کودک. درحالی که ۱۷هزار پرونده تکمیل شده متقاضیان در سامانه بهزیستی به ثبت رسیده؛ خلئی که به‌نظر می‌رسد با حل مشکل «زمان» طی روال قانونی پر می‌شود.

استقبال از واکسن یادآور

رئیس مرکز تحقیقات بیماری‌های نوپدید و بازپدید انستیتو پاستور ایران: در رده سنی ۷تا ۱۲سال، حدود ۲۵درصد یک دوز واکسن را دریافت کرده‌اند و تزریق دوز یادآور اول در دیگر گروه‌های سنی مناسب نیست

سلامت

مریم سرخوش
روزنامه‌نگار

آمار ابتلا به کرونا افزایش انفجاری دارد و تنها در یک روز، افزایش ۴۲درصدی شناسایی بیماران جدید رقم خورده است. براساس اعلام وزارت بهداشت، تنها در ۲۴ساعت با افزایش ۱۵۰۰نفری، ۵هزار بیمار جدید شناسایی و ۵۴۱نفر هم بستری شده‌اند. این در حالی است که کارشناسان موارد ابتلا را با توجه به قدرت سرایت‌پذیری زیرسویه‌های جدید اومیکرون، BA4، BA5 بیشتر از این عدد می‌دانند؛ چراکه هر فرد مبتلا می‌تواند به‌صورت همزمان ۱۸نفر را آلوده کند. با توجه به اینکه تست‌گیری‌ها به‌صورت محدود انجام می‌شود، به‌نظر می‌رسد آمار فعلی کشور در ابتلا به کرونا چندین برابر ۵هزار نفر اعلام شده هم باشد. البته آمار فوتی‌ها همچنان تک‌رقمی است، اما به‌گفته متخصصان این زیرسویه‌ها قطعا افراد واکسینه‌نشده و دارای بیماری‌های زمینه‌ای را تهدید می کند و می‌تواند با تداوم روند افزایشی ابتلا، منجر به افزایش موارد بستری و فوتی‌ها هم شود. بر این اساس تزریق دوز یادآور در پایگاه‌های واکسیناسیون کشور برای گروه‌های سنی مختلف آغاز شده است. احسان مصطفوی، رئیس مرکز تحقیقات بیماری‌های نوپدید و بازپدید انستیتو پاستور ایران هم در گفت‌وگو با همشهری تأکید می‌کند در زمستان سال گذشته، ابتلای بالایی که در پیک ناشی از اومیکرون در کشور رقم خورد و تلفیق آن با پوشش واکسیناسیون بالا، باعث شد در بهار امسال وضعیت مناسبی از نظر بیماری وجود داشته باشد. او معتقد است پوشش واکسیناسیون برای دوزهای یادآور باید افزایش پیدا کند و در آستانه بروز احتمالی موج جدیدی از بیماری در کشور، تجهیز جامعه با چندین روش از جمله تکمیل برنامه واکسیناسیون و رعایت بیشتر پروتکل‌های بهداشتی ضروری است.

توصیه می‌شود برای سویه‌های جدید، واکسن‌های به‌روزرسانی شده استفاده شود. درباره واکسن‌های موجود در کشور چنین شرایطی وجود دارد؟

هم‌اکنون بیشتر واکسن‌هایی که در دنیا استفاده می‌شوند، بر پایه سویه اولیه (ووهان) هستند و درباره سویه اومیکرون و در سطح جهانی، معدود واکسن‌سازها این تغییر را ایجاد کردند. توصیه‌های فعلی هم درباره رصد ایمنی‌زایی همین واکسن‌ها متناسب با تغییراتی است که در ویروس کووید-۱۹ رخ داده و واریانت غالب کشورهاست. هم‌اکنون ویروس غالب در دنیا، سویه اومیکرون با زیرواریانت‌های مختلف آن است و جامعه جهانی و همچنین ایران هم پس از BA1 و BA2 درگیر BA4 و BA5 شده است. اما درباره واکسن‌ها چه داخلی و چه خارجی، به‌روزرسانی و تغییر در آنها با هر جهش امکان‌پذیر نیست. مهم رصد وضعیت ایمنی‌زایی واکسن‌هاست و این برنامه‌ای است که وزارت بهداشت، به‌ویژه درباره تزریق دوزهای یادآور در حال‌حاضر دنبال می‌کند. این بررسی‌ها برای تمامی واکسن‌های داخلی و خارجی که در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند، انجام می‌شود و انجام این به‌روزرسانی‌ها در کلان سیاستگذاری کشور هم باید از سوی مراجع ذیصلاح بررسی شود.

گفته می‌شود زیرسویه‌های BA4 و BA5 قدرت سرایت بیشتری دارند. آیا تزریق دوز یادآور با واکسن‌های موجود، افزایش سطح ایمنی را افزایش می‌دهد؟

به‌نظر می‌رسد وضعیتی که در ماه‌های اخیر در کشور اتفاق افتاده بیشتر متاثر از ایمنی هیبرید (ترکیب ایمنی طبیعی و واکسن) باشد. در پاییز و زمستان سال گذشته، پوشش تزریق واکسن برای ۲دوز در کشور به حدود ۷۰درصد رسید و این مسئله باعث شد در زمستان با وجود شیوع واریانت اومیکرون به‌دلیل همین پوشش مناسب، موارد بستری و مرگ در این پیک محدود باشد. هم‌اکنون واکسن‌های موجود در سبد واکسیناسیون کشور می‌توانند منجر به افزایش ایمنی در بدن افراد شوند. البته در دنیا وضعیت پوشش واکسیناسیون برای دوز اول یادآور در سطح واکسن‌های دوز اول و دوم نبود و در ایران هم حدود یک‌سوم از جمعیت هدف واکسن یادآور اول را تزریق کردند. در رده سنی ۷ تا ۱۲سال در کشور، حدود ۲۵درصد یک دوز واکسن را دریافت کرده‌اند. با این شرایط ضرورت دارد پوشش دوز یادآور اول در گروه سنی بالای ۱۸سال و واکسیناسیون دوز اول و دوم را در کودکان ارتقا دهیم. همچنین افزایش پوشش واکسیناسیون در دوز چهارم مخصوصا برای گروه‌های با خطر بالا اهمیت دارد.

واکسیناسیون برای خیلی‌ها دیگر مانند گذشته اهمیت ندارد. چطور می‌توان مردم را به سمت تزریق دوز یادآور یا تکمیل واکسیناسیون سوق داد؟

این موضوع را باید از زاویه‌ای دیگر دید. به‌دلیل استقبال کمتر مردم از برنامه واکسیناسیون کرونا، مجموعه وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم‌پزشکی در گذر زمان مجبور به محدود کردن پایگاه‌های واکسیناسیون شدند، اما این اهتمام وجود دارد که درصورت افزایش استقبال، دوباره ظرفیت واکسیناسیون با وسعت گذشته ادامه پیدا کند. هم‌اکنون کاهش استقبال از واکسن‌های یادآور در بیشتر نقاط دنیا وجود دارد. البته برخی کشورها هم توانستند دوز یادآور واکسن را به میزان قابل‌توجهی از جمعیت خود تزریق کنند. واکسیناسیون مسئله دوطرفه است؛ از یک‌سو وظیفه وزارت بهداشت است که مردم را به واکسیناسیون بیشتر مخصوصا برای دوزهای یادآور ترغیب کند و از سوی دیگر اهتمام مردم که واکسن‌های یادآور را برای سلامت خودشان و جامعه تزریق کنند. وزارت بهداشت هم باید بتواند پاسخگوی شبهات احتمالی مردم در مورد برنامه واکسیناسیون باشد.

تعداد واکسن‌ها در پایگاه‌های واکسیناسیون نسبت به گذشته محدودتر شده. آیا این مسئله باعث کاهش رغبت مردم نخواهد بود؟

بیش از ۴۰میلیون دوز انواع واکسن در کشور وجود دارد و مجموعه‌ای از واکسن‌های خارجی و داخلی را در اختیار داریم. عمده واکسن‌های داخلی مجوز تزریق برای دوز یادآور را دارند و از سوی وزارت بهداشت خریداری شده‌اند. واکسن پاستوکووک هم اخیرا مجوز واکسن یادآور را برای تمام واکسن‌های تزریق شده در کشور دریافت کرده که به میزان کافی در دسترس قرار دارد. قطعا هر میزان سبد واکسیناسیون کشوری متنوع‌تر باشد، در استقبال مردم هم تأثیرگذارتر است.

عددبازی

۳۶درصد

میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی است. براساس اعلام معاون فنی مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، شرایط فعلی که تعداد بیماران شناسایی شده و بستری در حال افزایش است، باید تدابیر لازم اندیشیده شوند و به اجرا درآیند.

۲۹درصد

میزان استفاده از ماسک در شهرهای بزرگ است، همچنین طیف رعایت پروتکل‌ها از ۲۲درصد در برخی از شهرها تا زیر ۶۰درصد است. قبلا حداقل میزان رعایت ۵۰درصد بود و حداکثر ۹۰درصد اما حالا حداکثر رعایت‌ها، حداقل گذشته است.

۱۰ تا ۳۰درصد

میانگین تناسب شغل و رشته تحصیلی در حوزه فنی و حرفه‌ای است. مدیرکل دفتر آموزش‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که بیشتر افراد در رشته‌ای که تحصیل کرده‌اند، مشغول به‌کار نیستند.

۱۴هزار

عمل کاشت حلزون شنوایی در ۳۰سال گذشته انجام شده است، رئیس مرکز تحقیقات گوش، حلق، بینی، سر و گردن می‌گوید، طرح غربالگری کم‌شنوایی یا ناشنوایی نوزادان و کودکان از ۲۰سال پیش در کشور شروع شد و در سال اول این برنامه بالغ بر ۸هزار و ۵۰۰نفر فقط در تهران غربال شدند که ۲کاشت حلزون داشتیم و ۸سمعک برای دارندگان اختلالات شنوایی تجویز شد.

۹۰درصد

کودکانی که کاشت حلزونی شنوایی داشته‌اند، مانند سایر افراد سالم زندگی می‌کنند و از این معلولیت خاموش یعنی ناشنوایی و کم‌شنوایی رهایی یافته‌اند. برخی از این افراد اکنون در مشاغل حساسی مانند پزشکی، خلبانی و مهندسی در جامعه حضور دارند.

۳۵درصد

از ناشنوایی و کم‌شنوایی به‌دلیل عوامل ژنتیک، ۳۰درصد به‌دلیل کوتاهی در مراقبت‌های بارداری و ۳۵درصد هم ناشناخته‌اند. هم‌اکنون ۱۷مرکز کاشت حلزون شنوایی در کشور داریم که ۴مرکز در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، ایران، بقیه‌الله و شهید بهشتی قرار دارد.

خبر

داوطلبان کنکور چطور می‌توانند سوابق تحصیلی‌شان را ببینند؟

رئیس مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزشی وزارت آموزش و پرورش درباره چگونگی مشاهده، تأیید درستی اطلاعات و دریافت کد تأیید سوابق تحصیلی داوطلبین کنکور توضیحاتی ارائه کرد. محسن زارعی به ایسنا گفت: «سوابق تحصیلی یا همان نمرات امتحانات نهایی دانش‌آموزان پایه دوازدهم در قالب وب سرویس و از طریق سامانه‌ای تحت عنوان «ساهت» در اختیار سازمان سنجش قرار می‌گیرد.

داوطلبان می‌توانند با مراجعه به سامانه ساهت (سامانه جمع‌آوری اطلاعات و سوابق تحصیلی داوطلبین آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها) به‌نشانی sahat.medu.ir با رویت و بررسی مشخصات و اطلاعات شناسنامه‌ای و تحصیلی و دریافت کد تأیید سوابق تحصیلی خود، اگر مغایرتی در اطلاعات مذکور وجود داشته باشد، درخواست اصلاح بدهند.»

او، با بیان اینکه درصورت درخواست اصلاح، سوابق تحصیلی فرد بازخوانی می‌شود، ادامه داد: «اگر مغایرتی وجود داشته باشد این مغایرت‌ها رفع می‌شوند و اگر اصلاح شد، داوطلب می‌تواند دوباره از طریق همان سایت آن را مشاهده کند. چنانچه سوابق تحصیلی داوطلبی در سامانه ساهت آموزش و پرورش درست باشد و در سایت سازمان سنجش آموزش کشور، مغایرت داشته باشد، داوطلب باید به سازمان سنجش اطلاع‌رسانی کند.»

براساس اعلام او، اگر با فرایندی که طی می‌شود اطلاعات مربوط به سوابق تحصیلی فرد اصلاح نشود باید از منطقه آموزش و پرورش مربوطه پیگیری کند البته این اتفاق ممکن است برای درصد کمی از افراد رخ دهد که در ثبت سوابق در مدرسه اشکالی رخ داده باشد اما قابل پیگیری و اصلاح است.

به‌گفته او، دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان از بعد از ظهر روز پنجشنبه مورخ ۲۳تیرماه سال جاری می‌توانند سوابق تحصیلی خود را در درگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور مشاهده کنند. سوابق تحصیلی دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان تا روز یکشنبه مورخ ۲۶تیر این ماه در سایت سازمان سنجش قابل مشاهده است.

جریمه یک میلیون تومانی برای واکسن‌نزده‌ها

جانشین پلیس راهور انتظامی کشور از اعمال جریمه یک میلیون تومانی تردد برای مالکان خودروهایی خبر داد که ۲دوز واکسن کرونا را تزریق نکرده باشند.

تیمور حسینی، جانشین پلیس راهور انتظامی درباره چگونگی تردد در جاده‌های کشور با توجه به بازگشت رنگ بندی کرونایی به نقشه کشور به فارس گفت: «هم‌اکنون تردد در جاده‌ها بنابر مصوبه قبلی ستاد مقابله با کرونا که در ایام نوروز ابلاغ شده، انجام پذیر است، بر این اساس تردد در جاده‌ها برای افرادی که دو دوز واکسن کرونا را تزریق کرده‌اند بلامانع است.»

او ادامه داد: «افرادی که دو دوز واکسن را تزریق نکرده باشند محدودیت تردد داشته و درصورت سفر در جاده‌های بین شهری به میزان یک میلیون تومان جریمه خواهند شد.» براساس اعلام او، تردد خودروها از طریق دوربین‌های هوشمند رصد شده و برای مالکان خودروهایی که واکسن تزریق نکرده باشند پیامک جریمه ارسال خواهد شد.

واکسیناسیون دانش‌آموزان اجباری نیست

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد اجباری به انجام واکسیناسیون و کارت واکسیناسیون به‌عنوان پیش شرط ثبت‌نام دانش‌آموزان وجود ندارد.

به گزارش مهر، صادق ستاری فرد، با اشاره به مصوبه سال گذشته ستاد مقابله با کرونا مبنی بر لزوم انجام واکسیناسیون دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۸سال گفت: «دانش‌آموزان استقبال خوبی از واکسیناسیون داشتند، البته وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت هم همکاری بسیار خوبی داشتند.»

براساس اعلام او، آموزش و پرورش ۹۲۷ مجموعه ورزشی خود را به‌عنوان مناطق واکسیناسیون در اختیار وزارت بهداشت قرار داد تا مردم به دریافت خدمات واکسیناسیون سهولت دسترسی داشته باشند.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ۹۵درصد جامعه فرهنگیان دوز اول و ۹۰درصد دوز دوم را دریافت کردند، گفت: «برای دوز سوم ۵۱درصد فرهنگیان مراجعه کردند و اخیرا با تصویب ستاد کرونا و توصیه وزارت بهداشت، دوز چهارم نیز به‌عنوان دوز یادآور به فرهنگیان توصیه شده است.» طبق اعلام ستاد ملی مقابله با کرونا و وزارت آموزش و پرورش کلیه مدارس در سال تحصیلی جدید به صورت حضوری دایر هستند.

فضا

«زیبای سیاه» اسرار زمین را فاش می‌کند

یک گروه بین‌المللی از پژوهشگران سعی دارند با بررسی یک شهاب‌سنگ مریخی، به پرسش‌های بنیادین خود در مورد زمین پاسخ دهند. به گزارش ساینس دیلی، بیش از ۴.۵ میلیارد سال پیش، این امکان وجود داشت که سیاره سرخ، پوسته‌ای مشابه با ایسلند امروزی داشته باشد. این کشف که در قدیمی‌ترین قطعات به‌دست آمده از مریخ یافت شده، می‌تواند اطلاعاتی را در مورد زمین ارائه دهد که طی میلیاردها سال تحولات زمین‌شناسی از بین رفته‌اند. همچنین، می‌توان دریافت که چرا زمین به سیاره‌ای تبدیل شده که تنوع گسترده‌ای از حیات را در خود جای داده و مریخ فاقد این ویژگی است.

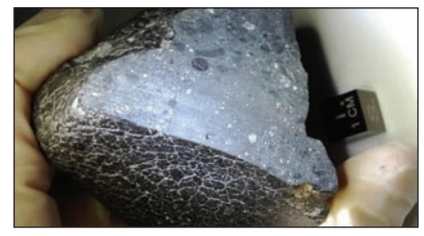

پژوهش دانشمندان، جزئیاتی را در مورد چگونگی یافتن منشأ مریخی یک شهاب‌سنگ ۴.۴۸ میلیارد ساله روشن می‌کند که نام آن را شهاب سنگ شمال غربی آفریقا ۷۰۳۴ گذاشته‌اند. این شهاب سنگ که با نام «زیبای سیاه» هم شناخته می‌شود، نخستین بار در سال ۲۰۱۱ در صحرای بزرگ آفریقا کشف شد. حالا گروهی از محققان بین‌المللی به وسیله یک ابرکامپیوتر دریافته‌اند که این شهاب سنگ شگفت‌انگیز حدود ۵ تا ۱۰ میلیون سال پیش از یکی از دهانه‌های مریخ به زمین آمده است.

اینترنت

داغ شدن بحث‌ها درباره Safe Search اجباری

طی چند روز گذشته بحث فعال شدن حالت Safe Search برای تمامی کاربران اینترنت موبایل کشور در موتورهای جست‌وجوی گوگل و بینگ داغ شده است. براساس گزارش‌هایی که منتشر شده و از سوی کاربران مختلف آزمایش شده است همراه اول و ایرانسل این حالت را برای تمامی کاربران اینترنت خود فعال کرده‌اند و کاربران امکان خاموش کردن آن را هم ندارند. موتورهای جست‌وجو برای جلوگیری از دسترسی کاربران به محتوای نامناسب، قابلیتی به نام جست‌وجوی ایمن یا Safe Search دارند.

به گزارش همشهری، یک کارشناس امنیتی در این رابطه می‌گوید: اتفاق صورت گرفته به نوعی یک DNS Hijacking است. به‌طور مثال در حال حاضر به جای اینکه شما یک IP مثل ۱۰.۱۰.۳۴.۳۵ دریافت کنید، یک IP از سیستم دستکاری شده دریافت می‌کنید که توسط گوگل و بینگ برای مدارس و کودکان درنظر گرفته شده است.

به این ترتیب ترافیک زیادی به سمت یک IP خاص ارسال می‌شود که می‌تواند باعث کاهش کیفیت اینترنت شود. وزیر ارتباطات چندی پیش در برنامه تلویزیونی «جهان‌آرا» به قابلیت SafeSearch گوگل اشاره کرده بود اما آن را گزینه مناسب برای کودکان و نوجوانان خواند.

عدد خبر

۳۰ کیلومتر بر ساعت

سوئیس قصد دارد به‌زودی سیستم حمل‌ونقل زیرزمینی احداث کند که قادر به جابه جایی کالاهای مختلف در وسایل نقلیه برقی با سرعت ۳۰ کیلومتر بر ساعت است. پارلمان سوئیس دسامبر گذشته چارچوب قانونی برای حمل‌ونقل زیرزمینی داخل این کشور را تأیید کرد. این بدان معناست که از ماه آینده سوئیس می‌تواند به‌طور رسمی فعالیت در این زمینه را آغاز کند.

۴ میلیارد دلار

یک شرکت خودروسازی ویتنامی از همکاری با بانکی آمریکایی برای جذب ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و تولید انبوه خودروهای برقی در کارولینای شمالی خبر داده است. این شرکت به‌دنبال تولید یک خودروی شاسی بلند برقی و یک خودروی معمولی با باتری برقی است که قیمت مناسب‌تری داشته باشد.

۱۰ درصد

زباله‌های فضایی در حال خارج‌شدن از کنترل هستند و این در حالی است که می‌توانند مرگبار باشند، چرا که دانشمندان هشدار می‌دهند که احتمال ۱۰درصد وجود دارد که یک فضاپیما ظرف یک دهه آینده روی سر یک نفر سقوط کند و او را بکشد.

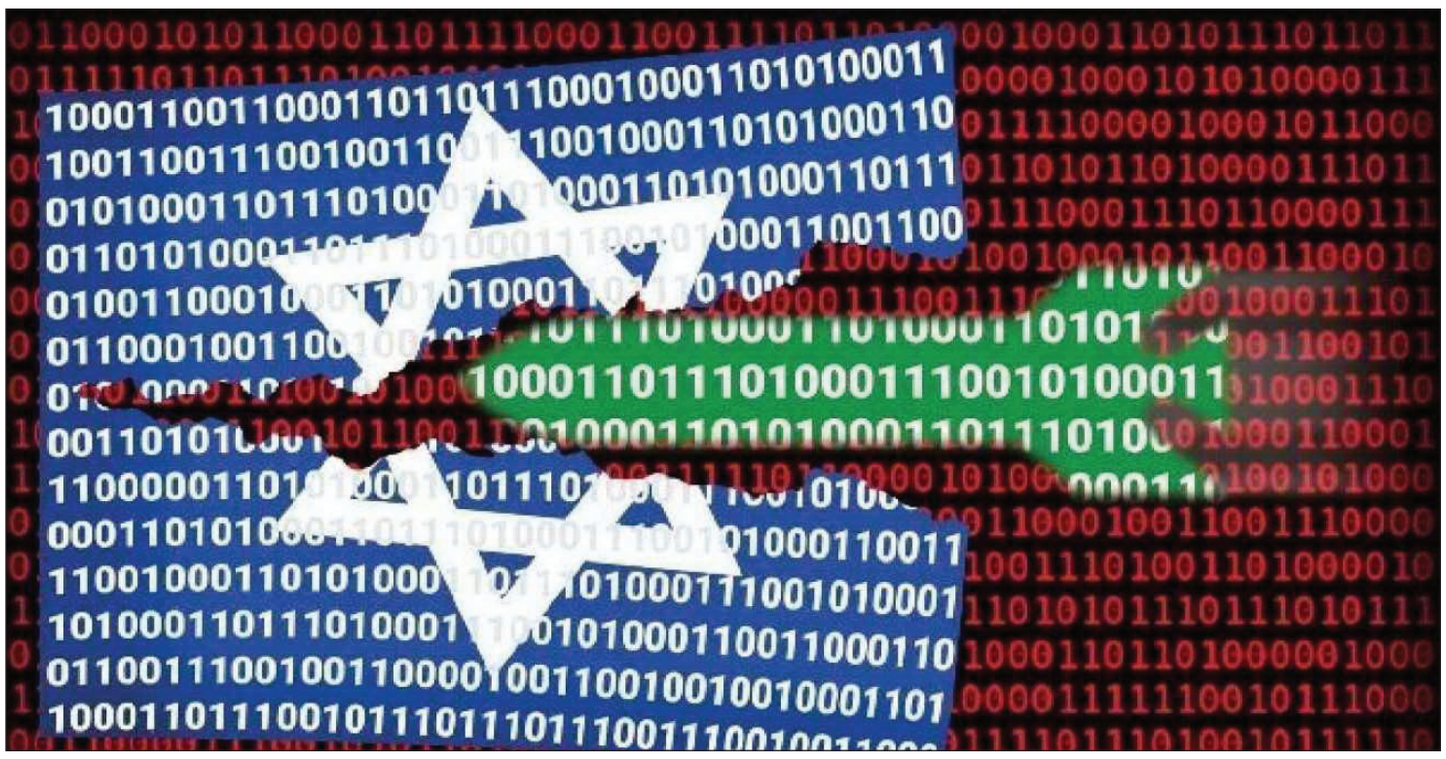

ضرب شست سایبری به اسرائیل

رژیم صهیونیستی همیشه تلاش کرده خود را یک قدرت سایبری نشان دهد اما طی هفته‌های اخیر زیرساخت‌های این رژیم هدف حملات جدی قرار گرفته‌اند

فناوری

عمادالدین قاسمی‌پناه
روزنامه‌نگار

در روزهای اخیر سامانه‌های شهرداری تل‌آویو از خاک عراق هدف حمله سایبری قرار گرفت و از کار افتاد. طی هفته‌های گذشته هم در سکوت رسانه‌های بین‌المللی چند حمله گسترده سایبری به زیرساخت‌های سایبری این رژیم صورت گرفت. قضیه آن قدر جدی شده که حالا رسانه‌های اسرائیل زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند و می‌گویند بسیاری از اطلاعات این رژیم لو رفته است. طی سال‌های گذشته رژیم صهیونیستی به‌صورت پنهان حملات سایبری گسترده‌ای را به کشور ما برنامه‌ریزی کرده و تلاش داشته از خود چهره‌ای قدرتمند در جنگ‌های سایبری نشان دهد. حملات روزهای اخیر اما نشان داده که چقدر سامانه‌های این رژیم در مقابل حملات دقیق آسیب‌پذیر هستند.

از استاکس نت تا پگاسوس

رژیم صهیونیستی در حملات و جاسوسی سایبری همیشه بدنام بوده است.

شاید نفوذ ویروس استاکس‌نت به زیرساخت‌های صنعت هسته‌ای کشور در سال ۱۳۸۶ را بتوان سرآغاز جنگ سایبری بین ایران و کشورهای متخاصم دانست. چراکه این حمله نخستین حمله سایبری بود که منجر به تخریب فیزیکی، آن هم در تاسیسات هسته‌ای شد. پس از آن، شکل تخاصم و حملات تغییر کرد و گروه‌های هکری ایران هم توانستند با اتکا به دانش و متخصصان داخلی، حملات متعددی را طراحی و اجرا کنند. طی سال‌های اخیر جاسوس‌افزارهای اسرائیلی که به کشورهای دیگر فروخته شدند باعث چنان رسوایی شد که رسانه‌های جهان آن را تحت پوشش قرار دادند. شاید جنجالی‌ترین نرم‌افزار جاسوسی که گوشی‌های برخی سیاستمداران و روزنامه نگاران دنیا را هدف قرار داد، پگاسوس باشد. پگاسوس بدافزار ساخت شرکت اسرائیلی NSO است که با تأیید دولت اسرائیل به کشورهای متحد این رژیم برای جاسوسی فروخته شده است. بیش از ۶۰۰ سیاستمدار (۳ رئیس‌جمهور، ۱۰ نخست‌وزیر، و پادشاه مراکش)، ۱۸۹ روزنامه‌نگار، ۶۴ مدیر شرکت، ۸۵ فعال حقوق بشر و اعضای خانواده کشورهای عربی از اهداف پگاسوس بوده‌اند. اکنون اما زمین بازی عوض شده است.

نفوذ به تاسیسات آب اسرائیل

متخصصان سایبری اسرائیل می‌گویند که بسیاری از سیستم‌های صنعتی در اسرائیل و خارج از آن در معرض حملاتی هستند که به هکرها امکان دسترسی، کنترل سیستم‌ها و ایجاد آسیب فیزیکی را می‌دهند. نمونه این آسیب‌پذیری، زمانی مشاهده شد که هکرها با انتشار عکسی از رابط گرافیکی سیستم کنترل پمپ فاضلاب در اور عقیفا (OrAkiva)، شهری در استان حیفا رژیم صهیونیستی، توانایی‌های فنی خود و البته نفوذپذیری این سامانه از طریق فضای وب را به نمایش گذاشتند. آنگونه که مشخص شده، این رابط کاملاً بدون دفاع است و حتی به رمز عبور نیاز ندارد و وب‌سایت آن هم از پروتکل https استفاده نمی‌کند. همچنین تصویر این رابط، پمپ‌های فاضلاب اور عقیفا، سطح، جریان و فشار فاضلاب و همچنین سایر پارامترها را نشان می‌داد.

ساده نشان دادن حمله

به گفته شهرداری اور عقیفا، این رابط تنها برای نظارت بر سیستم فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد و اجازه اقداماتی را که به سیستم آسیب وارد می‌کند نمی‌دهد. با این حال، بعضی کارشناسان سایبری که تمایلی به افشای نام خود نداشتند، تأیید کردند که هکرها حداقل، روی کاغذ می‌توانند از این رابط برای انجام اقداماتی از راه دور استفاده کنند که باعث آسیب جدی به سیستم خواهد شد. یکی از متخصصان امنیت سایبری می‌گوید: «واحدهای کنترل از راه دور می‌توانند با توجه به پارامترهای خاصی (مثلاً ارتفاع آب در یک مخزن) که سیستم بر آنها نظارت می‌کند، بعضی اقدامات را انجام دهند. از جمله این اقدامات می‌توان به بستن و باز کردن پمپ‌ها و شیرها اشاره کرد.» تام الکساندرویچ، رئیس تیم حفاظت سایبری در اداره ملی سایبری اسرائیل به‌طور تلویحی این حمله را خطرناک توصیف و عنوان می‌کند: «نقطه ضعفی که به‌طور پیوسته در بسیاری از حمله‌های اخیر مشاهده می‌کنیم، این است که این واحدهای کنترل از راه دور که البته سیستم‌های امنیتی مدرنی محسوب نمی‌شوند، می‌توانند به هکری که از اینترنت به آنها دسترسی دارد اجازه کنترل آنها را بدهد و نحوه عملکردشان را تغییر دهد.» او تأکید می‌کند که این اتفاق معمولا ناشی از «ترکیبی از عدم‌آگاهی و کمبود منابع انسانی ویژه» است. آنگونه که هاآرتص می‌نویسد، خطر هک شدن در جنگ سایبری روزافزون در حالی مشاهده می‌شود که طی ۲ سال گذشته گروه‌های منتسب به ایران موفق به هک کردن تاسیسات آب در اسرائیل، از جمله سیستم‌های کنترل و نظارت تصفیه خانه‌های فاضلاب، ایستگاه‌های پمپاژ و فاضلاب شدند.

هک آژیر خطر

اواخر ماه خرداد بود که فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل اعلام کرد که آژیرهای خطر در ایلات و بخش‌هایی از اورشلیم به‌علت حمله سایبری به سیستم‌های عمومی محلی به صدا درآمده‌اند. به‌نظر می‌رسد که اسرائیل همچنان در حال بررسی به صدا درآمدن آژیر به‌عنوان حمله احتمالی ایران است. آژیرها حملات راکتی به اسرائیلی‌ها را هشدار می‌دهند و در پی آن، به مقامات محلی اورشلیم و شهر ایلات در دریای سرخ دستور داده می‌شود که در حالت آماده باش کامل بمانند. در بیانیه فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل آمده است که مسئولان به سرعت اقدامات حفاظتی را روی این سیستم‌ها پس از حمله انجام خواهند داد.

حمله به سامانه‌های دولتی

زمان زیادی از یک حمله سایبری دیگر به تعدادی از وب‌سایت‌های دولتی اسرائیل که آنها را از کار انداخت، نمی‌گذرد. مقامات سایبری اسرائیل تأیید کردند که این حمله از نوع DDos بود که دسترسی به وب‌سایت‌های دولتی را مسدود کرد. اگرچه این وب‌سایت‌ها پس از مدتی دوباره آنلاین شدند، اما سامانه‌های وزارتخانه‌های کشور، بهداشت، دادگستری و رفاه و همچنین دفتر نخست‌وزیری اسرائیل از دسترس خارج شده بود. یک مقام ارشد دفاعی اسرائیل تأیید کرد که یک حمله سایبری گسترده علیه وب‌سایت‌های دولتی اسرائیل انجام شد و منابع امنیت سایبری هم اعلام کردند که این عملیات حمله‌ای از نوع محروم‌سازی از سرویس‌ها و خدمات (DDos) در مقیاس وسیع بود.

به گزارش هاآرتص، یک منبع دفاعی می‌گوید که این نفوذ، بزرگ‌ترین حمله سایبری بود که علیه اسرائیل انجام شد. آنها بر این باورند که یک بازیگر دولتی یا یک سازمان بزرگ این حمله را انجام داده است، اما هنوز نمی‌توانند تعیین کنند که چه‌کسی پشت آن است.

همکاری مخفیانه با آمریکا

چند سال پس از حمله استاکس‌نت روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی فاش کرد که این پروژه با اسم رمز بازی‌های المپیک به‌صورت مشترک توسط آمریکا و اسرائیل انجام شده است. اکنون خبرهای جدیدی هم از این همکاری منتشر شده است. از چند سال قبل شرکت NSO Group با تولید و فروش نرم‌افزار جاسوسی پگاسوس یک رسوایی بزرگ برای اسرائیل رقم زد. پگاسوس یک ابزار هک بی‌نیاز از کلیک (zero-click) محسوب می‌شود که می‌تواند از راه دور، همه‌چیز را از گوشی هدف، از جمله پیام‌ها، مخاطبان تماس، عکس‌ها و ویدئوها استخراج کند. حالا گزارش اخیر نیویورک تایمز فاش کرده که تیمی از مدیران یک شرکت پیمانکار نظامی آمریکایی در ماه‌های اخیر، بارها و بی‌سر و صدا به اسرائیل رفته‌اند تا سعی کنند یک نقشه جسورانه اما پرخطر را اجرا کنند؛ خرید NSO Group. اقدام شرکت آمریکایی L3Harris در حالی است که آمریکا چند ماه پیش، NSO را در لیست سیاه قرار داد. زیرا پگاسوس از سوی دولت‌های دیگر، برای نفوذ به تلفن‌های رهبران سیاسی، فعالان حقوق بشر و روزنامه نگاران مورد استفاده قرار گرفته بود. به همین خاطر، آمریکا در ماه نوامبر اعلام کرد که NSO برخلاف امنیت ملی یا منافع سیاست خارجی این کشور عمل کرده و شرکت‌های آمریکایی از انجام هرگونه تجارت با این شرکت اسرائیلی منع شده‌اند.

بعضی شنیده‌ها البته حکایت از حمایت تلویحی اف‌بی‌آی و سیا از این معامله دارد. درصورتی که این خرید عملیاتی شود، یک‌بار دیگر شاهد رویکردها و سیاست‌های دوگانه آمریکا نسبت به مفهوم حقوق بشر و حفظ حریم خصوصی خواهیم بود.

حیرت‌انگیز ترین تصاویر ثبت‌شده از هستی

نجوم

پس از انتشار رسمی نخستین عکس واضح از کهکشان‌های بسیار قدیمی، ناسا به وعده خود عمل و سایر عکس‌ها را نیز منتشر کرد. در این تصاویر جدید، منظره‌ای از کوه‌ها و دره‌های مملو از ستاره‌های درخشان، درواقع لبه منطقه ستاره‌زایی جوان به نام NGC 3324 در سحابی کاریناست. این تصویر که توسط تلسکوپ فضایی جیمزوب جدید ناسا در نور فروسرخ گرفته شده است، برای نخستین‌بار مناطقی را که قبلا نامرئی از تولد ستاره‌ها بوده است، نشان می‌دهد.

به گزارش ناسا، تصویر سه‌بعدی وب که صخره‌های کیهانی نامیده می‌شود، مانند کوه‌های سنگی در یک عصر مهتابی به‌نظر می‌رسد. درواقع، این لبه حفره غول‌پیکر گازی درون NGC 3324 است و بلندترین قله‌های موجود در این تصویر حدود ۷ سال نوری ارتفاع دارند. ناحیه غارمانند توسط تابش شدید فرابنفش و بادهای ستاره‌ای ستارگان بسیار عظیم، داغ و جوان واقع در مرکز حباب، بالای ناحیه نشان داده شده در این تصویر، از سحابی حک شده است.

بخاری که به‌نظر می‌رسد از کوه‌های آسمانی بلند می‌شود، درواقع گاز داغ، یونیزه و غبار داغ است که به‌دلیل تشعشعات بی‌امان از سحابی برمی‌خیزد.

در بخش‌هایی دیگر از این تصاویر، جیمز وب مهدکودک‌های ستاره‌ای در حال ظهور و ستارگان تکی را نشان می‌دهد که کاملا در تصاویر نور مرئی پنهان شده‌اند. اما وب به‌دلیل حساسیت به نور مادون قرمز، می‌تواند از میان غبار کیهانی به اجرام نگاه کند. جت‌های پیش‌ستاره‌ای که به وضوح در این تصویر ظاهر می‌شوند، از برخی از این ستاره‌های جوان خارج می‌شوند. جوان‌ترین منابع به‌صورت نقاط قرمز در ناحیه تاریک و غبارآلود ابر ظاهر می‌شوند. این مشاهدات NGC 3324 روند تشکیل ستاره را روشن می‌کند.

سیاره گازی WASP-96b

طیف سیاره گازی نخستین طیف از اتمسفر سیاره‌ای بسیار داغ، بزرگ و گازی است که هزار سال نوری دورتر از ماست و پیش از جیمزوب به آن دسترسی نداشتیم.

در این طیف نشری ترکیبات شیمیایی مستقیم از اتمسفر یک سیاره فراخورشیدی به تصویر کشیده شده است که وجود آب را نیز نشان می‌دهد. علاوه بر این ابر هم حتی دیده می‌شود.

سیاره WASP-96b

یک سیاره شبیه به مشتری، اما به اندازه نصف آن. این نخستین طیف از اتمسفر یک سیاره فراخورشیدی است که جیمزوب منتشر کرده است و حالا باید با وجود انتشار این تصویر، منتظر نتایج هیجان‌انگیز دیگری از سیاره‌های فراخورشیدی و منظومه‌های خورشیدی باشیم.

سحابی حلقه جنوبی

این دقیق‌ترین تصویر در طول موج فروسرخ نزدیک است که از سحابی سیاره‌نمای حلقه جنوبی منتشر شده است. این سحابی با انفجار یک ستاره در گذشته ایجاد شده است و در مرکز آن یک منظومه دوتایی از ستاره‌ها قرار دارد.

حلقه نارنجی بیرونی ناشی از درخشش گازهای هیدروژن و ابرهای آبی داخلی این سحابی گازهای یونیزه شده است. جزئیات موجود در این عکس، برای نخستین‌بار باعث شگفتی پژوهشگران ناسا شد.

هیجان‌انگیزترین بخش این تصویر، کهکشانی است که در گوشه تصویر به چشم می‌خورد. نمایش این تصویر باعث شد قابلیت‌های جیمزوب در به تصویر کشیدن جزئیاتی تا این حد، بیش از قبل دانشمندان ناسا را شگفت‌زده کند.

گروه پنج‌تایی استفان

نخستین تصویر از سحابی پنج‌تایی استفان در طول موج فروسرخ نزدیک ثبت شده است. میلیاردها ستاره در هر یک از این کهکشان‌ها نشان داده شد. چیزی که این گروه را جالب می‌کند، ۲ کهکشان مرکز تصویر است که در حال برخورد به هم هستند. در این تصویر حتی کهکشان‌های پس‌زمینه دیگری نیز دیده می‌شود.

در پشت این تصویر کهکشان‌های بسیار دورتر قرار دارند و در گوشه‌ها، ستاره‌ها نزدیک‌تر به ما هستند. در تصویر دوم از این جرم که در طول موج فروسرخ میانی ثبت شده است، سیاهچاله ابرپرجرم قرار دارد که این ۵ کهکشان را در کنار هم قرار داده است. اینها خیره‌کننده‌ترین تصاویر ثبت شده توسط جیمز وب هستند.

پزشکی

احتمال ابتلای مجدد به اومیکرون در مدت کوتاه

با ظهور سویه‌های جدید اومیکرون و سرعت بالای انتقال آنها، ابهام درباره ابتلای چندباره به آن باعث نگرانی شده است. متخصصان می‌گویند احتمال عفونت مجدد و مثبت شدن تست پس از بهبودی از عفونت قبلی امکان‌پذیر است. به گزارش کانورسیشن، عفونت مجدد یک‌درصد از کل موارد را در دوره قبل از اومیکرون در انگلستان تشکیل می‌داد، اما در هفته‌های اخیر بیش از ۲۵درصد از موارد ابتلای روزانه آمریکا و ۱۸درصد از آمار در نیویورک را شامل می‌شود.

با توجه به انتشار زیرسویه‌های BA.4 و BA.5 که راحت‌تر منتقل می‌شوند، افرادی هم که قبلا واکسینه یا به ویروس آلوده شده‌اند دچار ابتلای جدید خواهند شد.

اما ابتلای مجدد به ۴ عامل کلیدی تقسیم می‌شود: ویروس، پاسخ ایمنی هر فرد به عفونت گذشته، وضعیت واکسیناسیون و اقدامات محافظتی شخصی. در مورد ۲ عامل اول کار زیادی نمی‌شود انجام داد، اما در مورد ۲ عامل دوم می‌شود اقداماتی داشت.

فرار بهتر از سیستم ایمنی

در مورد ویژگی‌های فرار سیستم از ایمنی زیرمجموعه‌های اومیکرون به‌دلیل جهش‌های متعدد و جدید در پروتئین اسپایک SARS-CoV2، مطالب زیادی نوشته شده است. عفونت پیش از اومیکرون به انواع آلفا، بتا و دلتا ایمنی متقابل طولانی مدتی ایجاد می‌کرد. این عفونت‌ها همچنین محافظت مؤثری در برابر عفونت علامت دار داشتند. با این حال، همه‌چیز با ظهور اومیکرون BA.1 در اواخر سال ۲۰۲۱ تغییر کرد و مطالعات نشان داد که محافظت متقاطع کاهش یافته در برابر عفونت قبلی با پاسخ‌های آنتی بادی کمتر قوی، مرتبط بود. این نشان می‌دهد که ابتلا به زیرسویه‌های اولیه BA.1 و BA.2 لزوما ما را در برابر خواهر و برادرهای جدیدترشان محافظت نمی‌کند.

نحوه برخورد سیستم ایمنی ما با عفونت قبلی کووید می‌تواند بر نحوه بررسی قرار گرفتن در معرض سویه‌های آینده تأثیر بگذارد. ما می‌دانیم که افراد مبتلا به سرکوب سیستم ایمنی بیشتر در معرض خطر عفونت مجدد یا در واقع عود عفونت مداوم هستند. نظرسنجی بزرگ درباره ابتلا به کووید در بریتانیا نشان می‌دهد که در جمعیت عمومی، افرادی که هیچ علامتی را گزارش نمی‌کنند یا غلظت‌های کمتری از ویروس در سواب‌های PCR خود با عفونت قبلی دارند، نسبت به افرادی که علائم یا غلظت‌های ویروسی بالاتری دارند، بیشتر احتمال دارد دوباره آلوده شوند.

پاسخ ما به عفونت مجدد

از زمان آغاز واکسیناسیون کووید در سال ۲۰۲۱، محافظت عالی در برابر بیماری شدید (که منجر به بستری شدن در بیمارستان یا مرگ می‌شود) و هم در برابر عفونت علامت‌دار ایجاد شد. نکته مهم این است که حفاظت در برابر بیماری شدید، به‌دلیل پاسخ‌های سیستم ایمنی بدن ما در برابر بخش‌هایی از ویروس بود که از سویه اصلی جهش پیدا نکرده‌اند و این محافظت همچنان پابرجاست. اما سویه‌های اومیکرون می‌توانند افراد را حتی اگر واکسینه شده باشند آلوده کنند، زیرا راه‌هایی برای فرار از آنتی‌بادی‌ها خنثی‌کننده پیدا کرده‌اند. مطالعه‌ای جدید نشان می‌دهد که ۶ماه پس از دوز دوم واکسیناسیون، سطح آنتی بادی علیه همه زیرشاخه‌های اومیکرون در مقایسه با سویه اصلی به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد. یعنی توانایی واکسن برای محافظت در برابر عفونت با متغیرهای فرعی سریع‌تر از سویه اصلی ویروس کمتر می‌شود. نکته جالب توجه در این مطالعه، سطوح آنتی‌بادی بالاتر در افراد آلوده و واکسینه شده بود. با این حال باز هم بازی به نفع سویه‌های جدیدتر امیکرون بود.

محافظت شخصی

ویروس SARS-CoV-2 از فردی به فرد دیگر در هوا توسط قطرات تنفسی و آئروسل‌ها و با لمس سطوح آلوده منتقل می‌شود. ما می‌توانیم با انجام تمام کارهایی که طی ۲ سال گذشته به ما آموزش داده شده، شیوه‌های انتقال را مختل کنیم مانند، فاصله‌گذاری اجتماعی و استفاده از ماسک، شستن مرتب دست‌ها، بهبود تهویه با باز کردن پنجره‌ها و رعایت قرنطینه درصورت ابتلا.

ابتلای مجدد در آینده

برخی داده‌های امیدوارکننده نشان می‌دهد اگرچه عفونت مجدد ممکن است رایج شود، اما به ندرت با بیماری شدید همراه است. همچنین دوزهای یادآور واکسن تا حدودی از جان ما محافظت می‌کنند. درحالی که برخی از افراد در یک بازه زمانی کوتاه (کمتر از ۹۰روز) دوباره ممکن است مبتلا شود اما به‌طور عمده این اتفاق در افرادی با سن بالا و وضعیت واکسیناسیون نامناسب رخ می‌دهد.

طرح‌هایی که سازندگان واکسن با پلتفرم mRNA برای ساخت واکسن مخصوص سویه‌های اومیکرون دارند، نوید بازیابی برخی از کنترل‌های ایمونولوژیک این سویه‌ها را می‌دهد.

درهرحال در مورد تکامل ویروس یا سیستم ایمنی خود کار زیادی از هیچ متخصص و دانشمندی بر نمی‌آید، اما می‌توانیم خطر ابتلا به عفونت شدید در خود و اطرافیان را با اختلال در راه‌های انتقال ویروس و به روز ماندن واکسیناسیون‌ها به‌طور چشمگیری کاهش دهیم.

نگاه

علی احمدی فراهانی، تاریخ‌پژوه

خوانشی تحلیلی از روایت محمدتقی بهلول گنابادی، از فاجعه گوهرشاد

رضاخان تصمیم گرفت تا سحر کار را تمام کند!

بی‌تردید زنده‌یاد محمدتقی بهلول گنابادی، در زمره یکی از اصلی‌ترین رهبران قیام مسجد گوهرشاد قلمداد می‌شود. او در آغاز، قصد شکل دادن به این اعتراض، به‌ترتیبی که روی داد، نبود. عادت داشت که هرگاه شب‌جمعه‌ای در جوار مراقد یکی از معصومین(ع) بر او فرارسد، در جوار آن حرم مقیم شود و همین امر، ماجرا را کلیـــد زد! او در حرم به وعظ و اعتراض پرداخت و همین، مردم را در اطراف او گرد آورد و حساسیت عوامل حکومت را برانگیخت: «اول صبح جمعه داشتیم دعای ندبه می‌خواندیم که شخصی آمد و گفت: آقایان من از طرف استاندار آمده‌ام تا به شما بگویم متفرق شوید و اگر کاری دارید بیایید به اســـتاندار بگویید. من خودم جواب او را دادم که ما برای این جمع نشده‌ایم که با سخن تو و استاندار متفرق شویم، نه، ما استاندار را نمی‌شناسیم، زود از اینجا برو. او رفت. ما در صحن مشغول دعا و ذکر بودیم و مردم از بیرون هجوم آوردند که از ارتش بگذرند و به ما ملحق شوند که مأموران جلوگیری کردند. جنگ جاری شـــد، نه با تفنگ بلکه با نیزه و شمشیر! مردم با کمک بعضی از درشکه‌ها، از بیرون فلکه سنگ آوردند و به مأموران زدند. به مأموران امر کردند که شلیک کنند. در همان وهله اول شلیک، ۲افسر دولتی کشته شدند که یکی خودش را کشته بود و سربازی هم افسر دیگری را کشته بود! در جنگ (صبح جمعه) چند مأمور کشته و چند نفری هم از مردم شهید شدند. رئیس سربازان برای اینکه انقلاب نظامی نشود و عده‌ای از سربازان به ما نپیوندند، دستور بازگشت داد که سربازان به پادگان برگردند...».

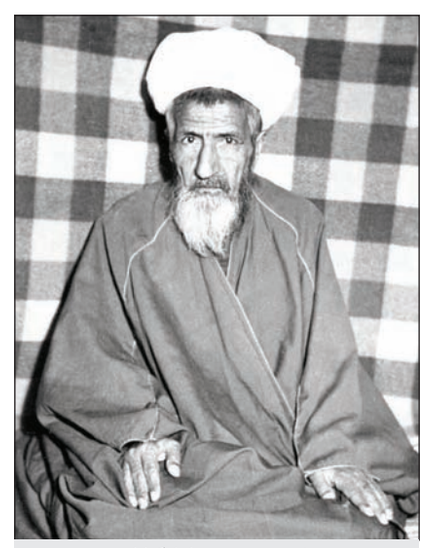

نجف، محمدتقی بهلول گنابادی
پس از آزادی از زندان افغانستان

بهلول گنابادی: «صبح جمعه ما در صحن مشغول دعا و ذکر بودیم که مردم از بیرون هجوم آوردند تا از ارتش بگذرند و به ما ملحق شوند. جنگ جاری شد، نه با تفنگ بلکه با نیزه و شمشیر! مردم با کمک بعضی از درشکه‌ها سنگ آوردند و به مأموران زدند. به مأموران امر کردند که شلیک کنند. در همان اول، ۲افسر دولتی کشته شدند که یکی خودش را کشته بود و سربازی هم افسر دیگری را کشته بود!...»

شنبه شب اما قزاق دستور به کشـــتار داد! مأموران تصور بردند که مردم با طی شدن پاسی از شـــب، حرم را ترک می‌کنند که بالعکس شد! حتی به آنان خبر رسید که از دهات مجاور مشهد نیز خلق‌الله به معترضین می‌پیوندند. شرایط به سمتی می‌رفت که کار را بر متولیان سرکوب مردم ســـخت می‌کرد. آنان گذر زمان را به ضرر خود دیدند و نهایتا به حرم رضوی یورش بردند: «شب شنبه به آرامی گذشت. روز شنبه سراسر مشهد شعار و حرکت و شهر شلوغ بود و از دهات با کلنگ، بیل و تیشه و... به شهر آمدند و عده‌ای از دهات آمدند و گفتند: ما از دهات نزدیک آمده‌ایم و بی‌ســـلاحیم، ولی فردا صبح یکشنبه از دهات دور و نزدیک، با سلاح زیاد به یاری شما می‌آیند. این خبر که به ما رسید خوشحال شدیم ولی دولت هم از این کار باخبر بود و لذا تصمیم گرفته بود سحر کار را تمام کند. در این جنگ، ۲تلگراف از رضاشاه به مشهد رسیده بود که وقتی به او خبر دادند مردم در مسجدند و بهلول علیه حکومت تو ســـخنرانی می‌کند، گفته بود: بهلول کیست؟ مسجد چیست؟ آتش کنید!... در تلگراف دوم وقتی که روز جمعه جنگ شد و به او خبر دادند، گفت: به هر قیمت شده است مسجد را بگیرید!... . این تلگراف نیمه‌شب یکشنبه رسید. همه آمادگی‌های خود را فراهم کردند و لشـــکر را عوض کرده بودند. سربازهای مؤمن را از میدان گرفته و سربازهای بی‌دین را آماده حمله کرده بودند، که از کشتن مضایقه نکنند. ساعت ۲۱نیمه‌شب یکشنبه به ما خبر دادند که دولتی‌ها آمادگی خود را برای جنگ به‌دست آورده‌اند و سنگربندی و توپ‌ها را بر مسجد گوهرشاد و صحن نصب کرده‌اند و می‌خواهند نیم‌ساعت به صبح مانده، حمله کرده و ما را متفرق کنند. این خبرها به ما رسید و از طرف دیگر چند نفر از برادران دهاتی که آمده بودند، گفتند: جمعیتی زیاد از برادران دهاتی، اول آفتاب به شما ملحق می‌شوند و اگر برسند به نفع شما تمام می‌شود. سربازان دولتی هم از این موضوع خبر داشتند و تمام فعالیتشان این بود، که جنگ را قبل از طلوع آفتاب شروع کنند و ما هم کوشش می‌کردیم هر طور شده است تا طلوع آفتاب مقاومت کنیم. ما تمام درهای مسجد را به طرفداران خود سپردیم، که دشمن از هر دری بخواهد حمله کند، امکان مدافعه باشد. در ایوان مسجد، روی منبر بودم و مردم دور منبر جمع شدند. دیدم اگر روی منبر بمانم چپه‌ام می‌کنند و مرا می‌گیرند، چون داخل شده بودند، این بود که من و چند نفر دیگر فرار کردیم...».

طرحی از فاجعه مسجد گوهرشاد

«روز واقعه» در مسجد گوهرشاد آستان قدس رضوی(ع)، در آینه ۴روایت و تحلیل

می‌خواهند شما را زیر علم داروین انگلیسی ببرند!

گزارش

احمد سینایی
روزنامه‌نگار

روزهایی که بر ما می‌گذرد، نشان از سالروز کشتار مردم در مســـجد گوهرشاد آستان قدس رضوی(ع)، به دستور رضاخان دارد. در باب این رخداد اگرچه فراوان داد سخن داده شـــده اما همچنان جای تامل برداشت‌های نوین وجود دارد. مقال پی آمده درصدد است تا با بازخوانی ۴روایت و تحلیل در این باب، جلوه‌هایی از این فاجعه تاریخی را بازنمایاند. امید آنکه مفید و مقبول آید.

اعتراض مردم به تغییر لباس بود

زنده‌یاد آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراســـانی، از عالمان کهنســـالی بود که هم پـــدرش در قیام مسجد گوهرشاد حضور فعال داشت و هم خود در دوران کودکی، آن را از نزدیک مشاهده کرده بود. او سال‌ها بعد و در یک گفت و شنود تاریخی، به بازگویی مشاهدات خویش در این فقره پرداخت. شمه‌ای از این خاطرات، به قرار ذیل آمده است:

«بر خلاف تصور عده‌ای، داستان مسجد گوهرشاد برای اعتراض به کشـــف حجاب نبود بلکه برای مبارزه با متحدالشکل شدن لباس‌ها بود. رضاخان دســـتور داده بود که همه لباس‌های مختلفی که مردم ایران دارند، یک شکل شود. او کلاهی مثل کلاه‌هایی که الان فرانسوی‌ها دارند، درست کرده بود به‌نام کلاه پهلوی. به‌دلیل مخالفت با این کار رضاخان بود که حادثه مسجدگوهرشـــاد شکل گرفت. مرحوم آیت‌الله حاج آقاسیدحسین قمی یکی از بزرگ‌ترین علمای مشـــهد در آن تاریخ بود که حتی بعضی از او تقلید هم می‌کردند. بعد از اینکه رضاخان این کارها را شروع کرد، ایشان تصمیم گرفت به تهران برود و با رضاخان ملاقات کند. داســـتان این قضیه را، پدر من نقل می‌کرد و می‌گفت: در حرم دیدم ایشـــان پشت سر من نشســـته‌اند. تا مرا دیدند با دست اشاره کردند تا نزدشان بروم. رفتم و جلوی ایشان نشستم. گفتند: می‌خواهم بروم تهران و با رضاخان صحبت کنم. گفتم: فرض کنید من رضاخان هســـتم و شـــما آمده‌اید بـــا من صحبت کنید، چـــه می‌خواهید بگویید؟ گفتند: اول به تو می‌گویم این کارهایی که می‌خواهـــی بکنی رها کن، چـــون همه اینها مخالف با اسلام است، اگر قبول کردی، زانویت را می‌بوسم و برمی‌گردم، اگر قبول نکردی، می‌گویم پس بگذار من با زن و بچه‌ام بروم به عتبات عالیات! به هر حال ایشـــان به تهران رفتنـــد و نتیجه‌ای هم نگرفتند. بعد از آن کســـانی که پیرو ایشـــان بودند، اعتراض مسجد گوهرشاد را سامان دادند و بهلول را به مسجد گوهرشـــاد آوردند و دورش را گرفتند. این اجتماع خواسته‌شـــان این بود که شـــاه باید به آیت‌الله قمی جـــواب مثبت بدهد و این جمع برای حمایـــت از هدفی که آقای قمی به‌خاطر آن به تهران رفته بود، تشکیل شده بود. در مقطعی که این اتفـــاق روی داد، آیت‌الله قمی را در تهران محصور کـــرده بودند. رضاخان اجازه ملاقات با آیت‌الله قمی را نداد و ایشان گفتند: پس بگذارید من به عتبات بروم که رضاخان اجازه داد و گذرنامه هم به ایشان دادند و همراه با تعدادی از پسرانشان به عتبات رفتند. من در آن زمان به مدرسه ابتدایی معرفت می‌رفتم. پدرم گفته بود که عصرها به مدرســـه دودر بیا. برادر بزرگ من در آنجا اتاقی داشت و من در آنجا پیش یک شیخ دامغانی، گلستان می‌خواندم. در روز تجمع مردم، به مسجد گوهرشاد رفتم و دیدم جمعیت زیادی آمده و همه هم متوجه ایوان مقصوره هســـتند. نمی‌دانستم چه خبر اســـت. پدرم همین که مرا دید، گفت: بیا این پول امروزت، امروز نمی‌خواهد در نماز جماعت اینجا شرکت کنی، برو خانه! من هم رفتم. بعد پدرم اخبار مسجد را برای ما آورد. پدرم منبر رفته و صحبت کـــرده بود و به همین دلیل بعد از این ماجرا، ۴سال در خانه محصور بود و بیرون نمی‌آمد! رئیس شـــهربانی گفته بود: اگر بیرون بیایید، ما ناچاریم شما را دستگیر کنیم و من نمی‌خواهم این کار را بکنم. بقیه علما و وعاظ و منبری‌ها را گرفتند و به تهـــران تبعید کردند. روحانیون و علمای مشهد، عمدتا از تجمع مسجد گوهرشاد حمایت کردند، منتها شکل حمایت‌ها متفاوت بود. بعضی‌ها جدی‌تر وارد جریان شدند و به شاه تلگراف زدند و به همین دلیل همه اینها دستگیر شدند... .»

ما زیر بار این اجبار نمی‌رویم!

زنده‌یـــاد هادی محقـــق، فرزند خطیـــب نامی زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمســـلمین حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی اســـت. او در دوره‌ای که پدر در زمره فعالان قیام گوهرشاد بود، با وی همگامی فراوان داشت و هم از این روی، بسا فراز و نشیب‌های این حرکت را مشـــاهده کرد. وی نیز بعدها در گفت‌وگو با سینا واحد، در این‌باره چنین گفت:

«آن روزها ۱۶ ـ ۱۵ سال داشتم. یادم هست که نزدیکی‌های ظهر یک روز پنجشنبه بود، مرحوم آیت‌الله حاج آقاحســـین قمی جلوی حمام شاه آمدند. من هم بودم. یک عده ریختند دور ایشان و گفتند: باید برویم مســـجد. همـــه راه افتادیم. آقایان روحانیان دیگر هنوز نیامده بودند و ایشان خودشان منبر رفتند و نیم ســـاعتی برای مردم حرف زدند. بعد هم به منزل برگشتیم. ظاهرا در صبح جمعه، عده‌ای از مأموران ارتش می‌ریزند به داخل صحن و عده‌ای از مردم را می‌کشـــند. این بود تا رسیدیم به شب شنبه. در آن شب قرار بود اول حاج شـــیخ مرتضی ایدگاهی و بعد حاج شیخ مهدی واعظ خراســـانی و بعد هم پدر بنده حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی منبر بروند. حاج شـــیخ مرتضی نیم‌ســـاعتی صحبت کرد. بعد حاج‌شـــیخ مهدی یک ســـاعت منبر رفت و بعد هم پدر من حدود یک ســـاعت و ۲۰ دقیقه صحبـــت کردند. یادم هســـت خطاب به مردم گفتند: هوشیار باشید که می‌خواهند شما را ببرند زیر علم داروین انگلیسی!... پدرم خیلی خوب صحبت می‌کرد و مورد اقبـــال مردم بود. محور اصلی صحبت آقایـــان، قضیه کلاه‌پهلوی، تغییر لباس و این حرف‌ها بود. همه آقایان علما و منبری‌ها حرفشان این بود که ما زیر بار این اجبار نمی‌رویم. می‌گفتند که اسدی به رضاشاه گفته بود که هم‌اکنون این کار عملی نیست. رضاشاه هم به پاکروان استاندار خراسان می‌گوید که این کار را انجام بدهد و او هـــم گفته بود، که اطاعت امر می‌کنم! مأمـــوران به جان مـــردم افتادند و کشتار عجیبی به راه انداختند. یادم هست فردای شبی که آن کشـــتار انجام شد، شـــیخ مرتضی واعظ گیلانی آمد و قضیه را بـــه پدرم گفت. بعد هر دو به منزل یکی از تجاری که دوست‌شان بود، رفتند. مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا حسین قمی قبل از عزیمت به تهران، چند نفر از منبری‌های مشهد، از جمله مرحوم پـــدرم و مرحوم آقای ایدگاهی و آشیخ مهدی واعظ خراســـانی را می‌خواهند و به آنها می‌گویند که دارند مرا بـــه تهران می‌برند، شما مراقب اوضاع باشـــید و به تکلیف خودتان عمل کنید... .»

بهلول گفت: هر کســـی کـــه می‌خواهد می‌تواند برود، اینها قصد کشـــتن من را دارند!

نام زنده‌یـــاد علامه شـــیخ محمدتقـــی بهلول گنابادی، با رویداد قیام مســـجد گوهرشاد گره خورده اســـت و خاطرات وی از این خیزش، در زمره منابع دست اول این رویداد به‌شمار می‌رود. محمدرضا چیت‌سازان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، ورود بهلول به این فرایند را، اینگونه تحلیل کرده است:

«تغییر لبـــاس و اجبـــاری کردن کلاه‌شـــاپو، واکنش روحانیان را در پی داشـــت. در مشـــهد رهبر مخالفان، واعـــظ قمی بود که با دســـتور رضاشاه، دستگیر و به عراق تبعید شد. درحالی‌که حکومت گمان می‌کرد با دستگیری واعظ قمی، مبارزات مردم علیه رضاشاه به پایان رسیده است، محمدتقی گنابادی معروف به بهلول وارد کارزار مبارزه شـــد و علم مخالفت با اقدامات رضاشاه را برداشت. ایشان به محض ورود به مشهد در ۷تیر ۱۳۱۴ش به منزل شـــیخ واعظ قمی رفت و بعد از اطمینان از اوضاع و احول ایشـــان، راهی حرم امام‌رضا(ع) شد. بهلول در حرم امام هشتم(ع)، علیه سیاست‌های ضداســـلامی رضاشاه نطقی آتشین کرد. وی در کتاب خاطراتش با صراحت، از هدف خود از سفر به مشهد گفته است: من یک نقشه‌ای داشتم که غیراز خدا و خودم نمی‌دانست و آن این بود که اول در تمام شـــهرها سخنرانی کنم و پس از آن، قیام در مقابل دولت را شـــروع کنم. برای همیـــن در تمامی شـــهرهای ایران، ســـخنرانی کرده و قصد داشـــتم در مازندران و آذربایجان که مردم جنگجـــو در این دو زیادند، سخنرانی و آنها را به قیام دعوت کنم، ولی نشد و مجبور شدم قبل از عملی شدن کل نقشه‌ام، در مشهد قیام کنم... سخنرانی محمدتقی گنابادی در مشـــهد و آســـتان قدس رضوی(ع) از چشم حکومت دور نماند. مأموران شـــهربانی بهلول را زیرنظر داشتند، اما برای اینکه با دستگیری‌اش مردم را تحریک نکنند، او را در یکی از حجره‌های حرم محبوس کردند و تا پاســـی از شب منتظر ماندند. با خلوت‌تر شدن حرم در ساعات پایانی شـــب، مأموران شـــهربانی تصمیم گرفتند او را دستگیر و زندانی کنند، اما یک اتفاق مسیر ماجرا را به شکل دیگری رقم زد. نواب احتشام رضوی سرکشیک شب حرم مطهر رضوی، وارد حجره‌ای شد که شـــیخ‌بهلول گنابادی را در آنجا محبوس کرده بودند. وی با دیدن بهلول در حجره، بسیار تحت‌تأثیر قـــرار می‌گیرد و به همیـــن دلیل به میان جمعیـــت می‌آید، کلاه پهلـــوی خود را از سر بر می‌دارد، آن را به زمین می‌اندازد و مردم را تحریک می‌کند تا به حجره بهلول گنابادی روند و او را آزاد کنند. نکته جالب توجه اینجاست که خود بهلول با ایـــن کار مردم چندان موافق نبود. وی به آنها می‌گوید: کار پســـندیده‌ای نبود که نظم و آرامش حرم امام رضـــا(ع) را بر هم زدید، با این حال کاری است که شده و باید از ظرفیت ایجادشده، به نحو احسن استفاده کرد، باید آماده جهاد شویم و تمام تلاش خود را به خرج دهیم، تا شیخ واعظ قمی را از اسارت حکومت نجات دهیم یا اینکه خون خود را در راه جهاد در راه خدا خرج کنیم... ایشان به تأسی از سیره امام حسین(ع) در شب عاشـــورا، مردم را به دور خود جمع و بر پای منبر اعلام کرد که هر کســـی که می‌خواهد می‌تواند برود، اینها قصد کشـــتن مـــن را دارند. بااین‌حال مردم به‌صراحت گفتند: ما شـــما را در مقابل عمال رژیم تنها نمی‌گذاریم...».

۱۳۱۴، رضاخان

هادی محقق: «همه آقایان علما و منبری‌ها ازجمله پدرم، مرحوم حاج‌شیخ عباسعلی محقق خراسانی حرفشان این بود که ما زیر بار اجبار به تغییر لباس نمی‌رویم. عده‌ای می‌گفتند که اسدی به رضاشاه گفته بود که هم‌اکنون این کار عملی نیست. رضاشاه هم به پاکروان استاندار خراسان می‌گوید که این کار را انجام بدهد و او هم گفته بود که اطاعت امر می‌کنم! مأموران به جان مردم افتادند و کشتار عجیبی به راه انداختند...»

سخنرانی‌های داغ بهلول، به نوعی متمم ماجرا بود!

آیت‌الله سیدمحمدعلی شیرازی، فرزند زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی است که در رهبری قیام گوهرشاد نقشی نمایان داشت و به همین دلیل نیز، مدت‌ها در زندان مشهد و تهران به سر برد. روای در ســـخنان خود، تلقی نسبتا متفاوتی از نقش بهلول در حرکت اعتراضی مردم مشهد ارائه کرده است:

«مرحوم والـــد (آیت‌الله العظمی ســـیدعبدالله شـــیرازی)، معتقد بودند که بهلـــول یک لحن حماسی داشت و آن شب توانست در این قضیه تأثیر بگذارد، منتهی در حـــد خودش و نه اینکه طراح واقعه گوهرشاد باشـــد. خود مرحوم آقا در تحصن‌ها، حرکت‌ها و قیام‌های منتهی به واقعه مسجد گوهرشاد، نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و شاید بشود گفت ســـخنرانی‌های داغ مرحوم بهلول، به نوعی متمم ماجرا بود. مرحوم آقا از آنجا که اساساً با رژیم شاه مخالف بودند، از هر کسی که به هر شکلی با این رژیم مقابله می‌کرد، حمایت می‌کردند و به او علاقه نشـــان می‌دادند. ایشان حتی می‌گفتند: آن شب واقعه، من او را به منبر فرستادم، چون می‌دیدم سایر منبری‌ها منبرشان بزمی اســـت نه رزمی! آنها فقط مردم را نصیحت می‌کردند، درحالی‌که شرایط به‌گونه‌ای بود که باید مردم به رزم تشویق می‌شدند. می‌فرمودند: چون روحیه بهلول را می‌شناختم و می‌دانستم حرفش تأثیر دارد، به آقایان حاضر در جلسه‌مان گفتم: خوب است امشب بهلول را تشویق کنیم تا به منبر برود. او هم به منبر رفت و به رژیم رضا شـــاه بد گفت! رژیم هم که ظاهراً از قبل برنامه داشت که حمله کند، صحبت‌های بهلول را بهانه کرد و فاجعه گوهرشاد پیش آمد. بعد هم بهلول به شـــکل عجیبی فرار کرد و به افغانســـتان رفت! مرحوم والد از طریق علمای افغانســـتان، کم و بیش می‌دانستند در چه حال و روزی است. پس از رحلت آیت‌الله اصفهانی عـــده زیادی از مردم افغانســـتان، از مرحوم والد تقلیـــد می‌کردند. از این گذشـــته اغلب علمای افغانستان، در نجف تحصیل کرده بودند و از این بابت هم با مرحوم آقا ارتباط داشتند. مرحوم آقا در قضیه کشف حجاب افغانستان و حکومت ظاهرشـــاه اقداماتی کرده بودند، در نتیجه از مســـائل سیاسی افغانستان مطلع بودند و از این جنبـــه هم، موضوع مرحوم بهلول را دنبال می‌کردند. البته علمای افغانستان هم دقیق نمی‌دانستند که بهلول در چه وضعیتی است، فقط می‌دانســـتند در زندان است! پس از ۳۰سال هم که از زندان افغانستان آزاد شد و به نجف آمد، مرحوم آقا او را با آغوش باز پذیرفتند. او چندماه در نجف بود و در این مدت در منزل ما اقامت داشت... .»

تاریخ ایران

تاریخ مستند ایران باستان

کتاب «تاریخ مستند ایران باستان» نوشته میرحسن ولوی را انتشارات ماهریس منتشر کرده است.

اگر تاریخ ایران را ۳بخش کنیـــم: دوران تپه‌هـــای باستانی، دوران تمدن‌های پیـــش از اســـلام و دوران اســـلامی، کتـــاب تاریخ مستند ایران باستان نوشته میرحســـن ولوی به دوره میانه می‌پردازد؛ دوره‌ای که شریان تمدن اصیل ایرانی است. در این کتاب که از دوره مادها آغاز می‌شـــود در یک نگارش کرونولوژیک (گاه‌شمار) مادها که در اواخر قرن۸ قبل از میلاد در نواحی غربی ایران متحد شدند تا در مقابل حمله آشوریان مقابله کنند تا فروپاشی ساسانیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بستر، دوره‌های هخامنشـــیان و اشکانیان نیز بررسی کامل می‌شود و نویسنده سعی در انتقال حداکثر اطلاعات در باب این دوره تاریخی را دارد.

کتاب تاریخ مستند ایران باستان، کتابی ارزشمند است؛ چرا که نویسنده با تکیه بر منابع دقیق و به‌روز شده سعی در تشریح دقیق مطالب کرده و این به‌گونه‌ای بسیار بی‌طرفانه انجام گرفته است؛ یعنی در باب تأکید، صحت تاریخی رجحان داشته است. همچنین تمامی مطالب به کتاب‌های مرجع حوزه تاریخ ایران ارجاع داده می‌شوند و این مسئله موجب اعتماد مخاطب به کتاب می‌شـــود. این کتاب ۵۲۶صفحه‌ای به بهای ۲۲۰هزار تومان منتشر شده است. میرحسن ولوی متولد سال ۱۳۳۵، پژوهشگر تاریخ و منتقد است.

تاریخ جهان

بخت بیدادگر

کتاب «بخـــت بیدادگر» اثر «هدا مارگولیوس کووالی» را راضیه خشنود به فارسی برگردانده و از ســـوی نشـــر ماهی منتشر شده است. این اثر از مشـــهورترین کتاب‌ها دربـــاره زندگی زیر ســـایه کمونیسم اســـت؛ داستان زنی که از چاه سیاه نازیسم جان ســـالم به در می‌برد تا به مغاکی بـــس عمیق‌تر و ظلمانی‌تـــر فروغلتد؛ یعنی اتحاد جماهیر شـــوروی، آرمانشهری که ویرانشهر شد. نویسنده می‌کوشـــد با کلمه، تنها ابزار بی‌قدرتان، این چرخه غم‌انگیز امید و نومیدی را به تصویر بکشـــد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «هوا کم‌کم تاریک می‌شد. دختر کوچولوی ما ساعت‌ها پیش با هزار و یک توصیه به‌دردبخور بدرقه‌مان کرده بود: از کدام راه برویم، آدم‌های معتمد را کجا پیدا کنیم و از چه کسانی بپرهیزیم. به لطف این دخترک، به مرزی رسیدیم که راهش را از قلمرو مثله شده جمهوری چکسلواکی سابق جدا می‌کرد؛ اقلیمی که حالا به آن می‌گفتند تحت‌الحمایه بوهم -موراویا و از سال ۱۹۳۹ در اشغال آلمانی‌ها بود. خسته و گرسنه، تا مغز استخوان یخ‌زده از بادی که در لباس‌های پاره‌پاره‌مان نفوذ می‌کرد، به کندی پیش می‌رفتیم. اما آن ساعات نخستین آزادی ما را زیر و رو کرده بود. آن ســـایه‌های درمانده و بی‌روح، آن گریختگان از سر درماندگی محض، حالا در چنگ اراده‌ای آهنین برای زیستن بودند.» نشر ماهی چاپ دوم این کتاب ۲۱۲صفحـــه‌ای را به بهای ۶۰هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ علم

پیشرفت و عقلانیت در علم

کتـــاب «پیشـــرفت و عقلانیت در علم» نوشـــته «پـــل فایرابنـــد» و دیگر نویســـندگان را محمدرضا اســـمخانی بـــه فارســـی برگردانده و از ســـوی نشر کتاب پارســـه منتشر شده است.

تاریخ علـــم عموما به مثابه تاریـــخ توســـعه بهترین و موفق‌ترین نظریه‌های علمی تصویر می‌شـــود. اما آیا بهتر و موفق‌تر بودن یک نظریه علمی بـــا عقلانی‌بودن آن نیز تلازم دارد؟ و اساسا در رقابت میان نظریه‌های علمی و ارزیابی آنها، عقلانی‌بودن آنها چه جایگاهی دارد؟ همین پرسش‌های ساده، چالش‌های بسیاری را برای فلسفه علم معاصر رقم زده است؛ ازجمله اینکه آیا علم اساسا فعالیتی عقلانی است یا خیر، و اگر آری، عقلانیت علمی را، به‌ویژه با نظر به قضاوت تاریخ چگونه می‌توان صورت‌بندی کرد؟

اما غوغایی که این مسئله به راه انداخت دامن مسائل دیگر را نیز گرفت که ازجمله آنها مسئله پیشرفت علم بود. برای نمونه، این تصور بدیهی به چالش کشیده شد که تاریخ علم حاکی از نوعی پیشرفت است: پیشرفت ساده و خطی نظریه‌های جدیدتر از بطن نظریه‌های قبلی. از این قرار، صورت‌بندی شفاف و دفاعی نظری از اصل ایده پیشرفت در علم نیز ضرورت یافت.

کتاب حاضر، مجموعه‌ای از مقالات برجسته در باب ۲مسئله مرتبط با عقلانیت و پیشرفت در علم اســـت؛ مقالاتی که در عین حال گواهی محکم بر درهم تنیدگی فلسفه علم و تاریخ علم‌اند. این کتاب ۳۶۰صفحه‌ای به بهـــای ۱۳۰هزار تومان منتشر شده است.

نقل قول خبر

فرهاد زیویار
استاندار لرستان
سرعت عمل برخی بانک‌ها در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ۱۵میلیون تومانی سفر ریاست جمهوری پایین است.
بعضی بانک‌ها عملکرد بالایی در پرداخت دارند و برخی از آنها نیز پس از هفته‌ها تلاش فقط ۱۳درصد پیشرفت داشته‌اند. متأسفانه فقط ۲بانک عملکردشان ۴۰درصد به بالاست.

احمد حمزه‌زاده
مدیرکل میراث‌فرهنگی آذربایجان شرقی
۳۸مورد از خوراکی‌های اصیل آذربایجان شرقی ثبت ملی شده است. یکی از اهداف مهم ثبت ملی آثار ناملموس ازجمله غذاها و شیرینی‌های سنتی حفظ اصالت و هویت واقعی و به ارث گذاشتن فرهنگ غذایی و سنت‌ها برای آیندگان است. همچنان در حال گردآوری مستندات برای پرونده‌های ثبتی دیگر هستیم.

سیدمسعود عظیمی
معاون استاندار یزد
راه‌اندازی مراکز نوآوری نساجی و ایجاد مراکز تخصصی عرضه مستقیم تولیدات محصولات نساجی، از اقدامات یزد نوین است. بیش از هزار پروژه نیمه‌تمام نساجی در استان یزد وجود دارد و بسیاری از این پروژه‌ها بدون بررسی صرفه اقتصادی شروع و باعث توقف یا کندی پروژه‌های دیگر می‌شود.

منوچهر غفاری
سرپرست شهرداری کرج
فاز سوم کنارگذر مهرشهر به طول تقریبی ۱۷۵۰ متر و صرف اعتباری بالغ بر ۹۰ میلیارد تومان طی روزهای آینده زیر بار ترافیک می‌رود. امیدواریم با تسریع صورت گرفته در آزادسازی املاک معارض پروژه، بتوانیم فاز نهایی طرح و اتصال آن به منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه پیام را عملیاتی کنیم.

میزبانی ۱۹استان از زائران اربعین

۱۹ استان آمار موکب‌های خود را برای برپایی در مرز خوزستان و ایلام، شهرهای نجف و کربلا و در مسیر پیاده‌روی زائران اربعین اعلام کرده‌اند

عکس: همشهری/ سجاد درویشی

گزارش

۲ماه تا فرارسیدن اربعین حسینی باقی مانده، اما فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌ها برای تردد راحت زائران کربلای معلی از چند ماه پیش آغاز شده است؛ اربعین امسال بعد از ۲سال شیوع کرونا و محدودیت تردد زائران، امسال شور و حال دیگری خواهد داشت و تا امروز پیش‌بینی شده که بیش از ۵میلیون نفر از مرزهای ایران برای زیارت عتبات‌عالیات خود را به عراق برسانند.
به گزارش همشهری، با توجه به همین پیش‌بینی‌ها در ستادهای عتبات‌عالیات استان‌های کشور شور و غوغایی برپا شده و همه عاشقان سید و سالار شهدا(ع) آستین همت بالا زدند تا موکبی شایسته و درخور زائران مهیا کنند. طبق اعلام محمد جلال‌مآب، رئیس ستاد توسعه و بازسازی عتبات‌عالیات ۳هزار موکب در کشور برای برگزاری مراسم اربعین حسینی ساماندهی شده‌اند که در مرزهای خوزستان و ایلام، نجف و کربلا، مرزهای شرقی ایران، شهرهای در طول مسیر پیاده‌روی زائران خارجی چون قم و کرمان و همچنین مسیرهای پیاده‌روی تا عتبات‌عالیات مستقر خواهند شد.

میزبانی ۱۹استان از زائران اربعین

تاکنون ۱۹استان آمار موکب‌های خود را برای پذیرایی زائران اربعین اعلام کرده‌اند. نگاهی به آمار موکب‌های ثبت‌شده در استان‌ها نشان می‌دهد آذربایجان‌شرقی ۲۸، گیلان ۲۷، اصفهان ۱۵۰، لرستان ۷۱، کرمانشاه ۲۸، زنجان ۲۸، کردستان ۵، تهران ۵۰۰، خراسان‌رضوی ۹۰، خراسان‌جنوبی ۵۲، فارس ۷۰، البرز ۷۲، یزد ۵۴، قزوین ۶۰، کرمان یک، چهارمحال‌وبختیاری ۲۸، خوزستان ۷۰۰، سمنان ۳۸ و قم هم یک موکب در میزبانی از زائران اربعین امسال دارد.
به این ترتیب خوزستان با بیشترین تعداد مواکب و قم و کرمان با داشتن یک موکب در بالا و پایین جدول قرار می‌گیرند. رتبه نخست استان‌ها در برپایی موکب تا به حال از آن استان خوزستان است و بعد از آن تهران. ۴۰۰موکب از میدان مقاومت تا نقطه صفر مرزی در شلمچه و ۳۰۰موکب در چذابه فعالیت خواهند کرد و سایر مواکب در مسیرهای ورودی به استان مستقر می‌شوند.
۶۰موکب هم از استان خوزستان برای خدمت‌رسانی در ایام اربعین به کشور عراق اعزام می‌شوند. استان اصفهان با برپایی ۱۵۰موکب رتبه سوم در برپایی موکب‌های اربعین را دارد و حدود ۴۰۰هزار نفر زائر از کل زائران ایرانی را خواهد داشت. لرستان نیز ۷۱موکب فعال دارد که ۳۶موکب آن در کربلا، نجف و سامراست و ۳۵موکب هم در شهرستان‌های استان از زائران حسینی پذیرایی می‌کنند.

برپایی بزرگ‌ترین موکب ایران در قم

گرچه همه استان‌ها در تکاپوی برپایی موکب هستند، اما نکته جالب در میان اخبار این میزبانی موکبی است که در جمکران برپا می‌شود. به‌گفته جانشین ستاد اربعین استان قم، خدمات‌رسانی به زوار اربعین حسینی(ع) در مسجد مقدس جمکران انجام می‌شود که با توجه به فضای وسیع‌تر مسجد نسبت به مصلای قدس می‌توان این موکب را بزرگ‌ترین موکب اربعین در ایران دانست.
ابوالقاسم مقیمی با اشاره به اسکان زائران ۱۷کشور به‌ویژه زائران کشورهای افغانستان و پاکستان در قم می‌گوید: در آخرین سال برگزاری مراسم اربعین در قم، آمار پذیرایی ۲۵۰هزار زائر بود که با تخمین‌های امسال باید ۳۰درصد افزایش در اربعین پیش‌رو درنظر گرفت.
گزارش امروز ایرانشهر درباره فعالیت استان‌ها در راهپیمایی زائران اربعین است؛ طبق اعلام استان‌ها تا امروز ۱۹ استان میزبانی خود را اعلام کرده‌اند که بعضی از این موکب‌ها در مرزهای ایلام و خوزستان، نجف و کربلا، برخی در مرزهای شرقی و ۲مورد مثل قم و کرمان هم در خود شهر در مسیر زائران خارجی وارد شده از مرزهای شرقی برپا می‌شوند. به‌طور کلی امسال ۳هزار موکب در ایام اربعین ساماندهی شده که آمارها نشان می‌دهد فعلا بیشترین تعداد را خوزستان دارد.

کرمان؛ میزبان زائران مرزهای شرقی

کرمان هم یکی از استان‌هایی است که مانند قم در طول مسیر زائران پاکستان، افغانستان و شبه‌قاره هند قرار دارد. با توجه به همین موضوع نیز، استاندار کرمان می‌گوید موکب اربعین در ماهان برای پذیرایی از زائران خارجی ایجاد خواهد شد.
محمدمهدی فداکار با اشاره به استقبال کرمانی‌ها از راهپیمایی اربعین توضیح می‌دهد: با توجه به قرار گرفتن مرقد سردار شهید سلیمانی در کرمان پیش‌بینی می‌شود در مسیر اربعین زائران به‌ویژه زائران کشورهای شرقی از گلزار شهدا بازدید کنند و به همین دلیل تمهیدات لازم در این زمینه نیز اندیشیده شده است. به‌گفته وی، قرارگاه لشکر ثارالله کرمان نیز در ابتدای جاده اهواز-خرمشهر و در نزدیکی مرز شلمچه احداث می‌شود.

■■■

در سایر استان‌ها هم جنب و جوش برای ثبت‌نام موکب‌ها آغاز شده است و آنطور که مسئولان ستاد توسعه و بازسازی عتبات‌عالیات خبر می‌دهند تا ۲سال آینده ۸۰درصد موکب‌های ایران با مردم عراق مشترک خواهد شد که این مهم نیازمند ابتکار عمل موکب‌داران ایرانی است.

مکث

میزبانی از زائران خارجی

برخی از موکب‌های ایجاد شده در استان‌ها در مسیر زائران خارجی است؛ برای مثال گیلان ۲۷موکب که شامل کربلا و نجف نیز می‌شود، دارد. به‌گفته مجید دوهندو، رئیس ستاد توسعه و بازسازی عتبات‌عالیات گیلان، شاهد ورود بیش از ۱۵هزار زائر خارجی حوزه قفقاز، جمهوری آذربایجان و روسیه از مرز آستارا خواهیم بود. موکب‌های پذیرایی و فرهنگی گیلان همچنین در مرز آستارا، حرم امامزادگان ابراهیم و قاسم(ع)، حرم امامزاده هاشم(ع) رشت و یک موکب هم در خروجی لوشان برپا می‌شود. حجت‌الاسلام علی‌اصغر علیپور، رئیس اداره تبلیغات اسلامی تایباد و باخرز در استان خراسان‌رضوی نیز از برپایی ۲موکب در مرز «دوغارون» برای استقبال از زائران افغانستانی برای زیارت عتبات‌عالیات در ایام اربعین خبر داده است. اغلب استان‌های مرزی و همچنین استان‌هایی که در مسیر تردد زائران خارجی هستند، موکب‌هایی برای پذیرایی از این گروه راه‌اندازی می‌کنند.

نقل قول خبر

رضا بیانی
مدیرکل منابع طبیعی تهران
سند تک‌برگی برای ۵۵۰۸هکتار از اراضی ملی در شهرستان‌های شمیرانات، ری، ملارد و دماوند صادر شد. با تعیین محدوده اراضی ملی در بانک کاداستر و صدور سند اسناد مالکیت کاداستری ملی، از هرگونه تعارض به این اراضی و زمین‌خواری، کوه‌خواری و جنگل‌خواری جلوگیری می‌شود.

سمیه رفیعی
رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس
ستاد احیای دریاچه ارومیه پس از ۷سال و صرف ۵/۷هزار میلیارد تومان وضعیت دریاچه ارومیه را به نقطه اول بازگرداند. برابر اعلام رئیس ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۸درصد علت خشک شدن تالاب، تغییر اقلیم و ۸۲درصد به‌دلیل مدیریت غلط منابع آبی حوضه آبریز بوده است.

بهزاد شریفی‌پور
مدیرکل منابع طبیعی کردستان
امسال ۷فقره آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی، مرتعی و جنگلی استان کردستان اتفاق افتاده که درپی آن ۹۷هکتار دچار آتش‌سوزی شده است. البته هیچ موردی از آتش‌سوزی را در جنگل‌های دست کاشت استان شاهد نبودیم. شروع روند آتش‌سوزی‌ها نیز از ۱۷خرداد امسال آغاز شده است.

علیرضا نصرآبادی
مدیرکل منابع طبیعی خراسان جنوبی
تاکنون ۹۵۸کیلومتر بادشکن زنده و غیرزنده برای کاهش فرسایش بادی خاک و بروزگردوغبار در خراسان جنوبی اجرا شده است.
باد از عوامل فرسایش در مناطق خشک و نیمه خشک به‌حساب می‌آید و ایجاد بادشکن‌های طبیعی نوعی مانع در مسیر جریان باد بوده که از خسارت به گیاهان زراعی و باغی خاک می‌کاهد.

زیست‌بوم

جنگل تخت‌جمشید زغال کباب شد

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید: گردشگران عامل آتش‌سوزی بودند و از ۸۰هکتار جنگل دست‌کاشت تخت‌جمشید ۲هزار مترمربع در آتش سوخت

زیست بوم

۲هزار مترمربع از جنگل دست‌کاشت تخت‌جمشید عصر روز سه‌شنبه در آتش سوخت. درست زمانی که نه خبری از تعطیلات طولانی و سفر انبوه به تخت‌جمشید بود و نه این مجموعه میراث جهانی کشور وسط هفته میزبان گردشگران انبوه بود.
با این حال حمید فدایی، رئیس پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید به همشهری گفته است که برخی گردشگران اقدام به روشن کردن آتش برای پخت غذا کردند که باد شدید آتش را به داخل پردیس تخت‌جمشید کشاند و درختان و علف‌های خشک سطح را شعله‌ور کرد.
پردیس تخت‌جمشید بخشی از منظر محوطه باستانی تخت‌جمشید و در حریم درجه محوطه باستانی و ثبت جهانی شده تخت‌جمشید قرار دارد. نقش و نشان این پهنه سبز در جوار شاهکار معماری هخامنشی در تصاویر یونسکو هم بازنشر شده است. بوستان پردیس تخت‌جمشید پیش از انقلاب ایجاد شد که بیش از ۸۰هکتار وسعت دارد.

حدود ۲هزار مترمربع از این جنگل‌ها دچار حریق شده است؛ البته قرار است که به‌زودی برآوردی از خسارت‌ها شود تا میزان خسارت این حادثه و تعداد درختانی که در آتش سوختند مشخص شود

دلیل آتش‌سوزی

حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید در گفت‌وگوی اختصاصی خود با روزنامه همشهری دلیل آتش‌سوزی پهنه سبز محوطه جهانی تخت‌جمشید را عدول گردشگران و بازدیدکنندگان از تذکرات و هشدارهای ایمنی مبنی‌بر روشن نکردن آتش در این جنگل وسیع اعلام کرد و گفت: آتش علاوه‌بر سوزاندن علف‌های خشک سطح جنگل دست کاشت تخت‌جمشید در نقاطی به درختان پهنه سبز تخت‌جمشید سرایت کرد و بخشی از محوطه سبز تخت‌جمشید را در وسعت ۲هزار مترمربع سوزاند.
به‌گفته حمید فدایی، آتش‌سوزی در ساعت ۸عصر روز سه‌شنبه گزارش شد و پس از آن نیز با حضور مردم و کارکنان محوطه میراث جهانی تخت‌جمشید و آتش‌نشانی پس از یک‌ساعت‌ونیم به‌طور کامل مهار شد اما نیروهای امداد و یگان حفاظت محوطه باستانی تخت‌جمشید تا نیمه‌شب برای حفاظت از این محوطه حضور داشتند و پس از آن نیز با اقدام به آبیاری در محوطه سوخته و بوستان پردیس تخت‌جمشید که تا صبح چهارشنبه ادامه یافت از مهار کامل آتش و نبود خطر اطمینان یافتیم.
طی ۲روز گذشته وزش باد شدید در محوطه باستانی تخت‌جمشید گزارش شد. دلیل آتش‌سوزی نیز انتقال گدازه‌های آتش ناشی از برپا کردن بساط کباب و قلیان گردشگران با وزش باد به محوطه جنگلی تخت‌جمشید بود.
مدیر پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید در گفت‌وگو با همشهری اعلام کرد: جنگل دست‌کاشت تخت‌جمشید درست در حریم درجه یک این اثر جهانی است و درختکاری آن نیز پیش از انقلاب انجام شد. اما خشکسالی در منطقه و وزش باد شدید و از همه مهم‌تر بی‌احتیاطی و بی‌توجهی گردشگران به هشدارهای مرتبط با روشن نکردن آتش در عرصه جنگلی تخت‌جمشید موجب وقوع آتش‌سوزی در حریم درجه یک تخت‌جمشید شد.
حمید فدایی اما می‌گوید: گردشگران همچنان به هشدارها بی‌توجه هستند و حتی گردشگرانی که وقوع آتش را از نزدیک مشاهده کردند و دلیل آن را نیز دانستند بلافاصله پس از مهار آتش‌سوزی اقدام به برپایی آتش برای تهیه زغال قلیان و پخت کباب کردند. توصیه ما به همه گردشگران آن است که در فصول خشک که احتمال آتش‌سوزی بیشتر می‌شود از روشن کردن آتش در عرصه جنگلی تخت‌جمشید و حریم درجه‌یک این اثر ثبت جهانی شده کشور خودداری کنند.

یاری سرمایه‌گذاران برای حفظ جنگل تخت‌جمشید

مدیر پایگاه میراث‌جهانی تخت‌جمشید با اعلام این موضوع که تخت‌جمشید و عرصه جنگلی آن متأسفانه خارج از محدوده شهرداری شهر مرودشت است، گفت: برای نگهداری بهتر پهنه سبز تخت‌جمشید خوب است دستگاه‌های دیگر نظیر شهرداری مرودشت نیز که حوزه فعالیتش به تخت‌جمشید ارتباط پیدا نمی‌کند در این محدوده امکانات بهتری فراهم کند.
حمید فدایی از آغاز فنس‌کشی در اطراف جنگل تخت‌جمشید به‌منظور حفاظت از عرصه طبیعی تخت‌جمشید در آینده نزدیک خبر داد و گفت: بخش عمده‌ای از اعتبار پایگاه تخت‌جمشید صرف پرداخت حقوق پرسنل می‌شود. در کنار این میراث بسیار بزرگ با حجم زیادی از مشکلات نیز مواجهیم که یکی از آنها موضوع آبیاری و حفظ و صیانت جنگل تخت‌جمشید است.
به‌گفته او، جنگل تخت‌جمشید حدود ۸۰هکتار وسعت دارد و چنین فضایی با چنین امکاناتی نیاز به ایجاد سازمان امور فضای سبز در تخت‌جمشید دارد.
او از طرح پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید برای متقاعد کردن سرمایه‌گذاران در بخش گردشگری تخت جمشید خبر داد و گفت: اساس این طرح آن است که سرمایه‌گذاران ترغیب و تشویق به حفظ پهنه سبز و جنگلی تخت‌جمشید باشند.
به‌گفته مدیر پایگاه میراث‌جهانی تخت‌جمشید، حریم یک، ۲ و ۳ تخت‌جمشید به مساحت هزاران هکتار نیاز به حفاظت و نگهداری دارد.
وی با بیان اینکه ۸۰هکتار جنگل در اطراف مجموعه جهانی تخت‌جمشید وجود دارد، گفت: حدود ۲هزار مترمربع از این جنگل‌دچار حریق شده است؛ البته قرار است که به‌زودی برآوردی از خسارت‌ها شود تا میزان خسارت این حادثه و تعداد درختانی که در آتش سوختند مشخص شود.

خبر کوتاه

توسعه راه‌آهن و بزرگراه بین بوشهر و فارس

پروژه‌های راه‌آهن و بزرگراه بین بوشهر و فارس با امضای تفاهمنامه بین استانداران سرعت بیشتری می‌گیرد. به گزارش همشهری، استاندار بوشهر گفت: با توجه به جایگاه منحصر به فرد استان‌های فارس و بوشهر در طرح توسعه کشور و قرارگیری در مسیر شبکه آزادراهی در کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و نقش گسترش زیرساخت‌های ارتباطی برای افزایش ترانزیت کالا و مسافر تفاهمنامه‌ای امضا شد. در نتیجه آن توسعه زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای میان این ۲استان تمام تلاش و همکاری خود را برای تکمیل پروژه بزرگراه شیراز - بوشهر در حد فاصل کمارج تا دالکی در طول چند ماه آینده به‌کار گیرند تا این قطعه به بهره‌برداری برسد. احمد محمدی‌زاده افزود: این قطعه شامل ۲بخش در حد فاصل کمارج تا کنارتخته در حوزه استحفاظی استان فارس به طول ۱۵کیلومتر و حد فاصل کیلومتر ۴ از کمارج تا کیلومتر ۱۸ به سمت دالکی در حوزه استحفاظی بوشهر است.

وصول عوارض آلایندگی در اصفهان

مدیرکل امور مالیاتی استان اصفهان گفت: رقم وصولی مالیات در استان اصفهان در سال ۱۴۰۰، ۲۰هزار و ۵۰میلیارد تومان بود که این میزان وصول مالیات ۱۰۴درصد مازاد بر پیش‌بینی استان بود.
به‌گزارش همشهری، عباس مزیکی با بیان اینکه عوارض ارزش افزوده مستقیم به‌حساب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری واریز می‌شود، افزود: در سال گذشته رقم عوارض ارزش افزوده‌ای که مردم استان پرداخت کردند، ۴۶۹۰میلیارد تومان بود.
مزیکی با بیان اینکه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۸۷۰میلیارد تومان عوارض آلایندگی از صنایع و واحدهای آلاینده استان اصفهان وصول شد، اظهار کرد: این رقم در ۳ماهه ابتدایی سال‌جاری ۵۰میلیارد تومان بوده است.
مدیرکل امور مالیاتی استان اصفهان با بیان اینکه مالیات حقوق عمومی است و مطالبه گر مالیات عموم مردم هستند، تصریح کرد: مالیات در بخش ارزش افزوده به‌طور مستقیم بر توسعه و عمران و آبادانی مؤثر است و بخشی از عوارض ارزش افزوده در حوزه سلامت هزینه می‌شود.

خبر روز

در دادگاه تصادف خبرنگاران محیط‌زیست چه گذشت؟

دومین جلسه دادگاه حادثه اتوبوس خبرنگاران محیط‌زیست برگزار شد و این‌بار اسنادی در اختیار دادگاه قرار گرفت که براساس آن، اتوبوس نباید در جاده فرعی درجه ۲ قرار می‌گرفت و راننده با اصرار مسئولان سازمان حفاظت محیط‌زیست و ستاد احیای دریاچه ارومیه در این جاده فرعی حضور یافته است. محمد داسمه، وکیل شاکیان حادثه اتوبوس خبرنگاران درباره دومین جلسه دادگاه به همشهری می‌گوید: جلسه دوم دادگاه پرونده اتوبوس خبرنگاران روز گذشته برگزار شد، در این جلسه هیأت کارشناسی، راننده اتوبوس به همراه وکیل، پدر مرحوم مهشاد کریمی(خبرنگار ایسنا) و تعدادی از خبرنگاران آسیب‌دیده از این حادثه حضور داشتند، در این جلسه از قصور مسئولان صحبت و به ۲سند مهم اشاره کردیم. یکی اینکه سازمان حمل‌ونقل جاده‌ای کشور در گزارش تحلیلی عمقی خود اشاره کرده بود که انتخاب اتوبوس برای جاده فرعی درجه ۲ روستایی نامناسب بوده و ابعاد هندسی جاده با وسیله نقلیه‌ای که خبرنگاران را جابه‌جا می‌کرد همخوانی ندارد که اینجا نیز قصور متوجه مسئولان است چون این جاده درجه ۲ فرعی روستایی بود و باید از خودروی سبک وزن استفاده می‌شد کما اینکه فرمانده سابق پلیس راهور استان آذربایجان غربی نیز به این موضوع به درستی اشاره کرده بود. موضوع دوم صورتجلسه‌ای بود که رئیس کمیسیون عمران مجلس از جلسه تخصصی کمیسیون عمران ارسال کرده بود که در آن مرجع قضایی، جانشین پلیس راهور، فرمانده پلیس راه کشور، بازرسی و حقوقی ناجا و مسئولان عالی رتبه حمل‌ونقل جاده‌ای حضور پیدا کرده بودند که صورتجلسه شده بود مبنی بر اینکه تقصیر را از جهات مختلف علاوه بر راننده متوجه مسئولان سفر کرده بود، ما نقض قرار منع تعقیب را تقاضا کردیم که پرونده جهت تعقیب کیفری مسئولان سفر به دادسرا اعاده شود. وکیل شاکیان اتوبوس خبرنگاران گفت: در ابتدا و پیش از شروع جلسه دادگاه زمانی که پشت در اتاق قاضی بودیم یکی از کارشناسان که مرا نمی‌شناخت گفت حالا فقط یک دیه است آن‌را راننده بدهد دیگر، این موضوع را در جلسه عنوان کردیم و تا حدودی جو متشنج شد. در روند دادگاه از راننده(شیری) ۲سؤال پرسیدم اول اینکه چه کسانی به شما گفتند که از جاده فرعی بروید؟ یعنی رفت را از جاده مواصلاتی و برگشت را از جاده فرعی تردد کنید؟ او جواب داد که «مسئولان سفر گفتند». سؤال دوم این بود که شما به‌عنوان راننده‌ای با ۲۵سال سابقه اعلام کنید این جاده متناسب برای ون است یا اتوبوس؟ که گفت «متناسب برای ون است، مرا فریب دادند، قرار بود برویم مهاباد بعد پیرانشهر اما مرا از یک جاده خاکی فرعی بردند.» در این زمان قاضی نوشت که در این‌باره از سازمان راهداری استعلام می‌کنم، بعد از آن از رئیس پلیس وقت خواستم که قیام کند و پرسیدم که آیا اتوبوس در جاده درجه ۲ می‌تواند تردد کند که جواب داد خیر نمی‌تواند، در اینجا اعلام کردم که نیازی به استعلام نیست، در صفحه ۴ گزارش سازمان جاده‌ای کشور به صراحت آمده است که انتخاب اتوبوس برای این جاده با شکل هندسی جاده همخوانی ندارد و از عوامل اصلی ایجاد تصادف است. حالا باید منتظر تصمیم دادگاه بمانیم و احتمال دارد در روزهای آینده نزدیک شاهد صدور حکم باشیم.